

یکشنبه ۱ فروردین ۱۳۶۱ ۲۵ جمادی الاول ۱۴۰۲ Mar. 21, 1982

ساعت دو بامداد برای دیدن مراسم تحویل سال از تلویزیون، به اتاق پایین آمدم. بچه‌ها را هم که پای تلویزیون به خواب رفته بودند، بیدار کردم. قبل از تحویل سال، سخنان آیت‌الله منتظری پخش شد. سپس پیام امام، رئیس‌جمهور، رئیس دیوان عالی کشور، رئیس مجلس^۱ و نخست‌وزیر و سرودی.

صبح پس از نماز و صبحانه، عفت و فاطمی و مهدی و یاسر^۲ برای رفتن به لیبی به فرودگاه رفتند؛ با جمعی از دوستان برای سالگرد انقلاب لیبی دعوت شده‌اند^۳ مشغول مطالعه شدم؛ گزارشی برگزار می‌میرد مراسم بزرگداشت سالگرد انقلاب در پاریس و چند شهر دیگر فرانسه و برخورد با ضدانقلاب را می‌خواندم. اخوی محمد آمد و از اوضاع صداوسیما گفت^۴.

برای زیارت امام به بیت ایشان رفتم. [اعضای] دولت، شورای نگهبان، شورای [عالی] قضایی و نمایندگان مجلس و... هم بودند. حسینیه پر از جمعیت بود. اول رئیس‌جمهور عید را به امام تبریک گفتند. سپس امام صحبت کردند و در اظهاراتشان تذکره به آیت‌الله گلپایگانی و سایر کسانی بود که انتظارات غیر عملی از جمهوری اسلامی دارند^۵. تا ظهر در دفتر امام نشستیم. ظهر به خانه

۱- در این پیام دستاوردهای انقلاب اسلامی و شکست توطئه‌های ضدانقلاب مورد تحلیل قرار گرفته و از مخالفین انقلاب اسلامی درخواست شده است که به آغوش ملت بازگردند. در این پیام سال ۶۱ سال برنامه‌ریزی، سازندگی و سال برداشتن گامهای بلند به سوی عظمت، رفاه و تثبیت بیشتر انقلاب اسلامی نامیده شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" زیر نظر مهندس محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- بانو عفت مرعشی همسر آقای هاشمی و فاطمه، محسن، فائزه، مهدی و یاسر فرزندان ایشان هستند.

۳- در این سفر دکتر حسن روحانی، همسر شهید استاد مطهری، همسر شهید فیاض بخش و همچنین خانواده شهید باهنر نیز حضور داشتند.

۴- آقای محمد هاشمی در آن هنگام ریاست سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی را عهده‌دار بود.

۵- اواخر سال ۱۳۶۰ از سوی برخی علمای حوزه علمیه قم انتقاداتی نسبت به جمهوری اسلامی مطرح شده بود که حضرت امام (ره) در این سخنرانی به صورت صریح و روشن به ادعاهای این افراد پاسخ دادند. رجوع کنید ← صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی. جلد نهم، صفحه ۳۱ انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

آمد. همشیره زاده نصرت و بچه‌هایش آمده بودند. ناهار نداشتیم، از بیرون تهیه کردیم. عصر با رئیس جمهوری تلفنی صحبت کردم و درباره مسائل مهمی که داریم - از جمله نماز جمعه - مذاکره کردیم.

دوشنبه ۲ فروردین

صبح زود، حاج محسن رفیق دوست^۱ اطلاع داد که ساعت دوازده دیشب نیروهای ما در جبهه‌های دزفول به عراقی‌ها حمله کرده‌اند^۲ و تاکنون دو هدف از چهار هدف را تسخیر کرده‌اند و حدود هزار و سیصد اسیر گرفته‌اند و در سایت و رقابته درگیری شده است. با اتاق فرماندهی در جبهه تماس گرفتم و با آقایان [علی] صیاد شیرازی، [علی] شمخانی و [شیخ فضل‌الله] محلاتی صحبت کردم. اخبار رسیده تأیید شد. اسرا را تاکنون دو هزار نفر اعلام می‌کنند. از ساعت نه صبح، خبر رسماً اعلام شده و رادیو مشغول اجرای برنامه ویژه جنگ است. فائزه امروز صبح با هواپیما به کرمان رفت و من تنها شده‌ام. مشغول مطالعه و استراحت بودم. به لطف خدا وضع آرام و خوبی است. تا عصر و آخر شب با جبهه و چادر فرماندهی در تماس بودم. می‌گویند، حدود ده هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و مجروح شده‌اند. نزدیک سه هزار نفر اسیر گرفته‌اند. در عین خوش دشمن پاتک کرده و ضربه‌ای کوچک زده است. تلفات ما خیلی کم است.^۳

۱- آقای محسن رفیق دوست در آن سالها وظیفه تأمین ملزومات و تدارکات جنگ را عهده‌دار بود.

۲- عملیات فتح‌المبین باهدف تصرف ارتفاعات منطقه به منظور آزادی بخش وسیعی از جنوب غربی کشور در غرب دزفول و شوش و منطقه غربی رودخانه کرخه در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد اول فروردین ۱۳۶۱ به مدت ۱۰ روز و طی سه مرحله انجام شد. وسعت منطقه عملیاتی فتح‌المبین ۲۵۰۰ کیلومتر مربع بود. در این عملیات جاده دهلران، دشت عباس، عین‌خوش و مناطق دشت چنانه و زمینهای سرخه از دست دشمن آزاد شد. همچنین دزفول، اندیمشک، شوش، پایگاه چهارم هوایی، جاده سراسری اندیمشک - اهواز و صدها روستا از زیر آتش دشمن خارج گردید. دستیابی به چاههای نفت ابوغریب در ارتفاعات تینه و تصرف و تأمین پنج پاسگاه مرزی از دیگر دستاوردهای عملیات فتح‌المبین بود.

۳- به نوشته کتاب "کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس" در عملیات فتح‌المبین تعداد اسراء پانزده هزار نفر

احمد آقا هم دوسه بار آمد، کمی نگران ولی خوشحال است. آقای خامنه‌ای نامه‌ای را فرستادند که کسی به نام مسعود کشمیری^۱ نوشته است. جوان است و ادعای مصلح کل بودن در آن به چشم می‌خورد. بنا شد که تحقیق کنیم. اخبار و برنامه‌های صدا و سیما هم خوب است. نسبتاً از پیروزی خوب بهره‌برداری می‌نماید.

سه شنبه ۳ فروردین

صبح زود پیامی برای رزمندگان نوشتیم*. با آقایان محسن رضائی و سرهنگ صیاد شیرازی تلفنی صحبت کردم. جنگ همچنان ادامه دارد. از وضع عین خوش کمی نگرانند ولی به پیروزی کامل امیدوار. گفتند، تعداد اسرا از مرز سه هزار و پانصد تن گذشته است و کم‌کم صحبت از چهار هزار و هفتصد نفر می‌شود. ما بیش از دو هزار مجروح و نزدیک به چهار صد شهید داشته‌ایم. آقای [محسن] رفیق دوست و سفیر لیبی و دو تن از شخصیت‌های لیبی آمدند و راجع به طرحی که لیبی برای قیمت نفت و قانع کردن عربستان دارد، صحبت کردند. گفتیم اول باید آن طرح را ببینیم و سپس نظر بدهیم.

احمد آقا هم آمد و از لزوم جذب چند روحانی متشخص در حزب جمهوری اسلامی گفت. خبر رسید که صدام می‌خواهد حدود صد اسیری را که اخیراً گرفته‌اند، به انضمام اسرای قدیم در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

و تعداد کشته و زخمی‌های دشمن بیش از بیست و پنج هزار نفر بوده است. همچنین در این عملیات ۱۸ فروند هواپیما، ۳ فروند هلیکوپتر، ۳۶۱ دستگاه انواع تانک و نفربر زرهی، صدها دستگاه خودروی نظامی دشمن منهدم شده و ۱۵۰ دستگاه تانک، ۱۷۰ دستگاه نفربر، ۵۰۰ دستگاه خودرو، ۱۶۵ قبضه توپ، مقدار زیادی سلاح سبک و نیمه سنگین و یک رسد کامل موشک سام ۶ به همراه ۳ فروند موشک به غنیمت گرفته شده است.

۱- این شخص غیر از مسعود کشمیری است که مشخص گردید عامل اصلی بمب‌گذاری در دفتر نخست وزیری و شهادت رجائی و باهنر بوده است.

*- متن پیام، سخنرانی و یا مصاحبه‌ای که با علامت * مشخص شده است، در دسترس نمی‌باشد. از افرادی که متن آن را در اختیار دارند در خواست می‌شود، با دفتر نشر معارف انقلاب صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ مکاتبه نمایند.

عكس نقشه عملیات فتح المبین

عکس افراد جبهه

خیابان‌های بغداد به نمایش بگذارد؛ برای کم اثر کردن ضربه مهمتی که خورده است. آقای [میرحسین] موسوی نخست وزیر در مصاحبه‌ای این توطئه را فاش کرد. آقای رئیس جمهور برای زیارت و ایراد سخنرانی در جوار حرم امام رضا علیه السلام امروز به مشهد رفتند. عصر احمد آقا آمد و گفت امام از زیاد شدن مالیات در بودجه ناراضیند. آقای [حسین] نمازی [وزیر امور اقتصادی و دارائی] آن را به گردن کمیسیون [برنامه و بودجه] مجلس انداخته است. توضیح دادم که کمیسیون برنامه و بودجه خیلی افراط کرده بود ولی مجلس قسمت عمده آن را حذف و تعدیل کرد. از جبهه‌ها خبر دادند که امشب عملیات خواهیم داشت.

چهارشنبه ۴ فروردین

بعد از نماز و ورزش مشغول مطالعه شدم. منابع فقهی را برای بحث اقتصادی که در نماز جمعه و کلاس [درس مواضع] حزب [جمهوری اسلامی] لازم دارم مطالعه می‌کنم. با اتاق فرماندهی جنگ در دزفول تماس مکرر گرفتیم. رمز خوب و مطمئنی در این ارتباط داریم. عملیات دیشب و امروز خیلی موفق بوده؛ تنگه رقابته و غنایم زیادی را از دشمن گرفته‌اند و می‌گویند بیش از سه هزار اسیر دیگر را. اگر خبر درست باشد، اسرای این عملیات به ده هزار نفر می‌رسد. آقای [محمد] غرضی وزیر نفت هم گزارش کنفرانس اخیر او یک را داد که نسبتاً موفق بوده‌اند، کمی سطح تولید را پایین آورده‌اند؛ هیجده میلیون بشکه در روز. این هم موفقیتی است. قرار شده است عربستان سعودی هفت میلیون بشکه تولید کند. از این که راجع به قیمت بحث شده، راضی بود و می‌گفت خوب است با عربستان به نحوی وارد مذاکره شویم و آن را از همراهی با آمریکا باز داریم و در خدمت جبهه ضد اسرائیل قرار دهیم.

عصر، برای مجله پاسدار اسلام با آقای رحیمیان مصاحبه‌ای انجام دادم^۱. شب، چند بار با جبهه

۱- در این مصاحبه مفصل که در سه بخش و در سه شماره به چاپ رسید، پیرامون تدارکات پشت جبهه، ابزار جنگ، بودجه دفاعی، وضع سیاسی و تبلیغاتی دشمن، آوارگان و اردوگاهها، آینده جنگ و ره آوردهای جنگ به تفصیل صحبت شده است. آیت الله هاشمی رفسنجانی در این مصاحبه در تحلیل جوانب گوناگون جنگ گفتند: به نظر می‌رسد که وضع کنونی جنگ و (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تماس گرفتیم. هنوز در عین خوش و رادار و دوسلک نیروهای عراق مقاومت می‌کنند. امشب هم قرار است عملیات داشته باشیم.

آخر شب، آقای [علی] شمخانی آمار تلفات نیروهای خودمان را تلفنی اطلاع داد. در این سه روز حدود هفتصد پاسدار و بسیجی و دو یست ارتشی شهید و نزدیک چهار هزار و پانصد نفر مجروح داشته‌ایم. عراق هشت هزار اسیر و نزدیک بیست هزار کشته و مجروح دارد و هشت فروند هواپیمای دشمن ساقط شده. تا آخر شب به صدا و سیما گوش دادم. امروز باران بسیار خوبی بارید.

پنجشنبه ۵ فروردین

در تماس با اتاق فرماندهی جنگ، از جبهه‌ها سراغ گرفتیم. گفتند، عملیاتی که قرار بود دیشب برای گرفتن سایت‌ها بشود، به علتی انجام نشد. خطبه عربی را نوشتم و برای ترجمه فرستادم. محسن رضائی خبر داد که چهار صد و پنجاه عراقی داوطلبانه تسلیم شده‌اند. به نظری، بوی کودتای نظامی در عراق می‌آید و ما باید خودمان را آماده مسائل بعد کنیم. شب با آقایان خامنه‌ای، [میرحسین] موسوی نخست وزیر و احمد آقا در منزلان جلسه داشتیم و درباره اوضاع بعد از جنگ بحث کردیم و تصمیم گرفتیم. شام را از منزل احمد آقا آوردند. عده‌ای از بستگان هم اوایل شب به دیدنم آمدند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

چشم‌انداز آن به نقطه مطلوبی رسیده است و در وضعیتی قرار دارد که نیروهای ما بر جبهه‌ها مسلط هستند، صدام در این جنگ به بن‌بست رسیده است، با وجود بر خورداری از ابزار جنگی مجهز، نیروهایش روحیه جنگیدن ندارند. آنها بیشتر به ابزار متکی هستند ولی ابزار تنها کافی نیست، و بدون ایمان، از ابزار کاری ساخته نیست. در حالی که خوشبختانه نیروهای ما، هم ابزار دارند و هم انگیزه که از ابزار مهمتر است. رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" زیر نظر مهندس

محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

جمعه ۶ فروردین

اول صبح از جبهه‌ها خبر گرفتیم. عملیاتی که قرار بود دیشب انجام شود، انجام نشده است. تا ظهر مطالعه و ورزش و راهپیمایی کردم و نزدیک ظهر به نماز جمعه رفتم^۱. احمد آقا آمد و گفت، امام با ورود ما به خاک عراق موافق نیستند و تشکیل شورای انقلاب عراق در ایران را هم صلاح نمی‌دانند. در جماران برف و باران می‌آید و در شهر خبری نیست. عصر، فیلمی را که از رفتار عراقی‌ها در سوسنگرد تهیه شده بود، دیدم. شب برف سنگینی بارید؛ در جماران ارتفاع برف به ۱۵ سانت رسیده است. خداکند سر درختی‌ها را سرما نزند. اطلاع دادند که امشب مرحله سوم طرح فتح در سایت‌ها و... اجرا می‌شود.

شنبه ۷ فروردین

بعد از نماز و ورزش، مشغول مطالعه شدم. آقای فریدنیا اطلاع داد که شب گذشته، دشمن در محل سایت پنج دزفول شکست خورده و سایت تصرف شده است. سپس آقای [شیخ فضل‌الله] محلاتی از دزفول تلفن کرد و خبر پس گرفتن سایت چهارم را هم اضافه کرد و این که در رقایبه تعدادی شهید داده‌ایم ولی وضع تثبیت شده است. خبر رسید که گروهی ضدانقلاب به ستاد مرکزی نیروی زمینی حمله کرده‌اند و سرهنگ خرسندی معاون فرمانده نیروی زمینی را با چند نفر دیگر مجروح و حدود شش نفر را شهید کرده‌اند. گویا سربازی که عامل نفوذی و راننده یکی از افسران سطح بالا بوده، توانسته آنها را به

۱- در این خطبه‌ها، ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (تعریف مالکیت، انواع مالکیت در اسلام) و تحلیل پیروزیهای رزمندگان اسلام در عملیات فتح‌المبین، سوء مدیریت ابوالحسن بنی‌صدر در جنگ، اشاره‌ای به حرکت اخیر انقلابی در فلسطین بر محور شعارهای اسلامی مورد بحث واقع شد.

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۱، جلد دوم" زیر نظر مهندس محسن هاشمی،

ستاد ببرد. اخبار بعدی می‌گوید که یک نفر دستگیر و دو نفرشان کشته شده‌اند. معمولاً پس از پیروزی‌های ما در جبهه، منافقان - که به صورت ستون پنجم دشمن عمل می‌کنند - با این گونه اقدامات تلاش می‌کنند، پیروزی‌ها را در ذائقه مردم تلخ کنند و تحت الشعاع قرار دهند. از جبهه خبر می‌رسد که امروز هزاران عراقی اسیر شده‌اند که بسیاری از آنها خود را تسلیم کرده‌اند و غنایم فراوانی گرفته شده است. پنجاه نفر خود را تسلیم کرده‌اند. آن قدر عراقی‌ها به سرعت منهدم می‌شوند که مسئولان نظامی جبهه به تردید افتاده‌اند که مبادا آمریکا دارد نقشه‌ای اجرا می‌کند. آقای [محمدعلی] نظران می‌گوید که یک لشکر در چنانه خود را تسلیم کرده است.^۱ آقای [محمدحسن] زورق [معاون سیاسی صداوسیما] می‌گفت: جیش‌الشعبی^۲ عراق که خوب می‌جنگیده اخیراً زود تسلیم می‌شود و خوب است تشویق شود.

عصر بچه‌ها از لیبی تلفنی صحبت کردند و از سفرشان راضی بودند. چند روزی در سوریه مانده‌اند و روز جمعه وارد لیبی شده‌اند. ارتباط خانوادگی با سران کشورهای دوست، باعث رفع بعضی مشکلات می‌شود که با ارتباط دیپلماتیک قابل حل نیست. این روش در روابط بین‌الملل مرسوم است. شب احمدآقا آمد و درباره آینده عراق بحث کردیم. با جبهه تماس گرفتیم. فرماندهان راضی بودند.

یکشنبه ۸ فروردین

به مطالعه گزارشها پرداختم. متأسفانه رسانه‌های جهانی، پیروزی ایران را منعکس نمی‌کنند و عراق با پروژی مدعی پیروزی است.

آقای محسن رضائی از جبهه تلفن کرد و گفت، در دوروز آینده کار در این جبهه تمام می‌شود و

۱- طبق اعلام رسمی در عملیات فتح‌المبین لشکر ۱۰ زرهی متشکل از تیپ ۴۲ زرهی، تیپ ۲۴ مکانیزه، تیپ ۱۷ زرهی، گردان ۶ از تیپ ۵ و همچنین لشکر ۱ مکانیزه شامل تیپ ۱ مکانیزه، تیپ ۲۷ مکانیزه، گردانهای تانک آندلس، قرطبه، اشبیله و گردان ۸ مکانیزه، تیپ ۳۴ زرهی و تیپ ۵۱ زرهی، تیپ ۴۲ پیاده، تیپ ۹۶ پیاده، تیپ ۹۳ پیاده، تیپ ۱ نیروهای ویژه و تیپ ۴۲۱ پیاده منهدم شدند.

۲- حبیش‌الشعبی نیروهای مردمی عراق بودند که در جنگ علیه ایران به صورت نیرویی مستقل از ارتش شرکت می‌جستند.

عكس تىپ ۳ پياده
رزمندگان و عمليات و جبهه

برای برنامه‌های آینده به تهران می‌آیند. ساعت ده صبح به مجلس رفتیم. کارکنان مجلس به مناسبت عید و تبریک پیروزی جمع شدند و در محل کتابخانه با من ملاقات کردند. مقداری برای آنها صحبت کردم.

آقایان [محمد علی] هادی، [صبح] زنگنه و [سید محمد] خاتمی^۱ آمدند و راجع به ادامه جنگ، آینده عراق و موضوع ورود نیروهای ما به خاک عراق و کیفیت همکاری نیروهای اسلامی عراق مطالبی به شور گذاشتیم. نماز ظهر و عصر را با پاسداران مجلس خواندم و برای آنها سخنرانی کردم*.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. موضوع مورد بحث، بیشتر درباره آینده عراق و گرفتن خسارت و... بود که بیشتر نظر بر این بود که باید فشار بیاوریم تا کار یکسره شود.

سپس جلسه خصوصی با نخست وزیر و وزیر خارجه داشتم که راجع به مسافرت وزیر خارجه به پاکستان و برنامه‌های او بحث کردیم و تصمیم گرفتیم که اجازه مسافرت اتباع پاکستان و هند را به ایران بدهیم و روابطمان را با پاکستان توسعه دهیم. شام را مهمان رئیس جمهوری بودم. ساعت دوازده شب به مجلس رفتیم. در اخبار ساعت دوازده اعلام شد که عراقی‌ها از تمام منطقه غرب دزفول پاکسازی شده و به مرز عقب نشسته‌اند و حدود هیجده هزار اسیر و بیش از این کشته داده‌اند.

دوشنبه ۹ فروردین

کار روزانه را با مطالعه آغاز کردم. سپس آقای [عبدالرحیم] گواهی سفیر جدید ایران در ژاپن، [اصغر] نهاوندیان و فخر روحانی سفیران ایران در کره شمالی و لهستان برای ملاقات و خداحافظی آمدند. آقای [سید محمد] غرضی [وزیر نفت] و جمعی از معاونان آمدند و گزارشی از تسلط مردم مجاهد افغانستان بر اکثریت خاک آن کشور و انزوای نیروهای دولتی و ارتش شوروی دادند.

۱- در آن هنگام آقای محمد علی هادی نجف آبادی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی (مدیریت رادیو و عضو شورای سرپرستی صداوسیما)، آقای صباح زنگنه نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی و آقای محمد خاتمی نماینده مردم اردکان در مجلس شورای اسلامی بودند.

بعد از ظهر، گروهی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آمدند و درباره انشعاب در سازمان به دلیل اختلاف در موضوع حضور نماینده ولی فقیه و نیز کناره گیری گروهی از اعضا، پس از صدور فرمان امام مبنی بر عدم جواز عضویت حزبی‌ها در ارتش و سپاه مطالبی گفتند. این گروه معتقدند که متعهد و در خط امامند. سفیر پاکستان به ملاقات آمد. خواهان توسعه روابط دو کشور بود. گروهی از رایزن‌های فرهنگی که اخیراً از طرف وزارت ارشاد [اسلامی] برای چند کشور مأموریت یافته‌اند و عازم سفر بودند، آمدند. گروهی از تجار نیز که خواهان روابط تجاری و سیعی با شیخ نشین‌های خلیج فارس هستند، آمدند.

پس از نماز مغرب و عشا، در جلسه اعضای شورای عالی تبلیغات که در دفتر رئیس جمهور تشکیل شد، شرکت کردم و درباره تمرکز تبلیغات بحث کردیم. آنها اصرار دارند که همچنان غیر دولتی بمانند. آخر شب به خانه آمدم.

اعلامیه‌ای از طرف ارتش و سپاه برای آماده باش نیروها برای حملات بعدی که از نیمه شب شروع می‌شود، آمده بود که با نظر ما اصلاح شد. امروز جمعی از خبرنگاران خارجی، به دعوت ما، برای دیدن فتوحات جدید به ایران آمدند^۱. خاطرات عقب مانده دو روز را نوشتم.

سه شنبه ۱۰ فروردین

امروز تمام وقت در منزل بودم و فرصت خوبی برای مطالعه بود. آقای محمدی ری شهری و احمد آقا آمدند. آقای ری شهری خبر کشف توطئه‌ای از طرف یکی از چهره‌های مطرود را با حمایت آمریکا، علیه انقلاب و سوء قصد به جان امام و سران کشور داد که قرار است با توقیف عوامل آن سرکوب شود^۲. همچنین گزارشی از بازداشت گروهی سلطنت طلب را داد (کودتایی دیگر) که اخیراً بازداشت شده‌اند. گفت: رئیس بخش نظامی، سرهنگ پورموسی است و از نزدیکان بنی صدر هم در میان آنان هستند.

۱- نمایندگان خبرگزاری‌های جهان از جمله خبرگزاری فرانسه، آسوشیتد پرس، یونایتد پرس و خبرنگاران نشریاتی چون تایم، لوموند، نیوزویک ضمن دیدار از مناطق آزاد شده، هزاران جسد نیروهای عراقی را که در سطح منطقه پراکنده بود، مشاهده کردند.

۲- اشاره به توطئه براندازی توسط صادق قطب‌زاده با حمایت مالی آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری.

بعد از ظهر خبر رسید که صدام دستور عقب‌نشینی بعضی از نیروهایش را داده است. شاید می‌خواهد همین شکست دزفول را به عنوان عقب‌نشینی معرفی کند. خبر رسید که شاه اردن و رئیس ستاد ارتش آن کشور به عراق رفته‌اند. عصر آقای طهماسبی اصفهانی آمد. طلبه باذوقی است و مدعی است، سلاحی اختراع کرده است. برای ساختن آن کمک می‌خواست؛ او را به رئیس بنیاد مستضعفان معرفی کردم تا کارگاهی را در اختیارش بگذارد.

قرار بود در جلسه شورای اقتصاد شرکت کنم که نکردم. امروز رقم غنائیم فتح اخیر اعلام شد، خیلی زیاد است. امام پیامی برای رزمندگان فرستاده‌اند و از مجاهدت‌های آنان قدردانی کرده‌اند.^۱

چهارشنبه ۱۱ فروردین

تا ساعت سه در منزل ماندم. تا ساعت ده صبح کتاب "اقتصادنا" را مطالعه کردم^۲. ساعت ده به زیارت امام رفتم.

۱- رجوع کنید ← صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی، انتشارات سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، جلد نهم، صفحه ۳۱۹.

در این پیام که به عنوان "تیمسار ظهیر نژاد رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی، سرکار سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، جناب آقای محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، سرکار سرهنگ معین پور فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی" صادر شده، آمده است: جوانان عزیزم و فرماندهان محترم! شما توقع نداشته باشید که من بتوانم از عهده ثنای شما و شکر عمل برآیم. شما را همان بس که محبوب خدای تعالی هستید و خدای شما فرموده که شما را چون سدی محکم و بنیانی مرصوص در مقابل دشمنان خدا و برای رضای او ایستاده‌اید، دوست می‌دارد و این است جزای شما و این است عاقبت عمل شما.

۲- کتاب "اقتصادنا" تألیف مجاهد شهید سید محمد باقر صدر از علمای شیعه عراق از نخستین کتابهایی است که در نقد اقتصاد سیاسی "کارل مارکس" و سوسیالیسم و تبیین اقتصاد اسلامی تألیف شده و از اهمیت بسزایی در کشورهای اسلامی برخوردار است.

عکس ری شهری

جزوه "ارشاد الجاهل" از مرحوم شیخ فضل الله نوری^۱ را که در آن اوضاع، مشروطه را محکوم کرده به امام دادم. درباره آینده جنگ با ایشان مشورت کردم. امام با ورود ما به خاک عراق مخالفند. قرار شد، کمکی مالی به شورای [عالی] تبلیغات [اسلامی] کنند. شورا بیست میلیون تومان مقروض است.

صبح عفت و بچه‌ها از سفر لیبی و سوریه به ایران برگشتند. آقا جلال آنها را از فرودگاه به خانه آورد. از سفرشان و مخصوصاً از مهمان نوازی سوری‌ها و لیبیایی‌ها راضی بودند. ساعت سه به مجلس رفتیم. [سرهنگ سلیمی] وزیر دفاع به ملاقات آمد و مطالبی درباره دفتر مشاورت و نیروی هوایی ابراز داشت. ساعت چهار، دوپست و پنجاه نفر از اعضای اردوی شاخه دانش آموزان حزب جمهوری اسلامی آمدند و برای آنها صحبت کردم.* ساعت پنج جلسه‌ای با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و با حضور رئیس جمهور و نخست وزیر داشتیم. بحث جلسه درباره حدود و معیارهای پذیرش دانشجو و استاد بود که قرار شد در حدود لایحه بازسازی باشد و جلوی افراط‌کاری‌ها را بگیریم^۲.

پس از نماز مغرب و عشا، جلسه‌ای با حضور بیست نفر از جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم در دفتر آقای خامنه‌ای داشتیم. آنها راجع به نگرانی‌شان از این که در زمینه‌های اقتصادی تصمیمات غیر اسلامی چپ‌گرا اتخاذ شود، صحبت کردند و ما گفتیم، با آن مجلس و آن شورای نگهبان و این امام باید مطمئن بود، ولی توقع نداشته باشید که سلیقه‌های شخصی همه شماها مراعات شود. شام

۱- شیخ فضل الله نوری از روحانیون بنام دوران مشروطه است که ابتدا از آن حمایت کرد و پس از آن با مشاهده خطرات موجود برای اسلام و روحانیت به مخالفت با مشروطه و حمایت از سلطنت محمدعلی شاه پرداخت. وی در کتابهای خود از جمله "لوايح" و "ارشاد الجاهل" به نقد مشروطه و لزوم مشروطه مشروعه پرداخته است. شیخ فضل الله نوری پس از فتح تهران توسط آزادپخواهان به حکم یک روحانی در میدان توپخانه به دار آویخته شد.

* - خوانندگان محترم که متن این سخنرانی یا نوار آن را در اختیار دارند با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.

۲- گروهی معتقد بودند که نباید اجازه داد هر کس بتواند به دانشگاه وارد شود و جذب دانشجو از طریق فیلترهای مطمئن مختص به دانش آموزان معتقد و ملتزم به نظام جمهوری اسلامی باشند. شیوه‌های پیشنهادی این افراد که در آن موقع عموماً در طیف چپ جناحهای سیاسی کشور قرار داشتند، سختگیرانه و افراطی بود.

را همان جا خوردیم. راجع به مجلس خبرگان و اجرای نظرات بازرسی کل کشور هم بحث شد. ساعت یازده و نیم به خانه آمدم.

پنجشنبه ۱۲ فروردین

مقداری مطالعه و مذاکره با بچه‌ها و کمی راهپیمایی در حیاط منزل داشتم. بعد از ظهر جلسه شورای عالی دفاع در دفتر امام تشکیل شد. آقایان [علی] صیاد شیرازی و محسن رضائی گزارش جبهه‌ها و پیروزی طرح فتح‌المبین را دادند و خیلی از امدادهای غیبی و الطاف الهی گفتند. با امام ملاقات کردیم و برای طرح عملیات و ورود به خاک عراق، قرار شد که تا فردا موضوع را بررسی کنند و نظرشان را بگویند. ساعت نه و نیم جلسه ختم شد و به عنوان سخنگوی شورای عالی دفاع، مصاحبه‌ای با تلویزیون انجام دادم*؛ ساعت ده شب به خانه آمدم.

جمعه ۱۳ فروردین

پیش از ظهر در خانه مطالعه کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه‌ای در اقتصاد اسلامی و خطبه‌ای درباره مسائل روز ایراد کردم^۱. بعد از ظهر، در دفتر شورای عالی دفاع، جلسه شورا تشکیل شد. نیروی زمینی و سپاه نظرشان را درباره عملیات آینده و حدود پیشروی نیروهای ماگفتند و مورد تصویب شورا قرار گرفت. بعداً خدمت امام رسیدیم و ایشان هم تأیید کردند و تصمیمات دیگری نیز راجع به اسرا گرفتیم. سپس جلسه خصوصی با رئیس جمهور، نخست وزیر و احمد آقا داشتیم و درباره مسایل کشوری و لشکری بحث‌هایی شد و تصمیماتی اتخاذ گردید. ساعت نه شب به خانه آمدم.

۱- در این خطبه‌ها ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (تعریف استثمار در مکاتب مارکسیسم و سرمایه‌داری - استثمار از دید اسلام - موازین حقوق کار در اسلام) مطرح شد و در خطبه دوم درباره اهمیت روز ۱۲ فروردین، تحلیل اصرار امام به "جمهوری اسلامی" نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، رسوایی سوسیالیسم فرانسه و حرکات اسلامی در فلسطین بحث شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

عکس نماز جمعه

شنبه ۱۴ فروردین

اعضای دفاتر حزب جمهوری اسلامی با امام ملاقات داشتند که در آن، شورای مرکزی و شاخه‌های دیگر هم بودند. آقای خامنه‌ای از طرف حزب صحبت کردند و امام هم مفصلاً سخنرانی کردند^۱ و حزب را در کنار نهادهای رسمی کشور مورد خطاب و بحث قرار دادند که اثر زیادی روی موفقیت حزب دارد^۲.

قبل از آن، آقای [محمود] کریمی رئیس بنیاد مستضعفان آمد و ضمن اظهار مطالبی، گزارشی از موفقیت‌های بنیاد داد. بعد از دیدار امام، آقایان خامنه‌ای، نخست وزیر و وزیر خارجه برای صرف نهار به منزل ما آمدند. آقای دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] گزارش نتایج سفر به پاکستان را داد و این که استقبال شایانی کرده‌اند و به خواسته‌های ما توجه شده و تا حدودی حاضر به تأمین نیازهای نظامی ما شده‌اند و موافقتنامه‌ای اقتصادی و سیاسی ردوبدل شده و موضع مشترکی در موضوع افغانستان گرفته‌اند.

درباره برنامه سفر ایشان به کویت و مذاکره با شیوخ خلیج فارس و جلب اعتماد و اطمینان آنها مشورت شد. عصر به مجلس رفتیم و با آقای [منیرالدین] حسینی بحث اقتصادی داشتیم. سپس با آقای [سیدعلی اکبر] پرورش [وزیر آموزش و پرورش] و گروهی از معاونان و مسئولان وزارت آموزش و پرورش، با حضور آقای نخست وزیر جلسه‌ای داشتیم. اختلافات آنها شدید است و به مدت سه ساعت، دو طرف صحبت کردند. بالاخره نظر آقای پرورش را تأیید کردیم و خواستیم که همکاری کنند. شب در مجلس خوابیدم.

۱- رجوع کنید ← صحیفه نور - مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی - سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی جلد نهم،

صفحه ۳۲۶

۲- اشاره به این جمله حضرت امام (ره): ... شما مقایسه بکنید این جمهوری اسلامی را در زمان ما، مقایسه بکنید این سران جمهوری اسلامی در کشور ما و این حزب جمهوری اسلامی در کشور ما، مقایسه بکنید با هر کشوری که می‌خواهید انتخاب کنید. شما هر کشوری را که انتخاب کنید، من گمان نمی‌کنم که روی هم رفته مثل این کشور ایران این طور که ملت به حسب نوع و حکومت و مجلس و رؤسای که هستند و در کارها دخالت می‌کنند و اداره می‌کنند کشور را شما گمان ندارم که نظیری برایش پیدا بکنید.

یکشنبه ۱۵ فروردین

پس از نماز دو ساعته مطالعه کردم. آقای [محمد] امامی کاشانی آمد و ضمن ارائه گزارشی از ملاقاتش با آیت الله گلپایگانی گفت که ایشان از موضع بعضی از نمایندگان مجلس علیه ایشان متأثر است در خصوص جواب نامه نمایندگان، پیشنهاد داشت که نامه را نفرستیم ولی امروز امضای نامه را تکمیل کردند که بفرستند.

جلسه علنی داشتیم. کمی درباره پیروزی اخیر صحبت کردم^۱ و شهادت دو پاسدار مجلس و برادر آقای [دکتر حسین] مهرپور عضو شورای نگهبان و برادر آقای [حسین] کمالی نماینده مجلس را تسلیت گفتم. دو لایحه از شور دوم گذشت و بحث در آیین نامه مجلس بود.

ظهر آقایان [محمد علی] هادی و [صبح] زنگنه و [محمد] خاتمی آمدند. درباره آینده عراق بحث کردیم. آقای [رضا] زواره‌ای هم آمد و برای مشکل برادرانش کمک می‌خواست. عصر، خانم عباسی از خواهران حزب آمد و مصاحبه‌ای درباره حضرت زهرا علیها السلام و وظایف خانم‌ها انجام داد.^۲

در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. آقای [احمد] توکلی وزیر کار آمد و راجع به برنامه‌های خودش توضیحاتی داد و از حزب برای حسن انجام کارهایش کمک می‌خواست. بر ضرورت اسلامی بودن تصمیمات تکیه داشت و از جمله با شرکت کارگران در شورای مدیریت مخالف بود. شب زودتر از همیشه به خانه آمدم.

۱- در این نطق آمده است: من از طرف نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی خدمات بسیار با ارزش نیروهای رزمنده کشور را که این فتح عظیم در آغاز این سال جدید برای ملت انقلابی ایران و ملت و مستضعفان جهان تأمین کرده‌اند تشکر می‌کنم و به روح شهدای بزرگوار این پیروزی و سایر جبهه‌ها در طول جنگ و در دوران انقلاب که قطرات خونشان این عظمت را برای کشور به ارمغان آورد، دورد می‌فرستم. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" زیر نظر مهندس محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

دوشنبه ۱۶ فروردین

امروز در خانه ماندم. پس از صبحانه آقای دکتر معتمدی عضو تیم پزشکی امام و رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه ملی [شهید بهشتی]، برای ابراز مخالفت با طرح وزارت بهداشت و آموزش پزشکی آمد^۱.

خبر رسید که نیروهای افغانی و روسی در تعقیب مجاهدین افغان به روستاهای زابل حمله کرده‌اند. احمد آقا برای مشورت پیرامون کیفیت برخورد نظامی و سیاسی آمد. ستاد ارتش دستور سرکوب داده و قرار شد فعلاً اعلام نکنیم. با نخست وزیر و ستاد تبلیغات جنگ هم صحبت کردم. آقای [محمد] امامی کاشانی اطلاع داد که می‌خواهند نرخ قند و شکر را برای مصارف صنعتی و شیرینی سازی سه برابر کنند. از نخست وزیر خواستم که فعلاً دست نگه‌دارند تا با امام مشورت شود.

والده حاجیه بی بی^۲ برای معالجه چشمشان که آب مروارید آورده است. از بهرمان نوق به تهران آمده‌اند، فاطمی رفت و ایشان را از خانه همشیره زاده محمد آورد. نزدیک یک سال است که ایشان را ندیده بودم. خوشحال شدم.

اول شب آقای [محمد تقی] بانکی رئیس سازمان برنامه و بودجه با دو معاونش آمدند و توضیحاتی درباره اهداف برنامه بیست سال آینده دادند؛ کار خوبی را شروع کرده‌اند.

سه شنبه ۱۷ فروردین

ساعت هشت صبح به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم و آیین نامه داخلی مجلس مطرح بود. ظهر [آقای علی اکبر ناطق نوری] وزیر کشور آمد و راجع به کارهایش مشورت داشت. عصر

۱- در این طرح کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی منفک می‌شد و زیر نظر وزارت بهداشتی قرار می‌گرفت. همچنین نام وزارت بهداشتی به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تغییر می‌یافت.

۲- حاجیه خانم ماه بی بی هاشمی مادر گرامی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۴ دارفانی را وداع گفت.

عکس مادر حاج آقا

مصاحبه‌ای با مجله زن روز درباره نقش و موقعیت زن در جامعه اسلامی داشتم^۱. جمعی از افراد گروه تحقیق حزب [جمهوری اسلامی] آمدند و راجع به معیارهای پذیرش اعضا و شیوه اسلامی تحقیق و تفحص مذاکره کردیم. از دفتر مشاورت امام [در ارتش] هم آمدند و راجع به امور ارتش گزارش‌هایی داشتند^۲. حکم مأموریت آقای صدرالدین حائری شیرازی را امضا کردم.

سفیر شوروی که مدت خدمتش تمام شده برای خداحافظی آمد و از تجاوز هلیکوپترهای روسی از مرز افغانستان به روستاهای مرزی سیستان عذرخواهی کرد و از ما ممنون بود که خبر آن را پخش نکردیم. نیروهای ما اعلام کرده‌اند که چند فروند از هلیکوپترهای آنها رازده‌اند. ما شش شهید و بیست زخمی داده‌ایم. مدعی بود که برای سرکوب مجاهدان افغانی عملیات کرده، اشتباهاً از مرز تجاوز کرده‌اند.

مسئولان دانشکده پلی تکنیک [امیرکبیر فعلی] آمدند و راجع به انتظام امور دانشگاه‌ها کمک می‌خواستند. با گروهی که از جبهه غرب آمده بودند، ملاقات کردم.

در دفتر رئیس جمهور، بانخست وزیر و آقای موسوی اردبیلی جلسه مشورتی داشتیم. پاکستان اجازه خواسته است که نیروهایش را از گوشه‌ای از خاک ما عبور دهد تا به نقطه دیگر از خاک آن کشور بروند. پانزده کیلومتر از خاک ما عبور می‌کنند. اجازه داده شد.

چهارشنبه ۱۸ فروردین

تا ساعت نه و نیم در منزل ماندم. با حاجیه والده در حیاط منزل کاهو خوردیم. به دفتر مرکزی

۱- در این مصاحبه که در مجله زن روز مورخه ۶۱/۱/۲۸ به چاپ رسیده است درباره موضوعات مجلس شورای اسلامی و حقوق زنان، نقش واقعی زنان در نظام جمهوری اسلامی زنان و کارهای اجرایی، حضور زنان در سفرهای خارجی، رابطه زنان مسلمان ایران، با زنان مسلمان جهان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام الگوی زنان مسلمان و تسهیلات ویژه برای فعالیت‌های اجتماعی زنان بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف

انقلاب، ۱۳۸۰

۲- آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مسئولیت دفتر مشاورت امام در ارتش جمهوری اسلامی را عهده دار بودند.

حزب جمهوری اسلامی رفتیم. از همه واحدها و اتاق‌ها بازدید کردم و در محل انفجار سالن که منجر به شهادت هفتاد و چهار تن گردید، فاتحه خواندم. نماز جماعت با کارکنان حزب خواندم و برایشان سخنرانی کردم* و نزدیک دو بعد از ظهر به مجلس رفتیم.

عصر جلسه هیئت رئیسه داشتیم. برنامه هفته بعد تنظیم شد. سپس چند ملاقات داشتم و مقداری مطالعه. قرار بود که در جلسه جامعه روحانیت مبارز در دفتر آقای خامنه‌ای شرکت کنم که به خاطر خستگی شرکت نکردم. بحث درباره مجلس خبرگان بود. شب در مجلس خوابیدم.

آقای طهماسبی از قم تلفن کرد و می‌خواست، اسلحه ابتکاریش را برای آزمایش به تهران بیاورد و گفت از اصفهان به قم آورده است. به او گفتم که شب در قم بماند و فردا بیاید. مهدی از خانه تلفن کرد و برای مطالعه قطعه‌ای از تاریخ پیغمبر ﷺ برای امتحان، راهنمایی خواست.

پنجشنبه ۱۹ فروردین

تا ساعت هشت مطالعه کردم. آقای طهماسبی آمد. ترتیب آزمایش اسلحه را با سرهنگ سلیمی [وزیر دفاع] و دکتر [حسن] روحانی دادم. جلسه علنی مجلس در ساعت هشت و نیم تشکیل شد. قبل از دستور، درباره سالگرد شهادت آقای [سید محمد باقر] صدر در عراق صحبت کردم و دولت عراق را به خاطر اخراج گروهی از عراقیان سرزنش کردم^۱.

خبر رسید که به آقای [جواد] منصوری معاون وزارت خارجه سوء قصد شده که ایشان مجروح و پاسدارانش شهید شده‌اند. کار آیین نامه در مجلس تمام شد. ظهر و عصر ملاقات‌هایی داشتم. آقای لطیف صفری [نماینده اسلام آباد غرب] طرحی برای استفاده از دانه بلوط برای دان مرغ ارائه داد. عصر در کلاس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] درس اقتصاد گفتم. اول شب مطالعه کردم و

۱- در این نطق آمده است: صدام عقلی برای اینکه آثار سالگرد شهادت شهید محمد باقر صدر را تحت الشعاع قرار بدهد، درست در همین برهه دست به آواره کردن بیش از هزار نفر از مردم محروم و مظلوم عراق زد که الان در مرزهای ایران و عراق رسیده‌اند و ما این جنایت را بار دیگر تقبیح می‌کنیم و از دنیایی که به این جنایات توجه نمی‌کند و به حقوق ملت‌ها توجه نمی‌کند، شدیداً نگران و گله‌مندیم که اینقدر وجدان دنیا کور شده که به این واقعیت‌ها و به این مطالبی که دارد در دنیا اتفاق می‌افتد، توجه نمی‌کند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

ساعت هشت به خانه آمدم. خبر رسید که [صادق] قطب زاده^۱ و گروهی دیگر به اتهام توطئه کودتا و قصد قتل امام بازداشت شده‌اند.

جمعه ۲۰ فروردین

تمام وقت در خانه ماندم. مطالعه، استحمام، استراحت، پیاده روی و مذاکره با مهمانها و قتم را پر کرد. سرهنگ رضائی از ژاندارمری آمد و از بازنشسته شدن چند سرهنگ و اهانت به آنها کله داشت.

چند خانم اهوازی از خانواده‌های شهدا آمدند و مادر شهید [حسین] علم الهدی^۲ برای من عمامه و پیراهن سوغات آورده بود. نهار پلو ماهی داشتیم. حمید و سعید هم آمده بودند^۳. حاجیه والده را برای معالجه به دکتر برده‌اند که گفته است، باید آزمایش شود.

عصر احمد آقا آمد و راجع به اعلام توطئه [صادق] قطب زاده مشورت کرد. با آقای [محمد محمدی] ری شهری تماس گرفتیم. معلوم شد که قطب زاده اقرار کرده است. گروه میانجی از کنفرانس اسلامی سریلانکا آمده‌اند. نماز جمعه را آقای موسوی اردبیلی خواندند. اعلام خبر آمدن میانجی‌های کنفرانس اسلامی باعث ناراحتی بعضی از رزمندگان و نیروهای

۱- صادق قطب زاده یکی از دانشجویان انقلابی بود که در سالهای پیش از پیروزی انقلاب سهم مهمی در تحریکات انقلابی در اروپا ایفا می‌کرد. وی به همراه دکتر ابراهیم یزدی و دکتر ابوالحسن بنی صدر در بیت حضرت امام (ره) در نوفل لوشاتو فعال بود و با بسیج خبرنگاران رسانه‌های ارتباط جمعی برای مصاحبه با امام خمینی (ره) تلاشهای ارزشمندی را در فراگیری انقلاب اسلامی ایفا کرد. پس از پیروزی انقلاب ریاست سازمان صدا و سیما و وزارت امور خارجه از جمله پست‌های مهمی بود که در اختیار صادق قطب زاده قرار گرفت. در بهار سال ۶۱ به دنبال افشای طرح کودتا و ترور امام خمینی، قطب زاده دستگیر و پس از محاکمه به اعدام محکوم شد.

۲- حسین علم الهدی از دانشجویان پیرو خط امام بود که به همراه یارانش پس از خلق حماسه جاویدان در هویزه به شهادت رسید. اکنون مقبره این شهید به همراه دوستان دانشجویی در هویزه زیارتگاه شده است.

۳- حمید لاهوتی همسر فائزه هاشمی و سعید لاهوتی همسر فاطمه هاشمی فرزندان مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن لاهوتی و دامادهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هستند.

تند شده. مراجعات زیادی به ما می‌شود با اظهار نگرانی از پذیرش آتش‌بس پیروزی‌های اخیر در جبهه امیدها و خواسته‌ها را بالا برده و کسی حاضر نیست به کمتر از سقوط صدام و تأسیس حکومت اسلامی در عراق اکتفا کند.

احمد آقا می‌گوید بیت امام هم تحت فشار است البته خود امام هم بسیار در ادامه جنگ جدی هستند فضای عمومی خیلی تند است.

افرادی هم هستند که تندروی را به مصلحت نمی‌دانند اما جرأت ابراز نظر علنی ندارند و در جلسات خصوصی با احتیاط ابراز نظر می‌کنند.

شنبه ۲۱ فروردین

تمام وقت در خانه ماندم. بیشتر مطالعه کردم و با تلفن کارها را انجام دادم. کمی پیاده روی در حیاط و چند ملاقات هم داشتم.

یکشنبه ۲۲ فروردین

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد^۱. ظهر و عصر چند ملاقات داشتم. عصر جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] برگزار شد که در آن درباره فعالیت‌های حزبی و رفع کمبودهای حزب مذاکره و درباره مسافرت وزیر خارجه به کره شمالی به مناسبت هفتادمین سال تولد کیم ایل سونگ^۲ بحث شد. به دلیل مخالفت گروهی از نمایندگان مجلس، تصمیم گرفتیم که ایشان نروند و در حد مدیرکل سیاسی آسیا سفر انجام شود^۳.

شب برای خواب به مجلس رفتم. اخوی محمد یک رادیوی پیشرفته برای من آورده بود و برای استفاده از آن توضیحاتی داد. وزیر خارجه یمن جنوبی با سفیر آن کشور آمدند و از سطح

۱- از جمله مصوبات این روز، تصویب قانون تأسیس وزارت صنایع سنگین در ۳ ماده و ۸ تبصره بود که به مدت سه سال به طور

آزمایشی اجرا شود. این وزارتخانه بعدها در وزارت صنایع ادغام شد. ۲- رهبر فقید کره شمالی

۳- علت مخالفت، دیدگاههای عقیدتی و ایدئولوژی حاکمیت کره شمالی بوده است.

خوب روابط اظهار رضایت کردند. مصاحبه‌ای به مناسبت روز زن داشتم^۱.

دوشنبه ۲۳ فروردین

صبح زود به جلسه شورای عالی اقتصاد رفتم که در دفتر آقای رئیس جمهور تشکیل شد. اخبار اقتصادی جالبی داشتیم. آقای [محمد] غرضی گفت که مراجعه برای خرید نفت زیاد است و مطمئنیم که بیش از مقدار نیاز می‌توانیم صادر کنیم. ژاپن هم که از ما نفت نمی‌خرد، با جلوگیری از ورود اجناس ژاپنی مجبور به خرید نفت شده است؛ قرار شد در همان حد که نفت می‌خرد، اجازه ورود اجناس ژاپنی داده شود.

آقای [میرحسین] موسوی خبر داد که کارخانه‌های تولید آهن اسفنجی در اهواز، اواسط سال راه می‌افتد و حدود دوونیم میلیون تن آهن اسفنجی تولید خواهد کرد.

بحث درباره برنامه پیشنهادی بیست ساله بود که آقای غرضی به خاطر عدم اولویت کشاورزی و تقدم صنعت اعتراض داشت. ۵/۵ درصد رشد کشاورزی و ۱۴/۵ درصد رشد صنعت پیش بینی شده است. تا ساعت دوازده بحث داشتیم. ظهر به مجلس آمدم. ظهر و عصر چندین ملاقات داشتم. عده‌ای از دانشگاهیان آمدند و با طرح ادغام دانشگاه‌های پزشکی در وزارت بهداشتی به خاطر تغییراتی که در هیئت دولت کرده، مخالف بودند.

سه شنبه ۲۴ فروردین

دیشب خسته و کوفته در مجلس خوابیدم. تا ساعت هفت و نیم مطالعه کردم. جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. ظهر ائمه جمعه آذربایجان شرقی و غربی آمدند. آقای [مسلم] ملکوتی امام

۱- در این مصاحبه که در روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۶۱/۱/۲۶ به چاپ رسیده است درباره نقش فاطمه زهرا علیها السلام در خانواده، تعلیم و تعلم زنان، وضعیت زنان در رژیم پهلوی، نقش زنان در جبهه‌ها، مجلس شورای اسلامی و حقوق خانواده و فعالیت اجتماعی زنان بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف

جمعه تبریز صحبت کردند و من در جواب صحبت کردم^۱. ناهار مهمان مجلس بودند و همان جا خوابیدند.

عصر مصاحبه‌ای با مجله سروش درباره شهید مطهری داشتم^۲ و مصاحبه‌ای تلویزیونی درباره نقش جهاد سازندگی*، ملاقات‌هایی داشتم با [علی]شمس اردکانی سفیرمان در کویت و دکتر [محمد]مکری که می‌خواهند او را از سفارت ایران در شوروی بردارند و ناراحت است و نیز مدیر عامل ماشین سازی اراک که از مزاحمت مخالفان - که تحت حمایت آقای خوانساری امام جمعه اراک هستند - گلایه داشت و کمک می‌خواست. ملاقاتی نیز با وزیر راه و معاونانش انجام شد که خدماتشان را گزارش دادند و تحسینشان کردم.

شب جلسه‌ای با نخست وزیر و وزیر خارجه در دفتر آقای خامنه‌ای داشتیم و درباره کمک به فلسطینی‌ها، جنبش امل و یمن جنوبی که کمک خواسته‌اند تصمیم گرفتیم. آقای [سیدمحمدتقی]مدرسی هم آمد و پیشنهاد تشکیل مجلسی برای عراق در ایران داشت؛ پیروزی‌های جبهه خیلی‌ها را به فکر آینده عراق انداخته و نیروهای اسلامی معارض عراقی بیش از همه امیدوارند و در تکاپو. این را هم اضافه کنم که در نطق پیش از دستور جلسه امروز درباره شروع نهضت بیت‌المقدس صحبت کردم و پیشنهاد تعطیل فردا را دادم^۳.

۱- در این سخنرانی وظایف روحانیت در انقلاب اسلامی، ارتباط ائمه جمعه با مردم و لزوم ساده زیستی روحانیت و اهمیت مجلس خبرگان رهبری مورد بحث قرار گرفته است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این مصاحبه که در ماهنامه سروش مورخه ۶۱/۲/۱۱ به چاپ رسیده است درباره نقش شهید مطهری در شورای انقلاب، روند ترور شخصیت‌های انقلابی، توطئه جدایی دین از سیاست، گروه فرقان، تصمیم‌گیری‌های اجرایی مطهری، نقش استاد در شکوفایی استعداد جوانان، خدمات علمی و فلسفی استاد، برخورد استاد با گروه‌های انحرافی و موضع‌گیری استاد نسبت به لیبرال‌ها مطالبی بیان شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳- در این نطق که بازتاب فراوانی در سطح کشور و منطقه داشت، آقای هاشمی رفسنجانی پیشنهاد کرد که در سراسر کشورهای اسلامی حمایت وسیعی شروع بشود و فردا - روز چهارشنبه ۲۵ فروردین - اعتصاب عمومی در سراسر دنیای اسلام باشد و از دولت (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

چهارشنبه ۲۵ فروردین

امروز را به خاطر حمایت از نهضت مردم فلسطین تعطیل عمومی اعلام کرده‌ایم. پیشنهاد از ملک خالد به عنوان رئیس سازمان کنفرانس اسلامی است که بسیاری از کشورها پذیرفته‌اند و امروز را تعطیل کرده‌اند. ما علاوه بر این، راهپیمایی هم اعلام کرده‌ایم که انجام شد و امام هم پیام دادند که احمد آقا در مراسم خوانند^۱.

احمد آقا ظهر به منزل ما آمد و درباره لزوم اقدام مناسب در مقابل اقدام مهم سوریه که لوله نفت عراق را - که از سوریه به مدیترانه می‌رود - بسته و جلوی ورود دو قطار و ماشین‌ها را که از ترکیه و لبنان به عراق آذوقه و کالای می‌برند گرفته، صحبت داشت. قرار شد که در نماز جمعه تشکر کنیم. شکست‌های فاحش عراق در تصمیمات دولت‌های عربی هم اثر گذاشته و اقدامات مهمی می‌کنند، مثبت یا منفی.

این روزها، مسئله روز شروع تظاهرات و اعتصاب‌ها در فلسطین اشغالی است که با شعار الله‌اکبر و به شیوه مبارزات مردم ایران انجام می‌گیرد.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

جمهوری اسلامی ایران خواست که برای این عمل مقدس پیشقدم بشود. رئیس مجلس سپس خطاب به فلسطینیان انقلابی گفتند: "اگر شما در صحنه باشید، ما مسلمانها ناچاریم دنبال سر شما به بیت المقدس بیاییم. شما در میدان بمانید و صبر کنید و از دادن شهید و شقاوت اسرائیلی‌ها نترسید." به دنبال دعوت آقای هاشمی رفسنجانی، روز چهارشنبه ۲۵ فروردین، سراسر ایران به صحنه تظاهرات میلیونی علیه اسرائیل تبدیل شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱- رجوع کنید ← صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی به جلد نهم - صفحه ۳۵۰

امام خمینی (ره) در این پیام به مناسبت اعتصاب سراسری حمایت از فلسطینیان فرمودند: مسأله قدس یک مسأله شخصی نیست بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده "... اکنون که خون جوانان عزیز فلسطینی دیوارهای مسجد قدس را رنگین کرده است و در مقابل مطالبه حق مشر و عشان از مشت‌های دغلباز با مسلسل جواب شنیده‌اند، برای مسلمانان غیرتمند عار نیست که به ندای مظلومانه آنان جواب ندهند و همدردی خود را با آنان اظهار نکنند؟"

تمام روز را درخانه ماندم. عصر آقای [بهزاد] نبوی و گروهی از جناح ایشان در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آمدند. از جناح حزب الله سازمان^۱ و آقای [حسین] راستی [کاشانی] گله داشتند، که اینها را به مخالفت با ولایت فقیه متهم و بدنام و اخراج می‌کنند و کمک می‌خواستند. آقای [محسن] رفیق دوست آمد و گزارش سفرش را به لیبی و سوریه داد که موفق بوده است و در تأمین نیازهای ما مساعدت‌هایی کرده‌اند و می‌کنند.

پنجشنبه ۲۶ فروردین

اول وقت در کتابخانه‌ام مشغول کار شدم. زودتر از وقت مقرر به مجلس رفتم. تا ظهر گزارش‌ها را مطالعه و اسناد را امضا کردم. بعد از ظهر آقای سالاری کاردار مادر آرژانتین آمد. وزارت خارجه نمی‌خواهد او را به سفیری ارتقا دهد. با درخواست کمک برای ساختن مسجدی در بوئنس آیرس داشت که صدها هزار مسلمان در آنجا زندگی می‌کنند. با آقای دکتر ولایتی صحبت کردم و قرار شد که تحقیق شود.

گروه مسئولان پرسنلی مناطق دهگانه سپاه آمدند و با آنها درباره برخورد اسلامی با مراجعان و متقاضیان عضویت صحبت کردم* و گفتم، در تجسس از حدود اسلامی خارج نشوند و اسرار مردم را فاش نکنند. اعضای سمینار بنیاد مسکن و محیط زیست آمدند؛ نزدیک صد نفر بودند. قطعنامه‌ای خواندند و برایشان صحبت کردم*. خیلی خسته شده بودم. اخبار را گرفتم. شام خوردم و خوابیدم. امروز تظاهرات و راهپیمایی برای روز زن بود و امام پیام دادند^۲.

۱- جناح حزب الله سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به رهبری آیت‌الله حسین راستی کاشانی نماینده امام (ره) در این سازمان، با جهت‌گیریهای سیاسی و مواضع چپ اقتصادی غالب اعضای سازمان اختلاف نظر داشتند که این اختلاف در نهایت موجب کنار کشیدن بهزاد نبوی و یارانش از این سازمان شد. بعدها همین سازمان با اعضای سابق خود دوباره احیا شد و در وقایع دوم خرداد ۷۶ و بعد نقش بازی کرد.

۲- رجوع کنید ← صحیفه نور - مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - جلد

عکس بهزاد نبوی و راستی کاشانی

جمعه ۲۷ فروردین

از صبح زود تا ساعت ده مطالعه کردم. آقای [محمدحسن] زورق [معاون سیاسی صداوسیما] آمد و از مشکلات صداوسیما و عدم هماهنگی شورای سرپرستی گفت و احتمال استعفا را مطرح کرد. ایشان را به ماندن تشویق کردم و گفتم کمک می‌کنیم که مشکلاتش رفع شود. خیلی‌ها معتقدند که راه حل مشکلات این است که سران سه قوه اعضای اصلی شورای سرپرستی باشند که سیاست‌های اصلی کشور را بدانند.

ساعت یازده به دانشگاه تهران رفتیم. خطبه‌ای در عدالت اجتماعی و خطبه‌ای راجع به نهضت جدید فلسطین و روز زن و مقام حضرت زهرا علیها السلام ایراد کردم^۱. آقای فخرالدین حجازی [نماینده تهران] قبل از من سخنرانی داشت و به آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری و لیبرال‌ها و نهضت آزادی با صراحت تاخت^۲.

عصر در منزل پیاده روی و کمی کار در باغچه کردم و با بچه‌ها کاهویی در حیاط خوردیم. مطلع شدم که مردم قم، پس از نماز جمعه، علیه آقای شریعتمداری^۳ تظاهرات و دارالتبلیغ^۴ را

۱- در این خطبه‌ها جمع‌بندی مباحث اقتصادی گذشته و ادامه بحث عدالت اجتماعی (خودخواهی فطری انسان، انتقاد مستدل به افراط در مارکسیسم و تفریط در سرمایه‌داری- تجارب منفی مدعیان سوسیالیسم، نقش اسلام در کنترل و هدایت خودخواهیها) در خطبه اول بحث شد. در خطبه دوم تحلیل حرکت‌های تازه در فلسطین، اشاره به تاریخ اسرائیل غاصب، روز زن و ولادت حضرت زهرا علیها السلام همراه با شرح جلوه‌هایی از زندگی درس آموز آن حضرت به عنوان الگوی زنان مورد بحث قرار گرفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

۲- فخرالدین حجازی در بخشی از سخنان خویش گفت: من از اینها، از پشت تربیون به آقای خامنه‌ای - امام جمعه و رئیس جمهور - عرض می‌کنم: تا این بحران هست ما از شما نمی‌خواهیم بیایید نماز جمعه بخوانید.... من به آقای رفسنجانی ارادت دارم؛ ممکن است از لحاظ شخصی هم، خیلی از ایشان دلخور باشم، اما به حضرت عباس قسم رفسنجانی مغز متفکر این انقلاب است، آن روزی که جریان انفجار حزب جمهوری اتفاق افتاد، اگر رفسنجانی نبود، در آن انفجار حزب و انفجار نخست وزیری، اصلاً مملکت رفته بود. رهبری و هدایت امام بود، اما حسن تدبیر و اداره رفسنجانی هم بود. ما به این مغز نیاز داریم، بنابراین از ایشان هم خواهش می‌کنم کمتر به نماز بیایند.

۳- آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری از مراجع تقلید شیعه پس از رحلت آیت‌الله بروجردی به عنوان یکی از مراجع جانشین

اشغال کرده‌اند. تلفن‌های طرفداران ایشان را قطع کرده‌اند. گفتم که مدارا کنند زیرا به این کارها نیازی نیست. [آقای احمد عباسی] داماد آقای شریعتمداری را در رابطه با کودتای قطب‌زاده بازداشت کرده‌اند.

آقای [محمد] غرضی وزیر نفت به منزل آمد و راجع به کیفیت برخورد با هیئت اقتصادی پاکستان مشورت داشت. گفتم نمی‌شود مثل سوریه برای آنها امتیاز قائل شد^۵، ولی خوب برخورد

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مطرح شد و پس از درگذشت آیت‌الله محسن حکیم و با ارسال پیام تسلیت از سوی محمد رضا شاه پهلوی به عنوان ایشان به عنوان مرجع تقلید مورد نظر حکومت مشخص گردید. آیت‌الله شریعتمداری از جمله روحانیون میانه‌رو و اصلاح‌طلب حوزه علمیه قم بود که با روشهای انقلابی مخالفت می‌ورزید. وی معتقد به حرکت تدریجی به سوی حکومت اسلامی بود. آیت‌الله شریعتمداری در سال ۴۲ به همراه حضرت امام خمینی (ره) مبارزه بر علیه رژیم پهلوی را آغاز کرد اما روش آیت‌الله شریعتمداری برخلاف امام (ره) روش مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه بود. وی در اوج مبارزات انقلابی خواستار حفظ سلطنت و اجرای کامل قانون اساسی شده که با مخالفت روحانیون طرفدار امام (ره) مواجه گردید. آیت‌الله شریعتمداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از شخصیت‌های تراز اول روحانیت مطرح گردید و مبادرت به تأسیس حزب خلق مسلمان در برابر حزب جمهوری اسلامی پرداخت. این حزب در تبریز تحرکاتی را موجب شدند و صدا و سیما این شهر را سه روز اشغال کردند. در سال ۶۱ در پی افشای توطئه براندازی، مشخص گردید که آیت‌الله شریعتمداری در جریان توطئه بوده اما آن را تأیید نکرده است. وی در تلویزیون به اطلاع خود از کودتا اعتراف کرد. در پی آن جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در یک عمل بی سابقه در تاریخ شیعه، وی را از مرجعیت خلع نمودند. از آن پس آیت‌الله شریعتمداری تا هنگام مرگ خانه نشین بود.

۴- مؤسسه دارالتبلیغ اسلامی، توسط آیت‌الله شریعتمداری برای بسط و گسترش فرهنگ اسلامی تأسیس شده بود. در این مؤسسه مجله‌ای بنام "مکتب اسلام" حاوی مطالب اسلامی هر ماه منتشر می‌شد و مورد استقبال متدینین واقع می‌گردید. این مؤسسه در پی وقایع بهار ۶۱ و خلع آیت‌الله شریعتمداری از مرجعیت، توسط عده‌ای از مردم قم تسخیر و تحویل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد.

۵- منظور از امتیاز برای سوریه، کمک یک میلیون بشکه نفت از سوی ایران به این کشور به سبب مبارزه با اسرائیل و حمایت از ایران در جنگ تحمیلی می‌باشد. بعدها سوریه بهای نفت اهدایی را به ایران پرداخت. سوریه در جبهه جنگ با صهیونیسم نقش ممتازی داشت و در جریان جنگ تحمیلی تنها کشوری بود که علناً جانب جمهوری اسلامی ایران را گرفت و علیه رژیم صدام حسین موضع‌گیری کرد.

کنید. اخبار وضع نفت را هم گفت. احمد آقا آمد و راجع به تظاهرات مردم قم علیه آقای شریعتمداری و لزوم جلوگیری از افراط صحبت شد. آیت‌الله اخوان مرعشی از مشهد تلفن کرد و راجع به مراعات حرمت آقای شریعتمداری تأکید نمود.

شنبه ۲۸ فروردین

از اول وقت مشغول مطالعه شدم و کمی راهپیمایی در حیاط داشتم. چند بوته نعنای را جابه جا کردم و آب دادم. عفت برای دکتر و معاینه کامل به دانشگاه تهران رفت.

ساعت ده صبح به دفتر مشاورت امام در محل ستاد ارتش رفتم و به کارهای ارتش رسیدگی کردم. نزدیک ساعت دوازده به مجلس رفتم. آقای [سیدجلال] ساداتیان رئیس دفترم که برای شرکت در سمینار اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایران مقیم اروپا به آلمان رفته بود، گزارش داد که وضعشان خوب است؛ افراد مخالف عقب نشینی کرده‌اند و خط امام حاکم است. تا عصر گزارش‌ها را مطالعه کردم.

گروهی از مسئولان بخش فرهنگی بنیاد شهید آمدند و گفتند خانواده‌های شهدا نگرانند که آمدن هیئت میانجی کنفرانس اسلامی باعث آتش بس شود و خون عزیزان شهید آنها پایمال شود. پیغام داده‌اند که ایثارگران آماده پذیرش آتش بس نیستند و خونبهای شهدای ما حاکمیت اسلام در عراق است و جمعی از مسئولان هیئت‌های هفت نفره تقسیم زمین آمدند و برای آنها صحبت کردم*. شب در مجلس ماندم و مطالعه کردم و به اخبار گوش دادم.

درباره وضعی که در قم پیش آمده، به خاطر احتمال دخالت بیت آقای شریعتمداری در توطئه قطب‌زاده تلفنی اقداماتی انجام دادم که مردم خیلی افراط نکنند و صدمه‌ای به ایشان نزنند. با آیت‌الله منتظری هم در این خصوص صحبت کردم. معلوم شد که سپاه از خانه ایشان حفاظت می‌کند. شب رونوشت تلگرافی که ایشان به امام مخابره و در آن، به نوعی استمداد کرده‌اند، رسید. خود را از جریان توطئه‌بری می‌دانند و از امام می‌خواهند که در این گونه امور قبلاً از خود ایشان استفسار شود.

عکس شریعتمداری

یکشنبه ۲۹ فروردین

تا ساعت هفت و نیم مطالعه کردم. ساعت هشت جلسه علنی شروع شد. قبل از دستور به مناسبت روز ارتش صحبت کردم^۱. آقای دکتر [حسن] روحانی هم گزارشی از وضع صدا و سیما داد. چند لایحه تصویب کردیم.

امروز پاسداران مجلس، هنگام ورود نمایندگان متهم به لیبرالیسم شعار "مرگ بر آمریکا" داده بودند. آنها از این وضع ناراحت بودند و ظهر دکتر [کاظم] سامی، دکتر [یدالله] سبحانی و مهندس [هاشم] صباغیان آمدند و از من چاره‌جویی کردند. تعدادی از علمای گرگان هم آمدند و از آقای [سیدمحمدکاظم] نورمفیدی امام جمعه شکایت داشتند. آقای [کاظم] اکرمی نماینده همدان هم آمد و از اختلاف سپاه ایلام با امام جمعه آنجا گفت.

ساعت دو به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم و فیلم مصاحبه قطب‌زاده را با ایشان و احمد آقا دیدیم. به توطئه قتل امام و مسئولان، براندازی حکومت و ارتباط با آقای شریعتمداری به وسیله [عبدالرضا] حجازی و [سیدمهدی] مهدوی و نیز درخواست اسلحه از فردی از حزب سوسیالیست فرانسه اعتراف کرده که قرار شد بخشی از مصاحبه پخش شود.

عصر با هیئت اقتصادی پاکستان به ریاست غلام اسحاق خان ملاقات کردم و درباره لزوم توسعه روابط و ایجاد جامعه اسلامی صحبت کردیم.

سپس در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] شرکت کردم. درباره انتخابات میان دوره‌ای و پخش مصاحبه قطب‌زاده و ... بحث شد. آقای دکتر ولایتی گزارش هیئت میانجی کنفرانس اسلامی را داد این هیئت پیشنهاد عقب‌نشینی تدریجی عراق را آورد. فضای جنگی کشور و انتظارات بالای مردم و بخصوص رزمندگان به گونه‌ای است که اینگونه پیشنهادات را به استهزاء می‌گیرند و عقب‌نشینی فوری و با قید و شرط را هم کافی نمی‌دانند و به مسئولان جنگ انتقاد دارند

۱- در این نطق آمده است: یکی از دستاوردهای بسیار با ارزش انقلاب اسلامی ایران تحول عظیمی است که در ارتش جمهوری اسلامی پیش آمده است و ارتش از خدمت طاغوت به خدمت خدا و مردم منتقل شده است و از اسارت در دست پهلوی و شاه تحت فرماندهی ولی فقیه و نایب امام شخصیت بزرگوار اسلامی قرار گرفته است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی،

نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس یدالله سحابی و عزت سحابی و هاشم صباغیان و کاظم سامی

که چرا فوراً وارد خاک عراق نمی‌شوند و ما وقت زیادی صرف قانع کردن این‌گونه افراد می‌کنیم. شب به خانه آمدم. آخر شب از دفتر اطلاع دادند که آقای شریعتمداری تلگرافی کرده است که در آن از خودش رفع اتهام می‌کند.

دوشنبه ۳۰ فروردین

در خانه ماندم. پیاده روی، سبزی‌کاری در باغچه و انجام کارها با تلفن و مطالعه درباره روایات مربوط به ازدواج از کارهای امروز بود. بناست در خطبه نماز جمعه آینده راجع به ازدواج خانم‌های شهدا صحبت کنم. امام هم تشویق کرده‌اند.

ظهر احمد آقا و [رضا] سیف‌الهی رئیس اطلاعات سپاه آمدند و گفتند، آقای شریعتمداری در مذاکره با سپاه قم به اطلاع خود از قصد قطب‌زاده اعتراف کرده است. قرار شد که از سپاه تهران بروند و رسماً از ایشان بپرسند. می‌گفتند ظاهراً یک روحانی دیگر هم مطلع بوده است.

آقای خامنه‌ای تلفن کردند و گفتند آقای [احمد] سکوت‌توره [رئیس جمهورگینه] و حبیب شطی [دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی] به نمایندگی از سازمان کنفرانس اسلامی آمده‌اند و طرحی آورده‌اند که به خواسته‌های ما نزدیک است و جواب را باید پس از مشورت بدهیم. قرار شد که فردا صبح مشورت کنیم.

تلفنی از بیمارستان طرفه حال حاجیه والده را از دکتر خدادادی جراح چشم پرسیدم. گفت عمل را انجام داده‌ایم و حالشان خوب است. یک چشم عمل شده و چشم دیگر هنوز آب مرواریدش نرسیده است. ناهار را از بیرون گرفتیم، تنها خوردم.

احمد آقا همراه مسئول اطلاعات سپاه عصر با هلیکوپتر به قم رفت. شب خبر آورد که آنها پیش آقای [سیدکاظم] شریعتمداری رفته‌اند و از ایشان درباره توطئه کودتا بازپرسی کرده‌اند و مصاحبه‌ای هم انجام شده است.

سه شنبه ۳۱ فروردین

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رفتیم. پس از شروع، جلسه را به آقای [موسوی] خوئینی‌ها

واگذار کردم و خودم برای مشورت در مورد جواب پیشنهاد سازمان کنفرانس اسلامی در مورد شرایط پایان جنگ به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. نخست وزیر و رئیس دیوان عالی کشور و احمد آقا هم بودند.

آنها خروج نیروهای عراق را از خاک ایران پیشنهاد کرده‌اند، ولی چیزهای دیگری مطرح کرده‌اند که در حکم شرط است. مذاکره درباره‌ی اروند رود براساس قرارداد الجزایر - که به نظر ما روشن است و نیازی به مذاکره ندارد - حایل شدن نیروهای بی طرف در دو سوی مرز - که ما در خاک خود، آن را نمی‌پذیریم - و نیز تشکیل کمیته رسیدگی برای پیدا کردن متجاوز که خسارت هم بر همین اساس پرداخت خواهد شد و از نظر ما متجاوز مشخص است و خسارت را باید بپردازد و آن عراق است^۱. قرار شد آقای دکتر ولایتی جواب بدهد. آنها هم در این سفر تا حدودی از فضای حاکم بر جامعه ایران مطلع شده‌اند و فهمیده‌اند که بدون امتیازات روشن و بزرگ برای مسئولان ایرانی پذیرش آتش بس دشوار است و می‌دانند که اختیار صلح و جنگ در دست شخص امام است و از نظرات ایشان هم بی‌اطلاع نیستند.

سپس نوار مصاحبه آقای شریعتمداری را آوردند که به اطلاع از کودتا اعتراف کرده ولی منکر هرگونه تأیید است و مکالمات دیگر هم ضبط شده، ترسیده‌اند. به طور مکرر تلگراف استمداد از ایشان می‌رسد.

آقای محسن رضایی هم خبر داد که به زودی حمله وسیعی علیه عراق آغاز می‌کنیم و سپس درباره‌ی اساسنامه سپاه اطلاع داد که سپاهیان اعتراض دارند و می‌گویند سپاه را تضعیف می‌کند. بعد از ظهر برای روز کارگر و سالگرد مجلس مصاحبه نمودم* و اول شب، از بنیاد شهید و سپاه برای بحث درباره‌ی مدیریت از دواج همسران شهدا آمدند که امام پیشنهاد آن را داده‌اند. با هم اختلاف داشتند و سپاه می‌خواهد در کار آنها دخالت کند.

۱- حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور در مذاکره با احمد سکوتوره رئیس جمهور گینه و رئیس هیأت صلح سازمان کنفرانس اسلامی و حبیب شطی دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی و سخنگوی این هیأت گفتند: "جنگ همیشه بد نیست؛ جنگی که برای جلوگیری از ظلم و تجاوز باشد، چیز بسیار خوبی است." ایشان در آغاز مذاکره اظهار داشتند: "امیدوارم در پاسخ مادو مطلب را بیان نکنید اول اینکه نگویید عراق هم توقعاتی دارد و دوم اینکه نگویید قاضی نیستیم زیرا هر میانجیگری، خود شامل نوعی قضاوت است."

شب در مجلس خوابیدم. قرار بود، مصاحبه آقای شریعتمداری پخش شود که نشد. من در مصاحبه‌ای درباره ایشان صحبت کردم^۱. جامعه مدرسین اعلام کرد که ایشان فاقد صلاحیت مرجعیت شده است و در تبریز، قم، تهران و بسیاری از شهرها علیه ایشان تظاهرات انجام شده است.

۱- در این مصاحبه که در تلکس خبری روز اول اردیبهشت ۱۳۶۱ خبرگزاری جمهوری اسلامی آمده است، درباره رفت و آمد هیأت صلح، افشای توطئه کودتا، نقش آیت‌الله شریعتمداری در کودتا، جنگ ایران و عراق، سیاست ایران در رابطه با کشورهای منطقه، پیشروی ایران در خاک عراق، حمله کمونیست‌های طرفدار عراق به شیعیان لبنان و کمک مصر به عراق بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

خالی

اردیبهشت ۱۳۶۱

عکس ماه

چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ ۲۶ جمادی الثانی ۱۴۰۲ Apr. 21, 1982

تا ساعت نه مطالعه کردم و سپس مراجعان را پذیرفتم. آقای [صادق] آیت‌اللهی سفیر جدید ما در مالزی آمد و درباره مالزی مذاکره کردیم. از این که تخصص او نفت است و در رشته دیگری به کار گرفته شده، گله داشت.

معاون تشکیلات حزب [جمهوری اسلامی] آمد و از نامزد شدن سه نفر در تهران برای انتخابات مجلس بدون مشورت با حزب گله داشت که گفتم موضوع را در جلسه بعد مطرح می‌کنیم!

عصر جلسه هیئت رئیسه داشتیم و اول شب سفیر فلسطین آمد و خبر حمله هشت هواپیمای اسرائیلی را به لبنان داد و من به خواست او خبر [این حادثه] و محکومیت تجاوز را به صدا و سیما دادم. اصرار داشت با رئیس جمهور هم ملاقات کند که پذیرفته نشد.

امروز هم تظاهرات مردم و اعلامیه‌های علما در مورد سلب صلاحیت مرجعیت از آقای شریعتمداری در صدر اخبار است. کشورهای غربی خیلی ناراحت شده‌اند؛ مثل این که امید بسیاری به توطئه کودتا داشته‌اند.

رئیس جمهور از تبلیغات یک طرفه شدید و عدم پخش دفاع او ناراضی هستند و می‌گویند نیازی به زیاده روی نیست. ملاقاتی با ابو شریف [عباس آقامانی] سفیرمان در پاکستان داشتم. از مقبولیت انقلاب [اسلامی] ایران در پاکستان می‌گفت.

پنجشنبه ۲ اردیبهشت

جلسه علنی داشتیم. در اول جلسه حمله اسرائیل به لبنان را محکوم کردم^۲. نمایندگان علیه آقای

۱- اشاره به نامزدی آقایان سید تقی سید خاموشی، محمد هاشم رهبری و علی اکبر پوراستاد منتسب به هیأت‌های مؤتلفه اسلامی در انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه تهران.

۲- در این نطق آمده است: ماضن محکوم کردن حمله هواپیماهای اسرائیلی به جنوب لبنان از کشورها و دولت‌ها و مردم مسلمان (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شریعتمداری صحبت کردند. آقای [هاشم] صباغیان^۱ خواست اعلامیه نهضت آزادی [ایران] را در محکومیت کودتا بخواند که عده‌ای شلوغ کردند و نتوانست بخواند. اساسنامه سپاه مطرح بود و مجلس خواسته‌های سپاهیان را نمی‌پذیرد. بعضی از نمایندگان خواسته‌های سپاه را انحصارطلبی می‌دانند و سپاهیان از این وضع خیلی ناراحتند.

ظهر آقای [علی] حجتی کرمانی آمد و از بیکاری و انزوا ناراحت و متأثر بود. عصر کلاس [درس] مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتیم و دو ملاقات با استاندار و فرمانداران مازندران و انجمن اولیاء و مربیان. شب به خانه آمدم.

مصاحبه آقای [سید مهدی] مهدوی یکی از متهمان کودتا را گذاشتند؛ اعترافات مهمی کرد و گفت، آقای شریعتمداری تأیید کرده است. آخر شب آقای [محمد] موسوی خوئینی‌ها برای مشورت در مورد پخش اسناد لانه جاسوسی علیه آقای شریعتمداری آمد.

جمعه ۳ اردیبهشت

در خانه ماندم. برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم. ناهار در خانه تنها بودم و حضری خوردم. راهپیمایی، ورزش و مطالعه و قتم را پرکرد. در خطبه‌های نماز [جمعه] از کودتا، ازدواج همسران شهدا، مسایل اقتصاد و حمله به لبنان از سوی اسرائیل گفتم.^۲

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

عرب می‌خواهیم که جواب دندان شکنی به این جنایات بزرگ داده شود و مخصوصاً از نیروهای قهرمان کشور برادرمان سوریه که در لبنان مستقرند درخواست داریم که جلو این تجاوزات را بگیرند و بهانه به دست نیروهای فرصت طلب جهان ندهند که اینها وسیله‌ای برای حفظ صدام از سقوط است و می‌خواهند دست ایران را در این جنگ با این مقدمه‌سازها ببندند. رجوع کنید ←

کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱- هاشم صباغیان از جمله نمایندگان منتسب به نهضت آزادی ایران در دوره اول مجلس شورای اسلامی است که در ماه‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی معاونت نخست وزیر در امور انتقال را برعهده داشت. وی همچنین وزیر کشور دولت موقت مهندس بازرگان بود.

۲- در این خطبه‌ها ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (کنترل خودخواهی انسان، شکست مارکسیسم و سرمایه‌داری در این

عصر احمد آقا آمد و مطالبی درباره تبلیغات رایج علیه آقای شریعتمداری صحبت شد و خبر داد که امام امروز آقای [شیخ حسن] صانعی را نزد آقای شریعتمداری فرستاده و به ایشان اطمینان داده اند که محاکمه نمی شوند ولی تذکر داده اند، خود شما مقصید که از اول به تذکرات توجه نکردید و ما قبلاً گفتیم که جلوی مردم را نمی توانیم بگیریم.

شب مسئولان سپاه آمدند. از اساسنامه مورد بحث در مجلس ناراضیند و چاره جویی می کردند. با مذاکرات کمی آرام گرفتند اما قانع نشدند و ضمناً گفتند به اظهارات میانجی های کنفرانس اعتماد نشود؛ ممکن است فریبکاری باشد. در بین راه نماز جمعه، اتومبیل من تصادف کرد و رادیاتور آن سوراخ شد.

شنبه ۴ اردیبهشت

تا نزدیک ظهر در خانه ماندم. حاجیه والده که عمل جراحی چشم داشته اند، به منزل اخوی محمود منتقل شده اند. احوالشان را پرسیدم که گفتند حالشان خوب است و راضیند. دکتر گفته است، اگر یک هفته دیرتر عمل می کرد، چشم غیر قابل علاج می شد.

پیش از ظهر برای زیارت امام به منزلشان رفتم. آقای خامنه ای هم آمدند و ملاقات طولانی شد. آقای خامنه ای درباره مراعات بیشتر انضباط در دادگاه های انقلاب از ایشان کمک خواستند و امام برای تسریع در امر حذف قوانین غیر اسلامی تذکر دادند.

من درباره محدود شدن سپاه پاسداران در اساسنامه جدید و نارضایتی سپاه صحبت کردم. امام فرمودند که تضعیف نشوند و تحت ضابطه هم قرار گیرند. درباره وضع آقای شریعتمداری هم صحبت شد. خبر شدیم که [محمد جواد] مناقبی را هم بازداشت کرده اند.

ناهار مهمان احمد آقا بودیم. عصر هنگام رفتن، امام را در صحن حیاط دیدیم و سرپایی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بُعد و کنترل در اسلام) مطرح شد و در خطبه دوم تشریح توصیه امام در مورد ضرورت ازدواج همسران شهدا، نمونه های تاریخی این امر، تحلیلی از توطئه صادق قطب زاده و آیت الله شریعتمداری و صلح با صدام محور مباحث مطرح شده بود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

عكس كلشه نامه نمايندگان در باره شريعتمدارى

صحبت کردیم و من پیشنهاد عفو متهمان کودتا از جمله [صادق] قطب‌زاده را دادم. جواب سئوالات حزب جمهوری را روی نوار ضبط کردم.

یکشنبه ۵ اردیبهشت

بعد از ورزش و صبحانه و کمی مطالعه به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم و قبل از دستور درباره پیشنهاد ایران و سوریه در خصوص اخراج اسرائیل از سازمان ملل صحبت کردم و آن را اقدامی مهم و انقلابی معرفی کردم و تهدید آمریکا را که در صورت اخراج اسرائیل، سازمان [ملل] متلاشی می‌شود، محکوم کردم و برای ایجاد سازمانی عادلانه‌تر و بدون حق و تو اظهار امیدواری کردم.^۱

در اساسنامه سپاه تغییراتی داده شد که باعث رضایت نسبی سپاهیان شد. ظهر آقای [حسین] انصاری [راد] نماینده نیشابور آمد و از فشارهایی که نیروهای خط امام به خاطر روابط قبلی با بنی‌صدر برایشان وارد می‌کنند - و از جمله مجتمع کشاورزی را که تحت اشراف ایشان بوده گرفته‌اند - گله داشت.

آقای [محمد جواد] حجتی کرمانی آمد و ضمن اظهار ناراحتی از گذشته پیشنهادهایی داشت. بعد از ظهر نخست وزیر کره شمالی و همراهانش آمدند و درباره توسعه روابط صحبت کردیم. او در رأس یک هیئت شصت نفری سیاسی، نظامی و اقتصادی، برای خرید نفت در مقابل کالا و خدمات به ایران آمده است.

در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] در دفتر آقای خامنه‌ای شرکت کردم. بحث درباره انتخابات و فعال‌تر کردن حزب بود. جلسه سران کشور با حضور [مهندس گنابادی] وزیر مسکن تشکیل شد که سیاست مسکن‌سازی را توضیح دهند. گفت، دو میلیون خانه کم داریم و با امکانات فعلی می‌توان سالانه حدود سیصد هزار خانه ساخت. پیشنهاد شد که در شهرستانها زمین به مردم بدهند و ساختن را تشویق کنند و در شهرهای بزرگ به صورت محدود عمل شود. شهرک‌سازی هم پیشنهاد شد.

۱- رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عكس صحنه‌اى از محاكمه قطب زاده

سپس با آقای دکتر ولایتی درباره برنامه سفرشان به هندوستان و کیفیت برخورد با آیت‌الله شریعتمداری مذاکره شد. شام را همان جا خوردیم و ساعت دوازده به مجلس رفتیم.

دوشنبه ۶ اردیبهشت

تا ساعت نه صبح مطالعه کردم و سپس برای ملاقات‌ها و انجام کارهای اداری به دفترم رفتم. عده‌ای از نمایندگان برای کارهایشان مراجعه کردند. بیشتر نمایندگان در ملاقات‌ها اظهار نگرانی می‌کنند از احتمال پذیرش آتش بس و عدم مجازات صدام و ادامه فشار صدام بر نیروهای اسلامی انقلابی عراق.

بعد از ظهر آقای [عبدالکریم] موسوی اردبیلی و آقای [سیدحسن] طاهری خرم‌آبادی آمدند و گفتند، آیت‌الله [حسینعلی] منتظری می‌خواهد که به امام گفته شود، مسئله آقای شریعتمداری را از این شور بیندازند و در مورد پرونده از ایشان بازپرسی شود. آقای [محمدمحمدی] ری‌شهری هم اطلاع داد که در بازجویی‌های مجدد، ایشان اعتراف‌های جدیدی کرده و پرداخت پول به آقای [سیدمهدی] مهدوی و مذاکره با آقای [عبدالرضا] حجازی را هم پذیرفته است.

سپس چند ملاقات داشتم. آقای [محسن] رضائی فرمانده سپاه پاسداران اطلاع داد که به زودی عملیات تعرضی ما در جبهه‌های اهواز، خرمشهر، آبادان و کرخه نور آغاز می‌شود.

سه شنبه ۷ اردیبهشت

پس از نماز مشغول مطالعه شدم. ساعت هفت و نیم به تالار مجلس رفتیم. آقای [محمد] موسوی خوئینی‌ها جلسه را افتتاح کرده بود. به دفترم برگشتم و به مطالعه پرداختم. بعد از تنفس به جلسه رفتم که بحث اساسنامه سپاه ادامه داشت.

ظهر امام جمعه ایذه به ملاقات آمد و برای احداث جاده‌ای در منطقه کمک می‌خواست. سپس روحانیت رفسنجان که از جبهه برگشته بودند، آمدند و شش کیلو طلا و پنج کیلو نقره و نزدیک چهار میلیون تومان پول از هدایای مردم رفسنجان را برای جنگ و جنگ زدگان آوردند.

عصر آقای دکتر ولایتی و آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمدند و درباره تشکیلات تبلیغات

خارجی مشاوره کردیم. سپس گروهی از اعضای دفتر مرکزی جهاد سازندگی آمدند و از انحراف و فساد مختصری که در دفتر مرکزی شان وجود داشت، گزارش دادند. دو نفر از معاونان وزارت نفت هم آمدند و از آقای [محمد] غرضی [وزیر نفت] در مورد تصفیه نیر و های قدیم و لغو امتیازات ویژه کارکنان نفت شکایت داشتند.

اعضای دفتر تبلیغات [اسلامی] قم آمدند؛ حدود یکصد نفر از طلاب قم بودند که گزارش کارشان را دادند. خوب است؛ ده‌ها هزار مورد اعزام مبلغ و پخش ده‌ها هزار نوار و کتاب داشته‌اند. دو هزار طلبه هم به جبهه اعزام کرده‌اند که یکصد و هفتاد شهید داده‌اند و گفتند نگرانی عمده نیر و ها در جبهه از احتمال کوتاه آمدن مسئولان در مقابل فشارهای بین‌المللی مبنی بر پذیرش آتش بس است و خبر دادند که رزمنده‌ها می‌گویند ما حاضر نیستیم بدون تحقق اهداف اعلام شده دفاع به خانه‌ها برگردیم. فراوانی این گونه مراجعات احتمال برنامه‌ریزی را تقویت می‌کند و می‌تواند طبیعی هم باشد. من هم برایشان صحبت کردم* و گفتم در آینده همه چیز برای شماروشن می‌شود. انتظار نداشته باشید همه مسائل جنگ را در سخنرانی عمومی یا مصاحبه‌ها بشنوید.

آقای مهندس [کاظم] سیفیان معاون شهرداری تهران آمد و از مشکلات شهرداری و مقررات دست و پاگیر گفت. آقای چهپور آمد و مقداری دلار را که از زمان آیت‌الله [سید محمود] طالقانی باقی مانده بود، تحویل داد. در حدود بیست و یک هزار دلار بود که آنها را در صندوق مجلس به آقای [مصطفی] کتیرائی سپردم؛ قرار شد که فی سبیل الله مصرف شود و گفت مقداری طلا و... مانده است که گفتم در راه خدا مصرف کند.

شب به خانه آمدم. تلویزیون مصاحبه آقای [احمد] عباسی داماد آقای شریعتمداری را گذاشت. اعتراف کرد که آقای شریعتمداری در متن توطئه کودتا بوده و با یکی از کشورهای خلیج فارس هم ارتباط داشته است.

چهارشنبه ۸ اردیبهشت

تا ساعت ده و نیم در خانه ماندم. به ورزش، مطالعه و نوشتن خاطرات عقب مانده پرداختم. آقای [شیخ محمد] هاشمیان آمد و گزارشی از اوضاع رفسنجان داد و گفت، همه چیز خوب و روبه راه است.

احمد آقا آمد و از جریان مذاکراتش با آقای [احمد]عباسی داماد آقای شریعتمداری گزارشی داد و گفت که امروز او را برای مواجهه با آقای شریعتمداری به قم برده‌اند. خانم شهید مطهری آمد و تقاضای صدور پیام امام برای سالروز شهادت آقای مطهری و ملاقات با امام را داشت که به احمد آقا گفتم. ساعت یازده صبح برای شرکت در جلسه کمیسیون آیین نامه به مجلس رفتم. به آیین نامه جدید، چند ایراد از طرف شورای نگهبان گرفته شده است که برای اصلاح بحث کردیم، تمام نشد. پنجاه تومان هم به خاطر تأخیر جریمه شدم. عصر گروهی از نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشجویان آمدند و راجع به مدیریت دانشگاه‌ها و شرایط دانشجو و استاد برای آنها سخنرانی کردم^۱. اول شب گروهی از فرماندهان سپاه پاسداران در شهرستان‌ها به منظور اعتراض به اساسنامه سپاه که در دستور کار مجلس است، آمدند ولی حرف مهمی نداشتند. در بحث قانع شدند و قرار شد که نوار صحبت را برای رفقایشان که برای استمداد از آیت‌الله منتظری به قم رفته‌اند، بگذارند. شب در مجلس خوابیدم. آقای [محمد] موسوی خوئینی‌ها بخشی از اسناد لانه جاسوسی را در مورد آقای شریعتمداری، در تلویزیون افشاگری کرد.

پنجشنبه ۹ اردیبهشت

جلسه علنی داشتیم و اساسنامه سپاه در دستور بود^۲. قبل از جلسه درباره اتقان اساسنامه و

۱- در این سخنرانی درباره انقلاب فرهنگی، موضع‌گزینش در دانشگاهها و ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران بحث شد. رجوع

کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- لایحه اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اجرای اصل یکصد و پنجاهم قانون اساسی ارائه شد. در این اصل آمده است: "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ارائه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پا برجامی ماند، حدود و وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو و مسئولیت نیروهای مسلح دیگر، با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها، به وسیله قانون تعیین می‌شود." در اجرای اصل مذکور و با (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

بی‌جهت بودن موج نارضایتی در سپاه صحبت کردم که فکر می‌کنم مؤثر است.^۱
 ظهر آقای [عبدالله] دکتر جاسبی آمد و از کم توجهی آقای نخست وزیر نسبت به حوزه کاری اش شکایت داشت.^۲

آقای اعتمادیان رئیس اوقاف آمد و خواست که در نماز جمعه، مردم را با مسائل وقف آشنا کنم. درباره آیت‌الله شریعتمداری و اوقاف در سالهای پیش از انقلاب نیز صحبت‌هایی کرد. عصر کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتیم. سپس کمیته تحقیقات حزب آمدند و گله داشتند که آمار آنها مورد استفاده دولت و حزب قرار نمی‌گیرد. اول شب با ستاد انقلاب فرهنگی در دفتر رئیس جمهور جلسه داشتیم که طرحی برای شورای عالی فرهنگی داشتند. تا حدودی به توافق رسیدیم که مرکب از ستاد، نمایندگان دولت و منتخبان اساتید باشد.

راجع به دانشگاه آزاد [اسلامی] که من پیشنهاد کرده‌ام بحث شد. کار مهمی است و احتیاج به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

توجه به اهمیت و گستردگی وظایف سپاه و مشکلات و نواقص این نهاد و مسأله هماهنگی آن با سایر نیروهای نظامی و انتظامی، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶/۱۵/۶۱ این لایحه را که مشتمل بر ۵ فصل و ۴۹ ماده و ۱۵ تبصره است از تصویب گذراند. در قسمتی از این قانون آمده است: "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمانهای الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران در تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می‌باشد".

۱- در این نطق آمده است: من در مجموع این حرکت (تصویب اساسنامه سپاه) را در جهت خیر و صلاح سپاه می‌دانم. سپاه از حدود و حقوق و ضوابطی فعلاً برخوردار می‌شود که تاکنون قانوناً نداشته و این اولین قدم در راه تحکیم موقعیت و تثبیت رسالت سپاه است و ان‌شاءالله رو به تکامل است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰ گفتنی است، دلیل نارضایتی در سپاه، انتظارات زیادی بود که این نیروها داشتند و به کار در حدود مقررات و قوانین عادت نکرده بودند. این نیروها فکر می‌کردند با تصویب اساسنامه سپاه آنان محدود خواهند شد و نخواهند توانست مسئولیت‌های انقلابی خود را به انجام برسانند.

۲- در آن هنگام دکتر عبدالله جاسبی معاون نخست وزیر و رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور بود.

عکس دیدار با روحانیون

توضیح دارد. دیگران به تدریج به اهمیت آن پی می‌برند و همکاری می‌کنند. سپس به دیدن والده به خانه اخوی محمد رفتم که چشمشان عمل شده و حالشان خوب است.

جمعه ۱۰ اردیبهشت

صبح زود خبر دادند که نیمه شب عملیات وسیع نیروهای ما علیه عراقی‌ها در جنوب خوزستان شروع شده است.^۱ می‌خواهند خرمشهر را بگیرند و آنها را از خوزستان بیرون‌کنند. آزادی خرمشهر برای ما خیلی مهم و سرنوشت‌ساز است. همه امکانات را بسیج کرده‌ایم که نیروها بتوانند این شهر استراتژیک را از چنگ دشمن آزاد کنند. اطمینان دارم که در این عملیات خرمشهر را آزاد خواهیم کرد. فکر می‌کنم با آزادی خرمشهر سرنوشت جنگ به نفع ایران رقم خواهد خورد. با جبهه‌ها تماس گرفتیم که معلوم شد، طبق برنامه پیش رفته‌اند ولی در جبهه کرخه نور تلفات داده‌ایم و متوقف شده‌ایم. [قامه] نماز جمعه را به آقای امامی کاشانی واگذار کردم و در خانه ماندم. احمد آقا آمد و درباره پخش مصاحبه جدید آقای شریعتمداری مشورت کردیم. شب بچه‌ها و سعید و حمید [لاهوئی] بودند. عفت همراه خانواده آقای مطهری به قم رفته بود و آخر شب آمد.

در اخبار جنگ اعلام شد که بیش از سه هزار نفر اسیر گرفته‌ایم و اراضی بین کارون و جاده اهواز - خرمشهر را با هشتاد کیلومتر از همان جاده، آزاد کرده‌ایم. مصاحبه‌ای با مجله پاسدار انقلاب درباره جنگ انجام دادم.^۲

۱- عملیات بیت‌المقدس در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ در منطقه غرب کارون، جنوب غربی اهواز و شمال خرمشهر با رمز با علی بن ابیطالب علیه السلام و با هدف آزادسازی خرمشهر، پادگان حمید، هویزه، جفیر و حسیه به مدت ۲۵ روز طی سه مرحله انجام شد. وسعت منطقه عملیاتی ۶۰۰۰ کیلومتر مربع بود. در این عملیات شهر بندری خرمشهر و شهر هویزه و پادگان حمید آزاد شد. همچنین جاده مهم و تدارکاتی اهواز - خرمشهر - کرخه نور و همچنین جاده سوسنگرد - هویزه از کنترل دشمن خارج گردید.

۲- در این مصاحبه درباره نقشه تجزیه ایران، نقش بنی صدر در این توطئه، نقش بنی صدر در جنگ، جبهه متحد ضد انقلاب در جنگ، بنی صدر و نیروهای مسلح، توطئه فلج کردن نیروی هوایی و آغاز مقاومت بحث شده است. رجوع کنید به کتاب "هاشمی

رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عكس نقشه عمليات بيت المقدس

عکس نقشه عملیات بیت المقدس

خالی

شنبه ۱۱ اردیبهشت

در خانه ماندم: مطالعه، پیاده روی، و انجام کارها با تلفن. طرح نظام بانکی و لایحه قانونی اصل ۴۹ را مطالعه کردم. اولی خوب است و دومی بد نوشته شده است و اعتماد اقتصادی را به هم می‌زند.

با قرارگاه کربلا در جبهه صحبت کردم. قرار بود دیشب خرمشهر را باز پس بگیریم که به امشب یا فردا شب موکول شده است. در جبهه فکه هم عملیاتی داشته‌اند و هفتصد عراقی را اسیر کرده‌اند. امام با کارگران به مناسبت روز کارگر ملاقات داشتند و صحبت‌های خوبی کردند. اول شب به دفتر امام رفتم. فیلم مصاحبه با آقای شریعتمداری را که آقای ری شهری انجام داده، دیدیم. اقرار به اطلاع و دادن پول (نه به عنوان کودتا بلکه برای خرید خانه) دارد و از امام طلب عفو و تخفیف تبلیغات دارد. یک نظر این است که قسمتی از آن حذف شود و از امام هم همین نظر را نقل می‌کنند؛ نظر دیگر این است که اگر بدون سانسور پخش شود، معتبرتر است. قرار شد فردا شب پخش شود.

آقای سرهنگ سلیمی وزیر دفاع، در مورد فرستادن کارآموز به شوروی برای دیدن دوره موشک ضد هوایی سام ۶ تلفنی نظر خواست که نظر موافق دادم. شب جواب سئوالاتی را که از حزب توسط فاطمی راجع به انجمن حجتیه و توابعین گروهک‌ها و انتخابات میان دوره‌ای ارسال شده بود، دادم. خانم مطهری از امام برای سالگرد شهادت ایشان پیام می‌خواهند که امام به صحبت در مراسم ملاقات اکتفا کردند.

یکشنبه ۱۲ اردیبهشت

تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر در خانه ماندم. [برنامه] مطالعه و نوشتن و ورزش داشتم. اول وقت با جبهه تماس گرفتم. معلوم شد دیشب عملیات محدودی در شمال خرمشهر داشته‌ایم و صدها اسیر گرفته‌ایم.

تلفنی با حاجیه والده صحبت کردم. قرار شد که عصر به دیدن ایشان بروم. گزارش‌های مراکز خبری دنیا را خواندم. هنوز پیروزی اخیر ما کاملاً برایشان روشن نیست و عراق مدعی شکست

حملات ماست.

امروز جلسه علنی مجلس را به مناسبت روز معلم و کارگر و شهادت آقای مطهری تعطیل کرده‌ایم. آقای [رضا] سیف‌اللهی^۱ از تبریز تلفن کرد و از کشف و دستور عملیات در مورد یکی از مراکز اصلی محاربان خبر داد.

عصر به دیدن والده در منزل اخوی محمد رفتم و سپس به مجلس برای سر زدن به کارها. پس از آن به مدرسه عالی شهید مطهری برای سخنرانی در سمینار سالگرد شهید مطهری رفتم که به خاطر باران شدید از سخنرانی خودداری کردم.

به شورای مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] رفتم. درباره کاندیداهای مجلس بحث و تصمیم‌گیری شد و سپس در جلسه مشورتی سران سه قوه شرکت کردیم. آقای دکتر ولایتی گزارش سفر هند را داد که موفقیت آمیز بوده است. درباره آزاد شدن مسافرت از ایران و به ایران و محاکمه یا عدم محاکمه آقای شریعتمداری بحث کردیم و فیلم مصاحبه اعترافات ایشان را دیدیم. شام را خوردیم و به خانه آمدم.

خبر دادند که امروز بیش از بیست خانه تیمی ضدانقلاب با درگیری گرفته شده است. چهل نفر از کادرهای بالا کشته و هفده نفر دستگیر شده‌اند. دو سه خانه هم در محاصره است که احتمالاً مرکزیت آنها در آنجا باشد. مجهز به آر.پی.جی هستند.

دوشنبه ۱۳ اردیبهشت

صبح زود با جبهه تماس گرفتم. گفتند، دیشب از طرف ما فعالیتی نبوده و دشمن دو پاتک داشته که دفع شده است. دشمن در مدخل خرمشهر آب انداخته که از حمله محفوظ باشد. تا عصر در خانه ماندم. کار مهمی نداشتم و به مطالعه و استراحت پرداختم. نزدیک غروب از طرف مجله سپاه پاسداران (پیام انقلاب) آمدند و مصاحبه‌ای طولانی شد.^۲

۱- آقای رضا سیف‌اللهی در آن سال مسئول حفاظت و اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.

۲- در این مصاحبه که در تاریخ ۶۱/۲۵/۲۵ مجله پیام انقلاب ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است درباره (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

اول شب سرهنگ سلیمی وزیر دفاع تلفن کرد و گفت، هواپیمای حامل [محمد صدیق بن یحیی] وزیر خارجه الجزایر به محض ورود به خاک ایران مورد تعقیب دو جنگنده عراق قرار گرفته و با راهنمایی برج مراقبت پایگاه تبریز اطلاع خطر را به او داده است.

سه شنبه ۱۴ اردیبهشت

صبح زود به مجلس رفتیم. در بیانیه وزارت خارجه درباره سقوط هواپیمای الجزایری توسط عراق و کشته شدن سرنشینان آن - که چهارده نفر بودند - پخش شد. پیش از شروع جلسه علنی با مهندس [میرحسین] موسوی و دکتر ولایتی مذاکره تلفنی کردم و اخبار را گرفتم. پیش از دستور، این عمل زشت عراق را محکوم کردم و آن را نشان سردرگمی سران آن کشور دانستم^۱. پیش از آن که عراق چیزی بگوید، لازم بود که ما اعلام کنیم. نقص کار وزارت خارجه این بوده که سفارت الجزایر را دیر مطلع کرده است که مورد اعتراض آنهاست.

طرح اساسنامه سپاه در دستور بود و سپس چند لایحه تصویب شد. بعد از ظهر روحانیون عراق

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

موضوعات نهضت‌های آزادیبخش سپاه، تشکیل تیپ‌های قدس و گردان جولان، مصلحت‌اندیشی بعضی از مسئولان، آینده عراق، تغییر سیستم اداری کشور، حل مساله زمین و مسکن، برنامه‌های مجلس در جهت رفاه مستضعفین، بازسازی ارتش، جذب نیروهای بی‌تفاوت، تقویت تشکیل‌های اسلامی، اثرات نماز جمعه، ازدواج جوانان، حل مسائل اقتصادی و توطئه‌های آمریکاعلیه انقلاب اسلامی مطالبی بیان شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱- در این نطق آمده است: پیروزی چشمگیر سپاه اسلام در عملیات بیت‌المقدس برای ناظران و کسانی که حزب بعث عقلی را می‌شناختند این نگرانی را ایجاد کرده بود که عراق و حکام بعثی با مشاهده این حرکت و وسیع‌نیروهای اسلام دچار اضطراب و جنون می‌شوند و دست به عملیات جنون‌آمیزی می‌زنند. اما کسی فکر نمی‌کرد که جنون صدام به این اندازه اوج بگیرد که هواپیمای وزیر خارجه دولت دوست و انقلابی الجزایر را به جرم اینکه به ایران انقلابی مسافرت می‌کند، مورد هجوم قرار بدهد و وزیر خارجه و همراهانش را در آتش خودش بسوزاند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱،

جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

(جماعة العلماء) آمدند و از این که آقای حکیم به آنها کم بها می دهد، گله داشتند. ایجاد توافق و همکاری بین نیروهای اسلامی عراق بسیار مشکل است. آنها را نصیحت کردم و گفتم که آقای رئیس جمهوری مسئول هماهنگ کردن آنها هستند.

خانم آقای علی بابایی آمد و از توقیف اموال شوهرش گله داشت و تظلم می کرد. به او گفتم، که قبلاً توسط دکتر عالی به آقای علی بابایی پیغام داده ام که اگر با منافقان همکاری ندارد، ظاهر شود و کسی کاری با او ندارد، و بقیه مسائل هم حل خواهد شد.

جلسه [جامعه] روحانیت مبارز امشب در دفتر من تشکیل گردید و راجع به کاندیداهای [مجلس] خبرگان بحث و اتخاذ تصمیم شد. جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم در بیست مورد با لیست ما مخالفت کرده اند. جلسه تا ساعت دوازده طول کشید و شب را در مجلس خوابیدم.

چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت

پس از نماز مشغول مطالعه شدم. اخبار مربوط به سقوط هواپیمای الجزایری را تعقیب کردم. گروهی از الجزیره برای تحقیق و بردن جنازه ها آمده اند. سوریه مثل ما موضع گرفته و عراق را مسئول دانسته است. بعضی از کشورها موضع منفی گرفته اند و بعضی بی طرفند. روزنامه های ترکیه هم شیطنت می کنند و بعضی ها هم اعتراف دارند. مسئله مهمی است و اگر خوب روشن شود که عراق مقصر است، ضربه بزرگی به صدام است.

در مجلس، جلسه علنی داشتیم. چند کار کوچک و سپس لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی مطرح و تقریباً نصف آن تصویب شد. بعد از ناهار و نماز و استراحت، جلسه هیئت رئیسه داشتیم که در آن، به امور اداری و برنامه های هفته آینده رسیدگی شد.

کمیسیون داخلی به این که طرح اطلاعات کل کشور را به سه کمیسیون داخلی، خارجی و دفاع داده ایم، معترض بود ولی اعتراض جواب داده شد. عصر، شاخه دانشجویان حزب جمهوری اسلامی آمدند و مفصلاً برای آنها صحبت کردم*. خانم ها از این که نقش واقعی اجتماعی زنان هنوز در انقلاب مشخص نشده گله داشتند و از این که جامعه ما زن غیر شاغل را برای ازدواج و همسری ترجیح می دهد، ناراحت بودند.

اول شب، اعضای شورای سرپرستی صدا و سیما آمدند و از اظهارات اخیر امام که گفته اند سران

عكس از خرمشهر قبل از فتح

سه قوه باید اعضای اصلی این شورا باشند تا سیاست واقعی کشور را به آنتن دیکته کنند، ناراحت بودند و آن را توهین به خود می دانستند و معتقد بودند که آقای [عبدالمجید] معاد یخواه در دولت و احمد آقا در خدمت امام باعث این تصمیم گیری بوده اند. با بحث زیاد آنها را تا حدودی قانع کردم که قدم مثبتی است و به آنها گفتم از امام هم تقاضا می کنیم که نسبت به آنها جبران نمایند.

پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت

جلسه علنی مجلس داشتیم. قبل از دستور، راجع به سقوط طیاره الجزایری صحبت کردم!.^۱ جنازه های الجزایری ها از مقابل مجلس تشییع می شد. به خاطر آنها تنفس اعلام و در مراسم شرکت کردیم. جمع زیادی از مردم بودند. گریه می کردند و شعار می دادند. آقای [حسن] اروحانی نماینده سمنان و وزیر حمل و نقل الجزایر که سرپرست هیئت الجزایری بود صحبت کردند. ما صریحاً عراق را عامل معرفی می کنیم ولی الجزایری ها هنوز نظر نداده اند. من هم از مردم تشکر کردم. دستور جلسه لایحه بازرگانی خارجی بود و آقای [محمد] موسوی خوئینی ها ادامه جلسه را اداره کرد. کسالت داشتیم و برای استراحت رفته و کمی خوابیدم. فاطمی هم که در دفتر من بود، تحلیل های سیاسی بچه های حزب را تصحیح می کرد.

عصر کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتیم. شاخه دانش آموزی حزب آمدند و چاره ای برای سربازی رفتن مسئولان شاخه می خواستند؛ امتیاز بی جا نباید داده شود. استانداران - که این روزها سمیناری درباره تقسیمات کشوری داشته اند - آمدند و برای آنها صحبت کردم*.^۲ پیشنهاد داده اند، کشور ۳۶ استانداری و ۹ ولایت داشته باشد. گروهی از اعضای دایره سیاسی ایدئولوژیک ارتش آمدند و از موضع آقای صفایی گله داشتند. شب به خانه آمدم. امروز در فکه عملیات داشته ایم که در آن هفتصد نفر اسیر شده اند و نود تانک و نفربر غنیمت گرفته ایم.

۱- در این نطق آمده است: امیدواریم دنیای اسلام و وجدان حق طلبان دنیا از این جنایت عظمی بیشتر به خود آیند و چهره فاشیستی صدام و حزب بعث عقلی برای مردم بیش از پیش روشن شود. رجوع کنید «کتاب» هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از

دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم "دفتر نشر معارف انقلاب"، ۱۳۸۰

جمعه ۱۷ اردیبهشت

تا ساعت ده ونیم در خانه بودم، گروهی از مجروحان جنگ از بیمارستان شهدا آمدند. شخصی مدعی دیدن امام زمان و شفای پایش پس از قطع شدن آن بود. که می‌گفت با آن که خمپاره در پای اوست و استخوان‌ها را شکسته، معلوم نیست از کجا رفته چون پا را امام زمان بعد از قطع شفا داده. باید رسیدگی کنم.

در نماز جمعه شرکت کردم. خطبه اول در فضایل علی علیه السلام و خطبه دوم در مسایل روز و از جمله پیشرفت جنگ و وضع دشوار دولت بعث و منافقان^۱. اوائل صحبت خیر دادند که مرحله دوم عملیات بیت المقدس شروع شده و در غرب کارون، در محدوده‌ای به عرض بیست کیلومتر به مرز رسیده‌ایم و به طرف شلمچه خواهیم رفت.

بعد از ظهر احمد آقا به منزل ما آمد و خبر داد که عراقی‌ها پاتک کرده‌اند و ما در شمال خر مشهر عقب نشسته‌ایم؛ موضوع را تلفنی پیگیری کردم که معلوم شد، خیلی مهم نیست و امشب جبران می‌شود.

شنبه ۱۸ اردیبهشت

صبح زود با جبهه تماس گرفتم. معلوم شد که دوباره عراقی‌ها را عقب زده‌ایم و به جای دیروز برگشته‌ایم و [حدود] شصت نفر شهید و شصت نفر اسیر داده‌ایم. آقای [ابولفضل] توکلی مسئول مستغلات بنیاد [مستضعفان] که از سفر آمریکا برگشته بود، آمد و گزارش کار و املاک بنیاد خود و وضع دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا را داد.

احمد آقا و آقای [علی] حجتی کرمانی هم آمدند. آقای حجتی اظهار ناراحتی می‌کرد و کاری

۱- در خطبه اول محور بحث تشریح فضایل و مکارم حضرت امام علی علیه السلام و تواضع آن حضرت در دوران اقتدار بود و در خطبه دوم درباره سالگرد شهادت استاد مطهری، شروع عملیات بیت المقدس، واکنش‌های دشمنان داخلی، سقوط هواپیمای هیأت الجزایری، توصیه به امت قهرمان در مورد رسیدگی به رزمندگان اسلام و بخشش کسانی که از سرگمراهی غیبت مسئولان را کرده‌اند، بحث شده است. رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

می خواست. احمد آقا خبر داد که عراقی‌ها از پادگان حمید و هویزه فرار کرده‌اند. در تماس با جبهه، این خبر تأیید شد. این حادثه مهمی است که نظامیان عراق فرار کرده‌اند و نیروهای ما آنها را تعقیب کرده‌اند. در جفیر نیز درگیر شده‌ایم.

عصر ناخدا [دکتر بهرام] افضلی و آقای [محمد علی] الهی فرمانده نیروی دریایی و مسئول سیاسی ایدئولوژیک آمدند و گزارشی از وضع نیروی دریایی دادند؛ گویا افرادی با آنها مخالفت دارند و می‌خواستند زمینه سازی کنند که حرف‌های آنها را نپذیریم.

شب آقای منتظری تلفن کردند و پیشنهاد دادند که سریعاً به منظور سقوط صدام وارد خاک عراق شویم. خبری تأیید نشده رسید که یک هلیکوپتر عراقی در خاک ایران، فرود آمده و عده‌ای از مسئولین عراقی پناهنده شده‌اند. گفتم که تحقیق کنند. شایعه‌ای مبنی بر ناپدید شدن صدام هم هست.

یکشنبه ۱۹ اردیبهشت

به جلسه علنی مجلس رفتم که ساعت هفت و نیم شروع شد. پیش از دستور، راجع به پیروزی عملیات بیت المقدس و فرار نیروهای عراقی از پادگان حمید، هویزه و جفیر صحبت کردم^۱. بحث درباره لایحه بازرگانی خارجی بود که تمام نشد. ظهر و عصر چند ملاقات داشتم.

ساعت پنج بعد از ظهر در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. دو نفر از اعضا - آقایان [مسیح] مهاجری و [علیرضا] محجوب - به عنوان اعتراض به کاندیداهای حزب برای تهران استعفا کرده‌اند. عملی نادرست و غیر حزبی کرده‌اند و مطالب دیگری هم در دستور بود

۱- در این نطق آمده است: همین صدام است که دو سال پیش به خاطر خلق کردن قادسیه جدید از ارتش عراق تشکر کرد و خودش را قهرمان قادسیه زمان معرفی کرد. فراری که دیروز تحت فشار و زیر رگبار مسلسل نیروهای پیاده‌اما انجام گرفته است، فرار عادی نیست. کاری که صدامیان با پادگان حمید و هویزه و قبلاً با خرمشهر و قصر شیرین و جاده ما و خط آهن‌ها و حتی تیر چراغ برق‌ها انجام داده‌اند، چیزی نیست که به آسانی بشود از آن گذشت. نه، ما اینها را به حساب صدام و در لیست طلب خودمان بابت خسارت جنگ قرار می‌دهیم. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم"

که انجام شد.

سپس در جلسه مشورت سران قوه‌ها شرکت کردم. آقای دکتر ولایتی گزارش سفر خود، به سوریه و الجزایر را داد. الجزایری‌ها محافظه‌کاری می‌کنند و موضعشان را درباره سقوط هواپیمای [محمد صدیق] بن یحیی [وزیر خارجه الجزایر] مشخص نمی‌کنند. سوری‌ها موضع خوبی گرفته‌اند و قول همکاری بیشتری می‌دهند. درباره بسیاری از مسایل بحث کردیم، شام را همان جا خوردیم و ساعت دوازده شب به مجلس رفتیم و اخبار را از رادیو شنیدیم.

امروز سومین مرحله عملیات ما برای پس گرفتن خرمشهر آغاز شده و مقداری پیش روی کرده‌ایم. می‌گویند که عراقی‌ها دارند فرار می‌کنند. صدام سخنرانی کرده و از عقب نشینی به موقع نیروهایش تقدیر کرده است. امروز ناگهان دچار دردکمر شده‌ام؛ سابقه هم دارد.

دوشنبه ۲۰ اردیبهشت

تا ساعت نه ونیم صبح مطالعه کردم. سپس آقای [عبدالله] جاسبی آمد و طرحی برای دانشگاه آزاد اسلامی - که پیشنهاد آن را قبلاً مطرح کرده‌ام - آورد که جالب نبود و قرار شد - با توضیحاتی که دادم - دوباره آن را بنویسند.

ساعت ده به کمیسیون آیین نامه برای اصلاح اعتراضات شورای نگهبان رفتیم. بعد از ظهر در جلسه نمایندگان عضو یا هوادار حزب جمهوری شرکت کردم و درباره جنگ، وضع موجود جبهه‌ها و برنامه‌های آینده سخنرانی کردم*.

عصر یاسر و مهدی و عفت به مجلس آمدند که پیش من باشند. خیلی خوب شد زیرا تنها بودم و دردکمر داشتم و چون فردا هم جلسه داریم، نمی‌خواستم به خانه بروم. در دفتر من، به خاطر محدودیت‌ها به آنها خوش نمی‌گذرد.

شب با رئیس جمهور جلسه خصوصی داشتیم و یکی دو ساعت درباره حزب و اعضای دولت و ... صحبت کردیم. قرار شد ایشان - که دبیر کل حزب هستند - وقت بیشتری روی حزب بگذارند و افراد صد درصد مطمئن را به کارگردانی امور بگمارند. عصر آقای [عباس] هنردوست از وزارت نفت آمد و اطلاع داد که به اندازه امکان صدور، نفت فروخته‌ایم و در دو سه ماه آینده نمی‌توانیم بیشتر بفروشیم، در حالی که مراجعه برای خرید نفت زیاد است. او مدعی است که در حال حاضر،

عکس آزادی هویره

عکس خرمشهر

امکان تولید بیش از سه میلیون بشکه در روز نداریم. شب در مجلس خوابیدم.

سه شنبه ۲۱ اردیبهشت

ساعت هفت و نیم به جلسه علنی رفتم. لایحه دولتی کردن تجارت خارجی تصویب شد. بعد از تنفس، اداره جلسه را به عهده آقای [محمد موسوی] خوئینی‌ها گذاشتم. لایحه معادن مطرح شد. در جلسه شرکت نداشتم و در دفترم کارهای عقب مانده را انجام دادم. از جبهه‌ها اطلاع گرفتم. محاصره خرمشهر را تنگ‌تر کرده‌ایم و کمی از مرز به طرف عراق رفته‌ایم.

ظهر مهندس [مهدی] بازرگان^۱ و دکتر [ابراهیم] یزدی آمدند و از فشار حزب الله بر آنها گله داشتند و چاره‌جویی می‌کردند. گفتم مردم شما را همکار بنی‌صدر و منافقین می‌دانند و طبعاً عکس‌العمل نشان می‌دهند. شما اگر به راستی جمهوری اسلامی را قبول دارید و آنها را قبول ندارید، موضع‌گیری کنید و الاکاری نمی‌توانیم بکنیم. به آنها گفتم که رفتار تان جوری است که اگر بنی‌صدر - به فرض محال - برگشت، بتوانید با او کار کنید؛ اشتباه می‌کنید.

گروه انجمن اسلامی مخابرات عصر آمدند و از وزیر شکایت داشتند. سپس مصاحبه‌ای تلویزیونی درباره انقلاب فرهنگی داشتم* و گروهی از مردم استان تهران آمدند و برایشان سخنرانی

۱- مهندس مهدی بازرگان (۱۳۷۲-۱۲۸۶) رهبر نهضت آزادی ایران در بدو پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی امام خمینی به عنوان رئیس دولت موقت منصوب شد.

مهندس بازرگان در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی به مجلس راه یافت و به همراه هم‌فکران خود از جمله دکتر ابراهیم یزدی، علی اکبر معین‌فر، هاشم صباغیان، احمد صدر حاج سید جوادی، مهندس سبحانی و کاظم سامی فراکسیون اقلیت دوره اول مجلس را تشکیل داد. مهندس بازرگان تا پایان عمر به عنوان اپوزیسیون فعالیت می‌کرد و به انتقاد از عملکرد مسئولان نظام جمهوری اسلامی می‌پرداخت که در برخی مواقع، با پاسخ امام خمینی (ره) مواجه می‌شد. وی پس از بیماری برای مداوا به سوئیس منتقل و در سال ۱۳۷۲ در آنجا درگذشت.

* - خوانندگان محترم که متن این مصاحبه یا نوار آن را در اختیار دارند با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.

کردم* آقاي [رضا] امراللهی مسئول انرژی اتمی آمد و ضمن ارائه گزارشی درباره ادامه کار نیروگاه بوشهر، تأیید ما را می‌خواست. شب به خانه آمدم. والده، همشیره‌ها و بستگان مهمان ما بودند.

چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت

تا ساعت نه در خانه استراحت داشتم. ساعت نه با آقایان خامنه‌ای و ناطق‌نوری خدمت امام رفتیم و راجع به انتخابات [مجلس] خبرگان بحث کردیم. امام موافقت کردند. راجع به فتوای ایشان، در مورد این که استفاده از انفال در زمان غیبت برای عموم آزاد است، بحث و سؤال شد که آیا این فتوا زمان حکومت حقی مثل حکومت کنونی ایران را در بر می‌گیرد. امام جواب روشنی ندادند و خائفند که اگر صریحاً بگویند، دولت می‌تواند جلوی استفاده از انفال را بگیرد، حقوق بخش خصوصی پایمال شود؛ ظاهراً مصلحت نمی‌دانند. در دفتر امام گفته شد که عملیات بیت‌المقدس تاکنون پانزده هزار مجروح و سه هزار شهید داشته است. ولی شب که با آقای محسن رضایی صحبت کردم، رقم شهدا را چهار هزار و هفتصد و مجروحان را هفده هزار نفر اعلام کرد که اسفبار است. بعد از ظهر احمد آقا آمد و راجع به جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم و آقای شریعتمداری که می‌خواهد برای معالجه به خارج بروند صحبت کرد. عفت و بچه‌ها برای کلاس به منزل آقای [عبدالمجید] معادیخواه رفتند و من و والده در خانه ماندیم. حادثه تازه و مهمی رخ نداده است. خبر کشف مرکز گروه پیکار^۱ در شیراز و دستگیری

۱- "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" تشکیلاتی بود برآمده از درون سازمان مجاهدین خلق و از تبعات التقاط حاکم بر آن سازمان. تقی شهرام، عضو قدیمی سازمان که در سال ۱۳۵۰ دستگیر شده بود، در زندان تغییر مرام داد و مارکسیست شد و پس از فرار از زندان ساری در بهار ۱۳۵۲ به مرکزیت سازمان راه یافت و به تدریج ارتداد را حاکم ساخت. جمعی از اعضای دیگر نیز در زندان مرتد شدند. پس از فعل و انفعالات بسیار، از جمله ترور و حتی لو دادن عناصر مذهبی به ساواک، ترکیب مارکسیستی سازمان چند پاره شد که مهمترین پاره آن، متشکل از مارکسیست‌های خارجی و درون زندان، "سازمان پیکار" نامیده شد. این (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شصت نفر از آنها پخش شد. در جبهه خبر مهمی نبوده، مگر نفوذ مختصری در خاک عراق و خبر تظاهراتی در شهرهای عراق علیه حکومت آن کشور.

پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت

جلسه علنی داشتیم. لایحه معدن مطرح بود. پیش از ظهر آقای [حسن] حبیبی آمد و نظر امام را درباره ترکیب ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش گفت. قرار شد که من با امام صحبت کنم. آقای شیخ [محمد] جعفر شمس‌الدین از لبنان ظهر آمد و حمایت از آقای [محمد مهدی] شمس‌الدین را درخواست کرد. درباره پذیرفتن دعوت آقای [احمد] سکوتوره از آقای شیخ شمس‌الدین مشورت می‌کرد که من نظر موافق خود را اعلام کردم.

عصر کلاس [درس] مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتیم و سپس آقای [محمد علی] نجفی وزیر علوم آمد و راجع به شورای عالی آموزش و خیلی چیزهای دیگر مطالبی مطرح شد. مریبان هلال احمر آمدند و گزارشی از خدمات خود دادند که جالب بود. عبایی به آقای [حسن] فیروزآبادی سرپرست سازمان هدیه دادم.

شب آقای ترابی از دفتر مشاورت امام آمد و راجع به ارتش مطالب جالبی داشت. مخصوصاً از معاونت طرح و برنامه نیروی هوایی که توجهی به خودکفایی ساخت قطعات ندارد. شب به منزل رفتم، یاسر و مهدی از منزل فاطمی آمدند. یاسر به خاطر این که فاطمی او را به کتابخانه مورد نظرش نبرده بود، قهر کرده و گریه و بداخلاقی داشت و با همین حال خوابید.

جمعه ۲۴ اردیبهشت

[اقامه] نماز جمعه را به عهده آقای [محمد مهدی] ربانی املشی گذاشتم. تا ساعت یازده مطالعه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

گروه باگرایش به نوعی کمونیسم چینی، در جریان تئوریهای سیاسی بنی صدر، با لیبرالها نیز همسو شد. سرانجام مرکزیت گروه پیکار در زمستان ۱۳۶۰ متلاشی شد و رهبران آن به دام افتادند.

و پیاده روی داشتم و ظهر همراه با خانواده و همسر شهید مطهری به کرج رفتیم. مهمان آقای [حسین فریدون] روحانی فرماندار کرج بودیم. آقایان [عبدالکریم] موسوی اردبیلی، [عبدالمجید] معادیخواه، [علی اکبر] ناطق نوری و دکتر [حسن] روحانی هم بودند. تا غروب آنجا ماندیم. مقداری باران آمد و هوا خوب بود.

شب به خانه آمدم و به اخبار صدا و سیما گوش دادم. با جبهه تماس گرفتم و معلوم شد در پلانی، عراق به ما حمله کرده و خاکریزی تصرف کرده و چند نفر از ما اسیر گرفته است. احتمالاً برای منصرف کردن فکر ما از خرمشهر دست به این کار زده است.

شنبه ۲۵ اردیبهشت

تمام وقت در منزل ماندم و مطالعه و استراحت داشتم. ظهر آقای بهزاد نبوی آمد و راجع به معرفی او به مجلس برای تصدی وزارت صنایع سنگین، نگران بود که مبادا مخالفان انحراف فکری و چپ‌گرایی را مطرح کنند و از من می‌خواست از او دفاع ایدئولوژیک کنم. عصر رئیس پاسداران محوطه بیت امام و جماران آمد و مشکلاتی که در رابطه با انجام وظایف داشت، مطرح کرد. احمد آقا هم آمد و راجع به کاندیداهای مجلس خبرگان، نظر امام را گفت. من هم درباره شورای عالی آموزش و فرهنگ و طرحی که در جلسه مشورتی سران سه قوه تصویب شده بود و ستاد انقلاب فرهنگی آن را به امام گزارش داده است، توضیح دادم. خبر مهمی نداشتیم. اعضای شورای حزب جمهوری [اسلامی] اصفهان آمدند و گزارشی از وضعشان دادند و راجع به نیازهای فکری حزب بحث‌هایی داشتیم.

یکشنبه ۲۶ اردیبهشت

ساعت هفت و نیم برای جلسه علنی به مجلس رفتیم. ادامه بحث درباره لایحه معدن در دستور بود و تصویب شد. بعد از تنفس جلسه را به عهده آقای [محمد] موسوی خوئینی‌ها گذاشتم و برای

انجام کارهای اداری به دفترم رفتیم. گزارشها را مطالعه کردم. شورای همکاری خلیج فارس^۱ - که پس از پیروزی ایران تشکیل شده - به علت اختلاف نظر درباره برخورد با ایران نتوانسته تصمیمی بگیرد. بعضی طرفدار دوستی با ایرانند.

در تنفس راجع به استعفای آقای [محمد] یزدی صحبت کردیم و قرار شد که پس بگیرند. [جامعه] مدرسین [حوزه علمیه] قم هم همین را خواسته‌اند. استعفای آقای [محمد] رجائیان [نماینده مردم زنجان] - که به خاطر اهانت آقای [علیرضا] یارمحمدی [نماینده مردم بم] داده است - مطرح و قرار شد که ایشان هم منصرف شود که انجام شد.

بعد از ظهر در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. اعضای انجمن اسلامی مخابرات به خاطر تعویض یک مدیر کل در اداره شلوغ کرده‌اند و بی‌نظمی به وجود آورده‌اند و تعدادی از آنها بازداشت شده‌اند؛ حرف حسابی ندارند.

شب جلسه شورای مشورتی رؤسای سه قوه بود. تصمیم گرفتیم که مسافرت به خارج و ورود خارجیان را به ایران آزاد کنیم. برای خواب به مجلس رفتیم.

عصر با کارکنان روابط عمومی مجلس ملاقات داشتم و راهنمایی‌ها و نصیحتی کردم.

دوشنبه ۲۷ اردیبهشت

بعد از نماز و مقداری مطالعه در جلسه شورای اقتصاد شرکت کردم. بحث درباره حدود فعالیت بخش خصوصی در صنعت بود. بیشتر در کلیات و خطوط اصلی و حدود ثروت و آزادی‌های اقتصادی و... بحث شد. پیشنهاد اجازه فعالیت بخش خصوصی را در آموزش عالی دادم^۲.

۱- شورای همکاری خلیج [فارس] یک سازمان منطقه‌ای است که کشورهای حاشیه خلیج فارس جز ایران در آن عضویت دارند. این شورادر زمان جنگ عراق با ایران بیشترین حمایت‌ها را از رژیم متجاوز بعثی کرد. مواضع این شورا پس از حمله عراق به کویت نسبت به ایران ملایم تر گردید اما هیچگاه این مواضع دوستانه نشد و موضوع سه جزیره ایرانی و ادعای امارات هنوز دستاویزی برای مخالفت این شورا با جمهوری اسلامی ایران بوده است.

۲- همین موضوع شروع بحث تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی است. در سال ۶۱ که اغلب انقلابیون به دولتی کردن همه چیز نظر (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

ظهر به مجلس آمدم. بعد از ظهر در جلسه فاتحه خوانی هفتصد شهید عملیات بیت المقدس - که در مدرسه و مسجد شهید مطهری برقرار بود - شرکت و سخنرانی کردم و درباره آثار مثبت آن عملیات و ارزش شهید و شهادت صحبت کردم تا تسلیتی برای مردم و بازماندگان باشد. در این جلسه مراجعات فراوانی از سوی رزمندگان داشتم که تأکید بر ادامه جنگ داشتند و نسبت به کسانی که مصلحت ختم جنگ را مطرح می‌کنند اهانت می‌کردند. به آنها اطمینان دادم که شخص امام سیاست جنگ را زیر نظر دارند.

نزدیک غروب آقای [مرتضی] انبوی وزیر پست و تلگراف و تلفن آمد و شرح درگیری‌های خود با انجمن اسلامی را داد و نگران بود. به او قول حمایت دادم. می‌گویند که با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی کار می‌کند؛ این را اتهام می‌داند. به او گفتم که اگر صحیح هم بود مانعی نداشت. شب را بیشتر به تماشای تلویزیون و مطالعه گزارش‌ها گذراندم و در مجلس خوابیدم. امروز در منطقه کوشک حمله‌ای داشته‌ایم و ضربه‌ای به ارتش عراق وارد آمده است.

سه شنبه ۲۸ اردیبهشت

در جلسه علنی امروز چند لایحه تصویب شد و لایحه قصاص را برای تصویب به کمیسیون قضایی ارجاع کردیم. ظهر چند ملاقات با نمایندگان داشتیم و در تنفس مجلس، برای جمعی از دانشجویان تربیت معلم - که تماشای جلسه بودند - درباره اهمیت مقام معلم صحبت کردم. عصر ملاقاتی با آقای سعد مجبر سفیر لیبی داشتم. اطلاع داد که لیبی با سیاست ایران در جنگ موافق است و کمک می‌کند و پیشنهاد اقدام و همکاری برای ایجاد حکومت مردمی در عراق داشت.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

داشتند، سخن گفتن از خصوصی سازی در بخش آموزش عالی جسارت و جرأت فوق العاده‌ای طلب می‌کرد. اکنون به اثرات این پیشنهاد می‌توان واقف شد. میلیونها جوان در دانشگاه آزاد اسلامی بدون هیچگونه بار مالی برای دولت به تحصیل پرداخته‌اند و اکنون تعداد دانشجوی این دانشگاه بیشتر از دانشگاههای دولتی است و اثرات عمیق آن بر ارتقاء سطح علمی و توانایی‌های نیروی انسانی کشور در بحث توسعه، کاملاً مشهود است.

آقای [سید مهدی] هاشمی مسئول نهضت‌های آزادی‌بخش آمد. نگران تزلزل موقعیت کاریش بود که به او گفتم، منتظر بماند تا مجلس رابطه قانونی واحد را با ارگان‌های مملکتی مشخص کند. فعلاً این واحد تحت اداره سپاه است.

مسئولان واحد تحقیقات و اطلاعات نخست وزیری آمدند و راجع به ابعاد کار خود در خارج از کشور و تعیین تکلیف قانونی آن واحد نظر خواستند و خبر از توسعه کار و همکاری منابع قابل اطمینان در خارج می‌دادند.

جلسه شورای عالی دفاع داشتیم و راجع به عملیات بعدی برای آزادی خرمشهر و ورود به خاک عراق، مشمولان ۱۳۳۷ و پیش از آن و خیلی چیزهای دیگر تصمیم‌گیری شد.

چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت

تا ساعت سه بعد از ظهر در خانه بودم. مطالعه و پیاده روی و استراحت داشتم. پیش از ظهر چند نفر از جوانان قم آمدند و طرحی آورده بودند برای لباس مردان که جلوی تقلید از غرب را بگیرد. راهنمایی‌هایی براساس معارف اسلام کردم که ساده باشد و زیبا و بی تکلف و حافظ عفت و راحت و خالی از زواید.

امام با خانواده‌های شهدا ملاقات داشتند و از صبح تا ظهر در کوچه‌های مجاور صدای شعار و تکبیر بلند بود؛ مطابق معمول روزهای ملاقات امام. ظهر در تماس با قرارگاه کربلا در جبهه، با فرمانده نیروی زمینی صحبت کردم. اطلاع دادند که امروز عراق حمله کرده و با دادن تعدادی اسیر و انهدام سی تانک و نفربر و کشته‌های زیاد عقب‌نشینی کرده و ما نیز شش شهید داده‌ایم. محسن از بلژیک تلفن کرد و از کارهای سفارت و مطالب ناصحیح خبرگزاری‌ها و نفوذ مثبت روزنامه الشهد در سفارت‌مان در خارج از کشور گفت.

عصر به مجلس رفتیم. برای شرکت در جلسه هیئت‌رئیس بعد از تعیین برنامه هفته آینده، راجع به تکمیل ساختمان مجلس شورای قدیم برای آینده بحث کردیم و اصل کار تصویب شد و مقرر گردید طرحی که داده‌اند رسیدگی شود. راجع به اختلاف شرکت تعاونی کارکنان مجلس با کارپردازی بحث شد که حق را به کارمندان دادیم و قرار شد اصلاح شود.

سفیر مجارستان آمد و مطلب مهمی نداشت. آقای [محمد علی] شرعی آمد و از آقای

[عبدالمجید] معاد یخواه به خاطر عدم توجه به شورای تبلیغات گله داشت. شب در مجلس خوابیدم.

پنجشنبه ۳۰ اردیبهشت

ساعت هفت و نیم به جلسه علنی رفتیم. دو فوریت اجازه ادامه تحصیل فارغ التحصیلان پزشکی برای تخصص، قبل از رفتن به سربازی مطرح بود که به تصویب رسید. البته در شورای عالی دفاع اجازه داده شده، احتیاجی به طرح لایحه نبوده است. سؤال خانم اعظم [علایی] طالقانی از آقای [محمد] سلامتی وزیر کشاورزی در خصوص گماردن افراد ناصالح در بانک کشاورزی انجام شد. لایحه توزیع عادلانه آب مطرح شد که پیشرفتی نداشتیم.

عصر در کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] شرکت کردم. رهبران هیئت مؤتلفه^۱ آمدند و ایراداتی به کارهای دولت در گمرک و بانک و... داشتند. آقای ربانی املشی دادستان کل آمد و از سران دادگاه‌های انقلاب که این روزها علیه شورای عالی قضایی حرف‌هایی زده‌اند، گله داشت و تقاضای کمک از ما می‌کرد. آقای موسوی اردبیلی هم صبح همین مطالب را تلفنی گفته بود. خبر موفقیت‌های نظامی دیروز علیه عراقی‌ها در منطقه کوشک اعلام شد. آنها حمله کرده‌اند و شکست خورده‌اند.

جمعه ۳۱ اردیبهشت

تا ساعت ده و نیم مطالعه و استراحت داشتم و سپس برای اقامه نماز جمعه رفتم. خطبه‌ها مفصل شد^۲ و یک ساعت و چهل و پنج دقیقه طول کشید. عصر فیلم عمر مختار^۳ را در خانه تماشا

۱- هیأت‌های مؤتلفه اسلامی در سال ۱۳۴۲ با هدف "برقراری حاکمیت ارزشهای اسلامی بر هر فرد و جمع و جامعه و استقرار نظام عدل اسلامی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امور دفاعی و در نهایت تشکیل حاکمیت جهانی عدل اسلامی از طریق انتخاب آزاد و پذیرش مردم جهان" از ائتلاف چندگروه اسلامی تشکیل شده و تاکنون به فعالیت خود ادامه داده است.

(نشریه "شما" ارگان هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، شماره ۱۹۶، ۱۵ دی ۱۳۷۹، صفحه ۳)

۲- در این خطبه‌ها ادامه بحث اقتصاد در عدالت اجتماعی اسلام (تجدیدها و کنترل‌های بازدارنده فقه شیعه در مسیر تکاثر و

کردم. شب به اخبار گوش دادم و مقداری هم گزارش‌ها را خواندم. احمد آقا تلفنی حال آقای [صادق] احسان‌بخش^۴ را گزارش داد که مورد سوء قصد قرار گرفته و بستری شده است؛ از عدم رسیدگی مسئولان گله دارد. متأثر شدم. با جبهه تماس گرفتم؛ تحویل مهمی نداشته‌ایم. عفت و فاطمی به جلسه جشن در دفتر مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] رفتند

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

طغیان اقتصادی) انجام شد و در ادامه به مناسبت بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آیات نخست سوره مبارکه "علق" تفسیر شد. همچنین طرح تاریخی تشکیل دانشگاه آزاد اسلامی در این خطبه‌ها پیشنهاد گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

۳- فیلم "عمر مختار" محصول ایتالیا به نقل تاریخی مبارزات رهبر انقلابیون لیبی "عمر مختار" می‌پردازد. این چریک پیر علیه استعمار ایتالیا به جهاد برمی‌خیزد و حماسه می‌آفریند و در نهایت در جنگ ارتش فاشیستی موسولینی گرفتار می‌گردد. در پایان فیلم عمر مختار به حکم یک دادگاه ایتالیا به دار آویخته می‌شود.

۴- حجت‌الاسلام صادق احسان‌بخش نماینده ولی فقیه و امام جمعه رشت

خالی

خرداد ۱۳۶۱

عکس ماه

شنبه ۱ خرداد ۱۳۶۱

۲۸ رجب ۱۴۰۲

May. 22, 1982

در خانه ماندم. برای درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] و خطبه‌های نماز جمعه مقداری درباره احیای موات و حیازت مطالعه کردم؛ و مقداری هم راجع به کشورهای خلیج فارس. کارها را هم با تلفن انجام دادم. مقداری از وقت هم صرف آب دادن به چمن و اصلاح باغچه و نهال کردن نعناع شد.

عصر احمد آقا آمد و راجع به چند مسئله بحث کردیم. با آقای نخست وزیر راجع به کارشکنی‌های گمرکات در ترخیص مواد خام صنایع و تعلل بانک‌ها در پرداخت وام کارخانه‌ها تلفنی صحبت کردم. احوال آقای خامنه‌ای را هم تلفنی پرسیدم؛ دستشان درد دارد. به کرم‌های ابریشم یاسر، برگ توت دادم.

آخر شب از جبهه جنوب خبر گرفتم. معلوم شد، نیروهای ما قرار است برای محاصره کامل خرمشهر و گرفتن جاده‌های خاکی و پل عراق روی شط‌العرب^۱، حمله کنند و التماس دعا داشتند. آقای [میرحسین] موسوی نخست وزیر تلفن کرد و گفت که صبح امروز، عراق به کارخانه گاز مایع در ماهشهر حمله هوایی داشته؛ بخشی از کارخانه را خراب کرده‌اند. گفتم که باید مسئولان پدافند را تنبیه کرد، چون در ماهشهر، هم [موشک]هاگ داریم و هم اورلیکن و هم انواع دیگر اسلحه پدافند هوایی و [هواپیمای شکاری] اف ۱۴ هم در فضاست.

یکشنبه ۲ خرداد

اول وقت از جبهه اطلاع گرفتم. گزارش دادند که عملیات را دیشب آغاز و جاده خرمشهر و شلمچه را تصرف کرده‌ایم و به طرف پل ام‌الرصاص پیش می‌رویم. ساعت هفت به جلسه علنی مجلس رفتم. خبر عملیات پس گرفتن خرمشهر در فضای مجلس پیچیده بود و همه خوشحال بودند. هنگام تنفس با جبهه تماس گرفتم. معلوم شد که خرمشهر کاملاً محاصره شده و دشمن در حال تسلیم شدن است. پس از تنفس، این پیروزی را در شروع جلسه

۱- آبهای دو رودخانه دجله و فرات، تا قبل از تلاقی با آب رودخانه کارون، به عنوان شط‌العرب نامیده می‌شود.

تبریک گفتم و از رزمندگان تقدیر کردم. تا شب، به طور مرتب خبر از کثرت اسرامی رسد و هم از قلت شهدای ما. دشمن کشته و زخمی زیادی داشته و هم غنیمت فراوان به جا گذاشته است^۱. عصر در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. تصویب شد احمد آقا خمینی - که تقاضای همکاری با حزب را داشته - به عضویت شورا پذیرفته شود. شب جلسه مشورتی روسای سه قوه در دفتر آقای خامنه‌ای برگزار شد. سرهنگ معین پور فرمانده نیروی هوایی استعفا داده بود که قرار شد آن را نپذیریم. درباره وضع جبهه و آینده جنگ هم بحث کردیم. شام را همان‌جا خوردیم و برای خواب به مجلس رفتیم. آخرین خبر را از جبهه گرفتیم. معلوم شد که خرمشهر کاملاً محاصره شده، هزاران نفر از دشمن در جریان کارکشته یا اسیر شده‌اند ولی عراقی‌ها اخبار دروغ پخش می‌کنند.

دوشنبه ۳ خرداد

تا ظهر در مجلس مطالعه کردم و کارهای اداری را انجام دادم. وزیر دفاع آمد و گزارشی از پیشرفت کارها در جبهه و صنعت نظامی داد. پیش از ظهر آقای [رضا] سیف‌اللهی مسئول اطلاعات سپاه آمد و از ارتباط مجدد آقای [سید کاظم] شریعتمداری با خارج [سخن گفت]. سپس اعضای ستاد برگزاری مراسم روز پاسدار از سپاه آمدند و گزارش کار دادند و با من مصاحبه کردند* و فیلم گرفتند. برنامه خیلی گسترده‌ای دارند.

عصر آقای خرم سفیر سابق ایران در لیبی که به سفارت مادر چین منصوب شده، آمد و راجع به رفتارش در چین مشورت کرد. گفتم که مصلحت است، روابط سیاسی و اقتصادی ما توسعه یابد. آقای [سید هادی] خسرو شاهی سفیر مادر واتیکان آمد و از ضعف تبلیغات ما در خارج گله داشت.

۱- طبق آمار عنوان شده کتاب "کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس" در عملیات بیت المقدس تعداد کشته و زخمیهای دشمن ۱۶ هزار و ۵۰۰ نفر و تعداد اسراء ۱۹ هزار نفر بوده است. همچنین در این عملیات ۱۰۵ دستگاه تانک و نفربر، دهها انبار مهمات، ۹۵ هزار عدد انواع مین، صدها دستگاه خودرو سبک و سنگین ۳۰ دستگاه جیب حامل توپ ۱۰۶ میلیمتری، تعداد زیادی لودر و بولدوزر و ماشین آلات مهندسی، ۱۸ قبضه توپ ۱۳۰ میلیمتری و هزاران قبضه سلاح انفرادی به غنیمت گرفته شده است.

عکس آزادی خرمشهر

عکس آزادی خرمشهر

لحن ناراضی داشت و در چند مورد وساطت کرد. آقای فروغی مسئول اطلاعات سپاه اصفهان آمد و از وضع روحانیت اصفهان گله داشت.

خرمشهر به طور کامل تسخیر گردید و دشمن تسلیم شد^۱.

با دادستان بندرعباس راجع به لنج‌های توقیف شده به دلیل حمل کالای قاچاق صحبت کردم. دولت امارات درخواست آزادی آنها را دارد. او گفت که اینها ایرانی هستند و به دروغ خود را تابع امارات معرفی می‌کنند.

اول شب خدمت امام رفتیم و راجع به آینده جنگ مشورت کردیم. ایشان خیلی خوشحالند. با آقایان رئیس جمهور و نخست وزیر مهمان احمد آقا بودیم و مصاحبه مشترک انجام دادیم. فتح خرمشهر همه را با نشاط کرده است.

سه شنبه ۴ خرداد

ساعت هفت و نیم جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی] آغاز شد. پیش از دستور راجع به اهمیت پیروزی در خرمشهر صحبت کردم و به کشورهای حامی عراق تذکره دوستانه دادم^۲. در این جلسه لایحه آب مطرح بود. بعد از تنفس، جلسه را به آقای [موسوی] خوشینی‌ها سپردم و در دفترم کارها را انجام دادم.

۱- هر چند در سوم خرداد با ورود رزمندگان اسلام به خرمشهر، شهر در واقع آزاد شده تلقی می‌شد، لیکن پاکسازی کامل شهر از وجود اشغالگران، در ساعت ۱۳/۳۰ روز ۶۱/۳/۴ به پایان رسید.

۲- در این نطق آمده است: شاید جنگ شناسان و مورخان تاریخ جنگهای دنیا بتوانند قضاوت کنند که چنین چیزی که در این دو روز در جنوب خوزستان اتفاق افتاد در تاریخ دنیا نظیر نداشته باشد. بیش از ۲۰ هزار مسلح با آن همه اسلحه در یک حمله برق آسا این چنین ضعیف و بزدل و ترسو تسلیم جوانهای شجاع از جان گذشته‌ای که با دوره‌های کوتاهی از آموزش نظامی بر آنها یورش بردند و آن منظره‌ای که ما در تلویزیون دیدیم و آن حالی که رزمندگان ما در دم سنگرهای تاریک این بزدلان داشتند، اینها چیزهائی است که شاید هیچ جنگی در دنیا نتواند منعکس بکند. منظره آن صف طویل افسران عراقی که برای تسلیم شدن و اسیر شدن به مسابقه برخاسته بودند، این حالت را شما در کدام جنگ دیده‌اید؟ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

شب در مجلس ماندم و به اخبار گوش دادم. از جبهه اطلاع گرفتم که معلوم شد، بیش از چهارده هزار عراقی در خرمشهر اسیر شده‌اند. پس از محاصره خرمشهر اکثر آتسلیم شده‌اند و در کل منطقه، دشمن فقط در کنار پلی که روی اروندرود در مدخل رود خین زده باقی مانده است و از پل حفاظت می‌کند و تلاش رزمندگان ما برای گرفتن آنجا موفق نبوده است.

ساعت یازده ونیم اخبار فارسی رادیو آمریکا را گرفتم. اعتراف به عظمت پیروزی ما دارند و کشورهای خلیج [فارس] را از ما می‌ترسانند. هم رادیو و هم روزنامه‌های آمریکا همین خط را دنبال می‌کنند. سایر رسانه‌های [ارتباط] جمعی غرب هم اعتراف کرده‌اند. فقط خود عراق و بعضی از کشورهای جنوب خلیج فارس اعتراف نمی‌کنند.

چهارشنبه ۵ خرداد

امروز هم به جای فردا که تولد امام حسین علیه السلام و روز پاسدار است، جلسه علنی داشتیم. لایحه آب و دو [طرح] دوفوریتی راجع به قانون انتخابات مطرح بود. ظهر چند ملاقات با نمایندگان داشتیم. عصر جلسه هیئت رئیسه بود و راجع به کارهای اداری مجلس تصمیماتی اتخاذ شد.

شب، جلسه‌ای با اعضای شورای عالی تبلیغات و وزیر ارشاد [اسلامی] آقای [عبدالمجید] معادیخواه و آقای رئیس جمهور در دفتر من داشتیم. با هم اختلاف دارند. رسیدگی کردیم؛ برای رفع اختلاف، حدود و اختیار و وظائف را مشخص کردیم و در ده ماده یادداشت شد و امضاء کردیم. مسئولیت هماهنگی تبلیغات خارج از کشور به فرمان امام به عهده وزیر ارشاد است و شورائی مرکب از وزیر ارشاد، وزیر خارجه، مدیر عامل صداوسیما و نماینده شورای تبلیغات تعیین کردیم. شام را همان‌جا خوردند.

ساعت ده شب به خانه آمدم. امروز عفت همراه فاطمی با پاسداران بیرون خانه بر سر محل پارک ماشین، درگیر شده بودند. اوقاتش تلخ بود و من را هم ناراحت کرد. سرم درد می‌کرد، درد شدیدتر شد؛ کپسول مسکنی خوردم و با ناراحتی خوابیدم. از جبهه فرماندهان نیروی زمینی و سپاه تماس گرفتند و قرار شد فردا در دفتر امام جلسه شورای دفاع تشکیل شود.

پنجشنبه ۶ خرداد

در خانه ماندم و بیشتر درباره حکم توکیل یا استیجار^۱ در برداشت از منابع طبیعی و حیازت مباحات^۲ مطالعه می‌کردم؛ برای بحث‌های اقتصادی نماز جمعه و کلاس درس مواضع حزب [جمهوری اسلامی].

ساعت ده صبح شورای عالی دفاع در دفتر امام تشکیل شد. آقایان [علی] صیاد شیرازی و [محسن] رضائی گزارش جبهه‌ها را دادند و گفتند. در عملیات بیت المقدس مجموعاً ما حدود شش هزار نفر شهید داشته‌ایم و نوزده هزار و هفتصد نفر اسیر گرفته‌ایم و بیش از بیست هزار نفر از عراقی‌ها کشته و مجروح شده‌اند.^۳ نسبت به آینده جنگ هم تصمیم اتخاذ شد. قرار شد در نقاط محدودی وارد خاک عراق شویم؛ برای تأمین شهرهای خودمان و گرفتن خسارت.

ظهر نماز را با امام به جماعت خواندیم. اعضای شورا مهمان من بودند و عصر بعد از استراحت، با رئیس جمهور در مسائلی بحث و مشورت شد. نخست وزیر برای افتتاح کوره ذوب مس به سرچشمه رفته بود. همشیره طیبه با بچه‌ها و شوهرش ظهر مهمان ما بودند. غذا از بیرون گرفتیم.

عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه وزیر ارشاد آمد و راجع به مطبوعات خارج از کشور و برنامه‌های تبلیغی مشورت شد. خبر از کشف اموال مسروقه موزه را داد. شب آقای [فخرالدین] حجازی که از کنفرانس اوپک برگشته بود، تلفن کرد و از قدرت انقلاب در خارج گفت و از حمایت سوریه از ما در مقابل عراق.

۱- توکیل یعنی وکالت: انسان کاری را که می‌تواند در آن دخالت کند به دیگری واگذار تا از طرف او انجام دهد و استیجار یعنی چیزی را اجاره کردن.

۲- حیازت مباحات یعنی احیا و آباد کردن چیزی که مدت‌ها از استفاده بازمانده و ویران شده است.

۳- این اعداد معمولاً بیشتر فرض طرفین مستقیم جنگ است. اعداد صحیح معمولاً در ارزیابی‌ها و جمع‌بندی پایان عملیات آمده است. ارقام دقیق در پاورقی خاطره روز دوم خرداد آورده شده است.

عکس حاج آقا در هنگام مطالعه

عکس حاج آقا با خانواده

جمعه ۷ خرداد

تا ساعت ده مطالعه کردم. برای نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم. خطبه‌ها در انفال و جنگ و روز پاسدار ایراد شد و از مردم خواستم که مرگ بر بنی صدر و بازرگان و بی حجاب را از شعارها حذف کنند و نسبت به توطئه تشکیل شورای امنیت سازمان ملل به منظور بستن دست ما هشدار دادم.^۱ آقای سرهنگ [علی] صیاد [شیرازی] هم گزارشی از جنگ داد. ظهر همه پاسداران من مهمان ما بودند و با هم عکس گرفتیم؛ خودشان خواسته بودند که ناهار را با من صرف کنند. عصر احمد آقا آمد و راجع به آقای [سید کاظم] شریعتمداری و مسائل دیگر مشورت داشت. شب به اخبار تلویزیون گوش دادم و گزارش‌ها را مطالعه کردم. بعضی از حزب الهی‌ها تلفن کردند و راجع به اعتراض من به شعارهای مرگ بر بی حجاب توضیح خواستند. آیت‌الله منتظری تلفن کردند و نظرشان را درباره اجاره و وکالت در حیات گفتند و هم تذکراتی راجع به خطبه‌های نماز جمعه دادند.

شنبه ۸ خرداد

صبح بعد از نماز در حیاط خانه راه رفتم؛ پیاده روی در مسیر پانزده متری با رفت و برگشت‌های مکرر خسته کننده است. به اصلاح باغچه پرداختم و مقداری گل برای گلدان چیدم و به مطالعه نشستم. بعد از استراحت به مجلس رفتم. دوسه ملاقات داشتم.

۱- در این خطبه‌ها ادامه بحث اقتصاد در عدالت اجتماعی اسلامی پیگیری شد و سپس درباره اثرات خون حسین علیه السلام در تداوم حرکت انقلاب تحلیل مبسوطی ارائه گردید. عوامفریبی صدام، طرح شعارهای انحرافی و استقبال از طرح "دانشگاه آزاد اسلامی" از دیگر موضوعات مطرح شده بود. ایشان در این خطبه ضمن تحلیل جامع، شعارهایی چون "مرگ بر بی حجاب" را در شرایط حاضر کشور، انحرافی و دشمن تراش تلقی کردند و در ادامه سخنان خویش، از نمازگزاران خواستند که شعار "مرگ بر آمریکا" را با شعار غلط "مرگ بر بنی صدر و بازرگان" ضعیف نکنند؛ چراکه بنی صدر ورشکسته‌ای مرده است که دوست دارد به هر قیمت مطرح بماند و از دیگر سو، مهندس مهدی بازرگان نیز استحقاق چنین نفرینی را ندارد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

عکس حاج آقا در حیاط منزل

نزدیک غروب با آقای رئیس جمهور و نخست وزیر و آقای [عبدالکریم موسوی] اردبیلی و اعضای شورای سرپرستی صداوسیما در دفتر من راجع به مدیریت و مسائل صداوسیما مذاکره و مشورت کردیم. شب در مجلس ماندم.

یکشنبه ۹ خرداد

تا ساعت هفت و نیم صبح مطالعه کردم. جلسه علنی داشتیم. لایحه آب در دستور بود. مقداری پیشرفت داشت. بعد از ظهر فاطمی آمد و سئوالی در رابطه با سیاست خارجی و روابط ما با شوروی داشت که پاسخ دادم.

آقایان همدانی و مشکینی سرپرستان شاخه‌های دانشجویان و دانش آموزان حزب [جمهوری اسلامی] آمدند. راجع به شرح وظایف حزب که اخیراً پیش نویس شده ایراد داشتند؛ قرار شد در شورا مطرح شود.

مصاحبه‌ای تلویزیونی درباره فاجعه هفتم تیر و انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] داشتیم. در جلسه شورای مرکزی حزب در دفتر آقای خامنه‌ای شرکت کردم. احمد آقا و آقای ناطق نوری برای اولین بار شرکت کرده بودند.

خبر دادند که بعد از ظهر در طبقه سوم کاخ دادگستری بمبی منفجر شده و هدف آن دادستان کل کشور بوده است؛ بحمدالله موفق نشده‌اند. معمولاً منافقین بعد از هر پیروزی مادر جبهه‌ها این گونه اقدامات را برای تلخ کردن کامهای شیرین مردم و تحت الشعاع قرار دادن اخبار پیروزی دارند. عراقیها به جزیره خارک حمله هوایی کرده و خسارت جزئی وارد نموده‌اند.

جلسه مشورتی سران هم تشکیل شد. راجع به شورای عالی قضائی و تقویت و فعال کردن آن بحث کردیم. آقای ربانی [املشی] دادستان هم شرکت کرده بود و به مصاحبه‌هایی که در روزنامه جمهوری [اسلامی] علیه شورای قضائی شده بود، اعتراض داشت.

دوشنبه ۱۰ خرداد

ساعت هشت صبح جلسه [مجلس] شروع شد. به خاطر قرعه کشی سندلیها مقداری تأخیر پیش

آمد. وزارت آقای بهزاد نبوی و آقای [غلامرضا] آقازاده در دستور بود. تقاضای تشکیل جلسه خصوصی شد که مخالفان بتوانند حرفهای خود را بگویند و آنها از تریبون مجلس پخش نشود. یک ساعت جلسه خصوصی طول کشید. مخالفان حرف مهمی ندارند روی خط انحرافی (افراطی در اقتصاد) آقای [بهزاد] نبوی تکیه می کردند. از ساعت ده صبح جلسه وارد بحث شد. عصر هم جلسه ادامه داشت. اختلافات درون سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی جناح حزب الله سازمان علیه جناح بهزاد [نبوی] بیشتر در مجلس مطرح می شد. از آنها دفاع موثری کردم و با رای بالائی هر دو نفر پذیرفته شدند. آقای نخست وزیر هم بود و دفاع هم کرد.

ظهر ملاقات با فرماندار گلپایگان داشتم که از ایداهای نماینده گلپایگان شکایت داشت. آقای اعتمادیان سرپرست سازمان اوقاف، دکتر دستمالچی متخصص سطح بالای طب کودکان را که از آمریکا برای خدمت به انقلاب آمده بود، آورد و معرفی کرد. پیشنهاد می کرد مجتمع پزشکی دانشگاه آزاد [اسلامی] در یزد باز شود.

مشهدی عیدی میزبان زمان پیش از انقلاب من در اراک آمد و تقاضائی داشت. کمک کردم و یک کتاب به او هدیه دادم.

عصر ملاقاتی با کارکنان مجله عروه الوثقی (مجله کودکان حزب) داشتم و برایشان صحبت کردم*. ملاقاتی هم با مسئولان سازمان بهزیستی داشتم و ملاقاتی با سرهنگ کتیبه که از ستاد ارتش و شخص آقای ظهیرنژاد شکایت داشت.

سه شنبه ۱۱ خرداد

امروز برای تمام نمایندگان و کارکنان مجلس قرار ملاقات با امام داشتیم. لذا جلسه علنی را دیروز برگزار کردیم. به قضات و دادستانهای دادگاههای انقلاب هم ملاقات داده بودند. جمعیت بیش از ظرفیت حسینیه جماران بود و به ناچار جمعی از پاسداران در نوبت دوم امام را زیارت کردند. خانوادههای نمایندگان هم بودند.

آقای موسوی اردبیلی و من قبل از امام صحبت مختصری داشتیم. من به استناد اولین خطبه امام علی علیه السلام بعد از حکومت رسمی، اشاره به مشکلات اصلاح مفاسد و انحرافات حکومت های گذشته کردم و از امام راهنمایی خواستم. چون در ضمن نقل کلماتی از اولین خطبه امام علی علیه السلام

عکس معرفی وزاری جدید به مجلس حاج آقا و احمد آقا

پس از شروع حکومت خود، در مورد [عثمان بن عفان] خلیفه سوم تعبیر تندی شده بود، قرار شد که برای حفظ وحدت، این قسمت صحبت مرا پخش نکنند.

پس از جلسه، آقای [موسوی] اردبیلی به منزل ما آمد و راجع به سیاست خارجی بعد از پیروزی‌های اخیر در جبهه‌های نبرد بحث کردیم. محور بحث این بود که ابر قدرتها و کشورهای عربی منطقه از پیروزی ما در عراق نگرانند و فکر می‌کنند اگر پیروزی ما منجر به تشکیل حکومت اسلامی در عراق شود، به کشورهای مجاور هم سرایت می‌کند و لذا دشمنان انقلاب اسلامی ایران، به شدت علیه ما مشغول توطئه هستند.

چهارشنبه ۱۲ خرداد

ساعت نه و نیم به مجلس رفتم و گزارش‌ها را خواندم که خوشبختانه مسئله مهمی نداشتیم. هواپیماهای جنگی عراق در ارتفاع بالا به فضای همدان رخنه کرده و با تعقیب جت‌های جنگنده ما فرار کرده‌اند. کاری نمایشی برای دادن روحیه و بهره‌برداری سیاسی در کنفرانس هاواناست که هم اکنون با حضور وزرای خارجه کشورهای غیر متعهد جریان دارد و قرار است آخرین تصمیم را در مورد محل کنفرانس آینده سران کشورهای غیر متعهد اتخاذ کند. قرار بوده این کنفرانس در بغداد تشکیل شود و ایران و سوریه و... با آن مخالفتند.

راجع به درگیری کمیته و سپاه در فلاورجان که چند نفر کشته و زخمی داشته است و عده‌ای از مردم فلاورجان کنار مجلس متحصن شده‌اند، رسیدگی کردم و قرار شد نماینده‌ای بفرستیم. آقای سید مهدی هاشمی متهم به قدرت‌طلبی و تحمیل سپاه قهدریجان بر مردم فلاورجان شده است.^۱ اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد شهدای هفتم تیر آمدند. گزارش کار و برنامه خود را ارائه کردند و من برایشان صحبت کردم و پیشنهادهایی دادم.^۲ بعد از ظهر، هیئت رئیسه [مجلس شورای

۱- آقای سید مهدی هاشمی به اتهام ارتکاب قتل‌های متعدد، در سال ۱۳۶۶ محاکمه و به اعدام محکوم شد.

۲- در این سخنرانی درباره پایه‌های انقلاب اسلامی، مراحل شکست رژیم طاغوت و ایجاد نظام اسلامی، انقلاب سوم و عزل بنی‌صدر، توطئه‌های ضدانقلاب و لزوم ترویج افکار شهدای هفتم تیر به تفصیل سخن گفته شده است. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس اردبیلی

اسلامی] جلسه داشت. راجع به نظم برنامه ملاقات با امام و برنامه‌های هفته آینده مذاکره شد. سپس دکتر مغاره‌ای جراح آمد و در محل عمل شکم من - که پس از سوء قصد سه سال قبل انجام شد - تزریقی برای آب شدن گوشت‌های زاید کرد که خیلی درد گرفت. حالت کلونید دارد. آقای هادی [تجف آبادی] آمد و راجع به برنامه و ترکیب گروه‌های اسلامی عراق و دیدگاه‌های آنها برای ایجاد حکومت اسلامی مطالبی گفت. قرار است، مجلسی از نمایندگان نیروهای گوناگون اسلامی تشکیل شود و آقای [سیدمحمدباقر] حکیم سخنگو و چهره مشخص آن باشد. قرار بود جلسه ستاد انقلاب فرهنگی داشته باشیم که لغو شد. شب به اخبار گوش دادم و مطالعه کردم.

پنجشنبه ۱۳ خرداد

جلسه علنی داشتیم. چند ماده دیگر از طرح آب تصویب شد. ظهر آقای [مصطفی حایری] فومنی آمد و گزارشی از کیفیت درگیری سپاه با قشقای‌ها داد. ترکیبی از خوانین، منافقین و کمونیست‌ها هستند که یاغی شده‌اند و به کوه زده‌اند و سپاه پیش دستی کرده و به مواضع آنها حمله برده است و الان می‌خواهند تسلیم شوند.

عصر کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتیم. سپس ملاقاتی با شاخه مهندسین حزب جمهوری اسلامی و پس از آن با فرماندهان و مسئولان آموزش سپاه پاسداران داشتیم و برای هر دو سخنرانی کردم^۱ و مصاحبه‌ای تلویزیونی درباره نیمه شعبان و روز مستضعفان انجام دادم*.

در سمینار قضات و دادستان‌های دادگاه‌های انقلاب شرکت کردم. آنان به شورای عالی قضایی، دادگستری و قوانین غیر اسلامی زمان طاغوت که هنوز باقی است، اعتراض داشتند. گفتم که قوانین مانند صدر اسلام به تدریج اصلاح می‌شود و درباره لزوم انضباط در دادگاه‌های انقلاب صحبت کردم*.

۱- در این سخنرانی اهمیت ایجاد تشکیلات و تحزب در جامعه اسلامی، موضوع ولایت فقیه و لزوم اسلامی شدن امور بانکی در کشور بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب،

ساعت هشت و نیم به خانه آمدم. قرار بود که فردا آقای خامنه‌ای نماز جمعه را اقامه نمایند. به علتی منصرف شده و آقای موسوی اردبیلی را تعیین کرده بودند. آخر شب تلفن کردند که ایشان نمی‌روند و از من کمک خواستند و بالاخره قرار شد که یکی از آقایان را پیدا کنند یا خودشان بروند.

جمعه ۱۴ خرداد

در خانه ماندم. به استراحت، پیاده روی و مطالعه گزارش‌های داخلی و جهانی پرداختم. آقای رئیس جمهور نماز جمعه را اقامه کردند.

منابع غربی شایع کرده‌اند که کنفرانس شورای همکاری خلیج فارس در [عربستان] سعودی تصمیم گرفته، مبلغ بیست و پنج میلیارد دلار به عنوان غرامت به ایران بپردازد و کنفرانس نتوانسته تصمیمی درباره حمایت از صدام بگیرد و تلاش‌ها روی راضی کردن ایران به صلح متمرکز شده است. اکنون رسانه‌های ارتباط جمعی پذیرفته‌اند که ایران پیروز و قدرتمند است و خطر صدور انقلاب اسلامی را برای ترساندن دولت‌های منطقه تبلیغ می‌کنند. معمولاً با این شایعات اهداف انحرافی را دنبال می‌کنند.

از پزشک معالج عفت درباره احتمال کسالت ریوی او سؤال کردم. گفت که مهم نیست و با دوا و پرهیز خوب می‌شود. شب عموزاده آقای شیخ محمد [هاشمیان] مهمان ما بود.

شنبه ۱۵ خرداد

تعطیل رسمی است. در خانه ماندم. کارم مطالعه و پیاده روی بود. احمد آقا - که برای قرائت پیام امام رفته بود - آمد و خبر از کثرت جمعیت حاضر در مراسم راهپیمایی پانزده خرداد داد. [جنگنده‌های] عراق، شهر ایلام را در حین راهپیمایی مردم، بمباران کرده و چهار نفر شهید و دو یست نفر مجروح شده‌اند. اسرائیل هم جنوب لبنان را بمباران کرده و بیش از ششصد نفر مجروح و شهید شده‌اند. عصر آقای فروتن مسئول سپاه اصفهان آمد و گزارشی از درگیری‌های فلاورجان و کارخانه ذوب آهن در چند روز پیش داد.

عکس ۱۵ خرداد در راهپیمایی

ظهر جمعی از بستگان مهمان ما بودند. عصر احمد آقا آمد و چند گلدان گل شمعدانی پیچ آورد.

یکشنبه ۱۶ خرداد

جلسه علنی داشتیم. بررسی و تصویب طرح آب تمام نشد. در نطق پیش از دستور، راجع به بمباران ایلام و جنوب لبنان و ارتباط آنها صحبت کردم^۱. بعد از ظهر ملاقات‌هایی داشتم. آقای [سید مهدی] هاشمی از واحد نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه آمد و پیشنهاد کرد که در سمینار نمایندگان نهضت‌های آزادی‌بخش که به مناسبت روز جهانی مستضعفان به ایران آمده‌اند، سخنرانی کنم. نپذیرفتم، زیرا صلاح ندانستم که یک مقام رسمی - مثل رئیس مجلس - در اجتماع مخالفان جدی حکومت‌های جهان صحبت نماید.

عصر شورای مرکزی حزب جلسه داشت. خبر حمله اسرائیل به جنوب لبنان از زمین، دریا و هوا و اشغال مراکزی از جنوب و تهدید شهرهای صور و صیدا وقت زیادی از جلسه را گرفت. بحث اصلی درباره انجمن حج‌تیه و اتخاذ موضع مشخص حزب در مقابل آن بود که ناتمام ماند. سپس در جلسه مشورت سران سه قوه شرکت کردم. از طرف هیأت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی، وزیر خارجه گینه نامه‌ای از آقای [احمد] سکو توره آورده است. از رئیس جمهور خواسته است که ایشان به مکه بروند و معلوم شد که از صدام هم چنین دعوتی کرده‌اند. ما منتظر پیشنهاد مثبتی بودیم و این پیشنهاد برخلاف انتظار بود. نظر مخالف دادیم و قرار شد که آقای خامنه‌ای جواب بنویسند.

درباره کمک به فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها بحث کردیم و قرار شد که وزیر دفاع را بفرستیم. درباره مسائل زیاد دیگری هم مشورت شد. برای خواب به مجلس رفتم.

۱- در این نطق آمده است: تحلیل اینکه چرا صدام در آخرین روزهای زندگیش دست به اینگونه جنایات می‌زند کار مشکلی است. ممکن است در رابطه با اقدام بسیار با ارزش عشایر غیور ایران باشد که با این جمعیت عظیم‌شان در تهران اظهار وفاداری و حمایت از جمهوری اسلامی کردند و به خاطر انتقام از این سلحشوران باشد که یکی از مراکز عشایری را این‌گونه می‌کوبد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس بمباران شهرها

دوشنبه ۱۷ خرداد

امروز هم جلسه علنی داشتیم. تصویب طرح آب تمام شد. درباره لشکرکشی اسرائیل به جنوب لبنان به طور مفصل صحبت کردم^۱. یکصد و پنجاه نفر از نمایندگان هم بیانیه‌ای را امضا کردند^۲ و آقای خسرو نافی نماینده کلیمیان هم [تجاوز اسرائیل به لبنان را] محکوم کرد. پیش از ظهر آقای [صلاح] زواوی سفیر فلسطین آمد و اخبار حمله اسرائیل را داد و کمک خواست.

گروهی از کارگران [انجمن] اسلامی هم آمدند، برای آنها صحبت کردم^{*}. عصر آقای غزالی از طلاب قدیمی مشهد آمد و گفت که با آقای [واعظ] طبسی قهر کرده و در قم مانده است. به او پیشنهاد کردم که با آقای [محمد رضا] حکیمی واحدی برای نوشتن تاریخ انقلاب درست کنند. آقای شمس‌الدین نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان و گروهی از علمای لبنانی آمدند و راجع به لبنان و برنامه‌های آینده و کمک‌های ما صحبت شد. با اهداف جمهوری اسلامی اظهار همراهی می‌کردند.

آقای [غلامرضا] صفائی و گروهی از همکاران ایشان از سیاسی‌ایدئولوژیک ارتش آمدند و از عدم همکاری سرهنگ [علی] صیاد شیرازی گله داشتند. عقد ازدواج پاسداری را هم جاری کردم. عروس، حلقه نامزدی خود را برای مخارج جنگ هدیه کرد.

فرماندار تهران آقای صامت هم آمد و از فشاری که به عنوان انجمنی بودنش بر او وارد می‌شود، گله داشت. شورای عالی دفاع در مجلس جلسه داشت. راجع به برنامه آینده جنگ بحث کردیم. در مصاحبه تلویزیونی، تصمیمات را اعلام کردم^{*}. شب به خانه آمدم.

۱- در این نطق پیش از دستور آمده است: ما با همه وجودمان هم برای حقمان در کشور خودمان می‌جنگیم و دفاع می‌کنیم و هم نیروی آن را داریم که در منطقه و در کنار برادران عرب و مسلمان با اسرائیل رسماً وارد جنگ بشویم. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این بیانیه نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن تحلیل حمله اسرائیل از هوا و دریا به جنوب لبنان، از پیشنهاد اعزام نیرو جهت جنگیدن با اشغالگران فلسطین حمایت کردند.

سه شنبه ۱۸ خرداد

تا ساعت ده در خانه به مطالعه پرداختم. امام ملاقات داشتند. گروهی از ملاقات کنندگان هم از رفسنجان آمده‌اند. با آقای خامنه‌ای به زیارت امام رفتیم و راجع به درگیریهای لبنان با امام مشورت کردیم.

به منزل احمد آقا رفتیم و راجع به وضع سپاه و خواسته‌های آنها و کمبودهای کشور بحث کردیم. جنگ در لبنان به شدت ادامه دارد و اسرائیل فشار را بیشتر کرده. بعد از ظهر مقداری در استخر خانه (که حوض بزرگی است) شنا کردم. تازگی استخر را آب کرده‌ایم، تمیز است. عصر از منزل احمد آقا مقداری توت آوردند. عفت به شهریار رفته بود؛ برای افتتاح دفتر بنیاد شهید جمعی را دعوت کرده بودند. شهریار در جنگ شهید زیاد داشته است.

جنگ در لبنان شدت یافته و از کشورهای عربی کمکی به فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها نرسیده. قرار بود که تیم اعزامی ما وضع آنجا را امشب اطلاع دهد ولی خبری ندادند. امروز در مراسم نیمه شعبان و روز مستضعفان شرکت کردم، مراسم وسیعی نبود. دو روز پیش، مراسم ۱۵ خرداد بود و مردم با وسعت شرکت کرده بودند.

چهارشنبه ۱۹ خرداد

به مجلس رفتم. ملاقاتی با اعضای حزب جمهوری اسلامی و گروهی دیگر از مردم رفسنجان داشتم. مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی درباره جنگ لبنان و نقش آمریکا انجام دادم.^۱ مهدی هم در مجلس بود. می‌خواست به سالن تیراندازی نخست وزیری برای تمرین برود که موفق نشد.

سفارت فلسطین از کم جلوه کردن نقش فلسطینی‌ها در دفاع از لبنان در رسانه‌های ماگله دارد.

۱- در این مصاحبه درباره حمله به جنوب لبنان، نقش مردم در مقابله با تجاوز، زیان حق و تو، نقش دولت‌های عربی در مقابله با تجاوز و کنفرانس اسلامی و صلح بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم"

گله آنها را به اخوی محمد منتقل کردم. او گفت، سازمان الفتح سیاسی برخورد می‌کند و حتی در استمداد، اسم ایران را هم نیاورده است. عصر آقای خامنه‌ای گفتند که نامه استمداد فتح رسیده است.

بعد از ظهر مصاحبه‌ای درباره شهید کچوئی - با خانواده‌اش که به ملاقات آمده بودند - داشتم* و برای دلجوئی هدیه‌ای به دختر و پسر خردسالش دادم. جلسه‌ای با ستاد انقلاب فرهنگی، نخست وزیر، رئیس جمهور و وزرای ارشاد و علوم و آموزش و پرورش داشتیم. قرار شد که شورای عالی انقلاب فرهنگی با ترکیبی خاص و نیرومند تشکیل شود.

جلسه‌ای با اعضای شورای عالی قضائی داشتم. پیشنهادها این است که به منظور تسلط کامل شورا بر دادگاه‌های انقلاب، پست دادستانی کل انقلاب حذف و آقای [سیدحسین] موسوی تبریزی، رئیس بازرسی کل کشور شود، آقای [سیدرضا] زواره‌ای دادستان انقلاب تهران شود و آقای محمدی گیلانی پست دیگری بگیرند.

پنجشنبه ۲۰ خرداد

نیمه شب جانشین فرمانده نیروی زمینی زنگ زد و اطلاع داد که عراق یک طرفه آتش بس اعلام کرده است. امروز در خبرها آمد که عراق اعلام کرده، حاضر است تا دو هفته دیگر نیروهایش را خارج کند و قضیه را به میانجی‌های صلح واگذار کند. احتمالاً این حيله‌ای برای نجات صدام و بهره‌برداری از تجاوز اسرائیل به لبنان است و همین هم جزء اهداف آمریکا و اسرائیل بوده است.

آقای رئیس جمهور در یک تماس تلفنی، مسئله بحران لبنان را مطرح کردند. از جهاد اطلاع دادند که مایلند بخشی از کمک‌های انسانی را در لبنان را برعهده بگیرند.

عصر شورای عالی دفاع در دفتر امام جلسه داشت. هیئت ما از سوریه برگشته و در جلسه شرکت داشتند. گزارش دادند که اسرائیل براکثر نقاط جنوب لبنان مسلط شده است و سوریه نمی‌تواند وارد جنگ شود. با فلسطینی‌ها ملاقات نکرده بودند.

تصمیم گرفتیم که کمکی به لبنان بشود. ترکیه حاضر نیست که از مسیر کشور او خیلی استفاده شود و با عبور یک هواپیمای حامل کمک در هر روز موافق است.

راجع به مسائل جنگ تصمیم گرفتیم. امروز از منابع غربی شایع شد که صدام سقوط کرده و کشته شده است ولی تا آخر شب روشن شد که خبر نادرست است.

امام در مورد ادامه جنگ قاطع‌اند و اجازه نمی‌دهند حتی به گونه‌ای بحث شود که کوچکترین تردیدی در جامعه و نیروها بروز کند و اهداف جنگ را به گونه‌ای اعلام می‌کنند که همگی خودشان را برای مدت طولانی آماده‌کنند. و ضمناً توافقی برای ورود به خاک عراق هم نداشتند. در جلسه عصر هم خدمت امام، فرماندهان نظامی با حضور ما با امام بحث کردند و کارشناسانه ثابت کردند که ادامه جنگ با منع ورود به خاک عراق سازگار نیست. دشمن در جاهای زیادی در خاک ما است و اگر مطمئن بشود که نظام ما به خاک او وارد نمی‌شود یا ورود جزئی خواهد داشت نه امتیازی خواهد داد و نه از نقاط حساس بیرون خواهد رفت و هر وقت آمادگی پیدا کرد در خاک ما پیشروی می‌کند و با این استدلال امام را قانع کردند که با ورود به خاک عراق در جاهایی که مردم نیستند یا کم‌اند و آسیب نمی‌بینند، موافقت کنند. آخر شب با تلویزیون مصاحبه داشتم*.

جمعه ۲۱ خرداد

در خانه ماندم. نماز جمعه را آقای [محمد] امامی کاشانی اقامه کرد. با رئیس جمهور درباره مفاد نامه‌های آقای [احمد] سکوت‌توره [رئیس هیأت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی] تلفنی صحبت کردم. ایشان گفتند که باز دعوت کرده‌اند که در کشور دیگری ملاقات انجام شود و عربستان [سعودی] نیز اعلام جهاد علیه جمهوری اسلامی را تکذیب کرده است. نامه را وزیر خارجه گینه آورده است.

آقای محسن رضائی اطلاع داد که وضع جبهه فرقی نکرده است. حدس می‌زنیم که به خاطر تزلزل و ابهام وضع عراق و اعلام پذیرش آتش بس از طرف سرفرماندهی عراق (نه شخص صدام)، وضع عراقی‌ها در جبهه مشوش باشد. جنگ در جنوب لبنان ادامه دارد.

باغچه را آب دادم و بیشتر به مطالعه گذراندم. آقای [حسین] شیخ‌الاسلام عصر تلفن کرد و گفت، ترکیه موافقت کرده است، روزی دو هواپیما از حریم هوایی اش عبور کند، ولی مسئولان در این زمینه اقدام نمی‌کنند. سوریه و سازمان فتح آتش بس را پذیرفته‌اند.

شنبه ۲۲ خرداد

به مجلس رفتیم. ظهر با فرماندهان لشکرها، تیپ‌ها و واحدهای مستقل نیروی زمینی ملاقات داشتیم و برای آنها صحبت کردم*. اظهار نگرانی کردند از احتمال قبول پیشنهادهای هیئت میانجی که آقای سکو توره ضمن نامه‌ای توسط وزیر خارجه گینه به ایران فرستاده و گفتند این گونه اخبار روحیه رزمندگان را ضعیف می‌کند.

اولین هواپیمای کمک عازم سوریه شد.

نیروهای عراق از بسیاری از مناطق اشغالی جنوب و غرب کشورمان که در آنجا آسیب پذیر بودند، عقب نشینی و شهر سومار را نیز تخلیه کردند. عصر چند ملاقات داشتیم. گزارش‌ها را خواندم و شب در مجلس ماندم و به اخبار گوش دادم.

عبدالسلام جلود نخست وزیر لیبی در رأس هیئتی وارد ایران شد و در فرودگاه [مهرآباد] لزوم سقوط صدام [حسین] را پیش از حل مشکل فلسطین اعلام داشت.

[غلامحسین دلجو] شهر دار تهران به ملاقات آمد و راجع به مشکلات اداره شهر و دست و پا گیر بودن مقررات صحبت کرد. پیشنهادی آورد که مجلس تصویب کند، کسانی که پس از انقلاب محل کسب خود را بی‌مجاز ساخته‌اند، با پرداخت جریمه جواز بگیرند.

یکشنبه ۲۳ خرداد

جلسه علنی داشتیم. درباره تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و مخالفت با آتش بس - که اسرائیل اعلام کرده - صحبت کردم^۱ و نیز راجع به این که عراق با منوط کردن اجازه عبور کمک‌های ما به

۱- در این نطق آمده است: شورای عالی دفاع تصمیم گرفت که یک شرط به شرایط آتش بس یا صلح اضافه کند و آن این است که راهی از خاک عراق در اختیار جمهوری اسلامی برای انتقال نیروهای رزمنده به قدس باید داده شود. متأسفانه بعث عطفی عراق با فرصت طلبی با این پیشنهاد سازنده برخورد کرد و در دنیا اعلام کرد که ما این راه را می‌دهیم به شرط اینکه ایران آتش بس را قبول کند، چون در غیر شرایط آتش بس، نمی‌شود راهی در اختیار کشور متخاصم گذاشت. این فرصت طلبی برای تحمیل مطلبی (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پذیرش آتش بس از طرف ایران باج خواهی می‌کند.

امروز یک هواپیما کمک‌های ما را به سوریه منتقل کرد. ترکیه روزانه به یک هواپیما اجازه می‌دهد که از حریم هوایی اش عبور کند. در زمان تنفس مجلس برای گروهی از شاگردان تربیت معلم دختران صحبت کردم*. چون دو مطلب فوری در دستور داشتیم، عصر هم جلسه علنی برگزار کردیم.

بعد از ظهر، برای فرمانداران سراسر کشور که در سمیناری جمع شده‌اند، صحبت کردم^۱. سپس به شورای مرکزی حزب رفتم. بحث درباره انجمن حجتیه و دستگیری خسرو قشقایی داشتیم که آقای مهندس طاهری شیرازی مدعی است که به او تأمین داده شده بود که آمد، اما سپاه و استانداری قبول ندارند و می‌گویند که او برای فرار به خارج از کشور به شیراز آمده بود. راجع به حزب - شاخه محلات - نیز که علیه آقای [فضل‌الله] محلاتی در جلسه آقای [عبدالمجید] معادیخواه شعار داده‌اند، صحبت شد.

امشب آقای جلود نخست وزیر لیبی که از ایران دیدن می‌کند، در جلسه سران شرکت کرد. می‌خواهند که پیمان همکاری کامل و دفاع مشترک ببندیم ولی ما اصرار داشتیم که قراردادها از موارد خاص شروع شود، مثلاً از یک پیمان نظامی در مقابل اسرائیل یا تأسیس مدرسه تربیت مبلغ یا شام را همان جا خوردیم. مقامات لیبی تلاش دارند که در آینده عراق، مؤثر باشند. امروز خبر رسید که ملک خالد شاه عربستان در گذشته و آقای فهد جای او را گرفته است. ساعت دوازده و نیم شب همراه احمد آقا - که در جلسه بود - به خانه آمدم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

که ما بیش از بیست ماه است که داریم روی آن مقاومت می‌کنیم، برای ما غیر قابل قبول است. ما راه را می‌خواهیم برای دفاع از اسلام، برای دفاع از مسلمین، برای جنگ و جهاد با متجاوز صهیونیسم. عراق می‌خواهد از ما باج بگیرد و حزب بعث در حال سقوط را از سقوط نجات دهد و حقوق ملت ما را که با نثار خون در معرض تأمین آن قرار گرفتیم، از ما دریغ کند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱- در این سخنرانی درباره طبقه اجتماعی فرمانداران در جمهوری اسلامی، توصیه‌های حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر، قدرت مردمی جمهوری اسلامی، تدبیر در برابر تروریسم و بی‌رنگی شعارهای مارکسیستی در برابر انقلاب اسلامی مطالبی بیان شد. رجوع

کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس فهد شاه عربستان

دوشنبه ۲۴ خرداد

گزارش تأیید نشده رسیده که آتش بس لبنان شکسته شده و اسرائیل منطقه بعیدا محل استقرار رئیس جمهوری آن کشور را اشغال کرده. با تصرف بخشی از جاده بیروت - دمشق، رابطه بیروت را با دمشق قطع کرده اند. فرودگاه را هم اشغال کرده اند. مصر اعلام کرده است که فلسطینی ها از طریق آن کشور از اسرائیل خواستار آتش بس شده اند.

سرهنگ صیاد شیرازی صبح زود آمد. نقشه ای از بستان و وضعیت نیروهای متخاصم آورد و وضع جبهه های جنگ را در غرب و جنوب گفت و قرار شد که آماده اقدام به تصرف بخشی از خاک عراق باشند که قبلاً تصویب شده است. مشکل نیروی زمینی با سیاسی ایدئولوژیک را نیز مطرح کرد و کمک خواست که قرار شد جلسه ای بگذاریم.

آقای [علی اکبر] ناطق نوری با چند نفر از معاونان وزارت کشور آمدند و راجع به شهر بانی، کمیته و استانداری اصفهان مشورت کردند.

عصر مقداری شنا کردم و مقدمه ای بر کتاب آقای دکتر [علی] قائمی درباره شهید بهشتی نوشتم. و نیز خاطرات عقب مانده چند روز را.

سه شنبه ۲۵ خرداد

جلسه علنی مجلس داشتیم. چند لایحه به تصویب رسید. چند ملاقات با نمایندگان داشتیم. عصر نیز ملاقاتی با هیئت های عالی نظارت بر پاکسازی داشتیم و آنها را برای گذشت و عفو از گناهان کوچک و سخت گیری در مورد ماموران فاسد و وظیفه شناس توجیه کردم. به آنها توضیح دادم که انقلاب ما نمی خواهد، مثل انقلاب های مارکسیستی، کارکنان رژیم سابق را از کار برکنار کند و در عین حال، نمی خواهیم مثل کودتاها فقط به تبدیل رأس حکومت اکتفا کنیم. انقلاب هدف و محتوا و رسالت دارد. باید روی شناسایی افراد صالح و ناصالح و گناهکار تحقیق کنیم و وقت و نیرو مصرف کنیم.

ملاقاتی با هیئت لیبی به ریاست سرگرد جلود داشتیم و راجع به قراردادها بحث کردیم. وی اصرار دارد که پیمان وسیع کلی همبستگی دفاع از دو انقلاب ببندیم. ما می گوئیم که مورد به مورد

باید قرارداد بسته شود. اصرار کرد که با امام بتواند ملاقات کند ولی امام موافق نیستند. ملاقاتی با خواهران عضو حزب جمهوری [اسلامی] داشتم. راجع به حقوق و وظایف زن و شوهر در خانه و جامعه صحبت کردم*.

چهارشنبه ۲۶ خرداد

تا بعدازظهر در منزل ماندم و به مطالعه پرداختم و کارها را تلفنی پیگیری کردم. گزارش‌ها می‌گوید، آتش بس لبنان محکم نشده و درگیری وجود دارد. عصر جلسه هیئت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده تنظیم شد و تصویب کردیم که از زمین‌های مجلس شورای [ملی] قدیم، قطعه‌ای برای ساختن کلاس‌ها در اختیار مدرسه عالی شهید مطهری قرار دهیم. مقداری طلا و جواهر برای کمک به جنگ رسیده بود که تحویل آقای [مرتضی] کتیرائی [کارپرداز مجلس] دادم. ملاقاتی با ناخدا [بهرام] فضلی فرمانده نیروی دریایی داشتم. او از اختلافی که با افراد حزب الهی در نیرو پیدا کرده، نگران است و اتهاماتی نسبت به آنها دارد.

با آقای [سیدعلی اکبر] محتشمی [پور] سفیر ایران در دمشق ملاقات داشتم که خواهان جدی گرفتن شرکت در جنگ [لبنان و اسرائیل] است. گزارشی از وضع آنجا داد. [آقای اشرفی اصفهانی] امام جمعه باختران با جمعی از نمایندگان آمدند و از عدم توجه به نیازهای استان گله داشتند. شاخه اصناف حزب جمهوری [اسلامی] آمدند و از وزارت آقای بهزاد نبوی و دفاع من از وی گله داشتند که برایشان توضیحاتی دادم.

جلسه‌ای با سران در دفتر رئیس جمهور داشتیم و درباره فلسطین و خاورمیانه بحث کردیم. قرار شد مطلب را با سوریه و سپس با کشورهای جبهه پایداری در میان بگذاریم. برای این منظور، قرار شد که هیئتی به سوریه بروند. آقای [محسن] رفیق دوست و آقای [ابراهیم] همت از لبنان آمده بودند. وضع آنجا را توضیح دادند و گفتند که به موفقیت نیروهای لبنانی امیدوارند. شب به مجلس رفتم و مهدی هم با من بود.

عکس از ناخدا افضلی

پنجشنبه ۲۷ خرداد

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد و آقای دکتر ولایتی جواب سؤال آقای [صادق] خلخالی را در خصوص نابسامانی سفارتخانه‌ها داد. ظهر آقای [سیدحسن] واعظ [موسوی] انزایی نماینده ارومیه گزارش هیئت اعزامی به آذربایجان غربی را آورد. با آقای مهندس [مهدی] طیب [نماینده نائین] که استعفا کرده بود، صحبت کردم. استعفا را پس گرفت. خیال کرده بود که اظهارات خصوصی امام ناظر به اوست، ولی معلوم شد که اشتباه کرده است.

عصر اعضای شورای مرکزی ستاد برگزاری نماز جمعه آمدند و راجع به ساختن مصلی و محل آن صحبت کردیم. پادگان عباس آباد را بر عشرت آباد ترجیح دادیم.

سرپرست سازمان اوقاف و مدیران و رؤسای ادارات آن آمدند و برای آنها سخنرانی کردم.* توصیه کردم که با عمل خود، اعتماد مردم را به وقف جلب کنند. پیش از ظهر انجمن‌های اسلامی دانش آموزان دختر و پسر تبریز آمدند و برای آنها هم سخنرانی کردم.*

شب به خانه آمدم. کسی نبود و مقداری توت که پاسداران از دهات آورده‌اند، به جای شام خوردم. عفت و بچه‌ها در جلسه بزرگداشت شهدای هفتم تیر در مدرسه عالی شهید مطهری شرکت کرده بودند و ساعت دوازده شب آمدند.

جمعه ۲۸ خرداد

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه‌ای در زمینه اقتصاد اسلامی و خطبه دیگری را درباره تجاوز اسرائیل به لبنان و لزوم ادامه مبارزه تا سقوط اسرائیل، ایراد کردم^۱.

عصر احمد آقا آمد و نظر امام را درباره چند موضوع مورد بحث گفت. امام مایلند که غیر از این

۱- در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (حل مسأله کنترل حکومت اسلامی و اراده آزاد انسان، مدح احیاگران اقتصادی و تولیدکنندگان در روایات، حوزه عمل بخش خصوصی) مطرح شد. در خطبه دوم نیز تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و حضور جمهوری اسلامی ایران در روند حوادث لبنان تحلیل و تبیین گردید. رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال

عکس حالت سخنرانی برای عده‌ای در مجلس

افراد موجود در ستاد انقلاب فرهنگی، نماینده‌ای در شورای عالی داشته باشند و اینها دیگر به عنوان نماینده امام نباشند. همچنین می‌خواهند نماینده‌ای در شورای [عالی] اقتصاد داشته باشند، به خاطر شکایت‌هایی که می‌شنوند، مبنی بر این که خط‌چپ‌گرایی اقتصادی در شورا وجود دارد^۱. نماینده امام می‌تواند باعث اطمینان خاطر ایشان باشد.

در مورد انجمن حجّتیّه^۲ نظر امام این است که افراد مؤثر آنها در پست‌های حساس و کلیدی نباشند. اگر خودشان می‌خواهند، انجمن منحل شود و گرنه نظارتی بر کار آنها بشود.

امروز آرژانتینی‌ها پس از ماه‌ها جنگ بر سر جزایر فالکلند، در مقابل انگلیسی‌ها تسلیم شدند و در نتیجه رئیس‌جمهور آرژانتین ساقط شد.

شنبه ۲۹ خرداد

تمام وقت در خانه ماندم. چند ملاقات در خانه داشتم و کارها را با تلفن پیگیری کردم. گزارش‌ها را هم از مجلس آوردند. آقای محمدعلی طاهری که جوانی با ذوق است و اختراعاتی در زمینه اسلحه دارد، آمد و گفت که مقامات وزارت دفاع رسیدگی نمی‌کنند. قرار شد که به وزیر دفاع معرفی شود.

برای خطبه‌های نماز جمعه و کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی]، مقداری از کتاب رسائل و المحجة البیضاء راجع به احتکار مطالعه و مطالب خوبی دریافت کردم. عصر محمد تقی، برزگر ما در بهرمان آمد و گزارش کارش را داد به او و همراهش انعام دادم. می‌گفت که پس از انقلاب وضع مردم روستاهای نوق خیلی خوب شده و همه راضی و وفادار هستند.

۱- منظور از چپ‌گرایی در اقتصاد، گرایش غالب اعضای هیأت دولت وقت به دولتی‌کردن اقتصاد و یا سوسیالیزه نمودن آن است. با وجود اینکه عدم‌کارایی چنین نظام‌های اقتصادی در دنیا به اثبات رسیده بود اما باز بودند کسانی که به جای اقتصاد باز به اقتصاد بسته و دولتی‌گرایش داشتند. سیستم عرضه کالای کوپنی و انحصارات شدید دولتی در همه‌کالاها از جمله اقدامات این افراد بود و در این سالها لطمات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد کشور وارد آمد.

۲- برای آگاهی در مورد انجمن حجّتیّه و سوابق و اهداف آن رجوع کنید ← به کتاب "در شناخت حزب قاعدین زمان /ع/ باقی / نشر دانش اسلامی / ۱۳۶۳، تهران.

احمد آقا آمد و گفت که امام مایلند، من در مجلس یا جای دیگر بر مسئله اولویت جنگ با عراق تأکید کنم!

آقای [سیدحسین] موسوی تبریزی دادستان [کل] انقلاب آمد و راجع به اختلافات مقامات قضایی بحث کردیم. امام به من و آقای خامنه‌ای تکلیف کرده‌اند که به اختلافاتشان رسیدگی و اصلاح امور کنیم. آقای موسوی [تبریزی] معتقد است که شورای عالی قضایی ضعیف است و کادر مدیریت زندان‌ها بی‌نظم است. من نسبت به برخوردهای نادرست با خانواده‌های زندانی‌ها انتقاد کردم. قرار شد که رسیدگی شود. دوست فاطمی برایمان مقداری گیلاس از درخت خانه خودشان آورد.

آقای [عبدالکریم] موسوی اردبیلی و آقای [محمد] امامی کاشانی تلفن کردند که من را راضی کنند، برای این که آقای امامی کاشانی از مجلس استعفا بدهد و مسئول دیوان عدالت اداری بشود؛ با اصرار آقای [موسوی] اردبیلی موافقت کردم.

یکشنبه ۳۰ خرداد

[زیاست] جلسه علنی را به آقای [محمد] موسوی خوئینی‌ها سپردم و به مجلس نرفتم. با خانواده‌های شهدای هفتم تیر، همراه با رئیس جمهور به زیارت امام رفتیم. آقای خامنه‌ای صحبت کردند و امام صحبت نکردند.

سپس در دفتر امام با حضور فرماندهان سپاه و نیروی زمینی، وزیر خارجه و وزیر دفاع که امروز از سفر سوریه آمده‌اند، درباره جنگ لبنان و جنگ با عراق بحث کردیم. آقای دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] و آقای سلیمی [وزیر دفاع] در مذاکرات خود با سوریه به این نتیجه رسیده‌اند که سوریه مایل به جنگ است ولی باید مطمئن به کمک کشورهای اسلامی باشد. از ترکیه هم اجازه گرفته‌اند که بتوانیم کمک‌های انسان دوستانه به سوریه منتقل کنیم. درباره حمله آینده ما به عراق و

۱- علت تمایل امام (ره) به تأکید بر اولویت مسأله جنگ این بود که بعد از عقب‌نشینی صدام و اقدامات دیپلماتیک گسترده برای کشاندن ایران به پای مذاکره صلح، نیروهایی در داخل کشور از شور و حال قبلی افتاده بودند و با توجه به نفوذ کلام آقای هاشمی رفسنجانی از ایشان خواسته شده بود تا بر اولویت جنگ تأکید کنند.

عکس سیدحسین موسوی تبریزی - موسوی اردبیلی -
ربانی املشی - اسدالله لاجوردی

ورود به خاک عراق هم بحث شد. منتظر نیروهای مردمی هستند. ناهار را در دفتر امام خوردیم. عصر برای مطالعه و استراحت درخانه بودم. گزارش‌ها را از مجلس آوردند و خواندم؛ مطلب مهمی نداریم. شورای [مرکزی] حزب جمهوری [اسلامی] در دفتر من تشکیل شد ولی من شرکت نکردم. اول شب آقای [سید جلال] ساداتیان اطلاع داد که صدام هم اکنون مشغول نطق است و قرار است سیاست جنگی‌اش را به مناسبت ماه رمضان و جنگ لبنان اعلام کند؛ احتمالاً اعلام آمادگی خروج از خاک ما و آتش بس است. معلوم شد که ضمن ادعاهای زیاد و ستایش از ارتش عراق و ادعای متجاوز بودن ما اعلام کرده است که تا ده روز دیگر از خاک ما بیرون می‌رود!

۱- صدام حسین رئیس جمهور عراق دلایل عقب‌نشینی نیروهای خود از خاک ایران را به این ترتیب عنوان کرده است: الف) طولانی بودن راههای مواصلاتی ما به جبهه در خاک ایران که این امر موجب مسایل زیر شد: ۱- مشکل مانور ۲- نیروهای خودی به مسائل دفاع در خاک ایران کمتر اهمیت می‌دادند. ۳- راههای مواصلاتی تدارکاتی، طویل و در خاک دشمن بوده و از سوی دیگر ارتباط مرکز فرماندهی با قرارگاههای میدان جنگ به علت طولانی بودن، مورد تهدید قرار می‌گرفت. در این حالت نیروهای جلو در معرض انزوای قرار می‌گیرند به ویژه وقتی دشمن به طور مستقیم وارد محل شود (دور می‌زند) دشمن بر روی این تاکتیک (جناح گرفتن و دور زدن) خیلی تکیه می‌کند. ما مجبور بودیم برای حفظ آن جاده‌ها (عقبه‌ها) نیروهای پشتیبانی بیشتری گسیل داریم، این وضع برای مسدود کردن معابر نفوذی بسیار سخت و غیر ممکن است، نیروهای مؤظف به این امر، چون اکثراً از نیروهای ذخیره‌اند و آمادگی ندارند، قادر به مسدود کردن همه معابر نفوذی نیستند و لیکن الان کلیه امکانات دفاعی برای حفظ خط مقدم فراهم شده و بخشهای ذخیره نیز تجربه کافی کسب کرده‌اند.

ب) احساس سربازان و ارتشیان ما در هنگامی که از اراضی و حقوق خود دفاع می‌کنند، با حالتی که در عمق مثلاً هشتاد کیلومتری سرزمین دشمن دارند، متفاوت است.

ج) یکی از عوامل مهم دیگر این بود که دشمن در سرزمین خود می‌جنگید و بالطبع آشنایی کامل با محیط داشت. مثلاً دشمن از رود کرخه و انشعابات آن و یارود کارون استفاده می‌کرد و مسایل غیر مترقبه‌ای را برایمان ایجاد می‌کرد (اصل غافلگیری) و نسبت به نیروهای خط مقدم احاطه داشت. (اسناد به دست آمده در عملیات والفجر مقدماتی / کتاب "از خرمشهر تا فو" از سری کتابهای سیری در جنگ ایران و عراق / جلد دوم - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - ۱۳۷۵ - تهران

دوشنبه ۳۱ خرداد

وعاظ و جامعه روحانیت مبارز با امام ملاقات داشتند و امام مفصل صحبت کردند. من هم می‌بایست شرکت می‌کردم ولی برای قرارهایی که در مجلس داشتم به آنجا رفتم. نمایندگان آذربایجان شرقی آمدند و به بازداشت آقای غفور [گیوی خلخالی] نماینده خلخال که به پنج سال محکوم شده است، اعتراض داشتند. با آقای موسوی اردبیلی صحبت کردم. ایشان گفت که مراجع ذی صلاح به حکم دادگاه انقلاب اهر - که به خاطر سوابق قاضی شرع آن مورد اعتراض است - رسیدگی کرده، حکم را صحیح تشخیص داده‌اند؛ ولی اعتراض نمایندگان شدید است.

ظهر با روحانیت سبزوار ملاقات داشتم که به سپاه و فرمانداری اعتراض دارند. ماههاست که اختلاف دارند. اینها همدیگر را به حجتیه‌ای [بودن] و افراطی‌گری متهم می‌کردند.

عصر در جلسه نمایندگان عضو یا هوادار حزب جمهوری [اسلامی] شرکت کردم. درباره لزوم تشکل و تحزب صحبت کردم.^۲ آقای [حمید] بهرامی از لاهه آمده و نگران خسارت ما در نتیجه عملکرد دیوان لاهه و داوری بین‌المللی در خصوص دعاوی ما و آمریکائیان است.

وزیر مسکن و معاونانش آمدند و از انتقاد من در جلسه هیئت‌های نظارت بر بازسازی در وزارت مسکن گله داشتند. به آنها گفتم که مردم در مراجعه به سازمان‌های متصدی امر مسکن و زمین ناراضینند. شب در مجلس ماندم و مهدی هم با من بود.

۱- در این ملاقات ایشان درباره وضعیت روحانیت قبل و بعد از انقلاب اسلامی، رسالت روحانیان در گسترش انقلاب اسلامی و لزوم حل مسائل هر منطقه در خود آن منطقه سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی درباره اهمیت وجود احزاب، جایگاه رأی‌اعضاء در احزاب، مسأله ولایت فقیه و روند شکل‌گیری آن، وظایف احزاب در نظام جمهوری اسلامی، اثرات وجود تشکل در نیروهای انقلابی، خاصیت حزب جمهوری اسلامی، علل تحزب‌گرایی، مشکلات مربوط به تشخیص جریانهای سالم، مسأله بنی‌صدر، لزوم سازندگی در مناطق محروم کشور، نقش طلاب حوزه‌های علمیه در تداوم انقلاب، تفاوت احزاب اسلامی با احزاب غربی و وظیفه احزاب در کشف و تربیت نیروها به تفصیل مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

خالی

عکس صدام حسین

تیر ۱۳۶۱

عکس ماه هیأت رئیسه مجلس

سه شنبه ۱ تیر ۱۳۶۱

۲۹ شعبان ۱۴۰۲

June. 22, 1982

ساعت هفت و نیم صبح جلسه علنی مجلس شروع شد. در تأیید اظهارات امام در خصوص تقدم جبهه جنگ با عراق و جواب به اظهارات صدام صحبت کردم^۱. دو لایحه تصویب شد. به علت خالی شدن باتری های اتاق کنترل، بلندگوها و میکروفون ها قطع و وصل می شد، لذا بی موقع تنفس داده شد تا درست کنند. تماشاچیان زیادی از ارگان های مختلف داشتیم که پس از جلسه برای آنها در دو گروه صحبت کردم^۲.

ظهر آقای [سیدمصطفی] محقق داماد رئیس بازرسی کل کشور آمد و گزارشی از کارهایش داد و از ضعف شورای عالی قضایی گله داشت.

عصر در جلسه گروهی از نمایندگان شرکت کردم و راجع به وضع جبهه ها و علل کمک به لبنان مذاکره شد. گفتند اکثریت نمایندگان مجلس و فضای جامعه نگرانند از تأثیر مانورهای صلح خواهانه عراق و فشار خارجی ها می ترسند بی موقع آتش بس به بهانه ماه رمضان پذیرفته شود و نقل کردند که آقای منتظری گفته اند مسئولان بوی دلار به دماغشان خورده و می خواهند جنگ را ختم کنند. گفتم آیت الله منتظری از نظر و تصمیم امام برای ادامه جنگ مطلعند بعید است چنین چیزی بگویند. ممکن است افراد بی اطلاع گفته باشند و اصلاً پای دلاری در کار نیست. اصل حرفشان اینست که کمیته ای مرضی الطرفین بررسی کنند و طرف متجاوز را مشخص کنند و سپس در مورد خسارت صحبت شود و معلوم است که نتیجه چه خواهد شد. گروهی از طلاب قم، مشهد و اهواز برای تبلیغات هفتم تیر و فاجعه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی آمده بودند که برایشان صحبت

۱- در این نطق آمده است: امام توجه خاصی به تقدم جنگ در مرزهای ایران بر جنگ در لبنان داشتند و این نظری است که در هفته های گذشته دوستان ما در دنیای عرب و در داخل مطرح کرده اند. نظریه رهبران سوریه و نظامیان سوریه، نظریه رهبران لیبی و نظامیان لیبی و نظر شورای دفاع هم همین بود که مسأله فیصله جنگ در مرزهای ایران تقدم دارد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی درباره فلسفه ماه مبارک رمضان، روح عبادات، تأثیر عبادت بر انسان، عامل آسیب ناپذیری روحی حضرت امام (ره)، تأثیر روزه در عذاب اخروی و معنا و مفهوم تقوا به تفصیل مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس آیت الله منتظری

کردم و برای تبلیغاتشان جهت تعیین کردم^۱.
 امام جمعه گناوه و جمعی از مسئولان آنجا آمدند و از فقر مردم و در عین حال علاقه آنها به
 جمهوری اسلامی و انقلاب گفتند. برای آنها صحبت کردم^۲. رابطین حوزه‌های حزب آمدند و
 سئوالاتی داشتند که جواب دادم. جلسه خوبی بود.
 در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم؛ درباره مسائل متعددی تصمیم گرفتیم. امام گفته‌اند،
 در این ده روزه که عراق مدعی عقب نشینی است، حمله نکنیم و به لبنان هم فعلاً کسی را نفرستیم.
 درباره تحویل گرفتن ناو "خارک" که رژیم سابق، آن را از انگلیس خریده و نیز خرید رادار و تعمیر
 رادارها و گسترش دفاع ضد هوایی تصمیم‌گیری شد. شب به خانه آمدم، حاجیه والده هم به منزل
 ما آمده بودند. شام مختصری خوردیم و زود خوابیدیم که برای سحر اولین روز ماه رمضان بیدار
 شویم.

چهارشنبه ۲ تیر

من و عفت و فاطمی و مهدی و یاسر برای روزه گرفتن سحری خوردیم. والده به علت پیری و
 کهولت روزه نمی‌گیرند. تا نزدیک ساعت نه صبح خوابیدم. تمام وقت در خانه ماندم و به مطالعه و
 استراحت و نوشتن خاطرات و خطبه عربی نماز جمعه پرداختم.
 وزیر خارجه تلفن کرد و گزارشی از اوضاع داد. شب احمد آقا تلفن کرد و گفت که امام در مورد
 مسائل لبنان به همان نظر تأکید دارند و مصر هستند. به آقای [سیدحسین] موسوی تبریزی تلفن
 کردم و گفتم که آقای غفور [صادق] خلخالی را به زندان تهران منتقل کنند. افطار همه بچه‌ها جمع

۱- در این سخنرانی درباره نقش تشکلهای مذهبی در انقلاب، بهره‌های فاجعه هفتم تیر برای انقلاب اسلامی، انقلاب سوم و
 خیال خام منافقین، نبرد مستضعفان متدین با مستکبران و تحزب و تهذیب مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی
 رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی در مورد ارزش خدمت در مناطق محروم، فداکاری و گذشت مردم گناوه و لزوم رفع فقر فرهنگی و فقر
 اقتصادی مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف

بودند. یاسر خوب مقاومت کرده، هفده ساعت روزه دار بود؛ هنوز به تکلیف نرسیده. دادستانی جزوهای از وضع خسرو قشقایی^۱ را فرستاد تا ثابت کند که او با تأمین برنگشته و به منظور فرار به شیراز آمده. مهندس [رجبعلی] طاهری [نماینده کازرون] مدعی است که او با تأمین ایشان آمده است. ممکن است که خسرو [قشقایی] در صدد فرار بوده ولی تأمین آقای طاهری را وسیله ای برای نجات از دستگیری احتمالی کرده باشد.

پنجشنبه ۳ تیر

در جلسه علنی مجلس، چند لایحه تصویب شد. آقای [اسدالله] بیات اطلاع داد که به اتومبیل آقایان [سیدمحمد] موسوی خوئینی ها و محمد علی صدوقی حمله شده است، یک پاسدار ایشان مجروح شده و خودشان سالم به مسجد رسیده اند. شیوه جدید تروریست ها این است که در راه ها کمین می کنند و اتومبیل هر یک از شخصیت ها که برسد وارد عمل می شوند. عصر دوسه ملاقات داشتم. برای افطار به منزل آمدم. عفت به مهمانی خانواده شهید صادق اسلامی و از آنجا به مراسم حزب جمهوری [اسلامی] رفته بود. به مناسبت سالگرد شهادت هفتاد و سه تن به مدت ده شب مراسمی برگزار کرده اند و شخصیت ها سخنرانی دارند. گفت جمعیت زیادی آمده بودند.

جمعه ۴ تیر

تا ساعت ده در منزل مطالعه کردم. سپس برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. خطبه ای

۱- خسرو خان قشقایی یکی از خوانین عشایر استان فارس بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت های مختلفی را در جهت کسب قدرت سیاسی انجام داد. وی بعد از تحولات سال ۶۰، اردوگاه مسلح خوانین را در فیروزآباد فارس تشکیل داد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک عملیات اردوگاه مذکور را تصرف کرد و خسرو خان قشقایی را به همراه ۹ تن دیگر از خوانین فارس دستگیر نمود. این افراد در بازجویی های خود به دستورگیری از استکبار غرب اعتراف کردند. دادگاه انقلاب اسلامی، خسرو خان قشقایی را به اعدام محکوم کرد و حکم در مورد وی به اجرا درآمد.

درباره آثار روزه و تقوا و خطبه‌ای درباره مروری بر انقلاب اسلامی و انقلاب سوم و دروغ‌های نطق صدام ایراد کردم^۱.

عصر با احمد آقا تلفنی صحبت کردم: درباره وضع لبنان که اسرائیل در حال پیروزی کامل است و جبهه نجات ملی جا می‌افتد و فلسطینی‌ها رفته رفته شکست می‌خورند و کمک‌های ما خیلی مؤثر واقع نمی‌شود. قرار شد که با امام صحبت کند. او سپس به منزل آمد و گفت که امام مخالف اعزام نیرو به لبنان هستند.

با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم. قرار شد که با امام ملاقات کنیم و موضع روشنی اتخاذ شود. درباره محل مصلاهی نماز جمعه نیز با ایشان مشورت کردم. امر دایر بین پادگان ولی عصر (عشرت آباد) یا عباس آباد است. شب دکتر وحید دستجردی آمد و درباره وضع زندان اوین و خیلی چیزهای دیگر صحبت کردیم.

شنبه ۵ تیر

رئیس جمهوری به منزل ما آمدند و با هم به زیارت امام رفتیم. راجع به کمک به سوریه در مقابل اسرائیل مذاکره کردیم. امام با حضور ما در آن جبهه با شرایط موجود مخالفت دارند و معتقدند که عربها جنگ جدی نخواهند کرد و درگیری بیشتر ما باعث می‌شود که در جبهه جنگ با عراق دچار وقفه شویم و در آنجا هم به جایی نرسیم. بالاخره قرار شد اگر به طور جدی از طرف سوریه جنگ شد، شرکت کنیم.

ظهر پس از نماز مشغول خواندن گزارش‌ها و نامه‌ها در خانه شدم. عصر در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه‌ای برای رفع اختلافات نیروی زمینی و سیاسی ایدئولوژیک داشتیم. قرار شد که نیروی زمینی مراعات حقوق سیاسی ایدئولوژیک را کند و نیرو و امکانات در اختیارشان بگذارد و در

۱- در خطبه اول فلسفه و جوب روزه و ارتباط آن با تقوا، فرق تقوای مثبت و منفی، تقوای عافیت طلبان و تقوای مبارزان بحث شد و در خطبه دوم وجه تسمیه انقلاب اول (۲۲ بهمن) انقلاب دوم (اشغال سفارت آمریکا) و انقلاب سوم (حذف لیبرالها و خط‌نفاق) و اشتباه در سیاستهای دولت آمریکا تحلیل و تبیین گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

شش مورد، از جمله دانشکده افسری که اخیراً اختلافات شدید بوده، با قضاوت آقای [محمد محمدی]ری شهری [دادستان نیروهای مسلح] رسیدگی شود.

افطار مهمان آیت الله خامنه‌ای بودم. سرهنگ [علی] صیاد شیرازی هم ماند و راجع به لبنان براساس نظر جدید امام تصمیماتی اتخاذ کردیم. سپس با آقای خامنه‌ای درباره چند موضوع مهم مشورت کردیم. تصمیم گرفتیم که اراضی عباس آباد، تبدیل به مصلاهی نماز جمعه شود. درباره ارتش، اقتصاد، جنگ، حزب، انجمن حجّتیّه و خیلی چیزهای دیگر بحث کردیم. ساعت یازده به مجلس رفتیم و خوابیدیم. سحری را تنهایی خوردم: خرما و هندوانه.

یکشنبه ۶ تیر

در جلسه علنی امروز، لایحه تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در شور اول و چند لایحه دیگر تصویب شد. عکس‌های سی‌وسه تن از نمایندگان شهید را باگل در مجلس گذارده بودند. پیش از دستور درباره سالگرد فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] و شهادت هفتاد و سه نفر صحبت کردم^۱.

ظهر آقایان [سید کاظم] اکرمی [نماینده بهار و کبوتر آهنگ] و [غلام عباس] زائری [نماینده بندر عباس] آمدند و از عزل آقای مظفری نژاد و نصب آقای [محسن] دعاگو در وزارت آموزش و پرورش و اختلافات آقای [علی اکبر] پرورش [وزیر آموزش و پرورش] با گروه امور پرورشی اظهار نگرانی کردند.

آقای [مرتضی] اعظمی لرستانی [نماینده خرم آباد] آمد و از این که او و بستگانش مورد سوء ظن و فشار قرار گرفته‌اند، شکایت داشت. و اظهار وفاداری به جمهوری اسلامی کرد؛ بچه‌هایش متهم

۱- در این نطق آمده است: حضور عکس‌های نمایندگان شهید در جلسه امروز ما را به فضای جلسه در یکسال قبل برمی‌گرداند و احساس اندوه عمیقی در نمایندگان مجلس و فضای مجلس شورای اسلامی می‌شود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰. شایان ذکر است مجموعه خاطرات آقای هاشمی از واقعه هفتم تیر در کتابی به نام "روایت هجران" گردآوری شده است. متن کامل این مجموعه در ضمیمه کتاب "هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران، خاطرات ۱۳۶۰، دفتر نشر معارف انقلاب" صفحه ۵۱۷ درج شده است.

عکس مراسم هفت تیر از کتاب

عکس مهدوی کنی - ناطق نوری - عکسراولادی - محسن رفیق دوست

به وابستگی گروه‌های چپ شده‌اند. آقای [صادق] خلخالی برای نجات برادرش [غفورگیوی] از زندان کمک خواست. از آقای [موسوی] اردبیلی خواستم که نماز جمعه آینده را اقامه کنند.

عصر شورای مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] در دفتر من تشکیل شد. قسمت عمده وقت ما درباره وضع اقتصادی و لزوم توجه به بخش خصوصی و رونق کار و بازار گذشت. امام هم نگران دولتی شدن امور و فشار بر بخش خصوصی‌اند و آقای [عبدالمجید] معادیخواه گفت که در دولت روحیه دولتی کردن امور اقتصادی رواج دارد و آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر مقاومت نشان داد. جو جلسه با ایشان موافق نبود. افطار مهمان مجلس بودند.

شب به خانه آمدم. اتومبیل‌های محافظان در راه برگشت تصادف کرده بودند. احمد آقا در راه برگشت از جلسه بزرگداشت شهدای هفتم تیر برای قرائت پیام امام، صحنه را دیده بود، آخر شب آمد و اطلاع داد. نگران شدم ولی پس از تحقیق معلوم شد که ماشین‌ها صدمه دیدند، اما آسیب انسانی نداشتیم.

دوشنبه ۷ تیر

برای سخنرانی در مراسم راهپیمایی مردم برای شهدای هفتم تیر به مجلس رفتیم. اجتماع عظیمی مقابل مجلس بود و مقداری صحبت کردم و اسامی هفتاد و سه شهید را خواندم*. عفت و مهدی هم با من آمده بودند.

ظهر آقای [حبیب‌الله] عسگرآبادی [وزیر بازرگانی] در مجلس به ملاقات آمد. راجع به مسایل اقتصادی و لزوم توجه به بخش خصوصی و اختلاف نظر در دولت صحبت کرد.

به منزل آمدم و تا ساعت پنج بعد از ظهر استراحت کردم. عصر احمد آقا آمد و راجع به مسایل جنگ لبنان براساس نظر امام بحث شد. در مورد استعفای آقای [محمد رضا] مهدوی‌کنی از سرپرستی کمیته‌های انقلاب در اثر اختلاف نظر با آقای [علی اکبر] ناطق [نوری] پس از تصویب واگذاری کمیته‌ها به وزارت کشور در مجلس بحث شد^۱.

۱- کمیته‌های انقلاب اسلامی نهادی برآمده از انقلاب بود که در سال ۵۷ تشکیل شد و وظیفه حراست و حفاظت از دستاوردهای (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

از دفتر آقای خامنه‌ای و دفتر امام اطلاع دادند که نظامیان عراق از قصر شیرین و مناطق اطراف بیرون رفته‌اند و با توجه به ملاقات سپاه و ارتش با امام و مذاکره درباره جنگ لبنان، خواستار تشکیل جلسه شورای عالی دفاع برای فردا شدند.

آقای محسن رفیق دوست که دیشب از سوریه آمده، امروز به ملاقات آمد و از این که امکانات در سوریه را کد است، اظهار نگرانی نمود. قرار شد که این مطلب را خدمت امام بگوید.

سه شنبه ۸ تیر

جلسه علنی معمول هفتگی را، به منظور رعایت حال نمایندگان که برای سخنرانی در مراسم بزرگداشت شهدای هفتم تیر به شهرستان‌ها رفته‌اند به فردا محول کردیم. ساعت ده صبح در دفتر آقای رئیس جمهور، شورای عالی دفاع جلسه داشت. عقب نشینی ارتش عراق از شهرها و نقاط مسکونی غرب کشور مورد رسیدگی قرار گرفت و معلوم شد که آنها در بخشی از ارتفاعات ایران در کنار مرزها مانده‌اند. همین موضوع، اهداف جنگ طلبانه صدام را ثابت می‌نماید و اینگونه عقب‌نشینی‌ها بیشتر جنبه تبلیغی دارد و برای تثبیت و تقویت نیروهای خود استفاده می‌کند. در عراق تغییراتی در کابینه انجام شده ولی سطحی است.

در مورد عملیات آینده، موضع تبلیغاتی ما و عدم اعزام نیرو به سوریه هم تصمیماتی گرفتیم. در مجموع به این نتیجه رسیدیم که تصمیم بجایی است.

عصر در مجلس چند ملاقات داشتم. از بهداری سپاه آمده بودند و راجع به لزوم نفوذ بیشتر اطبای حزب اللهی در وزارت بهداری پیشنهادهایی داشتند.

سفیر لیبی آمد و مطلب تازه‌ای نداشت. مدتی پیش تقاضای ملاقات کرده، امروز نوبت او شده

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

انقلاب اسلامی را عهده‌دار گردید. این نهاد در سالهای جنگ که سپاه درگیر جبهه‌ها بود، وظیفه برخورد با ضدانقلاب داخلی را به نحو احسن انجام داد و پس از آن مأموریت‌های مبارزه با مواد مخدر و مبارزه با منکرات نیز به مأموریت‌های کمیته اضافه شد. کمیته‌های انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۰ با شهربانی جمهوری اسلامی و ژاندامری ادغام گردید و به این ترتیب "نیروی انتظامی جمهوری اسلامی" تأسیس شد.

و زمان مطلب قبلی اش گذشته بود. گفت که آقای [معمرا] فذافی [رهبر لیبی] با قراردادهای ما با [عبدالسلام] جلود موافقت کرده است.

سفیر سوریه آمد و از این که ما به جنگ با عراق اولویت داده ایم و با اعزام نیرو، به آنها فشاری برای ادامه جنگ وارد نمی شود، خوشحال بود و می گفت که اسرائیل سلاح های ناشناخته جدیدی به کار گرفته و فعلاً نمی خواهیم با آن بجنگیم.

کاردار سفارت شوروی آمد و از این که یکی از دیپلمات های سفارتشان گم شده - و گویا جاسوس غرب بوده - و به ترکیه فرار کرده و اتومبیلش را در مرز پیدا کرده اند، نگران بود و نمی خواست باور کند که فرار کرده، قرائنی هم ارائه می کرد.

شب با مهدی در مجلس ماندیم. افطار آش رشته داشتیم. مهدی در بیرون همیگر خورده است. سفیر هند هم آمد و من را به هندوستان دعوت کرد که پذیرفتم.

چهارشنبه ۹ تیر

سحری را در مجلس با مهدی خوردیم. غذای مجلس برای مهدی مطبوع نبود و چیزی نخورد و تقریباً بی سحری روزه گرفته است. روزه گرفتن برای بچه ها در این روزهای بلند مشکل است. ساعت هفت و نیم بیدار شدم و در جلسه علنی شرکت کردم. براساس آیین نامه جدید، شعبه ها تجدید بنا می شود. در شعبه شرکت کردم و اداره جلسه را به آقای [محمد موسوی] خوئینی ها سپردم که ایشان جلسه را تا آخر اداره کرد.

اصلاح قانون بیمه های اجباری تأمین اجتماعی مطرح بود که چون خیلی از نمایندگان با اصل بیمه اجباری مخالف بودند، رد شد ولی چون دیدند که قانون قبلی به قوت خود می ماند و بار دین لایحه دیر کرد و... هم می ماند پشیمان شدند. به صورت دو فوریتی طرحی به مجلس دادند که بهره و خسارت دیرکرد را حذف کنند.

ظهر چند ملاقات و عصر هم جلسه هیئت رئیسه داشتیم.

خانواده های شهدای هفتم تیر افطار را مهمان مجلس بودند. برایشان مقداری صحبت کردم*.

قبل از مراسم عفت و خانم شهید مطهری و عده ای از آشنایانش به دفترم آمدند. شب در مجلس ماندم و مهدی هم ماند. فیلمی تهیه کرده بود که با دستگاه ویدئوی مجلس تماشا کرد.

عکس ملاقات خانوادگی شهدای هفتم تیر

کارها را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. مطلب مهمی نداشتیم. جنگ لبنان ادامه دارد. آتش بس نقض می‌شود. اسرائیل بر بیروت فشار می‌آورد. محاصره کامل است و عکس‌العمل‌های جهانی تا حدودی آمریکا و اسرائیل را تحت فشار گذاشته است.

پنجشنبه ۱۰ تیر

در جلسه علنی شرکت کردم. خط مشی کلی صداوسیما مطرح بود که تا ماده ۴۲ تصویب شد. ظهر در شعبه ۸ برای انتخاب اعضای کمیسیون‌ها شرکت کردم. عصر پس از استراحت و شنیدن اخبار، ملاقاتی با آقای [محمود] کریمی سرپرست بنیاد مستضعفان داشتم. از آقای نخست وزیر به خاطر دخالت در کارهایش گله داشت.

سپس با وزرای کشاورزی، مسکن، بهداشتی، آموزش عالی، دارایی، برنامه و بودجه، صنایع (به اصطلاح چیگرها) راجع به اختلافشان با جناح دیگر در امور برنامه‌های اقتصادی صحبت کردم. به آنها گفتم که امام از فشار زیاد بر بخش خصوصی نگرانند و ممکن است عکس‌العمل نشان دهند و از آنها خواستم که در موارد تولید و توزیع و... مقداری به بخش خصوصی میدان بدهند. دو ساعت بحث کردیم که مفید بود. افطار به خانه آمدم.

جمعه ۱۱ تیر

در خانه ماندم. نماز جمعه را آقای [عبدالکریم] موسوی اردبیلی اقامه کردند. تعدادی قرآن را جهت اهداء جایزه به افراد سپاه برای قرائت قرآن امضا کردم. امضای قرآن و عکس و کتاب هم جزو کارهای مسئولان نظام شده است. خاطرات عقب مانده را نوشتم.

ساعت سه بعد از ظهر از نخست وزیری اطلاع دادند که آیت الله [محمد] صدوقی [امام جمعه یزد] بعد از نماز جمعه شهید شده‌اند. یک تروریست با چسبیدن به ایشان نارنجکی منفجر کرده که خودش هم مرده است و جمعی زخمی شده‌اند. عجیب است که محافظان ایشان با اطلاع از شهادت آقایان [سید عبدالکریم] هاشمی نژاد و [اسدالله] مدنی و [عبدالحسین] دستغیب و ترور [صادق] احسانبخش با همین شیوه، جلو ترور را نگرفته‌اند. از آقای [محمد] موسوی خوئینی‌ها

عکس صدوقی جنازه

خواستم که همراه نمایندگان دولت برای تشییع جنازه فردا به یزد برود. احمد آقا عصر آمد و راجع به مسایل جاری و بیانیه امام [در خصوص شهادت آیت‌الله صدوقی] مشورت شد. خودم بیانیه‌ای نوشتم که به رسانه‌ها بدهم^۱ و مصاحبه‌ای تلفنی با روزنامه جمهوری اسلامی انجام دادم.

شنبه ۱۲ تیر

به مناسبت شهادت آیت‌الله صدوقی از طرف دولت تعطیل عمومی اعلام شد. تمام وقت در خانه ماندم و به مطالعه و استراحت پرداختم. تشییع جنازه با شکوهی در یزد انجام شد. نمایندگان از طرف امام، رئیس جمهوری، اینجانب و دولت و ... شرکت کردند. در اغلب شهرها هم مراسم برگزار شد.

آقای محسن رضائی تلفن کرد و گفت، کم کم آماده عملیات می‌شوند و داوطلبان زیادی مراجعه کرده‌اند. درخواست کرد، مطالبی را که سپاه درباره گروهاک‌ها تهیه کرده، صداوسیما پخش کند به [برادرم] محمد گفتم که قرار شد انجام شود.

عصر تلفنی با رئیس جمهور درباره مسایل جاری مشاوره کردم. احمد آقا هم آمد و راجع به دلیل نیامدنش به حزب مذاکره کردیم. امام گفته‌اند که او به حزب نرود و به طور کلی امام ایشان را از پذیرش هر نوع مسئولیت رسمی در نهادها و ارگان‌ها منع می‌کنند و تاکنون هم علت آن را بیان نکرده‌اند. البته اداره دفتر امام کار بزرگی است و لازم است که همه انرژی ایشان صرف اداره دفتر بشود.

۱- در این پیام آمده است: کشتن شخصیتی که تمام عمرش را در راه تحصیل و تعلیم اسلام، خدمت به مردم مستضعف و مبارزه با ستم به کار گرفته در حال نماز و پیش چشم هزار انسان مرید و علاقمند برای قاتلان چه نتیجه‌ای جز نفرت و خشم عمومی می‌تواند داشته باشد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیها (حاوی پیامهای سال ۱۳۶۱)، جلد دوم" دفتر نشر معارف

یکشنبه ۱۳ تیر

ساعت هفت به طرف مجلس حرکت کردم. نیم ساعت قبل از جلسه، گزارش‌ها را خواندم. گزارش‌ها می‌گوید که یاسر عرفات با مقامات غربی بر سر خروج نظامیان فلسطینی از لبنان به توافق رسیده است و کابینه اسرائیل مسایل مورد توافقشان را مورد بحث قرار داده است. اگر چنین توافق کنند، سازمان آزادیبخش فلسطین^۱ سازشکار معرفی خواهد شد و اعتبار انقلابی خود را از دست می‌دهد.

عراق طرحی برای فیصله مخاصماتش با ایران به سازمان ملل داده و حرکت سیاسی وسیعی برای اثبات صلح طلبی خود و جنگ طلبی ما شروع کرده است و ماکار سیاسی مهمی نکرده‌ایم. قبل از دستور، درباره شهادت آقای صدوقی و حرکت زشت منافقین تحلیلی ارائه کردم.^۲ دو لایحه دو فوریتی با حضور [اعضای] شورای نگهبان تصویب شد.

ظهر مخالفان وزیر راه آمدند و از روحیه توجه بیشتر وزیر به تخصص در مقابل تعهد شکایت داشتند. حرف حسابی نداشتند. برادر پاسدار شهیدی هم آمد و می‌خواست از این وضعیت به نفع خودش استفاده کند. عصر سفیر ما در یونان آمد و از نفوذ انقلاب اسلامی در افکار عمومی اروپائیان گفت. می‌گفت عضدی و رسولی شکنجه‌گران ساواک در یونان فعالیت دارند.

عصر جلسه شورای [مرکزی] حزب جمهوری [اسلامی] تشکیل شد و طرح جدید سازمان اداری کشور مطرح بود. افطار مهمان رئیس جمهوری بودیم، با غذای مجلس!

۱- سازمان آزادیبخش فلسطین (منظمة التحرير الفلسطينية) PLO در واقع متشکل از چند سازمان است که عمده‌ترین آنها "الفتح"، "جبهه خلق برای آزادی فلسطین"، "الصاعقة" و "العاصفة" است. هر یک از کشورهای متنفذ عرب از یک سازمان حمایت می‌کنند (یامی کردند). رهبری این سازمان با یاسر عرفات است. وی پس از دوران طولانی مبارزه مسلحانه به مذاکره روی آورد و نتیجه آن دولتی باصطلاح خود مختار در دو شهر فلسطین می‌باشد.

۲- در این نطق آمده است: تنها تحلیلی که می‌شود [از اعمال منافقین در ترور شخصیت‌های انقلاب] پذیرفت، همین‌کینه توزانه حرکت کردن و دیگری به عنوان یک فنر و عروسک و عنصر تحت فرمان مجبور در خدمت جریان خارج از کشور بودن است؛ حالا این صدام می‌خواهد باشد یا فرانسه یا آمریکا. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱،

عکس یاسر عرفات - و هاشمی در سالهای اول انقلاب

شب با آقای رئیس جمهور و آقای نخست وزیر درباره مسایل جاری سیاسی، اقتصادی و نظامی و... مشاوره کردیم.

آخر شب به منزل آمدم. نماز مغرب و عشا را نخوانده بودم، خواندم و کمی به سخنرانی آقای یوسف صانعی و آقای احمد آذری [قمی] از تلویزیون گوش دادم. تا سحر نخوابیدم و یاسر و مهدی مشغول تماشای فیلم بودند و نخوابیدند. با بچه‌ها سحری خوردیم.

دوشنبه ۱۴ تیر

ساعت هشت و نیم دکتر ولایتی به خانه آمد و راجع به فشار دانشجویان مسلمان انقلابی در خارج بر بعضی از سفرا - از جمله آقای نواب سفیر ایران در آلمان - صحبت داشت و چاره جویی کرد. به او گفتم که حتی الامکان باید دانشجویان را حفظ کرد ولی باید تعدیل شوند. معتقد بود که لازم است من به هندوستان بروم.

سپس آقای [محمد حسن] زورق معاون سیاسی صدا و سیما آمد و راجع به کتابش که باید تجدید چاپ شود، مشورت کرد. اصلاحاتی را پیشنهاد کردم. انتظار دارد که مقدمه‌ای بنویسم و من از مقدمه نویسی خوشم نمی‌آید.

آقای [مرتضی] الویری آمد و برای حل مشکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در رابطه با جناح حزب اللهی‌های درون سازمان و آقای [حسین] راستی [کاشانی] مشورت کرد. نظراتی در این زمینه دادم. کمی در حیاط با سبزی‌ها و رفتن و مقداری هم مطالعه کردم و خاطرات عقب مانده را نوشتم.

عصر احمد آقا آمد و راجع به نوشتن تاریخ نهضت امام از روی پرونده‌ای که ساواک برای امام درست کرده مشورت کرد. پرونده امام شصت جلد است که تقریباً بهترین مدارک و اسناد تاریخ نهضت اسلامی را دارد. چون ساواک همه حرکت‌ها را به نحوی به امام مربوط کرده و در پرونده ایشان قرار داده است. در این پرونده افشاگری‌ها و کشف حقایقی خواهد بود.

سه شنبه ۱۵ تیر

بعد از برنامه سحری خوابم نبرد. ساعت شش و نیم به مجلس رفتم و تا ساعت هشت گزارش‌ها را خواندم. اخبار می‌گوید که فلسطینی‌ها با مخالفان قراردادی امضا کرده‌اند که نیروهای نظامیشان را از لبنان بیرون ببرند. حافظ اسد هم به عربستان رفته است و مثل این که راه حل آمریکایی، دارد جا می‌افتد. جلسه علنی مجلس را درباره طرح خط مشی صداوسیما گذراندم. ظهر گروهی از اعضای کمیسیون ارشاد آمدند و راجع به وزیر ارشاد مطالبی داشتند؛ تحریکاتی در پشت ظواهر وجود دارد.

آقای [مصطفی] کفاش زاده آمد و نامه محرمانه امام را آورد که به فرمانده سپاه نوشته‌اند و از ضعف حفاظت شخصیت‌ها و نوع مراقبت از شهید صدوقی انتقاد کرده‌اند. عصر خلیفه‌های ارامنه تهران، جلفا و ارومیه آمدند و از تصمیم شورای عالی آموزش و پرورش در خصوص لزوم تعلیم مطالب دینی آنها به زبان فارسی و منع تعلیم در مدارس رسمی با زبان ارمنی شکایت داشتند و از جلوگیری از بنای کلیسایی در گرگان و...^۱

سرهنگ کتیبه رئیس اداره دوم ستاد مشترک آمد و از ستاد گله داشت و پیشنهاد می‌کرد که سرهنگ سلیمی رئیس ستاد و رحیمی معاونش وزیر دفاع شود. گروهی از رؤسای آموزش و پرورش تهران آمدند و آقای [علی اکبر] پرورش [وزیر آموزش و پرورش] که معاونان همفکرشان را عزل کرده شکایت داشتند.^۲ آقای غروی هم آمد و از فشار روی بازار شکایت داشت. مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره آقای شهید صدوقی کردم.* افطار را در مجلس بودم و شب به خانه آمدم.

۱- در این ملاقات درباره شیوه برخورد اسلام با اقلیت‌های دینی و حقوق متقابل جامعه اسلامی و اقلیت‌ها سخن رفته است.

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این ملاقات درباره مسائل موجود در وزارت آموزش و پرورش، شخصیت شهیدان رجائی، باهنر و دکتر بهشتی در اداره امور فرهنگی، مسئولیت خطیر آموزش و پرورش، خطرات عمده برای سلب اعتماد مسئولان و مسأله انجمن حجتیه مطالبی گفته

شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

چهارشنبه ۱۶ تیر

در خانه ماندم. آقای خامنه‌ای آمدند و با هم به زیارت امام رفتیم. راجع به حزب جمهوری اسلامی و ضرورت تحزب با ایشان صحبت کردیم. محدودیت‌هایی که اخیراً ایشان برای حزب در رابطه با ارگان‌ها و مخصوصاً بسیج بوجود آورده‌اند، باعث تضعیف حزب شده است. مقداری با ایشان بحث کردیم تا حدی مؤثر شد، قرار شد به نحوی ترمیم شود.

راجع به حمله آینده و ورود نیروهای ما به خاک عراق هم صحبت کردیم. سپس به منزل آمدیم و با حضور احمد آقا درباره مطالب و مسایل جاری کشور بحث کردیم.

پنجشنبه ۱۷ تیر

صبح زود به مجلس رفتیم. جلسه علنی داشتیم و دوسه لایحه تصویب کردیم. ظهر آقای محمدمحمدی گرگانی آمد و از حزب الله گله داشت. نگرانی دارد که شدت گیرد. آقای [سداالله] بیات آمد و از احتمال نفوذ انجمن حجتیه در سپاه نگرانی داشت. عصر کارکنان روابط عمومی [مجلس شورای اسلامی] آمدند و راجع به کارها توضیح دادند و از دفتر مشاورت امام [در ارتش] نیز.

معاونان بهزیستی آمدند و چاره‌جویی برای جلوگیری از استعفای آقای دکتر [حسن] روحانی وزیر مشاور می‌کردند که اخیراً استعفا داده است. با آقای رئیس جمهوری در این باره صحبت کردم.

تا افطار کارهای اداری را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. افطار مجلس آش و تخم مرغ و کره و مربا و میوه بود. شب به خانه آمدم. آقای دکتر ولایتی اطلاع داد که آلمانی‌ها نرم شده‌اند و وزیر خارجه آنها رسماً عذرخواهی کرده که منتشر شد.

جمعه ۱۸ تیر

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتیم. پس از بازگشت، تا ساعت پنج بعد از ظهر مطالعه کردم.

خبر مهمی نداشتیم. منتظر شروع حمله به عراقی‌ها هستیم. برای دومین بار در سال جاری، عصر امروز، آب خانه قطع شد.

شنبه ۱۹ تیر

در خانه ماندم و با [پسر] محسن که مدتی او را ندیده بودم، دیدار داشتم. مطالعه می‌کردم و در حیاط قدم می‌زدم. حیاط ۱۵×۱۲ متر خانه با داشتن باغچه و استخر کوچک مناسب برای پیاده روی نیست. بچه‌ها عفت و مهدی را با لباس در آب انداختند. عصر مصاحبه‌ای با مجله پاسدار اسلام - نشریه حوزه [علمیه] قم - درباره جنگ داشتم^۱. با تلفن کارها را پیگیری کردم. مسئله مهمی نداشتیم. افطار را مهمان آقای توسلی بودم که دوستان زیادی بودند. یاسر هم با من بود. شب نوزدهم رمضان بود، احیاء داشتم و با دعا و قرآن و مطالعه بیدار ماندم.

عفت و بچه‌ها برای مراسم احیا به محل "جامعه الصادق" رفتند. زمینی است وسیع در تقاطع خیابان ولی عصر و طالقانی گویا در گذشته سفارت افغانستان بوده است. قبل از انقلاب بازاری‌ها آن را برای کاسبی خریده بودند. بعد از انقلاب که اراضی شهری وضع دیگری پیدا کرد، زمین را برای ساختن دانشگاه واگذار کردند که هنوز ساخته نشده است. یاسر هم همراه نوه امام و دوستان نوجوانش به مسجد جماران رفتند که مراسم احیا بود. بعد از نماز صبح کمی خوابیدم.

یکشنبه ۲۰ تیر

ساعت هفت به مجلس رفتیم. پیش از جلسه علنی گزارش‌ها را خواندم و ساعت هشت جلسه شروع شد. تا ظهر در جلسه بودم. ظهر همسر سرهنگ دهقان آمد و برای نجات شوهرش - که هشت ماه قبل به اتهام سوء عمل در خرید وزارت دفاع بازداشت شده - کمک می‌خواست. او معاون

۱- این مصاحبه که در شماره مرداد ماه ۱۳۶۱ مجله پاسدار اسلام به چاپ رسیده است، حاوی این موضوعات است: وضعیت ارتش عراق، فتح خرمشهر، تبلیغات دروغین عراق، توطئه جدید آمریکا، حمله اسرائیل به لبنان، احتمال پایان جنگ و عملیات رمضان. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

لجستیکی وزارت دفاع بوده و متهم به توده‌ای بودن نیز است ولی ثابت نشده است. آقای [محمد علی] موحدی کرمانی که در رأس هیئتی به مناسبت روز قدس عازم کشورهای آفریقا است، آمد و راجع به چهار کشور محل مأموریت خود مشورت کرد. بعد از نماز و استراحت مصاحبه‌ای تلویزیونی راجع به فلسطین به مناسبت روز قدس انجام دادم*.

در جلسه شورای مرکزی حزب در دفتر رئیس جمهور شرکت کردم. آقای [عبدالمجید] معادیخواه [وزیر ارشاد اسلامی] گزارش سفرش را به عربستان سعودی داد. برای رفع مشکل سفر حجاج رفته بود و می‌گفت که مایل بودند، برای تفاهم وارد مذاکره در مسائل سیاسی شوند اما ایشان گفته است که فقط برای امر حج آمده‌ام.

افطار را همگی مهمان رئیس جمهوری بودیم، باغذای مجلس؛ سپس با ایشان و آقای نخست وزیر راجع به جنگ و کابینه و مسایل دیگر مشاوره کردیم. برای خواب به مجلس آمدم. اخبار رادر ساعت دوازده شب از رادیو شنیدم. عراقی‌های پناهنده به ایران در مقابل مجلس تظاهرات داشتند و خواهان ورود ما به خاک عراق بودند. آقای محمد یزدی [نایب رئیس مجلس] برایشان صحبت کرده بود. ولی معلوم شد که قانع نشده‌اند و پیغام دادند و آنها مثل خیلی از نیروهای خودی انتظار داشته‌اند که پس از فتح خرمشهر عملیات ما متوقف نشود و تا عمق خاک عراق نیروهای عراق را تعقیب کنیم.

خبر از تصمیمات ما و مذاکرات و امکانات ندارند و عجیب این است که حتی نیروهای داوطلب رزمنده که خود می‌دانند برای عملیات بزرگ باید مدتی کار کنیم، نیروی جدید و تازه نفس آماده کنیم و امکانات پشتیبانی جنگ را فراهم کنیم، آنها هم از تأخیر عملیات ابراز نارضایتی دارند؛ فشار زیادی روی فرماندهان است و در مجلس هم این بی‌تابی مشهود است. شاید به خاطر شایعات مخالفان و تبلیغات غریبه‌ها و عربها برای تضعیف روحیه رزمندگان نگران آتش بس‌اند. گرچه اکثریت می‌دانند که در شرایطی که بوق‌های استکبار می‌خواهند ایران را جنگ طلب معرفی کنند درست نیست که طبل جنگ بکوبیم؛ گرچه در عمل و به موقع کار خودمان را انجام می‌دهیم. سحری را تنهایی خوردم.

دوشنبه ۲۱ تیر

جلسه علنی مجلس داشتیم. قسمتی از جلسه را به عهده آقای [محمد] موسوی خوئینی ها گذاشتم و به انجام کارهای عقب مانده پرداختم. آقای [سیدرضا] زواره‌ای آمد و درباره اعضای هیئت رئیسه جدید که هفته آینده انتخاب می‌شوند، مشورت کرد.

بعد از نماز ظهر، جلسه هیئت رئیسه داشتیم. عصر روحانیت اهل سنت کردستان آمدند، از انقلاب راضی‌اند. برایشان صحبت کردم^۱. از محارب‌های کرد خشمگین بودند و گفتند که تا به حال، بیست نفر از روحانیون اهل سنت را شهید کرده‌اند.

مصاحبه‌ای درباره حجاب با تلویزیون داشتم* که طولانی شد. جلسه‌ای با معاونت بهداشتی وزارت بهداشتی داشتم که برای تبلیغ اهداف بهداشت و تنظیم خانواده در نماز جمعه کمک می‌خواستند. گروه اساتید علوم انسانی دانشگاه‌ها هم آمدند و از این که زمزمه تأخیر در بازگشایی رشته‌های علوم انسانی شدید است، نگران بودند و کمک می‌خواستند.

برای افطار به خانه آمدم. امشب حدود بیست نفر از پاسدارها مهمان ما بودند و بعد از افطار رفتند. عفت و فاطمی و محسن برای مراسم احیا به جامعه‌الصادق رفتند و من هم در خانه تنها احیا گرفتم.

آقای دکتر ولایتی راجع به شرکت در کنفرانس وزرای [خارج] کشورهای اسلامی در تونس تلفنی مشورت کرد که قرار شد بعد جواب بدهیم و از امام هم نظر خواهی کنیم. امروز در شهر سبزوار بین سپاه و طرفداران امام جمعه درگیری بوده و دو نفر کشته و جمعی زخمی شده‌اند. هیئتی برای رسیدگی اعزام کردیم: از طرف من دکتر [موسی] زرگر و از طرف رئیس جمهور آقای [محمد] امامی کاشانی رئیس دیوان عدالت اداری.

۱- در این سخنرانی درباره درخشش اسلام در ایران، دستاوردهای انقلاب اسلامی و مسأله کردستان، مطالبی بیان شد. رجوع

کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

سه شنبه ۲۲ تیر

به خاطر تعطیل عمومی در خانه ماندم. پس از نماز ظهر به منزل احمد آقا رفتم. با حضور آقای رئیس جمهوری درباره آینده جنگ که به زودی داغ می‌شود، بحث کردیم. عصر در خانه تنها بودم. گزارش‌ها را مطالعه کردم: کارهای وزارت نفت و وضع گروهک‌ها در کارخانه‌ها و... با کمک پاسدارها جوجه کباب درست کردیم و با هم افطار کردیم. هنگام افطار آقای کمال خرازی از اهواز تلفن کرد و با رمز اطلاع داد که امشب عملیات ورود نیروها به خاک عراق آغاز می‌شود و در مورد کیفیت تبلیغات آن مشورت کرد. ایشان رئیس [ستاد] تبلیغات جنگ است.

آقای دکتر ولایتی هم که برای شرکت در کنفرانس غیر متعهدها در مورد تجاوز اسرائیل به لبنان عازم قبرس است، تلفنی مشورت کرد و قرار شد که در کنفرانس وزاری خارجه کشورهای اسلامی در تونس به خاطر مواضع منفی تونس شرکت نکند. شب آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. تصمیم به استعفا از وزارت ارشاد گرفته و درباره کیفیت اعلام استعفا مشورت کرد. نزدیک ساعت دوازده بچه‌ها آمدند و من را بد خواب کردند. سحر دیر بیدار شدیم و با عجله سحری خوردیم. بعد از اذان صبح، اطلاعیه سپاه و ارتش در خصوص عملیات رمضان و ورود به خاک عراق و شکستن خاکریز اول دشمن خوانده شد. مرحله مهمی از جنگ است و باید منتظر نتایج آن باشیم. دیشب شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ای صادر کرده و آتش بس خواسته است. نخست وزیر و وزیر خارجه هم آن را رد کرده و گفته‌اند که قبل از گرفتن حقوقمان نمی‌پذیریم. آمریکا هم با کنایه تهدید کرده ما را از ورود به خاک عراق - به خاطر به خطر افتادن منافع حیاتی‌اش - بر حذر داشته است.

چهارشنبه ۲۳ تیر

ساعت هفت صبح آقای محسن رضایی از قرارگاه تلفن کرد و گزارش جبهه را داد^۱ و گفت

۱- عملیات رمضان در ساعت ۲۱/۳۰ دقیقه ۶۱/۴/۲۳ با رمز یا صاحب الزمان (عج) ادرکنی به مدت ۱۵ روز در منطقه‌ای به

قرارگاه فتح به هدف خود رسیده ولی سایر قرارگاه‌ها ضعیف عمل کرده‌اند. از دفتر امام هم تلفنی از من اطلاعات خواستند. معلوم شد که تا ساعت شش صبح پانصد اسیر گرفته‌ایم. مقداری با باغچه سرگرم شدم. کتاب احزاب سیاسی نوشته ملک الشعراء بهار را مطالعه کردم. احساس کردم که مروری بر تاریخ مشروطه و توجه به تجربیات آنها برای ما مفید است.

هوایم‌های عراق به شهرهای خرم آباد، باختران و ایلام حمله کرده و حدود چهل و پنج نفر را شهید و صدها نفر را مجروح و ده‌ها خانه را ویران کرده‌اند. این عکس‌العمل وضع نظامی عراق در جبهه است. تا شب خبرهای گوناگونی از جبهه‌ها می‌رسید.

شب با قرارگاه صحبت کردم. معلوم شد در یک محور خوب عمل کرده‌اند، و تا بیست و پنج کیلومتر پیشرفت کرده‌اند ولی به خاطر ضعف عملکرد در سه محور دیگر عقب نشینی کرده‌ایم و حدود ده کیلومتر در یک محور و سه کیلومتر در محور دیگر در خاک عراقیم.

گزارش‌ها را از مجلس آوردند و تلکس‌ها را از دفتر امام. هنوز عکس‌العمل دنیای عرب و غیر عرب روشن نیست. شب را احیا داشتم. بچه‌ها هم به جامعه‌الصادق رفتند. فیلم جالبی هم از صحنه عملیات جنگ دیدم. مخصوصاً منظره مجروح شدن و شاید شهادت یک رزمنده و اظهاراتش - که بسیار متأثر شدم - و نیز منظره اسرای عراقی که ترحم انگیز به نفع امام شعار می‌دادند، قابل توجه است.

پنجشنبه ۲۴ تیر

اول وقت آقای سرهنگ سلیمی آمد و از اختلاف و کارشکنی سیاسی ایدئولوژیک گله داشت. از جبهه هم اطلاعاتی گرفتم. دشمن امروز پاتک ضعیف و ناموفقی داشته است. آقای خامنه‌ای به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

وسعت ۱۶۰۰ کیلومتر مربع در شرق بصره انجام گرفت. در این عملیات پاسگاه زید عراق و محورهای شمالی و شمال غربی این پاسگاه به تصرف در آمد. طبق آمار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این عملیات بیش از ۷۴۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و یا زخمی شد و ۱۳۱۵ نفر به اسارت رزمندگان اسلام در آمد (کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس - مرکز فرهنگی سپاه - ۱۳۷۳).

عکس عملیات رمضان

عکس عملیات رمضان

خاطر شدت یافتن جنگ، به سفارش مسئولان امنیتی و نظامی در محیط کار خودشان نیستند و موقتاً در جای دیگری زندگی می‌کنند. افطار در منزل آقای [علی اکبر] آشتیانی مهمان بودم و جمعی از دوستان هم بودند. آقای [عبدالمجید] معادیخواه به دلیل کسالت قلبی امروز بستری شده و گویا قرار است از کار ممنوع شود.

امشب اعلام شد که تعداد اسرای عراقی عملیات رمضان به هشتصد تن رسیده است. احمد آقا هم عصر آمد و از این که بعد از بیانیه امام، موج مناسبی ایجاد نشده، گله داشت^۱. گفتم که سیاست شورای عالی دفاع این است که حالت تهاجم بگیریم و امام هم گفته‌اند که هرگونه صلاح می‌دانیم عمل کنیم. به خاطر تعطیل مجلس، من هنوز در مورد عملیات رمضان اظهار نظری نکرده‌ام.

جمعه ۲۵ تیر

در منزل ماندم و یک دور آیین نامه داخلی مجلس و طرح شوراها و گزارشها و همچنین تلکس‌ها را که از دفتر امام گرفته‌ام مطالعه کردم. راهپیمایی روز جهانی قدس داشتیم. نماز جمعه آخر رمضان را هم آقای محمد یزدی اقامه کردند. امام هم پیام دادند.

هوایماهای عراق امروز دوسه بار به همدان حمله کردند و دهها شهید و صدها مجروح دادیم. موشکی هم به خارک زدند که خسارتی نداشت. یک هوایمایی اف ۴ در ایلام سقوط کرد. به فرمانده نیروی هوایی تلفن کردم و به عدم فعالیت دفاع هوایی اعتراض کردم. طبق معمول نداشتن ابزار لازم را بهانه کرد.

بارئیس جمهور و نخست وزیر که فردا عازم الجزایر است، مشورت‌هایی کردیم. پیشنهاد شده که کاخ نیوران را مهمانسرای مهمانان خارجی و صاحبقرانیه را موزه کنیم و من تأیید کردم. برای تأمین کمبود ماشین‌های سنگین برای جبهه هم تلاش کردم.

۱- اشاره به پیامی است که امام خمینی خطاب به ملت مسلمان عراق صادر کردند. در این پیام امام خمینی (ره) مردم عراق را به قیام علیه حکومت صدام و تشکیل حکومت دلخواه اسلامی دعوت نموده‌اند. رجوع کنید ← (صحیفه نور - مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - جلد نهم صفحه ۴۶۱).

شنبه ۲۶ تیر

تمام وقت در خانه ماندم. بیشتر به مطالعه و نوشتن پرداختم و کارها را با تلفن انجام دادم. با جبهه هم تماس گرفتم. جبهه آرام است و نیروهای ما نتوانستند به اهداف خود برسند. عراق مقاومت می‌کند و حملات هوایی خود را افزوده است. تعدادی در حدود پانصد نفر هم از ما اسیر گرفته‌اند و گویا همین مقدار یا بیشتر هم شهید داده‌ایم، مجروح هم زیاد است. ماشین‌های سنگین مثل لودر، بولدوزر و کمپرسی و... می‌خواهند که قرار شد، وزارت راه به آنها بدهد.

کم‌کم برای آنها که فشار می‌آوردند کار جنگ را با عملیات بی تأخیر یکسره کنیم روشن می‌شود که کار به این آسانی نیست و دشمن در خاک خودش با انگیزه بیشتر دفاع می‌کند. چون توضیح این گونه مسائل برای عموم مناسب نیست و باعث تضعیف روحیه رزمندگان و مردم می‌شود. خیلی‌ها هم هنوز به این باور نرسیده‌اند و فکر می‌کنند سیاستی در کار است که عملیات کم است.

یکشنبه ۲۷ تیر

ساعت هفت به مجلس رفتم. قبل از جلسه علنی، گزارش‌ها را مطالعه کردم. جلسه علنی ساعت هشت آغاز شد. قبل از دستور، درباره جنگ و اهداف ورود به خاک عراق و آثار بمباران شهرهای همدان، خرم‌آباد، باختران و ایلام توسط عراقی‌ها صحبت کردم^۱. دوسه لایحه یک فوریتی تصویب شد.

بعد از ظهر در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم^۲. درباره وضع بازار و رواج روحیه ناسالم ضد بخش خصوصی و لزوم تعدیل فرهنگ انقلاب اسلامی بحث شد و هم راجع به اختلافات سبزوار، محلات و میاندوآب.

۱- کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های پیش از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این جلسه آقای هاشمی در یک سخنرانی به تحلیل جوانب گوناگون جنگ پرداخت و اهداف نظامی ایران برای دفاع، برنامه اصلی جنگ و بمباران شهرها را تشریح کرد و در پایان به سؤالات حاضرین پاسخ داد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی

رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

افطار به منزل آقای ربانی املشی رفتیم. آقای منتظری هم از قم آمده بودند. تا ساعت دوازده شب با رئیس جمهوری و اعضای شورای عالی قضایی آنجا بودیم و درباره مسایل متعددی بحث کردیم. درباره تنظیم و تعدیل دادگاه‌های انقلاب و جلوگیری از خودسری‌ها نیز تصمیماتی اتخاذ شد. آقای منتظری هم به خاطر دریافت اطلاعات متناقض در مسئله جنگ. دچار ابهام است نتایج عملیات ناموفق رمضان ایشان را به واقع بینی نزدیک تر کرده. محسن هم همراه بود. آقای منتظری به او توصیه به ازدواج کرد.

سرهنگ معین پور [فرمانده نیروی هوایی] هم طرح‌هایی برای حمله هوایی به مراکز در داخل عراق آورده بود که با حضور رئیس جمهوری و در یک جلسه خصوصی مذاکره کردیم. بمباران پالایشگاه بغداد به عنوان مقابله به مثل تصویب شد و چهار طرح دیگر معوق ماند. ساعت دوازده شب به مجلس رفتیم، اخبار را گرفتیم و سحری را تنهایی خوردم.

دوشنبه ۲۸ تیر

جلسه علنی داشتیم و انتخابات هیئت رئیسه انجام شد. با ۱۶۷ رأی از ۱۸۸ رأی - بدون رقیب - [و بدون رأی مخالف] برای بار سوم به ریاست مجلس انتخاب شدم. آقای [سیدمحمد] موسوی خوئینی‌ها که نایب رئیس اول بود، یک رأی از آقای محمد خامنه‌ای کمتر داشت و انتخاب نشد. آقای محمد یزدی اول شد و آقای محمد خامنه‌ای دوم. از کارپردازان سابق آقایان [علیرضا] یارمحمدی و [موسی] زرگر انتخاب نشدند و آقایان [علی محمد] بشارتی و [غلام عباس] زائری به جای آنان انتخاب شدند و از منشی‌ها هم آقایان [سیدعطاءالله] مهاجرانی و [حسین] هراتی کنار رفتند و آقایان [منوچهر] متکی و [سیدفضل‌الله] حسینی بر مائی به جای آنها آمدند. سپس یک لایحه تصویب شد.

ظهر به جلسه شورای نگهبان رفتیم و مقداری راجع به ایرادهاشان درباره مصوبات مجلس بحث کردیم. مخصوصاً اساسنامه سپاه و... و این که هنگامی که از شش نفر فقهای شورا، سه رأی در مقابل سه رأی قرار می‌گیرد، مصوبات مجلس را برمی‌گردانند. آیا حتماً باید انطباق مصوبات با

شرع اثبات شود یا صرف عدم مغایرت کافی است^۱؟ هنوز در تفسیر قانون اساسی ثابت نشده. عصر ملاقاتی با سفیر لیبی داشتم که پیام آقای [معمّر] قذافی را در تأیید ورود ما به خاک عراق آورده بود و اعلام آمادگی برای کمک. با دکتر [عبدالله] جاسبی هم که اساسنامه و آیین نامه‌های اجرایی دانشگاه آزاد [اسلامی] را تهیه کرده بود، مشورت کردیم.

دو نفر از اهل حق^۲ آمدند و از این که مقبره‌ای از آنها را در هشتگرد خراب کرده‌اند، شاکی بودند. افطار در منزل آقای [مرتضی] مقتدایی در معیت آقای [حسینعلی] منتظری بودیم. تا ساعت دوازده درباره اختلافات اصفهان و وضع سپاه و واحد نهضت‌ها که تحت اداره سید مهدی هاشمی است و وضع بیت ایشان و اطرافیان‌شان و ضرورت ایجاد نظام محکم و تحفظ امنیتی ایشان بحث شد. ساعت دوازده به مجلس رفتیم و خوابیدیم. دندان درد شدید آزارم می‌داد. خبر مهمی نداشتیم.

سه شنبه ۲۹ تیر

جلسه علنی ساعت هشت صبح آغاز شد. قبل از دستور، درباره بمباران مناطق مسکونی ایلام صحبت کردم^۳ و از مردم تشکر کردم که خوب مقاومت می‌کنند؛ مثل دزفولی‌ها. طرح شوراهای روستا و بخش و شهر و شهرستان و استان و محله در دستور بود که ۱۲ ماده به تصویب رسید. دو سؤال از وزیر کشور مطرح شد. درد دندان همچنان آزارم می‌داد.

بعضی از اعضای شورای فرماندهی سپاه اصفهان آمدند و از آقای [جلال‌الدین طاهری] امام

۱- در قانون اساسی جمهوری اسلامی به "عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی" اشاره شده است.

۲- اهل حق گروهی هستند که در مورد امام علی علیه السلام اعتقادات خاص دارند. اهل حق در اغلب نقاط ایران به ویژه کردستان و شمال خراسان پراکنده هستند.

۳- در این نطق آمده است: امروز دزفول در دنیا به عنوان دژ مقاومت شناخته شده که نزدیک دو سال تحمل موشک‌ها و گلوله‌های صدام را کرد و خم به ابرو نیاورد و امروز شهری است آزاد و قهرمان و مردم دزفول امروز بهترین اعتبار را در دنیا دارند. ما انتظار داریم که برادرانمان و خواهرانمان با همان مقاومت‌های نمونه دزفول و اهواز برای اعتبار رزمندگان ما و برای نشان دادن چهره کثیف صدام این کمک را به جبهه بکنند و بدانند دوران اینگونه جنایات هم به زودی سپری می‌شود. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

جمعه و اطرافیان‌ش شکایت داشتند و چاره‌جویی می‌کردند. مسئول حفاظت سپاه هم آمد و درباره برنامه حراست مشورت کرد. عصر آقای مقدسیان امام جمعه محلات آمد و از آقای محلاتی و آقای توسلی محلاتی گله داشت و چاره‌جویی می‌کرد.

از یزد تلفن کردند که لازم است خانواده شهید صدوقی اجازه برگزاری نماز جمعه را به آقای [سیدروح‌الله] خاتمی اردکانی^۱ در مسجد حضیره بدهند؛ به لحاظ امنیتی لازم است که آنجا برگزار شود. قهرمانان ورزشکار آمدند و برای آنها سخنرانی کردم* و تشویقشان کردم و عکس گرفتند. آقای [نصرالله] بهرامی هم آمد و برای رفع مشکلات استمداد کرد. مالک منزل آمد و برای خانه‌ای که در مقابل این خانه مسکونی ما گرفته، امتیازاتی مطالبه می‌کرد. برای این که به خاطر مسائل امنیتی از جوار منزل امام برود، خانه‌ای به او داده‌اند که گفته می‌شود بهتر از خانه خودش است. و اینجا را من اجاره داده‌اند.

افطار مهمان آقای فخرالدین حجازی بودیم. درد دندان آرام نمی‌گذاشت. شب در مجلس ماندم و از درد دندان سحری درستی نخوردم. قرار بود به منزل آقای خامنه‌ای به مناسبت حضور آقای منتظری بروم که به خاطر دندان درد نرفتم. اولین جلسه هیئت رئیسه جدید را تشکیل دادیم و تصمیماتی اتخاذ کردیم.

چهارشنبه ۳۰ تیر

تا نزدیک ظهر در دفترم کارهای عقب مانده را انجام دادم. با جبهه تماس گرفتیم. دارند برای حمله جدیدی آماده می‌شوند. نیروی هوایی پالایشگاهی را در بغداد بمباران کرده است. اطلاعات اولیه می‌گوید که یک هواپیمای ما هم ساقط شده. عراق هم متقابلاً در شهر اهواز، مناطق مسکونی را بمباران کرده. ما مناطق مسکونی عراق را بمباران نمی‌کنیم ولی آنها از هیچ جنایتی دریغ ندارند. ظهر در راه آمدن به منزل به دندان پزشکی دکتر فاضل رفتم. با ناراحتی زیاد، ریشه دندان را تمیز کرد ولی ممکن است که بی‌نتیجه باشد و احتمالاً گنده شود. خانمش را که جز و منافقین بوده

۱- مرحوم آقای سیدروح‌الله خاتمی در پی شهادت آیت‌الله صدوقی در تاریخ پانزدهم تیرماه ۱۳۶۱ از سوی امام خمینی (ره) به

سمت نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد منصوب شده بود.

عکس قهرمانان ورزشکار آمدند و برای آنها سخنرانی کردم

چند روز پیشتر گرفته‌اند و گفت محکوم به اعدام شده. با درد به خانه آمدم، کمی استراحت کردم و سپس استحمام و نماز و هنوز هم دندانم درد دارد، کمی تخفیف یافته. شب درد دندان شدت یافت و مسکن زیاد مصرف کردم. قرار بود که دکتر در صورت شدت درد به منزل بیاید و دندان را بکشد. تلفنی صحبت شد و به صبح موکول شد.

July. 22, 1982

۱ شوال ۱۴۰۲

پنجشنبه ۳۱ تیر ۱۳۶۱

عید فطر و تعطیل است. آقای [احمد] جنتی را برای اقامه نماز عید در دانشگاه تهران معین کرده بودم. آقای خامنه‌ای بدون اطلاع از کار من، خودشان برای اقامه نماز به دانشگاه رفته بودند. آقای جنتی هم رفته بودند و هر یک از تصمیم دیگری بی خبر. بالاخره آقای خامنه‌ای نماز را اقامه کردند و آقای جنتی اظهاری نکردند. آقای خامنه‌ای برای زیارت امام بالا آمدند. وقتی به ایشان [موضوع را] گفتم، متأسف شدند؛ چون من فعلاً مسئول نماز هستم، گرچه امام جمعه اصلی آقای خامنه‌ای هستند.

امام امروز اعلام کردند که ملاقات نخواهند داشت. بنده هم به خاطر تب و درد دندان نرفتم. دیشب در جبهه جنوب، نیروهای ما به دشمن حمله کردند و امروز صبح اعلام شده که نزدیک سیصد تانک و نفربر زرهی دشمن را منهدم کرده‌اند و دوهزار و صد نفر را کشته یا مجروح و دو بیست و پنجاه نفر را اسیر کرده‌اند. ولی منطقه عملیاتی را رها کرده‌اند، چون بولدوزر و لودرها نتوانسته‌اند سنگر و خاکریز برای ماندن در صحرا ایجاد کنند و خطر هجوم مجدد دشمن مثل چند روز پیش در میان بوده است.

مرداد ۱۳۶۱

عکس ماه

جمعه ۱ مرداد ۱۳۶۱

۲ شوال ۱۴۰۲

July. 23, 1982

تمام روز در خانه ماندم. کمی تب و درد دندان باقی مانده ولی موذی نیست. آنتی بیوتیک مصرف می‌کنم. نماز جمعه را آقای [عبدالکریم موسوی] اردبیلی اقامه کردند. خبر مهمی نداشتیم. با جبهه تماس گرفتم؛ معلوم شد که برای امشب عملیات محدودی دارند. می‌گویند دشمن از نظر نیروی پیاده خیلی ضعیف شده، با نیروی زرهی دفاع می‌کند و با ایجاد موانع طبیعی مثل خندق و باتلاق و میدان مین، مانع عبور نیروها می‌شود. اول شب هم تماس گرفتم، آقای محسن رضایی گفت که کار شروع شده و یک تیپ درگیر است.

تلفنی با آقای خامنه‌ای صحبت کردم. خبر از نامه رؤسای جمهوری ترکیه، پاکستان و گینه در رابطه با جنگ و ورود ما به خاک عراق دادند که خواستار میانجی‌گری و مذاکره شده بودند و جواب ما هم طبق معمول گذشته بوده است. نظر کارشناسان این است که میانجی‌ها بیشتر برای خرید زمان و گرفتن فرصت برای صدام جهت تجدید قوی و کم کردن روحیه رزمندگان ما و ایجاد تردید در آنها در خصوص جدی بودن جنگ تلاش می‌کنند و یکی از دلایل شان این است که تاکنون هیچ پیشنهاد جدی نداده‌اند که عراق یا اعراب امتیازی بدهند در جهت پرداختن غرامت و پذیرش تقصیر صدام، ظهر عفت و بچه‌ها مهمان خانم شهید فیاض بخش بودند و من و محسن و پاسداران در خانه بودیم. به خاطر کسالت بیشتر استراحت داشتم.

سئوالات فاطمی را جواب دادم. معمولاً فاطمی سئوالات واحدهای حزب جمهوری اسلامی را می‌آورد و جواب می‌گیرد. گزارش‌های دیروز و امروز به خاطر تعطیلی نرسیده و از جزئیات حوادث اطلاع کم است.

شنبه ۲ مرداد

صبح زود بلند شدم. حالم بهتر است. چون در اخبار ساعت هفت صبح از نتایج عملیات دیشب خبری نبود، با قرارگاه مرکزی کربلا در جبهه تماس گرفتم. تلفن اف ایکس دارند که مستقیماً می‌شود گرفت. معلوم شد که موفق نبودند و گفته شد که ما تعدادی مجروح هم، در حدود هفتصد تا هشتصد نفر داشته‌ایم ولی گزارش شهادت کسی را نداشته‌اند. جزئیات را بعداً می‌گویند. در مجموع

عملیات ناموفقی است. شاید غرور زیاد باعث عدم توفیق شده.
 [آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر با احمد آقا آمد و گزارشی از سفر خود به الجزایر و لیبی و مذاکراتش با امام را داد. دکتر [هادی] منافی وزیر بهداشتی با دکتر دندان پزشکی به عیادت آمدند. قرار شد که فردا بیایند و دندان را بکشند.
 تا عصر بیشتر به مطالعه پرداختم. امروز ساعت چهار صبح صدای مهیب انفجاری در سراسر تهران شنیده شد و مردم خیال کردند که عراق حمله هوایی کرده است؛ بعداً معلوم شد که انبار باروت کارخانه کبریت سازی خصوصی در خیابان مسگرآباد منفجر شده.

یکشنبه ۳ مرداد

اول وقت دکتر منافی، دکتر خالدی دندان پزشکی را به همراه آورد و دندانم را کشید. بابتی حسی موضعی درد را حس نکردم ولی تزریق آمپول ناراحتم کرد. پاسداری برای اجرای صیغه عقد ازدواج آمد.
 آقای [عباس واعظ] طبسی که از مشهد برای زیارت امام آمده بود، با جمعی از همراهان و اعضای دفتر امام به دیدن آمدند. درباره اوضاع مشهد و بیوت آیات [سید عبدالله] شیرازی و [سید حسن طباطبایی] قمی و [اخوان] مرعشی مذاکره شد. که معلوم شد آقای قمی کسی را فرستاده، و خواسته اند به آقای [واعظ] طبسی نزدیک شوند. به خاطر مخالفت با حکومت منزوی شده اند. آقای اخوان مرعشی هم قهر کرده است. گویا در مسجد ایشان، مردم علیه آقای [سید کاظم] شریعتمداری شعار داده اند و ایشان قهر کرده و آقای [واعظ] طبسی، آقای فرزانه را به جای ایشان گذاشته است.
 بچه ها همگی به نوشهر رفتند. فائزه و شوهرش [حمید لاهوتی] به خاطر مأموریت همسرش در اردوگاه ارتش، آنجا هستند. حمید [لا هوتی] پزشک است و سربازیش را می گذراند. عفت عصر به دیدن خانم [فاطمه طباطبائی] همسر [احمد آقا] رفت. صدیقه همشیره و بچه هایش که از رفسنجان آمده اند، عصر به دیدن ما آمدند.

احمد آقا آمد و راجع به جنگ و مسایل دیگر کشور، از جمله محلات و اختلافات آقای [فضل الله] محلاتی با حزب و آقای مقدسیان امام جمعه صحبت شد. اخبار مهمی از جبهه و کشور نداشتیم. به خاطر کشیدن دندان، آنتی بیوتیک و مسکن مصرف می کنم. یک قرص مسکن داده اند

که آرامش بخش است. آقای [عبدالکریم] موسوی اردبیلی هم که به ملاقات امام رفته بود، به منزل ما آمد و مذاکراتش را با امام درباره دادگاه‌های انقلاب و دولت و... شرح داد.

دوشنبه ۴ مرداد

اول وقت به مجلس رفتم. گزارش‌ها را مطالعه کردم. مجلس در حال تعطیل تابستانی است، تهویه خاموش بود و اطاق کارم گرم. آقای [محمدتقی] بانکی رئیس سازمان برنامه و بودجه با معاونانش آمدند و کارهایشان را از جمله در مورد آمار و نقشه پردازی و ماهواره و برنامه ریزی و... گفتند.

جنازه آقای [سید یونس] عرفانی نماینده طوالش را که دیروز در تصادف اتومبیل به رحمت خدا پیوسته مقابل مجلس آوردند و من صحبت کردم*.

ظهر کارخانه‌داری آمد و از فشار دولتی‌ها روی بخش خصوصی و توسعه موارد بندهای ب و ج در قانون حفاظت صنایع گله داشت.

فرماندهان مراکز آموزشی ارتش که سمینار داشتند آمدند. نماز ظهر و عصر را به جماعت خواندیم و برای آنها درباره لزوم تحوّل در محتوا و شکل آموزشی ارتش که دارد مکتبی می‌شود، صحبت کردم^۱ و ناهار را با آنها خوردم.

آقای [سید محمود] دعایی را در سالن ناهار خوری دیدم. از طرف امام با جمعی از نمایندگان مجلس مأمور شده است که از زندان اوین دیدن کنند؛ برای تحقیق درباره اطلاع از کارهای خلافی که شنیده شده است.

۱- در این سخنرانی درباره توطئه انحلال ارتش، استخوان بندی ارتش، محتوای تعلیمات رژیم پهلوی، اهمیت و حساسیت نظامی‌گری و نقش آینده ارتش مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم"

عکس یونس عرفانی نماینده هشتمین

عصر مصاحبه‌ای درباره آقایان باهنر و رجائی داشتم^۱. ملاقاتی با بخشی از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی داشتم و با آقای [محسن] نوربخش رئیس بانک مرکزی که از بهبود وضع ارزی گفت و راجع به سیاست‌های ارزی مذاکره کردیم.

از سفارت سوریه آمدند. الجزایر به آنها گفته است که ایران از شرط محاکمه صدام دست برداشته؛ نگران بودند. تا ساعت ده شب در مجلس کارها را انجام دادم و آخر شب به منزل آمدم و دیر خوابیدم. دکتر عالی و دکتر حائری از طرف انجمن اسلامی پزشکان آمدند و از نهضت آزادی حمایت می‌کردند.

سه شنبه ۵ مرداد

در خانه ماندم و مطالعه و استراحت داشتم. آقای شیخ قدرت [الله] علیخانی از قزوین آمد. تلفنی با آقای خامنه‌ای درباره اظهارات مأمور سفارت سوریه صحبت کردم.

عصر احمد آقا آمد و گفت که امام از محدود شدن [آقای سیدحسین موسوی تبریزی] دادستان کل انقلاب توسط شورای عالی قضایی ناراضیند و از او حمایت می‌کنند و چیزی هم نوشته‌اند^۲. به آقای ربانی املشی [دادستان کل کشور] هم تلفن کردم و آقای منتظری را دعوت کردم. آقای دکتر ولایتی هم تلفنی درباره همراهان و برنامه سفر به هند صحبت کرد.

خبرگزاری‌ها اطلاع داده‌اند که یاسر عرفات سندی امضا کرده و همه مصوبات سازمان ملل را

۱- در این مصاحبه که شهریور ۱۳۶۱ در مجله سروش به چاپ رسیده درباره ابعاد روحی شهیدان رجائی و باهنر، نحوه برخورد شهید رجائی با مشکلات، خاطره‌هایی از این دو شهید، لیاقت و کاردانی رجائی و باهنر، نقش شهید رجائی در عزل بنی‌صدر و موضع متضاد شهید رجائی و بنی‌صدر سخن گفته شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در آن سالها قوه قضائیه متشکل از دیوان عالی کشور، شورای عالی قضایی، دادستانی کل کشور و دادستانی کل انقلاب بود که غیر از دادستان کل انقلاب بقیه زیر نظر رئیس دیوان عالی کشور فعالیت می‌کردند. دادستان کل انقلاب به طور مستقیم با امام خمینی (ره) در ارتباط بود. بعدها با حذف پست دادستانی کل انقلاب، کلیه واحدهای قضایی تحت مدیریت رئیس دیوان عالی کشور (رئیس قوه قضائیه) قرار گرفت.

از جمله آنها که خواهان به رسمیت شناختن اسرائیل است، تأیید کرده ولی هنوز خبر تأیید نشده است. گویا آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر موضع مخالف و تندی در این خصوص اعلام کرده. به وزیر خارجه گفته است که در این خصوص با من و رئیس جمهوری مشورت شود.

چهارشنبه ۶ مرداد

ساعت ده صبح به زیارت امام رفتم، حالشان خیلی خوب بود. راجع به مسافرت هندوستان مشورت کردم؛ فرمودند که اگر امنیت را حفظ کنند، خوب است. در مورد [سید حسین موسوی تبریزی] دادستان کل انقلاب، امام اجازه نمی دهند که شورای قضایی ایشان را محدود کند. برای ناهار، امام را به منزل خودمان دعوت کردم که نپذیرفتند و فرمودند، اگر بپذیرم باید به خانه فرزندانم هم بروم و باعث اتلاف وقت است. در دفتر امام با آقای [سیدعلی اکبر] [محتشمی] [پور] سفیر ایران در سوریه صحبت کردم. مطالبی داشت و قرار شد که امروز عصر به شورای عالی دفاع بیاید.

عصر در شورای عالی دفاع شرکت کردم. تصمیماتی در مورد حمله به فرودگاه بغداد در صورت حمله عراق به شهرهای ایران گرفته شد. همچنین قرار شد دو کشتی نفربر که قبلاً از انگلستان خریده ایم و بعد از پیروزی [انقلاب تحویل آن] معلق مانده، مطالبه شود. معلوم شد که اگر فسخ کنیم، پول بیشتری بابت خسارت کمپانی باید پرداخت شود. طرح های جنگی هم بررسی شد. آخر شب به خانه آمدم. محسن که همراه من بود، به مجلس رفت تا فردا برای تمرین تیراندازی به میدان تیر برود و سپس به جبهه. درباره برنامه سفر هندوستان با وزیر امور خارجه صحبت کردم.

پنجشنبه ۷ مرداد

در خانه ماندم و بیشتر به مطالعه پرداختم. دیشب نیروهای ما در خاک عراق حمله به دشمن داشته اند. صبح با سرهنگ [علی] [صیاد شیرازی] تلفنی صحبت کردم. از نتیجه عملیات راضی بود. آقای ری شهری آمد و راجع به کیفیت و زمان محاکمه [صادق] قطب زاده در این که علنی کامل

باشد یا با کنترل مشورت کرد. راجع به کیفیت برخورد با آقای شریعتمداری نظر خواست و گفت که اخیراً پولی برای آقای [سید صادق] روحانی فرستاده که بین طلاب تقسیم کند. عصر به عیادت آقای [عبدالمجید] معاد یخواه رفتیم. احمد آقا هم آمد. خیلی افسرده است. راجع به علل استعفا صحبت شد و قرار شد که بعداً مذاکره کنیم. گزارش‌ها را از مجلس آوردند و آنها را خواندم. شب جمعی از فامیل مهمان ما بودند. راجع به معادن کرمان صحبت شد.

جمعه ۸ مرداد

اول صبح از قرارگاه کربلا اطلاع دادند که نیروهای ما پس از انهدام نیروی دشمن، از ترس محاصره به محل قبلی برگشته‌اند. به این امر راضی نیستیم و قرار شد که در شورای عالی دفاع بحث شود. نماز جمعه را اقامه کردم. خطبه‌ای راجع به اقتصاد و ارزش اضافی و خطبه‌ای درباره علل ورود به خاک عراق بود^۱.

ناهار برای دیدار آیت‌الله منتظری به منزل آقای ربانی املشی رفتیم. آقای نخست‌وزیر و آقای موسوی اردبیلی هم آمدند و راجع به نظم در دادگاه‌های انقلاب و استعفای شورای عالی قضایی، گمرک‌ها و سازمان صنایع ملی که کارخانه‌های مردم را بی دلیل مشمول بندج^۲ می‌نماید، صحبت شد و مقداری هم بحث فقهی درباره نیابت در حیازت مباحث داشتیم.

اول شب دکتر وحید [دستجردی] به خانه آمد و راجع به مسایلی چند از جمله وضعیت زندان اوین صحبت شد. شام در منزل آقای انصاری زرنندی مهمان بودیم. جمعی از اعضای دفتر امام هم بودند. دیر وقت به خانه آمدم. محسن و عفت بیدار بودند و کمی بیدار ماندیم و صحبت کردیم.

۱- در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام مطرح شده و در خطبه دوم دلایل ایران برای ورود به خاک عراق، شباهت‌های جمهوری اسلامی با حکومت علی علیه السلام، مردمی بودن جمهوری اسلامی و وضعیت حامیان عراق تبیین گردیده است.

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

۲- بندج همان قانونی است که به موجب آن اموال و دارائی‌های سرسپرندگان رژیم پهلوی و سرمایه‌داران زمان طاغوت به نفع بیت‌المال مصادره و ضبط می‌شد.

شنبه ۹ مرداد

در خانه ماندم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. پیش از ظهر آقای صادق طباطبائی آمد و نتیجه اقداماتش را در خصوص پس گرفتن پولهایی که بابت تانکهای M۴۸ داده بود، گفت. دو نفر را بازداشت کرده و حدود سی میلیون دلار گرفته است. حدود شانزده میلیون دلار دیگر مانده که باید از خود آنها یا بیمه لویدز بگیرد. به دادگاهی در سوئیس شکایت کرده و می‌گفت که خوب کار می‌کنند.

عصر احمد آقا آمد و راجع به ملاقات اعضای شورای عالی قضایی با امام و درخواست آنان برای تأیید مجدد و جبران اظهارات گذشته امام که باعث تضعیف‌شان شده بود، گفت. آقای [عبدالکریم] موسوی اردبیلی هم از من خواسته‌اند که در این خصوص خدمت امام شفاعت کنم. آقای [محمد] امامی‌کاشانی هم آمدند و راجع به اقدامات در جریان حادثه سبزوار و بازداشت چند نفر از سران سپاه و کمیته و اطرافیان آقای [واعظ] طبسی گفتند و از تصمیم بر قاطعیت قضایی. راجع به محل دیوان عدالت اداری و منزلشان صحبت کردیم و قرار شد نماز جمعه آینده را - چون بناست من به هند بروم - اقامه نمایند. شب دوسه نفر از بستگان آمدند. تلفنی با جبهه تماس گرفتم و خبر رفتن فرزندم محسن را به قرارگاه کربلا دادم. گفتند که امشب تک‌هایی به دشمن می‌زنند و امروز دشمن خواسته است، جلو بیاید که تلفاتی داده است.

یکشنبه ۱۰ مرداد

صبح زود برخاستم. محسن همراه محسن وفادار برای رفتن به جبهه عازم بود. عفت او را بدرقه کرد و از زیر قرآن رد شد. خداوند رزمندگان اسلام را حفظ کند. بچه‌ها روحیه خوبی دارند. وقتی داشتم به مجلس می‌رفتم، محسن را دیدم که لباس بسیجی پوشیده، آماده حرکت است، لذت بردم. جالب است که عفت هم با صبر و منطق برخورد می‌کند و با این که معمولاً غیبت خیلی کوتاه بچه‌هایش را متحمل نمی‌شود، در این مورد اظهاری نمی‌کند. این روحیه در بسیاری از مادران مسلمان که فرزندان‌شان داوطلبانه به جبهه می‌روند، وجود دارد. جلسه علنی داشتیم. طرح شوراها در دستور بود و دو سؤال. ظهر چند ملاقات داشتم. در فاصله

تنفس هم برای هشتصد معلم زن و مرد اهل قروه کردستان که به مجلس آمده بودند و قهرمانان کشتی ایران صحبت کردم* و عکس گرفتند. عصر سفرای عازم بنگلادش، نیجریه، کوبا، ونزوئلا و مجارستان آمدند و درباره مسئولیتشان با آنها صحبت کردم.

نزد چشم پزشک که برای معاینه به دفتر رئیس جمهور آمده بود، مراجعه کردم. جلسه شورای مرکزی حزب داشتیم. بیشتر بحث راجع به عدم موفقیت بعضی از کاندیداهای حزب در هیئت رئیسه منتخب مجلس بود.

سپس جلسه مشورتی سران بود. درباره شرایط خاتمه جنگ و مسایل لبنان و تفرقه در جنبش امل و آمدن نخست وزیر ترکیه و کابینه بحث کردیم.

آخر شب به خانه آمدم. تلفنی با آقای [محمد] امامی کاشانی درباره محل دیوان عدالت اداری صحبت کردم.

دوشنبه ۱۱ مرداد

صبح زود خانواده شهید [حسین] علم الهدی برای زیارت امام به منزل ما آمده بودند. وقت گرفتم و به زیارت امام رفتم. امروز خانواده‌های شهدا به زیارت امام می‌روند. معمولاً در هر هفته گروهی از خانواده‌های شهدا به زیارت امام می‌آیند. آقایان [محمدباقر محی‌الدین] انواری و سرفرازی آمدند و راجع به اقدامی برای جلوگیری از شایعات صحبت کردند. قرار شد که جلسه‌ای از دوستان روحانی برای این منظور تشکیل شود.

آقای محسن رفیق دوست آمد. شنیده بود که آقای [میرحسین] موسوی با وزارت ایشان برای سپاه موافق نیست. گفتم که من بی‌اطلاعم. عده‌ای از خانم‌های سپاهی مأمور تفتیش خانم‌های ملاقات کننده بیت امام آمدند و سؤالاتی داشتند. گزارش‌ها را خواندم. بعضی گزارش‌های غیر محرمانه را معمولاً برای مسئولان نظام تهیه می‌کنند، مانند بولتن‌های ویژه خبرگزاری پارس^۱، نخست وزیری، سپاه، کمیته، ارتش، شهربانی، وزارت امور خارجه و گزارش‌های سفر. معمولاً هر روز گزارش‌های متفرقه هم داریم.

امروز خبر کشف بیست خانه تیمی منافقان اعلام شد که بیش از شصت نفر کشته یا بازداشت شده‌اند. بنا بود جلسه شورای عالی دفاع برای رسیدگی به نتایج عملیات رمضان داشته باشیم که به علت تأخیر آقایان محسن رضایی و [علی] صیاد شیرازی به فردا موکول شد.

سه شنبه ۱۲ مرداد

جلسه علنی داشتیم. طرح شوراها و دو سؤال در دستور بود و صحبت پیش از دستور نمایندگان. ظهر آقای [محمی‌الدین] فاضل هرنیدی آمد و گزارش سفرش را به اروپا برای ارشاد انجمن‌های اسلامی دانشجویان داد و از سفیر ما در بن‌گله داشت و گفت بین آقای مقدم روحانی مسجد هامبورگ و دانشجویان اتحاد ایجاد کرده است.

عصر معاونین پارلمانی وزارتخانه‌ها آمدند، برای آنها صحبت کردم* و از آنها خواستم که فعال باشند و عامل هماهنگی مجلس و دولت باشند. معاونان وزارت ارشاد هم آمدند و از وضع وزارتخانه انتقاد داشتند. آقای گل‌سرخ‌ی آمد و مقداری از وضع هندوستان گفت. که هند حاضر نبود به ایشان ویزا دهد، اخیراً حاضر شده است؛ قرار شد که همراه من به هند بیاید.

گروهی از وزارت بازرگانی آمدند و درباره علت رکود لایحه دولتی شدن بازرگانی خارجی توضیح می‌خواستند. شب شورای عالی دفاع داشتیم. در مجلس آقایان [علی] صیاد شیرازی و محسن رضایی گزارش وضع جبهه و عملیات رمضان را دادند. موفق نبودند و عراقی‌ها سخت دفاع می‌کنند و استحکامات عظیمی برای دفاع درست کرده‌اند. شب قرار بود شام را با آقای منتظری در منزل آقای [مرتضی] مقتدائی باشیم. به خاطر خستگی نرفتم. آقای خامنه‌ای رفتند و من شب در مجلس خوابیدم. آخر شب محسن از اهواز تلفن کرد.

چهارشنبه ۱۳ مرداد

تا ساعت نه صبح گزارش‌ها را خواندم. اعضای ستاد نماز جمعه برای مشورت در امور ستاد و مصلی و... آمدند. قرار بود که در کمیسیون اصل ۹۰ که به اعتراضات وارد شده وزارت نفت با حضور نخست وزیر و وزیر نفت رسیدگی می‌شد، شرکت کنم. چون جلسه فوق‌العاده شورای عالی دفاع

داشتیم، نتوانستم شرکت کنم. در جلسه شورای عالی دفاع آقای ظهیرنژاد به نیروی زمینی و سپاه اعتراض داشت و خودش طرحی ارائه داد و آنها جواب دادند. کار و طرح آنها تأیید شد و من بعد از جلسه مصاحبه کردم*. عدم توفیق در عملیات رمضان باعث بروز انتقادات شده است. آنها که عجله داشتند و نسبت به تأخیر عملیات معترض بودند اکنون متوجه شده‌اند که جنگیدن در خاک دشمن به آسانی جنگ در زمین و خاک خودی نیست و بخصوص در رزمندگان که خود واقعیت‌های جبهه را می‌بینند واقع بینی بیشتر می‌شود.

آقای محسن رضایی هم از حرکت‌های معارض سپاه گله داشت. آنها قدرت و اختیار زیاد می‌خواهند و جو جامعه و مجلس مخالف است. عصر جلسه هیئت رئیسه داشتیم و شب در مجلس ماندم و به مطالعه و استماع اخبار گذشت.

پنجشنبه ۱۴ مرداد

جلسه علنی داشتیم. طرح شوراها و سؤالات و انتخاب اعضای کنفرانس بین‌المجالس مطرح بود. ظهر دونفر از قم آمدند و برای حوزه، چاپخانه و امکانات دیگری می‌خواستند. آقای [مهدی] سعیدی از روابط عمومی [مجلس] درباره انتشار سخنرانی‌های قبل از دستور من مشورت کرد. عصر آقای طاهری اصفهانی امام جمعه اصفهان آمدند و راجع به مسایل شهر و رفع اختلافشان با حزب و سپاه و... مذاکره شد.

مصاحبه‌ای درباره فلسفه حج داشتم* و ملاقاتی با اردوی دانش آموزان حزب جمهوری [اسلامی] و ملاقاتی با بهزاد نبوی که عازم کره شمالی بود. شب به خانه آمدم. آقای فخرالدین حجازی که از هند آمده گفت که دوستان ترجیح می‌دهند که من از سفر هند به خاطر اظهارات خانم [یندیرا] گاندی در آمریکا که از انقلاب اسلامی انتقاد کرده است، منصرف شوم. سفر مورد تردید قرار گرفته و به مشورت پرداختم.

جمعه ۱۵ مرداد

نماز جمعه را به عهده آقای [محمد] امامی کاشانی گذاشتم و به دعوت آقای [عباس

واعظ[طبسی برای سخنرانی و رسیدگی به امور خراسان و شرکت در مراسم غبارروبی مرقد امام رضا علیه السلام به مشهد رفتیم. همراهان به هتل توس - محل سکونت وزرا و استانداران که برای سمینار آمده بودند - رفتند و من در حرم در دفتر آقای طبسی ماندم. عصر برای انبوه جمعیت زوار و مردم مشهد سخنرانی کردم^۱. بسیاری از علما و مسئولان آمدند و ملاقات کردیم. شب پیشنمازان آمدند. شب با تهران تماس گرفتم و در مورد سفر هندوستان با وزیر خارجه صحبت کردم، چون هنوز در تردیدیم. درباره مطالبی که وزیر خارجه ترکیه آورده، گفتند که بیشتر می‌خواهد چیزی بفهمد. شب همان جا خوابیدیم.

شنبه ۱۶ مرداد

ساعت شش صبح برای مراسم به حرم رفتیم. حرم را قرق کرده بودند. دریچه‌ای به داخل ضریح باز شد. لباس مخصوص پوشیدیم با آقای [واعظ] طبسی و آقایان [عطاالله] اشرفی [اصفهانی] امام جمعه باختران و [ابوالحسن] شیرازی امام جمعه مشهد و [سیدجلال‌الدین] طاهری امام جمعه اصفهان وارد ضریح شدیم. پولهای ریخته شده در ضریح، ظرف دو ماه و چند روز به یک متر ارتفاع رسیده بود، در مساحت کل داخل ضریح که حدود هشت متر مربع است: اسکناس، پول خرد، طلاجات و نامه‌ها.

همراهان به خاطر ضعف و پیری خیلی نمی‌توانستند تلاش کنند. آقای [واعظ] طبسی و من پولها را بیرون ریختیم؛ حدود پنج میلیون تومان - که البته شمرده می‌شود و مبلغ دقیق اعلام می‌شود - در چهل و یک ساک پلمب شد. سپس ضریح را گردگیری کردیم و با گلاب شستیم. دو ساعت طول کشید. سپس مصاحبه‌ای با تلویزیون کردم^۲. جمعی از همراهان هم اطراف ضریح بودند. به

۱- در این سخنرانی تحلیلی از روند شکل‌گیری و مشکلات فراراه انقلاب اسلامی ارائه شد و سپس درباره توطئه‌های ضدانقلاب، تروریسم، موفقیت‌های فنی - نظامی انقلاب، عوامل موفقیت‌های انقلاب، محتوای انقلاب، قدرت مردمی انقلاب، رهبری خردمندانه امام خمینی (ره)، نقش روحانیت، تحقق شعارنه شرقی و نه غربی، اوضاع جبهه‌های جنگ و نقش امدادهاغیبی در جنگ مطالبی بیان گردید. رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف

عکس مشهد زیارت امام رضا غبارروبی و

عکس امام رضا با هاشمی رفسنجانی در حال دعا

حضار یک جلد قرآن و مقداری غبار و نبات متبرک دادند. مسئولان ادارات و نهادهای انقلابی آمدند و برایشان صحبت کردم*. بعد از نماز ظهر عده‌ای از اطبا آمدند. نقشه فلکه اطراف حرم و نقشه تجدید بنای هویزه را که بناست آستان قدس بسازد دیدیم و بعد از استراحت با روحانیت مبارز مشهد ملاقات کردم و سپس برای حرکت به تهران به فرودگاه رفتیم و ساعت شش و نیم به تهران رسیدیم. تلفنی با آقای خامنه‌ای درباره مسایل جاری و سفر هند که هنوز مردّدیم، مذاکره کردم. و گفتند ترکیه هم پیشنهادهایی در مورد جنگ و خسارات مطرح کرده که پذیرفته نشده. شب استراحت کردم و به اخبار گوش دادم و خاطرات عقب مانده را نوشتم.

یکشنبه ۱۷ مرداد

قبل از جلسه علنی گزارش‌ها را در دفترم مطالعه کردم. کمی از جلسه را اداره کردم و به آقای [محمد] یزدی سپردم. تا ظهر کارها را در دفترم انجام دادم. دکتر [حسن] روحانی آمد و راجع به اختلاف شورای سرپرستی صداوسیما و انجمن اسلامی با اخوی محمد صحبت کرد و قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم. ظهر چند نفر از نمایندگان برای کارهایشان مراجعه کردند. آقای موسوی خوئینی‌ها که قرار بود با من به هند بیایند، چون از طرف امام مأمور اداره امور حج شده، برای مشورت در کارشان آمد و بناست که به هند نیایند و به جای ایشان آقای [حسن] روحانی بیایند. عصر در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم و بحث‌های متفرقه داشتیم. شب در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه مشورتی سران بود. راجع به وزرای جدید و اعتراضاتی که نمایندگان مجلس به دولت دارند و وضع قضایی کشور بحث شد.

بالاخره پس از تردید، با اعلامیه وزارت خارجه هند و پس گرفتن اظهارات خانم [یندیرا] گاندی در آمریکا قرار شد که به هند برویم ولی برای اینکه با حضور وزیر خارجه عراق در هند همزمان نباشد، سفر را دو روز به تأخیر انداختیم.

دوشنبه ۱۸ مرداد

در خانه ماندم و با تلفن درباره همراهان سفر هند و کارهای دیگر اقدام کردم. آقای [محمد محمدی] ری شهری درباره شروع محاکمه آقای [صادق] قطب زاده مشورت کرد. امام گفته اند که زودتر تعیین تکلیف شود. شخصی اطلاع داد، شبکه ای را که می خواهد برای آزادی قطب زاده پول خرج کند کشف کرده، او را به آقای ری شهری معرفی کردم که رسیدگی نماید. گزارش ها را در خانه خواندم. عصر آقای هنر دوست معاون وزارت نفت آمد و راجع به قیمت نفت و مقدار تولید و... اطلاعاتی داد.

خانم شهید بهشتی به خانه ما آمد و با عفت به دیدن همسر امام رفتند که برای معالجه چشم مدتی به خارج رفته بودند. دو مقدمه برای دو کتاب درباره شهید [سیدحسن] آیت و نامه هایی به جبهه و از جبهه نوشتم.

سه شنبه ۱۹ مرداد

بنابه دعوت رئیس مجلس سفلائی هند - که پانصد و چهل و دو عضو دارد - امروز در رأس هیئتی چهل و دو نفره از مجلس، دولت، ارتش و صدا و سیما عازم هند شدیم. ساعت نه و نیم صبح با یک ساعت و نیم تأخیر از تهران با شاهین و اسکورت دو شکاری (به خاطر خطر جنگ) پرواز کردیم. علت تأخیر عدم هماهنگی نیرو و ستاد و فرودگاه بود. معلوم شد کاپیتان هواپیما ممنوع الخروج است؛ بی نظمی!

ساعت یک به وقت تهران و سه به وقت دهلی وارد دهلی شدیم. خبرنگاران و عکاسان و جمعی از مردم هند و ایرانی ها استقبال کردند. رئیس مجلس و وزیر خارجه و جمعی از شخصیت های هند آمده بودند. مصاحبه کوتاهی شد و عکس گرفتند. به «حیدرآباد هاوس» که در زمان استعمار انگلیس مهاراجه ای آن را ساخته و خیلی قدیمی است - برای اقامت - منتقل شدیم. به تازگی باران باریده و هوا مرطوب است و ۲۹ درجه بالای صفر. تاج گلی نثار مقبره گاندی کردیم. مقبره در محوطه چمن کاری شده ای است و رؤسای جمهوری دنیا، هر یک در آنجا درختی به نامشان ثبت است و معمولاً درخت انبه. سپس دیداری کوتاه و مذاکرات دوستانه و ساده با

عکسهای سفر هند

عکسهای سفر هند

رئیس مجلس داشتیم. جمعی از همراهان در اینجا و جمعی در هتل مستقر شدند. بعد از استراحت و شام در خانه فرهنگ ایران و در جمع دانشجویان ایرانی و جمعی از هندیان حاضر شدیم. آقای دکتر [حسن] روحانی صحبت کردند و من هم مختصری. بین سفارت و آقای منوچهر متکی از همراهان ما که قبلاً در هند دانشجوی بوده تفاهم نبود و لذا با تأخیر رفتیم. از فلفل زیاد غذاها دهان همه آتش گرفته بود. گفتند که از جمعیت حدود هفتصد میلیونی هند، بنابر آمار رسمی ۸۲ درصد هندو و ۱۱ درصد مسلمانند که مسلمانان نسبت خود را بیشتر - ۱۴ درصد - می دانند. چون هندوها گوشت نمی خورند، ذبیحه ها عمدتاً از مسلمانان است. سفیر ما آقای اسدی لاری می گوید که اکثریت مردم از فقر و نیاز شدیدی رنج می برند.

مزد یک کارگر ساده بیست روپیه است که هر روپیه یک تومان است. بی شباهت به ایران نیست. حقوق یک نماینده مجلس هزار روپیه و وزیر دو هزار و پانصد روپیه، با مسکن و ماشین مجانی. تلویزیون مراسم ورود ما و مصاحبه را پخش کرد. سؤالات مهم درباره محل کنفرانس غیر متعهدها بود که آنها مایلند در هند باشد*.

چهارشنبه ۲۰ مرداد

صبح زود روزنامه ها را آوردند. در صفحه اول، عکس و اظهارات ما را در فرودگاه و دفتر مجلس منتشر کرده بودند و یکی هم اعلامیه ای از مخالفان جمهوری اسلامی علیه ما آورده است. همه اعضای هیئت جمع شدند. معارفه ای به عمل آمد و برنامه ریزی شد. ساعت ده صبح به مجلس رفتیم و از ساختمان مجلس - که از زمان انگلیسی ها در شصت سال قبل مانده است - دیدن کردیم. ساعت یازده در مجلس ملی و ساعت یازده و نیم در مجلس سنا شرکت کردیم. نمایندگان و رؤسای مجلس از هیئت ایرانی تجلیل کردند و برای احترام کف زدند.

ساعت دوازده با خانم [ایندیرا] گاندی ملاقات و یک ساعت و ربع مذاکره کردیم. من وضع ایران و انقلاب و دیدگاه های ایران را توضیح دادم و ایشان بیشتر در حاشیه صحبت می کرد و تلویحاً سفر خود را به آمریکا توجیه می کرد.

ناهار را در اتاقم صرف کردم و بعد از استراحت و نماز باز به مجلس رفتیم. جلسه ای با حضور جمعی از اعضای دو مجلس بود و پس از تعارفات و صحبت من، نمایندگان هندی راجع به انقلاب

ما و صدور آن، بنیادگرایی، آزادی مطبوعات و اقتصاد و... سؤالاتی کردند و من توضیح دادم و در آخر از وجود آثار انگلستان - از جمله زبان انگلیسی - در هند انتقاد شد.

سپس با معاون رئیس جمهوری و رئیس مجلس سنا ملاقات کردیم. هدایت الله خان مسلمان است. جلسه گرم و خودمانی بود و کمی هم فارسی می دانست. راجع به دانشجویان زندانی - که به خاطر نزاع با منافقان نه نفر از آنها زندانیند - صحبت کردم. شام مهمان رئیس مجلس دکتر بالرام جاکر بودیم. جلسه خوبی بود و من ضمن بحث از مشترکات دو کشور، درباره ضرورت مبارزه با تبعیضات در روابط جهانی و مخصوصاً حق و تودر سازمان ملل و صلح ناپذیری آمریکا و اسرائیل صحبت کردم و لزوم بیرون رفتن نیروهای نظامی بیگانه از اقیانوس هند را مطرح کردم. آخر شب در مهمانخانه، اخبار ایران را گرفتیم. تصویب لزوم قطع نفت از آمریکا در پارلمان کویت از اخبار مهم دنیاست.

پنجشنبه ۲۱ مرداد

ساعت شش صبح با اتومبیل به طرف شهر آگرا حرکت کردیم؛ دویست کیلومتر راه که بخشی اتوبان و بخشی جاده آسفالتی ساده بود، کاملاً سر سبز و شبیه مازندران با مزارع برنج و نیشکر. عده‌ای هم با هواپیما آمدند. صبحانه را در هتل خوردیم و به تماشای مقبره عظیم «تاج محل» رفتیم که اکبر شاه برای ملکه «شاه جهان» به کمک معمارهای چینی و ترکی و ایرانی و... ساخته و از ساختمان‌های عجیب آن زمان است. قلعه دیدنی و جالبی هم به نام ردفوردرکنار رود پامانا از آنها مانده. ظهر به دهلی برگشتیم.

در تاج محل کتیبه‌ها از آیات قرآن و سنگهای مرمر مزین به عقیق و یاقوت بود. انگلیسی‌ها خیلی‌ها را برده‌اند و کمی هم مانده است. زیاد هم آثار عجیبی ندارد ولی برای جذب توریست آن را بزرگ می‌کنند.

در قلعه حیاط بزرگی را که اطرافش حدود چهارصد حجره بود نشان دادند و گفتند، در هر حجره یکی از زنهای اکبر شاه زندگی می‌کرده. گفته شد، هندوها از خاطرات ملوک عجم که همراه با اعمال زور بوده تنفر دارند. کنار تاج محل رود عظیم است که در الله آباد به رود گنگ مقدس می‌پیوندد. و پس از پیمودن دو هزار کیلومتر و مشروب کردن این بخش عظیم از اراضی در بنگال

عکسهای سفر هند

غربی به اقیانوس هند می‌ریزد.

خلبان‌ها بدون اجازه فرودگاه را برای دیدن تاج محل ترک کرده بودند و یک ساعت ما را در پایگاه هوایی معطل کردند. برق هم قطع شد و گرمای شدیدی در خاموشی کولرها هیئت را به زحمت انداخت. بنا شد که عامل بی‌نظمی تنبیه شود. خلبانان گفتند که ما برنامه رانمی‌دانستیم ولی بعداً معلوم شد، کتابچه برنامه در اختیارشان بوده و بی‌توجهی کرده‌اند.

ساعت سه با آقای راثو وزیر خارجه ملاقات داشتم و نرسیدم ناهار بخورم. سپس با رئیس جمهوری هند که سیک است جلسه داشتیم و بیشتر بحث‌ها اخلاقی و درباره جنگ بود. سپس ملاقات دوم با خانم گاندی در منزلش انجام شد که ملاقات موفقی بود.

امروز هند رسماً اعلام داشت که حاضر است میزبان کنفرانس غیر متعهدها باشد و این شکستی برای عراق و یک پیروزی برای ما بود و تأثیر سفر ما را نشان می‌دهد. سخنان دیشب من در مهمانی رئیس مجلس، آنها را در خصوص محافظه کاری در مسایل بین‌المللی در موضع دفاعی قرار داده و امروز خانم گاندی گفت که به خاطر مشکلات هند ناچاریم. متن مذاکرات همه جلسات در پرونده سفر ضبط می‌شود.

جمعه ۲۲ مرداد

صبح کارها انجام شد و با هواپیما به طرف بمبئی رفتیم. دو ساعت پرواز بود، در فرودگاه بمبئی علاوه بر رئیس مجلس و مسئولان بمبئی دانشجویان مسلمان و جمعی از مردم به استقبال آمده بودند. مطالبی گفتند و من هم کمی صحبت کردم. به هتل رفتیم و بعد از کمی استراحت به نماز جمعه در مسجد شیعه رفتیم. من سخنرانی کردم* و آقای حامد دامنی نماینده ایرانشهر به اردو ترجمه کرد. ناهار را در هتل مهمان مجلس ایالتی بمبئی بودیم، رئیس مجلس و یک وزیر که در فرودگاه هم بود، در مهمانی بودند. مصاحبه مطبوعاتی انجام دادیم*.

از فرودگاه به طرف بنگلور حرکت کردیم و اول شب به آنجا رسیدیم. رئیس مجلس ایالتی و... همراه با جمع زیادی به استقبال آمده بودند اما پلیس که مسئول امنیت ما بود اجازه نداد که با مردم صحبت کنم و مستقیماً به سالنی که دانشجویان آماده کرده بودند رفتیم. مجلس با شکوهی بود و یک ساعت صحبت کردم. احساسات پرشوری در حمایت از انقلاب ما ابراز کردند. دانشجویان

عکس هند

اسلامی ایران و عراق برنامه اجرا کردند. شام قرار بود که مهمان دانشجویان و علما باشیم ولی دو مجلس ایالتی تقاضا کردند، به آنها واگذار شود و در نتیجه با حضور رؤسای دو مجلس مهمان مجلس در هتل بودیم.

شنبه ۲۳ مرداد

مخبران دو روزنامه مهم بنگلور برای مصاحبه آمدند و درباره جنگ، غیر متعهدها و رفتار با مخالفان مخصوصاً بهائیه‌ها و تروریست‌ها پرسیدند*. یکی از آنها خبر دروغی نوشت که دانشجویان مسلمان طوماری با ده هزار امضا در خصوص اعتراض به ورود هیئت ایرانی به هند جمع کرده‌اند که مورد اعتراض سفیرمان در هند قرار گرفت.

از یتیم خانه بچه‌های مسلمان دیدن کردیم که حدود سیصد یتیم دختر و پسر را سرپرستی می‌کردند. بچه‌ها سرودهای انقلابی «ما مسلح به الله اکبریم» و ... خواندند و پنجاه هزار دلار به آن مؤسسه دادیم و پنجاه هزار دلار هم آقای هدایت زاده قائم مقام وزیر بازرگانی داد. بودجه‌اش از طرف خیریه پرداخت می‌شود.

به فرودگاه رفتیم و برای رفتن به دهلی سوار هواپیما شدیم. در باند پرواز معلوم شد که یک موتور هواپیما قدرت لازم را نمی‌دهد و مهندسان هندی نتوانستند اصلاح کنند. دوسه ساعت در فرودگاه معطل شدیم. رؤسای دو مجلس ایالت و دانشجویان هم ماندند و با هم مذاکره طولانی کردیم. بنا شد که تعمیرکار یا هواپیمای هندی از دهلی بیاید.

ناچار برای پرکردن وقت خالی به دیدن یک معبد هندوها رفتیم. مراسم خاص آنها را در مقابل خدای ثروت که صاحب این معبد بود، تماشا کردیم و هم مراسم عبادت ملکه خدا را.

نماز را در محل انجمن اسلامی دانشجویان به جماعت خواندیم و سپس مدتی برای بچه‌ها صحبت کردم*. ناهار را ساعت سه و نیم در هتل خوردیم و استراحت کردیم؛ مهمان مجلس بودیم. برنامه‌های مهمانی ظهر معاون رئیس جمهوری هند و مهمانی شب ما برای رجال هندی را که از پیش تنظیم شده بود به ناچار لغو کردیم و به انتظار تهیه وسایل حرکت بودیم. در فرودگاه دانشجویان از سخت‌گیری‌های اداری هندی‌ها شکایت کردند و دو نفر کارمند معادن از این که هندی‌ها شصت درصد از حقوقشان را که از ایران می‌گیرند، مالیات می‌خواهند، شاکی بودند.

رئیس مجلس گفت چنین قانونی نداریم و بنا شد که رسیدگی شود. هر نفر ماهانه هزار و پانصد دلار می‌گیرند و در هند به آنها داده می‌شود^۱.

ساعت ده شب با هواپیمای اختصاصی هندی که برای ما فرستادند وارد دهلی شدیم. هواپیمای ما در بنگلور به انتظار تعمیر ماند. معلوم شد که امروز حدود سی و پنج نفر از مخالفان ایرانی، مقابل اقامتگاه با پلاکارد اعتراض آمده بودند که با فشار دانشجویان اسلامی متفرق شده‌اند. در فرودگاه گروهی از دانشجویان به استقبال آمده بودند. با موتورسیکلت مزاحم حرکت پلیس اسکورت و کاروان هیئت می‌شدند و این وضع تقریباً در طول حرکت کاروان پیش آمد. مایل نیستیم، جلو ابراز احساسات جوانان انقلابی را بگیریم و پلیس هند هم نظم می‌خواهد. پس از شنیدن اخبار ایران خوابیدم.

یکشنبه ۲۴ مرداد

امروز سی و پنجمین سالگرد استقلال هند است. با بخشی از هیئت در مراسم شرکت کردیم. در این که شخصاً شرکت کنم یا خیر اختلاف نظر بود و بالاخره ترجیح دادم که شرکت کنم. مراسم باشکوهی در میدان بزرگ کنار قلعه تاریخی ردفورد برگزار شد. صندلی شماره یک از خانم گاندی و دوم برای من و سوم برای رئیس مجلس هند بود و

می‌گفتند: برای اولین بار فیلم رنگی در هند تهیه می‌شود. خانم گاندی بیست دقیقه صحبت کرد و ساعت هشت صبح مراسم تمام شد. اطلاع دادند که فردا مخالفان در پارلمان دولت گاندی را استیضاح می‌کنند و به همین دلیل تعطیل پارلمان به عقب افتاده.

ظهر به دعوت علمای لکنهو با هواپیمای نیروی هوایی هند به آنجا رفتیم. استقبال گرمی کردند. در حسینیه آصفی - که آصف الدوله قبلاً ساخته - اجتماع با شکوهی از مردم مسلمان شیعه و روحانیت تشکیل شد و من سخنرانی کردم* و لوحه‌ای به من دادند و متن آن را خواندند. نماز ظهر و عصر در مسجد مجاور به امامت من برگزار شد.

۱- معدن کُدرمخ قراردادی با ایران دارد که سنگ آهن به ایران بدهد و افرادی از سوی ایران برای نظارت بر اجرای قرارداد آنجا باشند.

عکس هند

ناهار را در دانشگاه شیعی شهر - که می‌گفتند هفت هزار دانشجو دارد - با حضور علما و بعضی از اساتید صرف کردیم. از سه مدرسه علوم دینی «ناظمیه» و «سلطانیه» و... به طور عبوری بازدید کردیم. طلبه‌ها به گرمی از ما استقبال کردند. مردم هند برای جمهوری اسلامی ارزش و اعتبار زیادی قائلند.

ساعت پنج بعد از ظهر به دهلی رسیدیم. قرار بود که در جلسه سفرای کشورهای غیر متعهد که از طرف سفیر ما آقای اسدی لاری دعوت شده بودند، شرکت کنم. دیر شده بود و مسئولان سفارت عذرخواهی کرده بودند. گویا خیلی‌ها هم نیامده بودند و فقط حدود پانزده نفر از چهل نفر دعوت شده [آمده بودند]. خانم مترجم سفیر کوبا هم با لباس نامناسبی شرکت کرده بود و من شرکت نکردم. بقیه همراهان شرکت کردند و اعضای هیئت با آنها مذاکره کردند.

قرار بود که برای تبریک عید استقلال هند به منزل رئیس جمهوری برویم. بخشی از هیئت را فرستادم و خودم نرفتم. علت نرفتن را این گفتیم که خانم گاندی امروز صبح در مراسم جشن، از هیئت ما تشکر نکرد.

شب رؤسای دو مجلس و جمعی از بزرگان هند در هتل تاج محل مهمان ما بودند. پس از شام، من و رئیس مجلس سنا به ترتیب صحبت کردیم. درباره توسعه همکاری برای مبارزه با بی‌عدالتی‌ها در روابط بین‌المللی حرف زدم*.

آخر شب برای خوابیدن به "حیدرآباد هاوس" آمدیم. هدایایی که آقای موسویانی وزیر معادن برای دادن به هندی‌ها آورده بود، دیدیم و تقسیم کردیم.

دوشنبه ۲۵ مرداد

پس از نماز صبح خاطرات دیروز را نوشتم و اخبار ایران را گرفتم: منافقین سه پاسدار را ربوده، با قساوت غیر قابل وصفی شکنجه داده‌اند و دو نفر را پس از شکنجه زنده زیر خاک کرده‌اند و خیلی زود گیر افتاده و اقرار به جنایت خود نموده‌اند. این حادثه اثر عجیبی روی مردم گذاشته و تنفر ایجاد کرده است.

آیت الله [محمد رضا] گلپایگانی که در حمام به زمین خورده و لگن خاصره ایشان شکسته، برای معالجه به تهران منتقل شده‌اند.

عکس هند

عکس هند

صبحانه را در سفارت خودمان در دهلی صرف کردیم و با اعضای سفارت دیدن کردیم. به خانه فرهنگ رفتیم و برای دانشجویان صحبت کردیم*. مراسم عقد ازدواجی بین دو دانشجو برقرار بود. سپس به مؤسسه تحقیقات کشاورزی رفتیم و مراحل پیشرفت کشاورزی را توضیح دادند و مزرعه‌ای را دیدیم.

عصر مصاحبه مطبوعاتی داشتم*. حدود هفتاد نفر از خبرنگاران شرکت کردند و درباره جنگ، غیر متعهدها، تروریسم، اقتصاد و... سؤال شد و جواب دادم.

ساعت شش بعد از ظهر برای حرکت به ایران به فرودگاه رفتیم. رئیس مجلس بدرقه کرد. چند آلبوم از عکس‌های مراسم دیدار هند هدیه کرد. هواپیما دوباره عیب پیدا کرده بود و دوساعتی تأخیر شد متأسفانه در این سفر از ناحیه هواپیما چند اشکال پیش آمد. اول شب حرکت کردیم. پس از اوج گرفتن، شفق در هنگام غروب ظاهر شد و تا مرز ایران همراه شفق بودیم. در فرودگاه تهران، وزیران خارجه و دفاع و... به استقبال آمده بودند. مصاحبه‌ای کردیم* و به خانه آمدیم. تشییع جنازه شهدای فاجعه منافقان که امروز با شکوه برگزار شده بود، موضوع روز است.

سه شنبه ۲۶ مرداد

در جلسه علنی شرکت کردم. درباره نتایج سفر هند و قساوت تروریست‌ها صحبت کردم^۱. طرح شوراها هنوز در دستور است. ظهر با اردوی تربیتی خوزستان و اعضای نهضت‌های آزادی‌بخش ملاقات و برای آنها صحبت کردم^۲. عصر در جلسه حاشیه‌ای حزب الله نمایندگان شرکت کردم. دو

۱- در بخشی از این نطق آمده است: ما هیأت پارلمانی برگشته از هندوستان حامل سلام مردم هند و مخصوصاً مسلمانان مشتاق، نمایندگان دو مجلس مرکزی هند، نمایندگان دو مجلس چندین ایالت که ما بازدید کردیم به خدمت رهبر عظیم‌الشان و شما نمایندگان محترم مردم و ملت غیور انقلابی و مسلمان هستیم به اتفاق نظر همه دوستان همراه ما در این مسافرت، احساس جدیدی از مسئولیت‌های سنگینی کردیم که من خودم سنگینی بار این مسئولیت را به شدت احساس می‌کنم و علت آن این است که محرومان دنیا و مخصوصاً مسلمین دنیا اعتماد فوق‌العاده‌ای به جمهوری اسلامی کرده‌اند و چشم‌امیدی به این انقلاب بسته‌اند.

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی؛ نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی درباره ریشه‌های انقلاب اسلامی و سیاست جمهوری اسلامی در حمایت از جنبش‌های اصیل اسلامی مطالبی

جلسه نمایندگان عضو یا هوادار حزب جمهوری و دیگران با هم برگزار شد. و هیئت رئیسه انتخاب گردید. من به عنوان رئیس و آقای [محمد] یزدی و آقای [موسوی] خوئینی ها به عنوان نایب رئیس. برای سالگرد شهید محراب آقای [اسدالله] مدنی با تلویزیون همدان مصاحبه کردم*. ساعت نه شب گزارش های روزهای مسافرت را خواندم که در جریان حوادث قرار بگیرم. قرار ملاقات با امام را با احمد آقا گذاشتم.

چهارشنبه ۲۷ مرداد

به خاطر قرار دیدار با امام به مجلس نرفتم. جلسه را آقای [محمد] یزدی اداره کردند. با عده ای از اعضای هیئت سفر هند به زیارت امام رفتیم و گزارش خدمتشان دادیم. امام از برخورد تند نمایندگان مجلس با وزرا ناراضی بودند و دستور دادند که وحدت را حفظ کنند و بعضی انتقادات را خصوصی مطرح کنند و در مورد استیضاح وزیر مسکن هم فرمودند، ترجیح دارد که پس بگیرند. تا عصر در منزل بودم. ساعت چهار بعد از ظهر به ملاقات آیت الله [محمد رضا] گلپایگانی و آقای [صادق] احسانبخش و آقای [سید محمد علی] قاضی امام جمعه دزفول به بیمارستان قلب رفتم. آیت الله گلپایگانی که لگن خاصره ایشان شکسته، عمل کرده اند و پلاتین در استخوان کار گذاشته اند. باین سن به خوبی عمل را تحمل کرده اند، حالشان خوب است.

در جلسه هیئت رئیسه مجلس شرکت کردم. با توجه به اظهارات امام تصمیم گرفتیم که فردا استیضاح عمل نشود. بعد از جلسه، وزیر مسکن و معاونان نشان آمدند و در همین باره بحث کردیم. اول شب در دفتر آقای رئیس جمهوری جلسه داشتیم. درباره وضع زندان ها و افراط های دادگاه های انقلاب بحث شد. درباره نتایج سفر من به هند و کنفرانس وزرای خارجه غیر متعهد ها که بین عراق و کوبا اختلاف افتاده صحبت شد.

از وزارت نفت اطلاع دادند که عراق به جزیره خارک حمله کرده، دو انبار نفت آتش گرفته و نفت از اسکله قطع شده است ولی در اسکله آذریاد دو کشتی مشغول بارگیری است که آنها هم

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

ترسیده‌اند با ستاد نیروهای دریایی، هوایی و زمینی تماس گرفتیم و قرار شد که فردا مقابل به مثل شود. سرهنگ [علی] صیادشیرازی را احضار کردیم و قرار شد که در زمین فعال تر شویم. طرح‌هایشان در غرب و جنوب را توضیح داد.

پنجشنبه ۲۸ مرداد

تا ساعت هفت و نیم گزارش‌ها را مطالعه کردم. جلسه علنی شروع شد. اعتراض به تأخیر استیضاح شد که جواب دادم. با اطلاعی که نمایندگان از نظر امام داشتند، رضایت دادند. شوراها در دستور بود. هنگام تنفس برای اردوهای امور تربیتی که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم* و ظهر برای گروهی از کادرهای حزب جمهوری [اسلامی] که برای یک دوره آموزش به تهران آمده‌اند و هم دانش آموزان منتخب بسیج که در تهران اردو دارند.

گروهی از وزارت نفت آمدند و وضع خارک را توضیح دادند و از مسامحه نیروی هوایی شکایت داشتند. عصر نماینده میناب آمد و راجع به ائمه جمعه و ضعف عملکرد مسئولان اجرایی استان مطالبی داشت.

گروهی از علمای مبارز لبنان آمدند و در مورد نوع و کیفیت کمک‌های ایران به مبارزان لبنان پیشنهادهایی داشتند و مایل نیستند با سازمان امل فعالیت کنند. نیروهای خالص خوبی‌اند. آقای محسن رفیق دوست آمد و نگران برکناری آقای [اسدالله] لاجوردی^۱ بود. گفتم آقای لاجوردی باید برای رفع اشکالات اقدام کند. امام سه نفر را تعیین کرده‌اند که وضع زندان‌ها را مشاهده و گزارش نمایند. رئیس جمهور هم اصرار دارند. تا ساعت ده گزارش‌ها را خواندم و سپس به خانه آمدم. [آشیخ محمد] هاشمیان که برای معالجه چشم به اسپانیا رفته بود راضی برگشته، در منزل ما بودند. گفتند که درک مردم اسپانیا نسبت به مسائل انقلاب ایران بهتر شده است.

۱- شهید اسدالله لاجوردی در آن هنگام دادستان انقلاب تهران بود.

جمعه ۲۹ مرداد

تا ساعت ده در خانه مطالعه کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم خطبه‌ای در عدالت اجتماعی و خطبه‌ای راجع به نتایج سفر هند خواندم^۱. آقای جلال‌الدین فارسی هم پیش از خطبه‌ها راجع به کودتای ۲۸ مرداد صحبت کرد. آقای فارسی خبری مربوط به عراق داد که اگر صحیح باشد تحول مهمی در آینده خواهیم داشت.

عصر آقای محسن رضایی که از جبهه آمده بود به منزل آمد و طرح جدید عملیات را ارائه داد. بی شباهت به طرح ستاد نیست و اگر خوب اجرا شود، می‌تواند ثمرات مهمی داشته باشد. دفتر مشاورت [ارتش] تلفنی اطلاع داد که حمله پریروز به خارک با نوعی جدید از موشک هوا به زمین بوده، باز هم موشک انداخته‌اند که در دریا افتاده ولی آقای محسن رضایی گفت نیروهای ما در آبادان دقایقی قبل از خوردن گلوله به منابع خارک، حرکت دو موشک از جنوب بصره را دیده‌اند که در هوا خطی آتشین ترسیم کرده. اگر این خبر صحیح باشد، عراقی‌ها موشک زمین به زمینی در اختیار دارند که بیش از دو یست کیلومتر برد دارد و احتمالاً اسکادروسی است. اول شب احمد آقا آمد و راجع به چند مسئله مهم با ایشان صحبت کردم و خبری را که آقای فارسی داده بود به امام پیغام دادم. ضمناً طبق قرار خبر را به آقای [محسن] رضایی فرمانده سپاه هم گفتم که برای شرایط جدید احتمالی آماده باشند.

شنبه ۳۰ مرداد

تمام روز در منزل بودم. به آقای [سیدحسین] موسوی تبریزی تلفن کردم. معلوم شد که تعویض آقای [اسدالله] لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] در حال بررسی است. اول شب آقایان دکتر

۱- در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام شامل حقوق کارگر در اسلام، نقش دولت اسلامی، مکاسب محرمه، تحریم احتکار و برخورد اسلام با محتکر و در خطبه دوم گزارش سفر هند شامل نقش جمهوری اسلامی در صفحه جهانی، حضور مهم هیأت ایرانی در مجالس هند، ایران و هند متحدان طبیعی منطقه، تروریسم داخلی و یاس ضدانقلاب در خارج مورد بحث واقع شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

هادی [نجف آبادی]، [سید محمود] دعائی و هادی خامنه‌ای که از طرف امام مأمور رسیدگی به وضع زندان‌ها شده‌اند، آمدند و گزارشی دادند. شرایط خوبی نیست و ظرفیت زندان کمتر از تعداد بازداشت شدگان است و بیش از پنجاه درصد وضع موجود از همین مسئله سرچشمه می‌گیرد و مقداری هم مربوط به خشم مسئولان از تروریست‌هاست. سپس آقای لاجوردی و همکارانش آمدند و دفاع کردند. بخشی قانع‌کننده و بخشی غیر قابل قبول است. بدون قانون، احداث ساختمان را در اطراف اوین تا چهارصد متر ممنوع کرده‌اند.

آقای نخست وزیر هم دوسه بار، راجع به نامه‌ای که صد نفر از نمایندگان در مورد وزیر مسکن امضا کرده‌اند و با متوقف ماندن استیضاح، از ایشان خواسته‌اند که وزیر را عوض کنند، تلفن کردند. ایشان لازم می‌دانند که وزیر از خودش دفاع کند.

مقداری به خواندن و جواب نامه‌ها پرداختم و گزارش‌ها را خواندم. از جبهه آقای محسن رضایی تلفن کرد و از خارک گزارش داد و گفت تا به حال بیست و چهار موشک انداخته‌اند که فقط دو تا به هدف اصابت کرده.

یکشنبه ۳۱ مرداد

جلسه علنی داشتیم. دو فوریت راجع به شروع سال اول دانشکده پزشکی و استثنای گروهی از دانشجویان پزشکی از خدمت سربازی و خارج از مرکز، برای دیدن تخصص‌های پزشکی مطرح بود. پیش از دستور راجع به توطئه آمریکا و ارتجاع در مورد خروج فلسطینی‌ها از لبنان صحبت کردم^۱. در هنگام تنفس با گروهی مرد و زن که از استان‌های فارس، هرمزگان، کهگیلویه و

۱- در بخشی از این نطق آمده است: متأسفانه آمریکا در تلاش‌هایش برای سرکوبی نهضت فلسطین در لبنان گرچه موقت پیروز شد و به طوری که گفته‌اند ریگان به علامت پیروزی دست خودش را بلند کرد. ما متأسفیم که مردم مبارز مسلمان و قهرمان فلسطین و لبنان بعد از دو ماه مقاومت قابل تحسین با توطئه شوم سران مرتجع کشورهای عرب عمال آمریکا مجبور شدند دست از مقاومت بکشند و وضع آنها مثل کسی است که پس از پایان یک روز سخت در روز گرم تابستان با گوشت خوک و شراب کهنه افطار کند که پایان این مقاومت به مسافرت به اردن و به عراق منتهی شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال

بویراحمد، سیستان و بلوچستان، بوشهر و آذربایجان غربی آمده بودند ملاقات و برای آنها صحبت کردم*. آقای مهندس [عزت‌الله] سحابی [نماینده تهران] آمد و راجع به جلوگیری آقای رئیس جمهوری از اجرای قانون حفاظت صنایع به خاطر تخلف مجریان از قانون صحبت کرد و گله داشت.

عصر گروهی از اطلاعات نیروی هوایی آمدند که قبلاً از همراهان آقای معین پور بودند و مورد غضب و تصفیه قرار گرفته‌اند، شکایت داشتند و مدارکی از تخلف‌ها آورده بودند. با آقای بیات هم راجع به خطبه‌های اقتصادی نماز جمعه صحبت داشتیم.

در جلسه شورای حزب شرکت کردم. بیشتر بحث روی اختلاف بینش اقتصادی دو گروه داخل حزب بود و انتقاداتی که از یکدیگر دارند.

جلسه مشورتی هفتگی سران تشکیل شد و آقایان [محسن] رضایی و [علی] صیاد [شیرازی] هم آمدند و راجع به طرح جدیدشان توضیحاتی دادند. آقای [شهاب‌الدین پروین] گنابادی [وزیر مسکن و شهرسازی] آمد و راجع به آمدنش به مجلس و دفاع در برابر اعتراضات نمایندگان بحث شد. آقای [بهزاد] نبوی هم گزارش نتایج سفر به کره شمالی را داد که چندین قلم جنس برای استهلاک پول نفت انتخاب کرده‌اند. راجع به دستور امام در خصوص لغو قوانین ضد اسلامی گذشته و مسئولیت خودشان صحبت شد.

آخر شب به خانه آمدم. آقای [سیدحسین] مرعشی معاون استانداری کرمان آمده بود و از اختلاف با امام جمعه جیرفت و کم‌کاری وزارت مسکن در شهداد و گلبافت گفت. ساعت دوازده خوابیدم.

خالی

شهریور ۱۳۶۱

عکس ماه

دوشنبه ۱ شهریور ۱۳۶۱ ۳ ذیقعدہ ۱۴۰۲ Aug. 23, 1982

تا ساعت هفت و نیم در خانه بودم و مطالعه می‌کردم. محسن که دیروز از معدن اورانیوم در اطراف یزد دیدن کرده بود و نمونه‌ای آورده بود، توصیه به همکاری با آقای [رضا] امراللهی رئیس سازمان انرژی اتمی می‌کرد. ساعت هشت صبح به دفتر مشاورت امام در ستاد مشترک رفتم. رئیس ستاد هم آمد. [سرهنک سلیمی] وزیر دفاع گزارشی از صنایع نظامی و کارکرد دفتر داد. ساعت نه در یکی از مراکز نیروی هوایی در قصر فیروزه از کارگروهی از همافران که موفق شده‌اند یک رادار ADS4 را نصب کنند، دیدن کردم. کار بزرگی کرده‌اند تخصصی سطح بالا نیاز داشته، خیلی‌ها باور نمی‌کردند و کارشکنی می‌کردند. خودشان مدعی هستند که، نمونه آن را آمریکایی‌ها در مدت طولانی با خرج زیاد در کرج نصب کرده‌اند و اینها فقط با مخارج پانصد هزار تومان نصب کرده‌اند. خیلی خوشحال به نظر می‌رسیدند که انقلاب این امکان را به آنها داده است؛ در رژیم گذشته اجازه دست‌کاری به ابزار پیشرفته به ایرانیها داده نمی‌شده.

ساعت ده از مجلس شورای قدیم دیدن کردم از فروشگاه و محل تالاری که در رژیم شاه پایه‌هایش ریخته شده و نیاز است که آن را برای آینده تمام کنیم. ظهر آقای [اسدالله] بیات برای مشاوره در پیاده کردن نوارهای خطبه‌های نماز جمعه من برای مجله پیام انقلاب آمد. شب با ستاد انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، رئیس جمهوری و نخست وزیر برای رفع اختلافات ستاد و وزیر جلسه داشتیم که به جایی نرسیدیم، چون ستاد شرح وظایف ندارد. تداخل مسئولیت‌ها و حقوق پیش می‌آید.

سه شنبه ۲ شهریور

پس از نماز صبح مشغول مطالعه گزارش‌ها شدم. جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور راجع به دستور امام درباره لغو قوانین مخالف اسلام صحبت کردم و از نمایندگان خواستم که برای رفع مشکل همکاری کنند^۱. در تنفس برای انجمن‌های اسلامی دانشجویان و کارآموزان تربیت معلم،

۱- در این نطق آمده است: از این اقدام قاطع امام یک دنیا متشکریم و همیشه مدیون راهنمایی‌های به موقع و قاطع ایشان

درباره لزوم کار و ایثار بیشتر برای مبارزه با دشمنان انقلاب صحبت کردم* . وزیر بهداری درباره اوضاع وزارتخانه‌اش یک ساعت صحبت کرد. ظهر هم امام جمعه خرامه^۱، برای توضیح درباره اختلافاتش با نماینده آنجا آقای [محمد امین] سازگار نژاد آمد.

عصر گروهی از خواهران و برادران کادر آموزشی حزب جمهوری [اسلامی] آمدند. برایشان درباره اهداف و ماهیت حزب جمهوری [اسلامی] و تفاوت آن با احزاب معمولی صحبت کردم^۲. سپس آقای [علیرضا] افشار که از جهاد به سپاه رفته آمد. آقای احمد جلالی آمد و خواهان جلب اعتماد و گرفتن کار سیاسی و خدمت به انقلاب بود. به خاطر این که در منزل قطب‌زاده اتاق برای وسایل خانه‌اش داشته نگران است که تردید ایجاد شود. آقای دکتر محمود کاشانی داور ایرانی اجرای بیانیه الجزایر از لاهه آمد و درباره مشکلات کارهایش و از جمله اختلاف با آقای محمدی رئیس آن دفتر مطالبی گفت. آقای [محمود] کریمی رئیس بنیاد مستضعفان آمد و از وضع بنیاد گفت. به آقای ربانی املشی درباره گواهی فوت مرحوم [حسن] لاهوتی تلفنی صحبت کردم. بعد از نماز مغرب آقایان [اسدالله] بیات و [سید حسن] شاهچراغی آمدند و گزارش سفرشان به بحرین، قطر، یمن جنوبی و شمالی را دادند. از آنها استقبال شده و آنها مایل به همکاری با ایرانند. گفتند که حکام یمن جنوبی برعکس یمن شمالی در عمل، اسلام زدایی می‌کنند. اخبار را گرفتم و گزارش‌ها را خواندم. ساعت ده و نیم به خانه آمدم. فیلم سفر هندوستان را گذاشته بودند، قسمتی را تماشا کردیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بوده‌ایم. تقاضای من از برادران مجلس شورای اسلامی و همکاران محترم این است که تمام توان خود را در کمیسیونها و در مجلس و در خارج از مجلس به کار گیرند برای اینکه مشکلات مربوط به اسلامی شدن همه قوانین هر چه زودتر رفع شود و جامعه ما از قوانین صدرصد اسلامی برخوردار باشد و رسوبات طاغوت و کفر از این مملکت ان شاء الله بیرون برود. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱- شهری است در استان فارس نزدیک سروستان.

۲- در این سخنرانی درباره شیوه حزبی حزب جمهوری اسلامی، تحزب در اسلام، کارکرد تشکل در مجلس و فواید ایجاد تشکل در روند انقلاب مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف

انقلاب، ۱۳۸۰

چهارشنبه ۳ شهریور

ساعت ده صبح به مجلس رفتم، گزارش‌ها را خواندم و چند ملاقات با نمایندگان داشتم. مصاحبه‌ای هم برای شوراهاى اسلامى روستاییان انجام دادم. عصر خانواده‌های شهدای ساوه آمدند و برایشان صحبت کردم^۱. جلسه هیئت رئیسه داشتیم. دستور هفته آینده و کارهای جاری مجلس، تأسیس درمانگاه و دندان پزشکی برای نمایندگان، بررسی دوسه حادثه مشاجره نگهبانان مجلس با نمایندگان و دیگران که منجر به تیراندازی بوده است و ... مورد بحث بود.

بعد از نماز مغرب، در دفتر آقای خامنه‌ای با شورای عالی قضایی راجع به نابسامانی‌ها در زندان اوین جلسه داشتیم. پس از بررسی همه جانبه قرار شد با جدیت و قاطعیت خلاف‌ها را برطرف کنیم، آقای [سیدحسین] موسوی تبریزی مسئول اقدام شد. راجع به مسایل مهم دیگر هم بحث شد. شام را همان جا خوردیم و برای خواب به مجلس رفتم. امروز عراق دوسه موشک به جزیره خارک انداخته که یکی به یک لوله نفت خورده و پس از مدت کوتاهی ترمیم شده است. دسترسی عراق به جزیره خارک نقطه ضعفی برای ماست.

پنجشنبه ۴ شهریور

جلسه علنی داشتیم. اصلاح اساسنامه سپاه در دستور بود. هنگام تنفس برای خواهران طلبه^۲ مدرسه مسجد سلیمان و گروهی از مریبان منتخب عازم مکه صحبت کردم^۳. و بعد از ختم جلسه برای دانشجویان دانشکده افسری که برای تماشا به مجلس آمده بودند صحبت کردم^۳.

۱- در این سخنرانی درباره جایگاه شهدا و خانواده‌های معظم آنان و ثمره شهادت مطالب کوتاهی عنوان گردید. رجوع کنید ←

کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی درباره اهمیت تربیت معلمان متعهد برای استمرار انقلاب مباحثی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳- در این سخنرانی درباره تحولات مثبت در ارتش و مسئولیت خطیر دانشجویان افسری در تربیت سربازان مطالبی بیان شد.

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

ظهر وزیر بازرگانی هند به ملاقاتم آمد. صحبت درباره گسترش روابط بود. مادر شهید محمد جمشیدی آمد و من را تحت تأثیر قرار داد. آقای محمد [مجتهد] شبستری^۱ هم راجع به تعدیل سیاست برای جذب روشنفکران پیشنهاد داد. قرار بود نماینده صلیب سرخ بیاید تأخیر داشت. از برنامه حذف شد.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای برای رسیدگی به وضع دفتر بیانیه الجزایر و دیوان لاهه و پرونده‌های مطروحه با حضور نخست وزیر و اعضای دفتر و داوران جلسه داشتیم. قرار شد پس فردا جلسه تجدید شود.

جمعه ۵ شهریور

چون عفت و فاطمی ساعت سه و نیم صبح بایستی برای رفتن به مکه از خانه بیرون بروند، تقریباً تا ساعت چهار صبح نخوابیدم، بعد از نماز صبح تا ساعت هشت خوابیدم. برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. آقای [محسن] ادعا گو معاون وزارت آموزش و پرورش آمد و راجع به اختلافات با آقای مظفری نژاد و نجفی علمی و... که کنار گذاشته شده‌اند توضیحاتی داد.

در حین خواندن خطبه‌های جمعه^۲ صدای انفجار مهیبی بلند شد و توپهای ضد هوایی تهران مشغول غرش و شلیک شدند خطبه را ادامه دادم و مردم خم به ابرو نیاوردند. از بیت امام و دفتر رئیس جمهور اطلاع دادند که زودتر نماز را تمام کنم، ولی تقریباً به طور عادی تمام کردیم. بعد گفتند هواپیمای میگ ۲۵ عراق در ارتفاعات بالادیده شده و تحت تعقیب قرار گرفته، در حین فرار دیوار صوتی را شکسته که به صورت انفجار شنیده شده است. عصر در منزل ماندم.

۱- محمد مجتهد شبستری نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی از روحانیون روشنفکر و دگراندیش است که در حوزه‌های نظری و فلسفی نظرات خاصی دارد. مباحث مربوط به هرمنوتیک دین و حوزه‌های بسط شریعت از جمله بحث‌های مورد علاقه وی می‌باشد.

۲- محور این خطبه‌ها عبارت است از ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (شامل احتکار در فتوای مهم امام، احتکار در کلام معصومین و مبارزه آنها با محتکرین)، تفاوت مبارزه مردمی و غیر مردمی، حاکمیت اسلام، تحلیل کارنامه منافقین و تبیین وضعیت ضدانقلاب. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

شنبه ۶ شهریور

تا ساعت سه بعد از ظهر در منزل بودم. مطالعه و استراحت و پیاده روی داشتم. ساعت چهار به مجلس رفتم، گزارش‌ها را خواندم. آقای دکتر [عبدالله] جاسبی آمد راجع به دانشگاه آزاد [اسلامی] که مسئولیت مدیریت آن را پذیرفته و راجع به کار تمام وقت در حزب و کارهای بازسازی و استخدام کشوری مذاکره شد.

گروهی از جهاد آمدند. مطالبی راجع به اساسنامه و شورای مرکزی داشتند، گروهی از واحد نهضت‌های سپاه آمدند و از کارکرد آقای [سید مهدی] هاشمی و واحد شکایت داشتند.

ساعت شش جلسه‌ای با سران کشور و اعضای دفتر و داوران بیانیه الجزایر^۱ داشتیم. ادعاهای شرکت‌های عضو کنسرسیوم نفت که نزدیک ده میلیارد دلار علیه مادیات خسارت کرده‌اند، گروه آمریکایی چهل درصد به لاهه و بی بی انگلیسی چهل درصد به اتاق تجارت پاریس برای داوری ارجاع کرده‌اند. و بعضی‌ها هم رو به مذاکره و توافق آورده‌اند.

بعضی‌ها از بیانیه الجزایر خائف بودند و ترجیح می‌دادند که خودمان را به نحوی خلاص کنیم و بعضی‌ها به خاطر این که بالاخره ادعاهای خارجی‌ها در محکمه‌ای مطرح خواهد شد، لاهه را بهترین مرکز می‌دانستند و قرار شد که ادامه دهیم.

رئیس جمهوری، نخست وزیر و احمد آقا شام را در مجلس ماندند و از بیرون غذا آوردیم. آقای [سید محمد] غرضی [وزیر نفت] هم نگران وضع خارک و قطع صدور نفت آن در صورت ادامه حملات موشکی عراق به جزیره بود که قرار شد، تدابیر حفاظتی و دفاعی به کار گرفته شود. و خبر تأثیر مصالحه با شرکت نفتی ایتالیایی در تعدیل دعاوی آنها را داد. خسته بودم و در مجلس خوابیدم.

۱- بیانیه الجزایر در زمان دولت موقت مهندس مهدی بازرگان در مورد اختلافات ایران و آمریکا صادر شد و از آن موقع تاکنون در دادگاه لاهه مطرح بوده و نتیجه کاملی از آن گرفته نشده است. این اختلافات درباره قراردادهای تسلیحاتی محمد رضا شاه با شرکت‌های آمریکایی و سرمایه‌های ایران در ایالات متحده می‌باشد.

یکشنبه ۷ شهریور

جلسه علنی داشتیم. قبل از دستور درباره شهیدان رجائی و باهنر و آثار شهادت آنها در سال گذشته صحبت کردم^۱ در حال تنفس با تماشاچیان - که سیصد نفر از زنان و مردان معلم عازم کردستان بودند و... - صحبت کردم^۲. ظهر هم با گروهی دیگر که از کازرون آمده بودند ملاقات کردم.

پس از ناهار آقای دکتر طاهری شیرازی به دفترم آمد و راجع به وزیر جدید بهداشت و درمان صحبت کرد.

دکتر ولایتی هم آمد و گزارش کنفرانس وزاری خارجه کشورهای اسلامی در نیجریه را داد و راضی بود. خبری از وزیر خارجه پاکستان در خصوص جاسوس فراری شوری که به انگلستان پناهنده شده داد. به همین جهت با آقای خامنه‌ای رئیس جمهوری که به مشهد رفته‌اند تماس گرفتم.

گروهی از نمایندگان آمدند و از این که جمع زیادی از نمایندگان و مسئولان به مکه بروند، به خاطر احتمال خطر و تعطیل کارها در کشور اظهار نگرانی کردند. احمد آقا تلفن کرد و از سخت گیری‌های سعودی‌ها نسبت به حجاج ایرانی در گرفتن عکس امام و اعلامیه‌ها و... خبر داد. عصر آقای مقدم پیشنماز مسجد هامبورگ آلمان آمد و راجع به مسائل دانشجویان و سفارت ما در آلمان مطالبی داشت. قرار بود که مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی درباره جنگ داشته باشم که به بعد موکول شد.

جلسه شورای مرکزی حزب در دفتر من تشکیل شد. به خاطر نبودن آقای خامنه‌ای، دستور

۱- در بخشی از این نطق آمده است: ما امروز مطمئنیم که روح این دو شهید بزرگوار (رجائی و باهنر) شاهد موفقیت‌ها است و یکسال پس از شهادتشان امروز ایران و مجلس و دولت و امت و جنگ و اقتصاد و همه ابعاد حرکت انقلاب را در داخل و خارج قوی‌تر، عظیم‌تر، پابرجاتر و روبه‌رشدتر می‌بینند و این چیزی است که آنها طالبش بودند. رجوع کنید ← کتاب "هاشیمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی درباره نیاز فرهنگی خطه مظلوم کردستان و لزوم انجام کارهای فرهنگی و عقیدتی در این استان مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشیمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

جلسه که اختلافات دو بینش در حزب و دولت بود، عوض شد.^۱ احمد آقا پیشنهاد داشت که پولهای مصادره شده آقای [سید کاظم] شریعتمداری به حزب داده شود و گفت که با امام صحبت کرده، ایشان مخالفت نکرده‌اند. بعضی مخالف و بعضی موافق بودند و قرار شد که مشورت بیشتری شود. بازرگانی خارجی و گیر کردن لایحه دولت در شورای نگهبان مطرح شد و قرار شد که در شورای اقتصاد تصمیم‌گیری شود. انتقاداتی از عملکرد دولت مطرح شد که آقای نخست وزیر پاسخ داد.

شب آقای صبوری از گروه پیگیری پرونده انفجار نخست وزیری و جنایت [مسعود] کشمیری آمد و اطلاعات زیادی راجع به کشمیری و همکاران او داد. یک سازمان انقلابی را زیر سؤال برده بود که باید تحقیق کنیم.^۲ مطلب مهمی است. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۸ شهریور

پس از نماز و پیاده روی در حیاط منزل، خاطرات عقب مانده را نوشتم و اخبار ساعت هفت را گرفتم.

وزیر دفاع آمد و راجع به هیئت مدیره جدید سازمان صنایع نظامی ارتش و انجمن حجثیه مشورت کرد. با فرمانده نیروی هوایی تلفنی صحبت کردم و درباره علت عدم فعالیت موشک‌های هاگ در روز جمعه - که هواپیمای عراقی به تهران تجاوز کرده بود - توضیح خواستم. او گفت که هواپیما در ارتفاع بسیار بالا پرواز می‌کردند که از قلمرو هاگ بیرون است و در آن ارتفاع فقط از سام ۲ و اف ۱۴ می‌توان استفاده کرد و راجع به عملیات آینده در عراق مطالبی گفتیم.

از خارک خبر دادند که دشمن سه فروند موشک پرتاب کرده که در بیابان افتاده. ساعت چهار ظهر بعد از ظهر به مجلس رفتم. بارو حانیون سنّی پاوه و اورامانات ملاقات داشتم. از [احمد] مفتی زاده و چپی‌ها گله داشتند و از حکومت راضی بودند. حاکم شرع آمل هم آمد و راجع به خطر

۱- منظور از اختلافات دو بینش، اختلاف دیدگاه میان معتقدین به اقتصاد دولتی و معتقدین به اقتصاد بازار می‌باشد.

۲- اشاره به نقش سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و شخص آقای بهزاد نبوی و خسرو تهرانی که تاکنون صحت یا سقم آن به اثبات نرسیده است.

مباحث‌های ضد انقلاب در جنگل گفت^۱ و خواستار توجه بیشتر به این مسئله بود. با وزیر آموزش و پرورش و معاونان و مدیرکل‌ها ملاقاتی داشتم و سخنرانی کردم^۲. گروهی از روابط عمومی سپاه آمدند و از کم‌کاری سیاسی ایدئولوژیک ارتش گفتند. آقای دکتر رهنما آمد و پیشنهاد قطعات [فروش] هواپیماهای جنگی و چیفتن و... از شرکتی آورده بود که او را به وزارت دفاع معرفی کردم. سپس به باغ شیان - محل برگزاری سمینار فرماندهان سپاه پاسداران سراسر کشور - رفتم. یک ساعت برای آنها صحبت کردم^۳. ساعت یازده شب خسته به خانه آمدم.

سه شنبه ۹ شهریور

تا ساعت نه صبح در منزل بودم. نمایندگان مجلس، فرماندهان سپاه، سفرا و کارداران و ائمه جمعه پاوه با امام ملاقات داشتند. من مقداری صحبت کردم^۳ و سپس امام صحبت کردند و از تصمیم جمع‌زادی از نمایندگان و مسئولان در خصوص مسافرت به مکه انتقاد کردند^۴. لابد

۱- پس از وقایع تابستان سال ۶۰، گروهی از عناصر گروه‌های مارکسیستی و همچنین سازمان مجاهدین خلق به جنگ‌های شمال کشور پناه بردند. این گروه‌ها به تدریج توسط نیروهای مردمی و سپاه پاسداران دستگیر و مجازات شدند.

۲- در این سخنرانی درباره انقلاب فرهنگی و اثرات آن در جامعه، مشکلات موجود آموزش و پرورش، حادثه لبنان و مواضع صریح انقلاب اسلامی مطالب مبسوطی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳- ایشان از سوی حضرات ولادت با سعادت امام رضا علیه السلام را از سوی حضرات به امام خمینی (ره) تبریک گفت و پیرامون جنایات اسرائیل در لبنان و فجایع و رسوایی که در این کشور به وقوع پیوسته است، مطالبی بیان داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، سال ۱۳۸۰

۴- صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) - سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، جلد نهم - صفحه ۵۱۵ جمله امام (ره) این است:

"الان چند روز است که به من مکرر گفته شده است که دارد مملکت برای این توجهی که دارند به سفر حج، فلج می‌شود. وکلای مجلس می‌خواهند همه مشرف، ۱۴۰ نفر یا بیشتر مشرف بشوند، البته عذر دارند، می‌گویند آقای هاشمی فرمودند که این (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عده‌ای منصرف خواهند شد.

آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه به منزل ما آمد و راجع به مطالبی مشورت داشت و خبر رفتن دو نفر را به پاکستان برای مذاکره داد. با فرمانده سپاه در مورد حملات و عملیات آینده صحبت کردم. عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد از سانسور مصاحبه‌اش در تلویزیون کله داشت.

شب به اخبار گوش دادم. تازه مهمی نیست. تلفنی از آقای خامنه‌ای که از مشهد برگشته‌اند احوال‌پرسی کردم. شب آقای [مصطفی] کفاش زاده آمد و نسبت به یکی از رؤسای گروه‌های کرد عراقی که علیه صدام مبارزه می‌کنند و اخیراً گویا مورد بی‌توجهی ایران قرار گرفته، شفاعت می‌کرد. بچه‌ها برای تفریح همراه بچه‌های عمویشان بیرون رفتند.

چهارشنبه ۱۰ شهریور

جلسه علنی داشتیم. لایحه وزارت بهداشت و درمان مطرح بود. در تنفس برای خانواده‌های شهدای کوه‌دشت و پانصد نفر معلمی که عازم کردستان بودند، صحبت کردم.* ظهر جمعی از نمایندگان مراجعه کردند. عصر هیئت رئیسه جلسه داشت و درباره تعطیلی مجلس با توجه به اظهارات امام که از سفر مستحب حج منع کرده بودند و تعطیلی مجلس را زیر سؤال برده بودند، بحث شد. دیدیم که به خاطر حج واجب، بیش از هشتاد نماینده مشرف خواهند شد و چاره‌ای جز تعطیل نداریم. قرار شد که سه هفته تعطیل داشته باشیم. آقایان نمازی و حسینی فرماندهان منطقه و سپاه اصفهان آمدند و از [جلال‌الدین طاهری] امام جمعه و اطرافیان ایشان شکایت داشتند.

آقای [بهاء‌الدین] علم‌الهدی [نماینده اردبیل] آمد و آرم سیکهای هند را آورد که بی‌شباهت به آرم جمهوری اسلامی نبود و نگران بود که بگویند بستگی به سیکها دارند. گفتیم تفاوت‌های زیادی هم دارد. نگرانی‌ش را رفع کردم و از اینکه گفته شده مطالب استیضاحش علیه وزیر کشاورزی را از

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تعطیلی آنهاست، لکن ما فکر این را بکنیم که ما امروز تعطیل داریم؟ ما امروز می‌توانیم در این وضعی که کشور ما دارد، استفاده از تعطیل کنیم؟

جزوه انتقادی مهندس قلیزاده گرفته ناراحت بود. ملاقاتی با سفرا و کارداران ایران در اروپا و آمریکا داشتیم که نتایج سمینارشان را گفتند و برای آنها صحبت کردم^۱. شب در مجلس ماندم. مطالعه گزارش‌ها و انجام کارهای عقب مانده و قتم را گرفت. خبر مهمی نداشتیم.

پنجشنبه ۱۱ شهریور

جلسه علنی و لایحه تشکیل وزارت بهداشت و درمان داشتیم. طرحی از طرف نمایندگان در خصوص الغای تمام قوانین مخالف اسلام رسید که چون ممکن است، همه بانک‌ها بخوابد، با زحمت از اعلام آن - به دلیل نیاز به تأمین کسری درآمد دولت از طریق سیستم بانکی - خودداری کردیم و به جای آن طرح معتدل‌تری با دو فوریت مطرح شد.

در تنفس برای خانواده‌های انتظامات مجلس و ظهر برای معلمان ورزش صحبت کردم. آقایان [محمد]عبایی [خراسانی] و [محمد]جعفری [نماینده لنگرود] آمدند و نگرانی از مواضع بعضی‌ها در قم داشتند و چاره‌جویی می‌نمودند. از صنایع نظامی و هواپیما سازی هم آمدند و از مدیریت گله داشتند. عصر رایزن‌های فرهنگی وزارت ارشاد آمدند و برایشان صحبت کردم*. جلسه‌ای با ستاد انقلاب فرهنگی و نخست‌وزیر و رئیس جمهوری داشتیم. در رابطه با اختلافاتشان با وزیر علوم، به جایی نرسید. و آن را به عهده خودشان واگذار کردیم. شب جلسه‌ای با جمعی از روحانیون داشتیم. آقای [عبدالمجید] معادیخواه صحبت کرد. مؤثر بود. شام را مهمان مجلس بودند. ساعت یازده و نیم به خانه آمدم.

جمعه ۱۲ شهریور

تا ساعت ده و نیم در خانه برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه می‌کردم. نماز جمعه را اقامه

۱- در این سخنرانی درباره اهمیت مسئولیت‌های سیاسی در خارج از کشور، تبلیغات مسموم استکبار علیه ایران، لزوم اتخاذ مواضع قدرت، مسأله دانشجویان خارج از کشور و فساد اجتماعی در زمان رژیم پهلوی مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

کردم^۱ و خطبه دوم را درباره اوضاع لبنان و کنفرانس سران عرب^۲ ایراد کردم و سیاست آمریکا را فاش نمودم^۳. تا شب در خانه مطالعه و استراحت کردم. آقای [عبدالمجید] معاد یخواه پیشنهاد کرد که مسئولیتی در یک شرکت مطبوعاتی که بناست در خارج توسط آقای [سیدهادی] خسرو شاهی تأسیس شود به ایشان واگذار شود. با آقای خامنه‌ای مشورت کردم و ایشان هم موافق بودند.

شنبه ۱۳ شهریور

در خانه ماندم. احمد آقا آمد و راجع به سه موضوع اسلامی کردن همه قوانین کشور، نرفتن مسئولان به حج و ستاد انقلاب فرهنگی - که اخیراً امام بدون مشورت با دست اندرکاران نظری را ابراز کرده‌اند - و مشکلاتی که دارد بحث کردیم و از احمد آقا خواستم که در این گونه موارد سعی کنند با مسئولان اجرایی و... هماهنگ شود و حتی الامکان قبلاً نظر آنان گرفته شود و درباره تبدیل مدرسه بچه‌ها از نیکان به جماران صحبت کردیم. راه بچه‌ها به نیکان دور است و از طریق تروریسم احتمال خطر دارند ولی سطح آن مدرسه بهتر است. قرار شد بچه‌ها به همین مدرسه جماران بروند. درباره تأمین محافظان زندان گوهردشت - که بناست افتتاح شود - و سپاه می‌گوید که نیرو ندارد، بحث شد و قرار شد که تأمین گردد. تلفنی با آقای خامنه‌ای و آقای [میرحسین] موسوی صحبت کردم. شخصی از اروپا پیشنهاد کرده است که چهار میلیارد دلار وام بدهد. قرار شد که

-
- ۱- در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (شامل آزادی انسان در اسلام، ضرورت کنترل، تروریسم اقتصادی) مطرح شد و در خطبه دوم یادی از شهیدان انقلاب، استقبال از طرح تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، لبنان و کنفرانس سران عرب، شکست‌های آمریکا در ایران، هشدار پیرامون قطع نفت و تحلیل صبر ایران محورهای اصلی را تشکیل می‌داد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب
 - ۲- کنفرانس سران عرب ۱۵ شهریور ۶۱ در شهر فاس در عربستان سعودی برگزار شد.
 - ۳- خطبه مورد اشاره بازتاب فراوانی در سطح جهان داشت. در این خطبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی سیاست آمریکا را فشار به سوریه از طریق انتقال آوارگان فلسطینی از جنوب لبنان به این کشور و فشار به ایران از طریق موشک باران جزیره خارک و جلوگیری از فروش نفت ایران اعلام کرد و تهدید نمود در صورت عملی شدن این سیاست، جمهوری اسلامی حق خود می‌داند راه عبور نفت به غرب از طریق خلیج فارس را مسدود نماید.

تحقیق کنند.

خبر رسید که عراق در خور موسی یک کشتی ترکیه را که به بندر ماهشهر نزدیک می شده، غرق کرده است. خبر بدی است و در ناامنی خلیج فارس نقش اساسی دارد. عصر شورای عالی دفاع در دفتر امام تشکیل شد. فرماندهان سپاه و نیروی زمینی برای انجام عملیات وسیع بعدی مهلت طولانی خواستند. گفتیم اگر قرار است این اندازه معطل شویم، بهتر است سعی کنیم که جنگ تمام شود. کشور تحمل طولانی شدن جنگ را ندارد و بحث داغ شد و تصمیماتی اتخاذ گردید. قبل از دو عملیات ناموفق اخیر فضای کشور برای طرح امکان ختم جنگ مناسب نبود و از سوئی رزمندگان هم آماده بحث در این مسئله نبودند ولی فعلاً وضع به گونه‌ای است که در شورای عالی دفاع مورد بحث قرار می‌گیرد.

درباره سطح و کیفیت کمک به لبنان هم تصمیم گرفتیم. مصاحبه رادیو تلویزیونی کردم* و به خانه آمدم.

یکشنبه ۱۴ شهریور

قبل از جلسه علنی گزارش‌ها را دیدم. در جلسه علنی امروز راجع به تعطیل سه هفته‌ای مجلس و سفر نمایندگان به مکه صحبت کردم و با توجه به اظهارات امام در ملاقات با نمایندگان، علل این تعطیل را توضیح دادم^۱. دوسه لایحه تصویب شد. در تنفس برای تماشاچیان صحبت کردم*. ظهر هم چند ملاقات داشتم. عصر ملاقاتی با آقای عبدالحمید [معاد] یخواه رئیس حزب

۱- در بخشی از این نطق آمده است: "من با صراحت گفتم که اگر حج واجب باشد هیچکس حق ممانعت را ندارد؛ آقایانی که واجب است مکه بروند، حتماً بروند و جلویشان گرفته نشود، خودشان هم نمی‌توانند منصرف شوند چون وظیفه است و اگر بارفتن آقایان امکان ادامه کار مجلس نیست بعضی آقایانی که در کشور هستند در محلهای انتخابی شان و یا در جبهه و یا در جاهای دیگری که امروز حضورشان نیاز است خدمت کنند و برنامه‌تان را بهم نزنید بنابراین ما با دستور امام این فشاری که الان آقایان آورده‌اید که ما مجلس را تعطیل بکنیم و جلو حج فکر می‌کنم نسبت به کسانی که در مجلس هستند گرفته شود. نه، آقایان باید بروند و آنهایی که واجب هست تشریف ببرند و مجلس هم طبق قرار سه هفته‌ای که در نظر گرفته بودیم تعطیل می‌شود. رجوع کنید

← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

جمهوری [اسلامی] قم داشتیم. انتقاداتی داشت. جلسه شورای مرکزی حزب داشتیم. وقت را صرف انتقاد دو جناح از یکدیگر کردیم. آقای مهندس [میرحسین] موسوی و آقای [مسیح] مهاجری از یک طرف و آقای [سیدالله] بادامچیان و آقای [سعید] امانی از طرف دیگر صحبت کردند. جلسه مشورتی با آقای خامنه‌ای و نخست وزیر داشتیم. قرار شد که یک واحد نیروگاه اتمی بوشهر را آقای نخست وزیر تعقیب کنند که راه بیفتد. اخیراً به حکم دادگاه، آلمان‌ها ملزم شده‌اند که ماشین آلات را بدهند. قسمتی از فیلم محاکمه آقای [صادق] قطب زاده و [محمدجواد] مناقبی و [سیدمهدی] مهدوی و [عبدالرضا] حجازی و [احمد] عباسی را دیدیم. برای مشورت و اظهار نظر در مورد اجازه پخش آنها. آخر شب به مجلس رفتیم و خوابیدیم.

دوشنبه ۱۵ شهریور

بعد از نماز صبح تا شروع جلسه علنی مطالعه کردم. کنفرانس سران عرب در فاس^۱ امروز شروع می‌شود و ممکن است که بخواهند اسرائیل را به نوعی به رسمیت بشناسند. لایحه وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی تصویب شد. آقای مهندس گنابادی [وزیر مسکن و شهرسازی] در دو جلسه غیر علنی از اقدامات وزارت مسکن دفاع کرد و چند نماینده هم در مخالفت با ایشان صحبت کردند.

در تنفس برای تماشاچیان که از اردوی امور تربیتی استان کرمان و... بودند صحبت کردم*. ظهر "مولانا حافظی حضور" عالم بزرگ بنگلادش با جمعی از همراهانش به مجلس آمدند و با آنها مذاکره کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مسلمانان بنگلادش به رهبری ایشان نهضت عظیمی برای اسلامی کردن کشور بر پا کرده‌اند.

عصر مصاحبه تلویزیونی به مناسبت سالگرد هفده شهریور داشتیم*. دو نفر از نمایندگان سنی بلوچستان آمدند و از این که چند نفر از مخالفان انقلاب را در رابطه با مفتی زاده بازداشت کرده‌اند گله داشتند و می‌گفتند که مصلحت نیست. در این خصوص با آقای [محسن] رضایی مشورت کردم. بعد از نماز مغرب بمب نیرومندی مقابل دادگستری [در خیابان خیام] منفجر شد. حدود بیست

۱- شهری است در عربستان سعودی.

شهید و نود مجروح داشت. ضد انقلاب در محل پر جمعیت پارک شهر بی رحمانه این جنایت را مرتکب شده. کارهای عقب مانده را انجام دادم.

سه شنبه ۱۶ شهریور

قبل از جلسه علنی گزارش‌ها را خواندم. قبل از دستور درباره کنفرانس سران عرب در فاس و انفجار بمب دیروز صحبت کردم^۱ و بعد از جلسه هم برای تماشاچیان^۲. ظهر جمعی از نمایندگان برای خداحافظی سفر مکه آمدند. آقای امیری از سپاه آمد و راجع به پرونده "مولوی نظر محمد دیدگاه" نماینده سنی [ایران شهر] گفت و هم از مخالفت‌های بی دلیلش و همکاریش با [احمد] مفتی زاده.

آقای خامنه‌ای درباره ارسال پیامی به شاه عربستان سعودی در خصوص جشن ملی آنها مشورت کردند؛ با توجه به جریان کنفرانس فاس و حمایت‌های علنی آنها از عراق. عصر آقای [محمد علی] شرعی و آقای کامران آمدند و از عملکرد سیاسی ایدئولوژی ارتش شکایت داشتند. گزارشی از یکی از دانشجویان دانشکده افسری راجع به گروهی که قصد براندازی دارند رسید که به آقای ری شهری معرفی‌شان کردم.

مهندس سیفیان معاون شهرداری تهران آمد و راجع به محل ساختمان مصلاهی نماز جمعه در

۱- در بخشی از این نطق آمده است: امروز کارشان به جایی رسیده که در کنار پارک شهر آنجایی که محروم‌ترین و زحمت‌کش‌ترین مردم مادر شلوغ‌ترین لحظات روز آن موقعی که هم زحمات روزانه‌شان به پایان رسیده و بساط دستفروشی را جمع کردند و با اتوبوسهای عمومی به خانه‌هایشان برمی‌گردند در نقطه‌ای که هیچ هدف سیاسی، اقتصادی، نظامی وجود ندارد انفجار و حشبانه‌ای که بیش از صد نفر را مجروح و بیش از بیست نفر را شهید کرد و یک باره بخش عظیمی از جنوب تهران را عزادار می‌کند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی که گروهی از جهادگران استانهای یزد و زنجان و جمعی از خواهران امور تربیتی آموزش و پرورش استان کرمان و اعضای بسیج مستضعفین بندر ترکمن حضور داشتند، ایشان درباره توطئه‌های ضد انقلاب و لزوم هوشیاری مردم در برابر این توطئه‌ها مطالبی بیان داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف

عکس انفجار خیابان خیام

عباس آباد مذاکره کردیم. مهندس [منصور] رضوی مسئول شاخه مهندسين حزب آمد و راجع به پذيرش سمت رياست سازمان امور اداري و استخدامي کشور به جای آقای [عبدالله] جاسبي که به حزب منتقل شده، مشورت کرد. تأييد نمودم.

چهارشنبه ۱۷ شهریور

در خانه ماندم و مطالعه می‌کردم. اخوی احمد و خانواده‌اش که همراه کارکنان معدن مس سرچشمه با امام ملاقات داشتند، مهمان ما بودند. گفت که کارگر ما در نوق تکلیف خود را در مورد کیفیت ضبط پسته‌هایی که داریم نمی‌داند. گفتم که می‌تواند اجاره بدهد. عصر اخوی زاده علی هاشمی که از اسپانیا آمده - چشمش را کمی معالجه کرده - از وضع نامطلوب سفارت‌تومان - به خاطر اینکه کارکنان سابق هنوز هستند - و وضع خراب تر ضد انقلاب که آواره‌اند و بی‌کار و بی‌انگیزه گفت و پیشنهاد فعال کردن تبلیغات خارجی را داشت و گفت که متأسفانه امپریالیسم چهره امام و انقلاب را کدر و خشن معرفی کرده‌اند و خیلی باید کار کنیم. مراسم چهارمین سالگرد هفده شهریور و تشییع جنازه شهدای انفجار خیابان خیام با شکوه برگزار شد و امام هم پیام گرمی دادند.

پنجشنبه ۱۸ شهریور

بعد از نماز به مجلس رفتم. تا ساعت نه صبح گزارش‌ها را خواندم. ساعت نه و نیم آقای زنجانی مدیر کارخانه کفش ملی آمد و از مرتب شدن آن و سود کارخانه گفت و از گمرک شکایت داشت که بد ترخیص می‌کنند. به وزارت دارایی تذکر دادم. آقای [سیدمهدی] هاشمی مسئول واحد نهضت‌های سپاه آمد و نگران وضع خود بود و اعتراف به بی‌نظمی‌ها داشت و چاره‌جویی می‌کرد. قرار شد که با وزارت امور خارجه هماهنگ باشد.

جمعی از کارکنان مس سرچشمه آمدند که موفق به زیارت امام نشده بودند. برایشان صحبت

کردم که کمی جبران شود و از اهمیت کارشان گفتم^۱. آقای [اسدالله] بادامچیان آمد و راجع به دولت مطالبی گفت که تعدیلش کردم. رضا و محسن عموزاده‌ها آمدند و رضا از نتایج سفرش به مسکو برای سمینار بیابان‌زدائی گفت. از اسلام زدایی شوروی‌ها انتقاد داشت. آقای بهزاد نبوی و رفقاییش آمدند و از تأیید امام نسبت به آقای راستی [کاشانی] که در حقیقت نفی جناح ایشان است ناراحت بودند و چاره‌جویی می‌کردند. آقای خلخال‌ی آمد و شبهه‌ای را برطرف کرده که نویسنده نامه‌های موهن را می‌شناسد. دو نفر که برای بررسی به پاکستان رفته بودند آمدند و گزارش موفقیت‌ها را دادند که ادامه دارد. عصر از دفتر مشاورت امام [در ارتش] آمدند و گزارش جزیره خارک را آوردند و معلوم شده که جزیره را با موشک‌های روسی دوربرد که هدایت شونده نیست - می‌زنند و اکثراً به هدف نمی‌خورد و از نابسامانی نیروی هوایی گفتند.

هزار نفر از اردوی جوانان خانواده‌های شهدا آمدند، برایشان صحبت کردم^۲ و مراسمی اجرا کردند. دکتر [غلامعلی] حداد عادل آمد و از شیوه نوشتن کتب دینی مدارس و ضعف وزارت آموزش و پرورش گفت. شورای عالی دفاع داشتیم. از موفقیت‌هایمان در کردستان و برنامه‌های آینده جنگ گفتند. بعد از جلسه مصاحبه کردم*.

جمعه ۱۹ شهریور

در خانه ماندم. آقای امامی [کاشانی] نماز جمعه را خواندند. احمد آقا آمد و راجع به مسایل کشور، جنگ و... صحبت کردیم. گفت که امام به خاطر قساوت ضد انقلاب ناراحتند. آیت‌الله منتظری تلفن کردند و تأکید بر لزوم عملیات در جبهه و اعزام پزشک و روحانی به جبهه داشتند.

۱- در این ملاقات درباره اهمیت معدن مس سرچشمه، سیاست استعمار در القاء افکار ناامیدکننده به کشورهای مستعمره، خشم غرب از پیشرفت فن‌آوری در ایران و سیاست صنعت در رژیم گذشته مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی که پس از اجرای سرود توسط فرزندان شهدا ایراد شده ایشان به تشریح برنامه امام (ره) برای پی‌ریزی ارتش بیست میلیونی پرداخت و اثرات مثبت مقام شهید در بیمه انقلاب اسلامی را تحلیل کرد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

قطعنامه‌های کنفرانس سران عرب در فاس منتشر شد و بالاخره به موجودیت اسرائیل اعتراف کردند و اشتباه عظیمی مرتکب شدند.

عفت و فاطمی از مدینه تلفن کردند. یاسر با شوخی ضربه‌ای به دستم زد که مجروح شد؛ می‌خواست من را غفلتاً در استخر بیندازد. شب به تلویزیون و رادیو گوش دادم و رادیو فارسی عراق را گرفتم. حرف حسایی ندارد و دروغ می‌گوید و فحش می‌دهد.

شنبه ۲۰ شهریور

امروز هم در خانه ماندم. آقای حامد الگار استاد مسلمان دانشگاه برکلی آمریکا آمد و مصاحبه‌ای کرد*. درباره عملکرد جمهوری اسلامی، درباره اراضی و کارخانه‌ها، برخورد ما با انجمن‌های اسلامی و نقش آنها، منافقین و عزل بنی‌صدر و سیاست خارجی پرسید. ظاهراً آدم خوبی است و محقق و استاد تاریخ اسلام و شیعه.

با معاون مدرسه راهنمایی جماران درباره انتقال بچه‌ها از مدرسه نیکان به اینجا به خاطر ملاحظات امنیتی صحبت کردم. آقای غرضی وزیر نفت هم آمد. راجع به جزیره خارک، وضع مطلوب صادرات نفت و کشیدن لوله به جاهای دیگر^۱ به عنوان احتیاط، سفرش به آفریقا و نیاز کشورهای مستقل آفریقایی به ما صحبت کرد و از برخورد بعضی از وزرا گله داشت. عقد ازدواج یکی از پاسداران را خواندم و هدیه‌ای به همسرش دادم.

کتابی را که دفتر مشاورت امام [در ارتش] در مورد تجاوزهای مقدماتی عراق به ایران، قبل از شروع رسمی جنگ تهیه کرده خواندم که حدود سیصد تجاوز را با ذکر نامه اعتراضیه ایران به عراق در همان تاریخ آورده است. اسناد خوبی برای متجاوز معرفی شدن عراق دارد و نظرم این است که منتشر شود. بیشتر به مطالعه پرداختم. تلفنی با آقای دکتر ولایتی درباره اخبار مربوط به کنفرانس سران عرب صحبت کردم. سفیر سوریه آمد و اطمینان داد که در رابطه با ایران و عراق، سیاست سوریه عوض نشده.

۱- احداث خط لوله از مناطق نفتی به سوی بندرعباس قسمتی انجام شد و سپس در زمان جنگ به وزارت نیرو واگذار گردید که جهت آب رسانی به مناطق محروم مورد بهره‌برداری قرار دهد که این پروژه انجام شد. و قرار است تا بندر لنگه ادامه یابد.

یکشنبه ۲۱ شهریور

صبح زود به مجلس رفتم و تا ساعت نه گزارش‌ها را مطالعه کردم که بیشتر درباره نتایج کنفرانس سران عرب بود. به نظر می‌رسد که اعراب حاضر شده‌اند اسرائیل را تحمل کنند؛ غیر از لیبی کسی مخالفت نکرده و از صدام هم حمایت شده است.

[شیخ اسعد بیوض تمیمی] پیشنهاد مسجد الاقصی که اخراج شده و در اردن زندگی می‌کند و نفوذ دارد و حمایت از انقلاب اسلامی می‌نماید، با جمعی دیگر آمدند و تقاضای کمک برای مسلمانان در خط فلسطینی داشتند که به ایران بیایند و دوره ببینند خوش فکر و باسواد است. دکتر گلشن استاد دانشگاه آمد و برای نشر نوشته‌های پدرش کمک می‌خواست که او را به دفتر نشر فرهنگ اسلامی معرفی کردم.

آقای [علی] فلاحیان قائم مقام سرپرست کمیته مرکزی آمد و از برنامه‌های آینده برای مبارزه با ضد انقلاب گفت. آدم فعالی است. عده‌ای از متخصصان انرژی اتمی آمدند. آنها را تشویق به کار کردم و اطمینان دادم که برنامه انرژی اتمی دنبال خواهد شد و ضرورت آن را توضیح دادم. آقای [غلامرضا] آقازاده وزیر مشاور آمد و از اختلافات در کابینه دولت نگران بود که قرار شد فکری کنیم. این روزها این مسئله که در حزب و جامعه هم مطرح است، در حزب مورد رسیدگی است. آقای احمدی از ستاد انقلاب فرهنگی آمد و از ضعف ستاد و پذیرش مسئولیت اجرایی نگران بود و از من برای حل مشکلاتشان کمک می‌خواست. مشکلی است که باید حل شود، زیرا قلمرو حقوق و تکالیف ستاد و وزارت علوم تداخل پیدا کرده است.

پس از استراحت عصر، گروه همافرانی که موفق شده‌اند رادار پیچیده ADS 4 را نصب کنند، آمدند. تشویقشان کردم و قرار شد که کارشان را ادامه دهند. کار بزرگی کرده‌اند و آمریکاییها باور نخواهند کرد. آقای [فضل‌الله] محلاتی آمد و گزارشی از کردستان داد و برای حل مشکل واحد نهضت‌ها کمک می‌خواست که قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم. آقای [علی] قائمی [نماینده بابلسر] آمد و از محرومیت منطقه جنگل‌های بابل گفت.

دوشنبه ۲۲ شهریور

در خانه تنهائیم. تا ساعت دوازده یکسره مطالعه کردم و نوشتم. بچه‌ها که برای مسابقه اسب سواری رفته بودند، بعد از ناهار آمدند. عصر احمد اسکندر وزیر اطلاعات و ناصر قدوره معاون وزارت خارجه سوریه همراه آقای دکتر ولایتی آمدند. هدفشان روشن کردن وضع کنفرانس سران عرب و موضع سوریه، مخصوصاً در رابطه با عراق بود که در مجموع اطمینان دادن به مادر مورد حرفهای آقای حافظ اسد که ضمن نطق سه ساعته‌ای، دفاع از جمهوری اسلامی ایران و حمله به صدام پرداخته بود، نقل کرد و اثراتی که در تعدیل قطعنامه سران عرب در رابطه با اسرائیل و فلسطینیان داشته‌اند و تکذیب تصویب قطعنامه مربوط به حمایت از عراق. او گفت که ملک حسن خواست این را به گردن کنفرانس بگذارد ولی سوریه اعتراض کرد و اگر چه او گفته بود که اعتراضی نرسیده ولی سوریه کتباً اعتراض کرده بود. او همچنین گفت که موضع عربستان و شیوخ خلیج فارس هم بد نبوده.

تلفنی با آقای خامنه‌ای و آقای [میرحسین] موسوی، درباره مسایل جاری کشور صحبت کردم و هم با آقای سرفرازی برای تشکیل جلسه‌ای برای بررسی کاندیداهای مجلس خبرگان و کیفیت عمل. شب بیشتر به اخبار گوش دادم.

سه شنبه ۲۳ شهریور

تا ساعت هشت در خانه مطالعه کردم. گزارشی از افسری از نیروی هوایی درباره کج رفتاری‌های اطلاعات و ارشاد نیروی هوایی و نفوذ منافقین رسیده بود که مهم است و باید رسیدگی کنیم. ساعت نه در مجلس با گروهی از شیعیان خارج از کشور ملاقات داشتم. پیشنهادهایی برای فعال کردن تبلیغات اسلامی داشتند.

خانواده سه شهید کمیته - که توسط منافقین ربوده، شکنجه و شهید شده‌اند - آمدند. به آنها تسلیت دادم و هدیه‌ای برای بچه‌ها و خانم‌ها تهیه شد. معاون وزیر پست و تلگراف آمد. درباره دانشگاه آزاد مطالبی داشت که به آقای [عبدالله] جاسبی ارجاع شد. سفیر ژاپن آمد. گله مسئولان را گفتم که مانع گسترش روابط است. مطلب مهمی نداشت. با تلویزیون مصاحبه‌ای به مناسبت

سالگرد شهادت آقای [سید عبدالکریم] هاشمی نژاد انجام دادم*. کاردار ایران در سومالی آمد، توصیه کردم، با سومالیایی‌ها با مدارا برخورد کنند. آنها به خاطر فقر و فشار رژیم کمونیست اتیوپی به سوی غرب رانده شده‌اند. خانواده‌های شهدای بابلسر آمدند و برایشان سخنرانی کردم* و تسلیت گفتم.

عصر گروهی از اساتید دانشگاه آمدند. آقایان دکتر [ابوالقاسم] گرجی و [سیدجعفر] شهیدی و محمدی و... از افراط‌کاری‌ها و اخراج چند استاد استخواندار گله داشتند. بنامش که تعقیب کنیم. آقای [محمد] گلزاری از کانون پرورش [فکری] کودکان [و نوجوانان] آمد. همراه آقای عباس طباطبایی، مطالبی درباره امور تربیتی داشتند.

عصر به ملاقات آقای خامنه‌ای رفتم. جلسه‌ای برای بررسی مجدد نامزدهای مجلس خبرگان داشتیم. قرار شد که من و ایشان هم باشیم. با حضور آقایان [محمد رضا] مهدوی‌کنی و موسوی اردبیلی و [فضل‌الله] محلاتی در مسایل دیگری هم بحث کردیم.

آقای نواب سفیرمان در آلمان آمد و از این‌که با فشار می‌خواهند ایشان را عوض کنند، گله داشت. دلجویی کردم و گفتم که در جایی دیگر بدون دردسر می‌تواند خدمت کند ولی او ترجیح می‌دهد که چند ماهی بماند تا کارهای در دست انجام خراب نشود. آخر شب به خانه آمدم. فائزه اشکنه درست کرده بود.

چهارشنبه ۲۴ شهریور

تمام روز در خانه ماندم. آقای شجاعی از سپاه آمدند و از کارهای تبلیغاتی در دست انجام در خارج از کشور به منظور هدایت ضدانقلاب گزارش داد. آقای [ابوالفضل] توکلی [بینا] سرپرست حجج برای خدا حافظی و گزارش کارها خبر رسید که [بشیر] جمیل رئیس جمهوری لبنان، دیروز در انفجار دفتر حزب کتائب با جمعی از سران فالانترها کشته شده است. این حادثه بخش عظیمی از دستاوردهای توطئه آمریکا، اسرائیل و ارتجاع را به هم زده است.

با آقای خامنه‌ای درباره پذیرش پیشنهادهای آقای [شیخ اسعد بیوض] تمیمی امام جمعه تبعید شده مسجد الاقصی به اردن تلفنی صحبت کردم. شب همشیره زاده‌ها برای دیدار آمدند، شام نماندند. گویا فکر کردند فائزه به تنهایی نمی‌تواند از این همه مهمان پذیرایی کند و کمک هم

نداشت.

پنجشنبه ۲۵ شهریور

امروز در خانه بودم. مجلس تعطیل و مراجعات هم کمتر است. بیشتر به مطالعه گزارش‌ها و جزوه‌های عملکرد سازمان‌های دولتی می‌پردازم. احمد آقا و آقای ری شهری آمدند و خبر اعدام آقای قطب‌زاده - که دیشب انجام شد - و نیز تماس با آقای شریعتمداری برای محکوم کردن ضدانقلاب را دادند؛ متأثر شدم. آقای ری شهری از ضعف دایره سیاسی ایدئولوژیک گفت. ظهر هم یکی از پاسدارها برای اجرای صیغه عقد ازدواج آمد.

آقای [غلامعلی] حداد عادل برای سمینار دانش آموزان پیام خواست که قرار شد تهیه شود. گزارش‌ها را از مجلس آوردند و تا آخر شب خواندم. خبر مهمی نداشتیم، موج تروریسم تخفیف یافته و حرکتی هم در جبهه‌ها نیست. از خبرگزاری [جمهوری اسلامی] با مجلس تماس گرفته‌اند که درباره اعدام قطب‌زاده که قاعدتاً موجی به راه می‌اندازد، نظر مرا بگیرند. با وزارت خارجه تماس گرفتم و متن اظهارات آقای حافظ اسد را در کنفرانس سران عرب خواستم که فرستادند. آقای [رضا] سیف‌اللهی آمد و خبر از فیلمی پنج، شش ساعته که از سران ضد انقلاب در زندان و در دفاع از انقلاب و محکومیت حرکت‌های ضدانقلاب ضبط شده است، داد. جالب است. صحبت از خانه‌گردی در تهران کرد که به خاطر مشکلات و آثار سوء آن مخالفت کردم.

جمعه ۲۶ شهریور

تا ساعت ده و نیم در خانه بودم. صبح یکی از همشهری‌هایمان آمد و مقداری پسته تازه و شیرینی آورد. برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. در خطبه‌های جمعه به مصوبه کنفرانس فاس حمله شدید کردم و حمایت‌های حافظ اسد را از ایران نقل کردم که مردم درباره همکاری ما با سوریه - علیرغم حضورش در کنفرانس - توجیه شوند!

۱- در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (تجسم اعمال، آثار حرام‌خواری، اثر روانی و وضعی مال حرام، لزوم

عصر با این که سرد بود شنا کردم و کف استخر را با جاروی سقفی پاک نمود. آقای رحمانی پاسدار، برادر زاده و برادر زنش را همراه گروهی برای خواندن صیغه عقد آورد. آقای [محمدرضا] توسلی و آقای [فضل الله] محلاتی بعد از مراسم عقد راجع به اختلافات محلات و درگیری بعضی از حزب الهی‌ها با برادر آقای محلاتی صحبت کردند.

شب همشیره زاده ام علی - که در لیبی تحصیل می‌کند - آمد و خبر داد که به خاطر تشابه اسمی گفته اند که ممنوع الخروج است ولی رفع اشتباه شده است. به خاطر وسعت لیست ممنوع الخروج‌ها و بی‌نظمی‌ها، این روزها این گونه مشکلات برای مردم زیاد شده است که باید فکری کرد.

شنبه ۲۷ شهریور

تمام وقت در منزل بودم و مطالعه می‌کردم. آقای رحیمیان مصاحبه‌ای برای مجله پاسدار انقلاب درباره اوضاع لبنان و آثار کنفرانس سران عرب و ... با من انجام داد.^۱ اسرائیلی‌ها و فالانژها به اردوگاه آوارگان فلسطینی در لبنان حمله کرده، نزدیک به دو هزار نفر را کشته‌اند. این جنایت هولناک، سروصدای وسیعی در دنیا به راه انداخته و طرفداران اسرائیل و مخصوصاً آمریکا را تحت فشار قرار داده است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اصلاح ریشه‌ای) و در خطبه دوم ارزیابی کنفرانس سران عرب (طرح ریگان در کنفرانس، دروغ و توطئه در کنفرانس، دفاع سه ساعته حافظ اسد از ایران) جلوه‌ای از قاطعیت علی علیه السلام و حدود صبر جمهوری اسلامی بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

۱- در این مصاحبه که در ماهنامه پاسدار اسلام مورخ ۶۱/۷/۲ به چاپ رسیده درباره اهداف اسرائیل از حمله به لبنان، هدف آمریکا، آثار حمله، سازش با آمریکا، شکست اسرائیل، سکوت شوروی، چشم‌انداز آینده لبنان، کنفرانس سران عرب و نیرنگ آمریکا بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب،

یکشنبه ۲۸ شهریور

صبح زود به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم و کارهای اداری را انجام دادم. ساعت نه سفیر بلژیک آمد و درباره تمایل صنعتگران بلژیک برای معامله با ایران سخنانی گفت و اینکه اصولاً وضع صنایع غربی‌ها خوب نیست و دچار رکود است.

جمعی از پزشکان نظام پزشکی آمدند و برای تحصیل اعتبار کمک می‌خواستند و از اهانت‌ها گلّه داشتند. برایشان مفصل صحبت کردم^۱ و گفتم، با این‌که طبابت مورد نیاز مملکت است و عامه هم این نیاز را درک می‌کنند، اگر بعضی‌ها عزت لازم را ندارند، به خاطر سودجویی‌ها و بد عمل کردن خودشان است. دکتر شمس اجازه پیوند اعضا می‌خواست که گفتم امام اجازه داده‌اند. سرهنگ [عباس] بابایی فرمانده پایگاه اصفهان (مرکز اف ۱۴) آمد و چند پیشنهاد خوب داشت و انتقاداتی هم به نیروی هوایی؛ آدم جالبی است.

مصاحبه‌ای به مناسبت سالگرد شهادت آیت‌الله [سیدعبدالحسین] دستغیب با تلویزیون داشتم*. مدیران تربیت بدنی آمدند و از ضعف بودجه ورزش گفتند. برایشان صحبت کردم^۲ و عکس گرفتیم. اعضای حزب جمهوری اسلامی امیرکلا آمدند و گزارش خدماتشان را دادند و من هم برایشان صحبت کردم*. پس از آن هم نماز و نهار و استراحت و استماع اخبار و عقد ازدواج پاسداران.

عصر گروهی از واحد نهضت‌های آزادیبخش سپاه آمدند و از کارکرد آقای سید مهدی هاشمی شکایت داشتند. قرار شد پیشنهاد بدهند و رسیدگی شود. اعضای حزب جمهوری اسلامی صومعه‌سرا هم به مجلس آمدند و برای آنها صحبت کردم*. آقای [علی اکبر] ناطق نوری گزارش داد

۱- در این سخنرانی ایشان از تلاش پزشکان به ویژه جراحان در جبهه‌های جنگ که اعتبار نوینی برای جامعه پزشکی کسب کرده، قدردانی نمود و اهمیت کار پزشکان را یادآور شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی درباره سیاست‌های استعماری ورزش در رژیم گذشته، لزوم برنامه‌ریزی دقیق برای گسترش ورزش در کشور و اعلام همکاری مجلس برای رفع مشکلات بودجه ورزش مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس حاج آقا در حال مصاحبه با یک مجله

که در این هفته ضربه‌هایی بر منافقان وارد آمده. سفیر شوروی آمد و از اهانت به شوروی در ایران گله داشت^۱ و خواهان تحکیم روابط بود. گفتم که شما میگ ۲۵ و تانک تی. ۷۲ و موشک اسکاد اخیراً به عراق داده‌اید و از افغانستان بیرون نمی‌روید و مردم از این جهت با شما مخالفند. فارسی را خوب می‌داند. جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم که در آن راجع به پیشنهادهای جدید درباره تشکیلات حزب بحث شد. شب به خانه آمدم. بچه‌ها نبودند. و مقداری زیادی از شب را بیدار بودم.

دوشنبه ۲۹ شهریور

به خاطر کم‌خوابی دیشب، امروز کسل بودم ظهر بچه‌ها آمدند و بیرون غذا خورده بودند. احمد آقا آمد و خبر از انفجاری در ترمینال اتوبوس‌های جنوب شهر داد که دو نفر کشته و چند نفر زخمی داشته است. معتقد است که مردم باید بدانند که کار منافقین است و من هم قبول کردم. تلفنی با دکتر ولایتی درباره کارهای وزارت خارجه و مذاکرات او با وزیر خارجه مالت که اینجاست و لایحه اجازه به غیر دکتورها برای اداره داروخانه صحبت کردیم. ایشان این لایحه را مضر می‌داند.

اول شب دکتر [محسن] نوربخش رئیس بانک مرکزی آمد و گفت که بعد از اظهارات امام، بعضی از مشتری‌های بانک‌ها بهره نمی‌دهند و آماری ارائه داد. پولهای سپرده شده در بانک‌ها بیش از سه هزار میلیارد ریال است که بانک‌ها تقریباً ۸ درصد بهره می‌دهند و به همین اندازه هم از مردم می‌گیرند و نگران بود که اگر بهره ندهند و دادگاه‌ها هم به استناد بیانات امام اقدام نکنند، بحران پیش خواهد آمد شب را با استماع اخبار و مطالعه گزارش‌ها گذراندم.

۱- در آن سالها، مردم در هنگام تکبیر گفتن جمله "مرگ بر شوروی" را نیز فریاد می‌زدند. این شعار بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی حذف شد.

عکس آیت الله دستغیب

سه شنبه ۳۰ شهریور

در منزل ماندم. بیشتر مطالعه و استراحت داشتم.

چهارشنبه ۳۱ شهریور

پس از نماز مشغول مطالعه شدم و ساعت هشت به مجلس رفتم. پس از انجام کارهای اداری و صرف صبحانه ملاقات‌ها شروع شد. سفرایمان در بنگلادش و امارات آمدند و راجع به اهداف سیاسی با آنها مذاکره کردم. سیاست ما سیاست جذب است. معلمان تربیت بدنی آمدند و برای آنها درباره ورزش صحبت کردم.* رؤسای مراکز صداوسیما از شهرستان‌ها آمدند و با آنها هم صحبت کردم. پزشکان و فارغ التحصیلان دیگر که وارد خدمت ارتش شده‌اند، آمدند و برای آنها مفصلاً صحبت کردم.* فرمانده نیروهای سپاه در لبنان و سوریه آمد، گزارشی داد و سیاست ما را درباره برخورد با امل^۱، مردم و روحانیون جویا شد. آقای منتظر قائم از یزد آمد و نگران اختلافات آقای [محمدعلی] صدوقی و آقای [روح‌الله] خاتمی بود^۲. خانواده‌های شهدای رامسر و تنکابن آمدند و با آنها صحبت کردم و تسلیت گفتم. عقد ازدواج یک سپاهی را خواندم. شب گروهی از اعضای جامعه مدرسین حوزه قم آمدند. از بعضی اظهارات من در نماز جمعه که علیه سرمایه‌داری است گله داشتند. و راجع به بیت آیت‌الله منتظری انتقاد داشتند و چاره‌جویی می‌کردند. شام را در مجلس خوردند و من نتواستم در جلسه‌ای که در دفتر رئیس جمهور راجع به صداوسیما داشتیم، شرکت کنم.

۱- "امل" یکی از سازمانهای شبه نظامی لبنان است که علیه صهیونیسم مبارزه می‌کند. امام موسی صدر و شهید دکتر مصطفی چمران از بنیانگذاران "امل" هستند.

۲- حجت‌الاسلام محمد علی صدوقی فرزند شهید صدوقی و رئیس بنیاد صدوق و مرحوم آیت‌الله روح‌الله خاتمی نماینده امام و امام جمعه یزد بودند.

مهر ۱۳۶۱

عکس ماه

پنجشنبه ۱ مهر ۱۳۶۱

۵ ذیحجه ۱۴۰۲

Sep. 23, 1982

امروز تا ساعت نه در منزل مشغول مطالعه بودم. به ملاقات امام رفتم. راجع به مشکل حذف بی مقدمه بهره از عملکرد بانک‌ها و اختلاف دو جریان فکری تند و سنتی در جامعه، مجلس، دولت و حزب توضیحاتی به امام دادم.

تاظهر گزارش‌ها را در خانه خواندم. عصر [آقای محمد سلامتی] وزیر کشاورزی آمد و گزارش و آماری از پیشرفت‌های تولیدکنند، برنج و ماهی و دام و پنبه و... داد و برای حل مشکلات که از حملات جناح محافظه کار پیش می‌آید، کمک خواست. احمد آقا آمد و راجع به کارهای صادق طباطبایی^۱ در خارج گفت و در موفقیت او در خریدهای نظامی اظهار تردید کرد. از وزارت بهداری آقای بنکدار وقت مراجعه به دندانپزشک را تلفنی گفت.

اول شب سرهنگ [علی] صیاد شیرازی آمد و راجع به برنامه‌های جبهه و نتیجه مذاکراتشان با سپاه و اختلاف نظرشان را در بعضی از موارد گفت. بچه‌ها امروز سال جدید تحصیلی را شروع کردند و به مدرسه جماران رفتند و زود برگشتند.

آخر شب آقایان محسن رضایی و [علی] شمشخانی آمدند و برنامه وسیع خود را برای قلع و قمع ضدانقلاب تشریح کردند که این هفته مقدمات آن آغاز می‌شود. درباره آینده جنگ مشاوره و از توسعه امکانات برای سپاه بحث شد.

جمعه ۲ مهر

تا ساعت نه و نیم در منزل برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه می‌کردم. ساعت ده به مطب دندان پزشکی دکتر شیرازی و ساعت یازده به دانشگاه رفتم. و خطبه‌ها را درباره جنگ و ربا ایراد کردم^۲. عصر به مصاحبه سی و دو نفر از سران نادم و تائب^۳ گروهک‌های محارب گوش دادم؛

۱- صادق طباطبائی برادر همسر مرحوم حاج سید احمد خمینی است. وی در دوره نخست انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا بود. طباطبائی در زمینه تهیه ملزومات جنگ نیز اقداماتی انجام می‌داد.

۲- در این خطبه‌ها ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام با موضوع "ربا در اسلام" دنبال شد و در پی آن درباره فاجعه لبنان و

جالب است و ادامه دارد. سپس آقای [سیدحمید] زیارتی (روحانی) که مشغول نوشتن تاریخ انقلاب اسلامی ایران است، آمد و مصاحبه‌ای درباره حرکت‌های مسلحانه دوران انقلاب انجام داد که اطلاعات و تحلیلی در اختیارش گذاردم. تا آخر شب گزارش‌ها را خواندم. خبر مهم تازه‌ای نیست.

سازمان ملل اسرائیل را با ۱۴۷ رأی موافق، در مقابل دو رأی مخالف - آمریکا و اسرائیل - به خاطر کشتار مردم فلسطین در لبنان محکوم کرده. بچه‌ها تا دیر وقت فیلم تماشا می‌کردند. فیلم خیلی از وقت بچه‌ها را می‌گیرد.

امروز آقای [سیدمحمد] موسوی خوئینی‌ها و چند نفر دیگر را در مکه در هنگام تظاهرات بازداشت کرده‌اند - یا احضار کرده - و پس از مدتی آزاد کرده‌اند. عربستان در محاصره افتاده.

شنبه ۳ مهر

در منزل به مطالعه گزارش‌ها و نامه‌ها پرداختم. با آقای رئیس جمهوری تلفنی صحبت کردم که نماز عید اضحی [قربان] را ایشان بخوانند. قول ندادند و قرار شد که فردا جواب بدهند. احمد آقا عصر آمد و متن نامه‌های آقای [سیدکاظم] شریعتمداری را به دادگاه انقلاب ارتش آورد که علیه ضدانقلاب است و تقاضای عفو برای [احمد] عباسی دامادش داشت که قرار شده پخش شود. راجع به مطالب دیگر هم بحث شد.

آقای معزی معاون وزیر کشور هم آمد و اسنادی آورد دال بر این که بعضی از واسطه‌های خرید اسلحه برای ارتش ایران، خلاف می‌کنند که به وزیر دفاع گفتم و قرار شد که تعقیب کنند. اول شب همشیره زاده‌ها آمدند و اخبار سلامتی بستگان را در نوق گفتند. آقای [علی اکبر] ناطق نوری تلفنی مشکلات مردم قهدریجان را که پس از جدا شدن از فلاورجان ایجاد شده اطلاع داد و گفت آقای سید باقر هاشمی نماینده مجلس مؤثر است که من هم تلفنی از ایشان خواستم که مردم را آرام کند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

سکوت سران عرب، تحلیل جنگ تحمیلی، نقش بنی‌صدر و اخطار به جنگ افروزان مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

یکشنبه ۴ مهر

صبح زود به [مطب] دندان پزشکی دکتر شیرازی رفتم. از ساعت شش و نیم تا ده چند دندان را اصلاح کرد. با تأخیر به مجلس رفتم و بعضی از ملاقاتی‌ها رفته بودند. گروهی از [مردم] قهدریجان آمدند و از جدایی قهدریجان و الحاقش به نجف آباد و تبدیل اسم لنجان سفلی به فلاورجان شکایت داشتند. قرار شد که شلوغ نکنند و من از وزیر کشور بخواهم که به خواسته آنها توجه کند. گروهی از بازاریان آمدند و از سخت‌گیری دولت که منجر به کاهش صادرات می‌شود، شکایت داشتند. آقای حاج معینی نجف آبادی از بازداشت دامادش شکایت داشت. از آقای [محمد محمدی]ری شهری پرسیدم که اطلاع داد؛ او گفت در خصوص کلاهبرداری در معامله اسلحه متهم است و قرار شد رسیدگی کنند. اخیراً گروهی به این اتهام بازداشت شده‌اند.

آقای طهماسبی طلبه‌ای که ذوق اختراع دارد و در اصفهان مشغول تهیه اسلحه‌ای پیشرفته است، آمد و گزارش کارش را داد. پانصد هزار تومان از محل کمک مجلس به جنگ به ایشان دادم. او گفت که مشغول تهیه قطعه‌ای برای اف ۱۴ است که به خاطر آن تعدادی هواپیما خوابیده است. اگر بتواند، کار مهمی است.

گروهی از محرومان ایلام و انجمن‌های اسلامی دانش آموزان آمدند و برایشان سخنرانی کردم^۱. کارمندان مجلس هم آمدند و برایشان سخنرانی کردم^۲. گروهی از داروسازان آمدند و مخالف طرح اجازه تأسیس داروخانه به نسخه پیچ‌ها - که اخیراً به مجلس آمده - بودند. خیلی‌ها مخالفند.

عصر سرهنگ [بهرام]فضلی فرمانده نیروی دریایی^۳ آمد و گزارشی از طرح دفاع در مقابل

۱- در این سخنرانی درباره موضوعات فاجعه لبنان، اقدام سعودیها در بازداشت حجاج ایرانی، پذیرایی برادرانه از آوارگان در ایران و اثر نامطلوب انحراف عقیدتی مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی از زحمات کارکنان مجلس تقدیر شد و مطالبی درباره پاکسازی، جایگاه مجلس در جامعه مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳- وی بعدها به اتهام جاسوسی برای اتحاد جماهیر شوروی محاکمه و اعدام شد.

حملات موشکی عراق به کشتی‌های عازم بندر امام داد. از نامه تند آقای [علی محمد] بشارتی نماینده مجلس گله داشت که حق با اوست. آقای جلیلی روحانی کرمانشاه که اخیراً در دادگاه قم متهم شده است، آمد و کمک می‌خواست. آقای [غلامعباس] آزارع معاون مستعفی وزارت کشور آمد و گله داشت که به دروغ او را متهم به عضویت در انجمن حجّتیّه کرده‌اند و نمی‌گذارند که کار کند. تسکینش دادم.

در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. آیین نامه‌ها مطرح بود و به کیفیت برخورد با نهضت آزادی که نامه سرگشاده، به من نوشته است. قرار است که در روز عید قربان، در محل نهضت سخنرانی داشته باشند.

سپس با سایر رؤسای سه قوه و اخوی محمد درباره برنامه‌های آینده صداوسیما، شورای سرپرستی و شورای فرهنگی مشاورت داشتیم.

محمد از پیشرفت وضع فنی گفت و توضیح داد که تا دو سال دیگر دو سوم جهان سوم را زیر پوشش و صد و هشت ساعت برنامه برون مرزی در روز خواهیم داشت و احتیاج خود را به خوراک و کمک فرهنگی اعلام کرد.

آقای [میرحسین] موسوی اطلاع داد که مجمع بانک‌ها و شورای عالی اقتصاد با حذف بهره موافق است.

آخر شب به منزل آمدم. بچه‌ها خوابیده بودند. شام خوردم و خوابیدم. گزارشی از گروه بازپرسی متهمان انفجار نخست وزیری خواندم. با حدس و تحلیل قراین عده‌ای از مسئولان را متهم کرده‌اند که به نظرم صحیح نیست.

دوشنبه ۵ مهر

امروز در خانه استراحت داشتم. پیش از ظهر آقای محمدی امام جمعه ایلام آمد و از استاندار ایلام و این که سند زمین‌هایی را که بعد از انقلاب محرومان گرفته و ساخته‌اند داده نمی‌شود، شکایت داشت.

با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم که شورای عالی دفاع به نیروی هوایی دستور دهد که یک آتشبار اورلیکن (توپ ضد هوایی) برای دفاع در جبهه‌ها به نیروی زمینی بدهند. اخیراً عراق با

هوایما نیروهای ما را در غرب بمباران کرده که شش نفر شهید شده‌اند. گزارش‌ها می‌گویند که به خاطر فعال شدن و هماهنگی سپاه، دادستانی و کمیته‌ها، ضدانقلاب ضربه خورده و آمار ترورها پایین آمده و در مقابل آمار بازداشت تروریست‌ها بالا رفته است. عصر مهندس جواد [مادرشاهی] و حبیب [] که برای گرفتن اطلاعات از فردی مطلع به پاکستان رفته بودند، آمدند و مطالب جالب و مفیدی که از او گرفته‌اند - درباره عملکرد کا.گ.ب و حزب توده و سیاست آینده شوروی در ایران - گزارش دادند. شب آقای [رضا] سیف‌اللهی از اطلاعات سپاه آمد و گزارش ضربه مهمی را داد که منافقین در دو سه روز اخیر در رشت خورده‌اند؛ نزدیک پنجاه نفر از نیروهایشان کشته یا دستگیر شده‌اند. آقای صیاد شیرازی از جبهه تلفن کرد و تعجیل در تحویل اورلیکن‌ها را درخواست کرد و خبر از حمله‌ای قریب الوقوع داد.

سه شنبه ۶ مهر

تمام روز در خانه بودم. آقای رئیس‌جمهور نماز عید را اقامه کردند. آقای [سید عبدالکریم] موسوی اردبیلی آمدند و از سفرشان به مازندران گفتند و از این که کارها رو به راه است و مسئله مهمی ندارند؛ راضی بودند و گفتند آقای [سید محمد صادق] لولاسانی را خدمت امام دیده‌اند که شفاعت از [سید مهدی] مهدوی که در کودتای قطب زاده محکوم به اعدام شده، می‌کرده‌اند. آقای عباس صفریان آمد و هم کار خصوصی داشت و هم راجع به پذیرش سمت کارداری در گابن مشورت کرد.

آقای [محمد جواد اردشیر] لاریجانی آمد و درباره دانشگاه آزاد که پیشنهاد داده‌ام، نظراتی ارائه داد. عصر دکتر [عبدالله] جاسبی آمد و برای شروع کار دانشگاه آزاد مشاوره کردیم. از نخست وزیر خواستم که پولی به حساب بریزد و از بنیاد مستضعفان خواستم که محلی بدهد و قرار شد که سریعاً شروع کنیم.

احمد آقا آمد و راجع به مصاحبه افرادی مثل آقایان [طاهر] احمد زاده و خسرو قشقایی و [احمد] مفتی زاده مذاکره کردیم. نظر من و ایشان این است که این گونه افراد که حاضر به مصاحبه هستند، باید با تخفیفی از اجرای حکم نهایی شان صرف نظر کرد. قرار شد که با امام در میان بگذارد. از ایشان خواستم که از امام بخواهد، مبلغی برای بودجه دانشگاه آزاد بدهند. نامه ستاد انقلاب

فرهنگی را که برای جلوگیری از اخراج دانشجویان دارای وابستگی‌های چپ چاره‌جویی کرده بودند، به ایشان دادم که با امام مطرح کنند.

امروز خبر رسید که ابوولید مسئول عملیات و عضو مهم شورای مرکزی سازمان فلسطینی الفتح در لبنان ترور شده است. خبر مهمی است که باید منتظر آثار آن بود.

چهارشنبه ۷ مهر

تا ساعت ده در خانه مطالعه کردم. بچه‌ها به مدرسه رفتند و فائزه و فاطمه خانم کارگرمان برای تمیز کردن خانه فاطمی که به زودی از حج برمی‌گردد به خانه فاطمی رفتند. ساعت ده ونیم به مجلس رفتم. آقای [مرتضی] الویری که از ایتالیا آمده بود، گزارشی از وضع کنفرانس بین‌المجالس داد. آقای [محمد] یزدی که از جبهه برگشته بود، گزارشی از جبهه و خواسته‌های رزمندگان داد.

یک نفر آمد، مدعی اطلاع داشتن از گنج بود و اجازه کشف می‌خواست؛ گفتم تقاضای کتبی بنویسد. دوسه نفر از کارکنان مجلس آمدند و تقاضاهائی داشتند. عصر گروهی از مسئولان اجرایی کرمان آمدند که از جامعه دانشگاهی کرمانند؛ از این که متهم شده‌اند که جامعه دانشگاهی انحصارطلب است و کارهای استان را قبضه کرده ناراحت بودند.

گروهی از خانواده‌های شهدای وحیدیه و شهدای ارامنه آمدند و برایشان صحبت کردم*. در محله کانون هدایت و تعلیم خانواده‌های شهدا درست کرده‌اند و کشیش‌های ارامنه و روحانیون گزارش دادند. عده‌ای از اساتید دانشگاه آمدند و راجع به دانشگاه آزاد نظراتی داشتند. مصاحبه‌ای با برنامه آینده سازان درباره ترجمه سرگذشت فلسطین کردم*. گروهی از بازاریان آمدند و اعتراضات زیادی به عملکرد مجریان قانون حفاظت صنایع و آیین نامه‌ها و خلاف‌های بنی صدر و شورای انقلاب داشتند.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای با آقای [محمد حسن] طاهری خرم‌آبادی - که به عنوان نماینده امام عازم پاکستان است - برای مشخص کردن سیاست عملکرد ایشان در پاکستان جلسه داشتیم. شام را خوردیم و به خانه آمدم. عفت تلفن کرده بود که شنبه می‌آید. یاسر به درد گوش مبتلا شد و بیدارمان کرد. قرص مسکنی خورد و خوابید.

پنجشنبه ۸ مهر

تمام وقت در خانه بودم و بیشتر وقتم به مطالعه و یادداشت گذشت. با آقای موسوی خوئینی‌ها در مکه تماس گرفتم و قرار شد که نمایندگان مجلس در پروازهای اول بیابند و روز دوشنبه جلسه علنی داشته باشیم. ظهر بچه‌ها مدرسه و فائزه به اسب سواری رفته بود. من تنها بودم. عصر احمد آقا آمد و خبر داد که امشب در ارتفاعات مشرف به مندرلی عملیات داریم. با رئیس جمهور تماس گرفتم و قرار شد که در فرودگاه‌ها، در تفتیش و سایل حاجی‌ها سهل بگیرند و اذیت نکنند. با وزارت دارایی در مورد مالیات بر ارث شهید [سید محمد حسینی] بهشتی - که هشتاد، نود هزار تومان است - صحبت کردم که زود انجام شود.

جمعه ۹ مهر

در منزل ماندم. نماز جمعه را آقای [سید عبدالکریم موسوی] اردبیلی اقامه کردند. صبح زود آقای [علی] صیاد شیرازی تلفنی از جبهه اطلاع داد که عملیات دیشب موفقیت آمیز بوده^۱، تاکنون هشتاد درصد از اهداف تأمین و پاتک عراق دفع شده است. قرار شد که تبلیغات، حساب شده انجام شود. با آقای [سید کمال] خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] و اخوی محمد [رئیس سازمان صدا و سیما] جمهوری اسلامی [در این خصوص صحبت کردم.

فائزه بچه‌های عمویش را ظهر دعوت کرده بود. دیشب هم دایی و پریشب بچه‌های خاله‌اش را. می‌گویند که تنها در خانه دلتنگ می‌شود. از شغلش که معلمی ورزش است، مرخصی گرفته و در کلاس کنکور اسم نوشته است. خبر عملیات تا ظهر تکمیل و تمام هدفها تأمین شد. عصر آقای رحیمیان دوست قدیم اصفهانی به دیدنم آمد و مقداری گز آورد. شب احمد آقا آمد و راجع به

۱- اشاره به عملیات مسلم بن عقیل که با هدف آزادسازی چندین ارتفاع مرزی و تصرف ارتفاعات مشرف به شهر مندرلی در منطقه عملیاتی غرب سومار به مدت ۷ روز طی ۲ مرحله انجام گرفت. در این عملیات علاوه بر آزادی و پاکسازی ۱۵۰ کیلومتر از خاک ایران، پاسگاههای مرزی به اسامی سلمان کشته، سان بابا، قلعه جوق، سومار، میان تنگ و کانی شیخ از دست دشمن آزاد شد.

عکس عملیات

مسایل متعددی مشورت داشت.

حدود ساعت هشت و نیم انفجار عظیمی در میدان امام نزدیک مخابرات به وقوع پیوست که در جماران صدایش به خوبی شنیده شد. خبر رسید که کامیون حامل تی.ان.تی در مقابل مسافرخانه‌ای منفجر شده که گویا یکصد و پنجاه کیلو مواد منفجره داشته است. یک مسافرخانه پنج طبقه به کلی ویران شده و چند مسافرخانه دیگر آسیب دیده، صدها نفر مجروح و ده‌ها نفر کشته شده‌اند. مخابرات هم آسیب دیده و گویا برق قطع شده است. احتمالاً ستون پنجم عراقند که در جواب حمله دیشب عمل کرده‌اند. عصر به مشاهده فیلم مصاحبه بیست و نه نفر از افراد [گروهکهای] محارب تائب پرداختم.

شنبه ۱۰ مهر

اول صبح از نخست وزیری، خبرگزاری جمهوری اسلامی و وزارت کشور درباره انفجار دیشب توضیح خواستم. نخست وزیر درباره اعلام عزای عمومی مشورت کرد که به خاطر فتح و پیروزی، قرار شد که امروز اعلام نشود.

از آقای [علی اکبر] ناطق [توری] راجع به تلف شدن دوسه میلیون ماهی قزل آلا در اثر نشت مایعات زباله‌های شهرداری در جاجرود توضیح خواستم. گفتند که دارند رسیدگی می‌کنند. مقدار زیادی از وقتم صرف مطالعه مکاسب محرّمه برای خطبه نماز جمعه شد.

ظهر با آقای رئیس جمهور مهمان احمد آقا بودیم. امام هم تشریف آوردند و با ایشان نماز خواندیم و ناهار خوردیم. امام به خاطر ممنوعیت نمک و قند، غذای مخصوص داشتند. جلسه خیلی با صفا بود. قبل از غذا و ضمن غذا، درباره مسایل متعددی با امام صحبت کردیم. قبل از آمدن امام و بعد از آن، خودمان درباره وضع حزب توده و خطرهای آن، ضعف سیاسی ایدئولوژیک ارتش و نیروی هوایی، ضرورت شرکت آقای خامنه‌ای در جلسات [هیأت] دولت برای جلوگیری از بروز اختلاف بین وزرا، جنگ و چیزهای دیگر بحث کردیم. ساعت چهار و نیم آقای خامنه‌ای رفتند.

آقای محسن رضایی آمد و از روی نقشه، عملیات مسلم بن عقیل را که در آن ارتفاعات غرب سومار و مشرف بر مندلی عراق آزاد شده بود، توضیح داد. از امداد الهی، برنامه‌های آینده و ...

گفت. شب به خانه آمدم و به مطالعه پرداختم. خانم شهید بهشتی تلفن کرد و درباره حل مسئله مالیات بر ارث - که چیزی جز خانه مسکونی نیست - صحبت کرد.

یکشنبه ۱۱ مهر

صبح زود به دندان پزشکی رفتم. آقای دکتر شیرازی به خاطر عدم اطلاع مجدد - که می‌بایست دیروز بدهم - حاضر نبود. به میدان امام رفتم و محل انفجار روز جمعه را دیدم. خیلی خرابی به بار آورده، تمام شیشه‌های ساختمان‌های اطراف میدان امام شکسته، تعدادی از ساختمان‌ها خراب شده و صدمات کاری به مخابرات وارد آمده است. سپس به مجلس رفتم. خواندن گزارش‌ها، دیدار با نمایندگانی که از مکه برگشته بودند و امضای برنامه دستورات هفته وقت را گرفت. به دفتر رئیس جمهوری رفتم. در جلسه‌ای با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، نخست وزیر و وزیر علوم در خصوص اختلافات آنها شرکت کردم. قرار شد که ضوابط راستاد معین و وزارت علوم اجرا کند.

سرهنگ [علی] صیاد[شیرازی] گزارشی از پیروزی‌ها داد و معلوم شد که اسرای عراقی صد و هشتاد و سه نفر هستند. نهار را در مجلس خوردم و پس از نماز و استراحت، ملاقاتی با مسئولان سازمان بهزیستی داشتم که از موفقیت‌هایشان در اداره چهل هزار خانواده بی‌سرپرست و ششصد روستایی از کار افتاده و بچه‌های بی‌سرپرست و خانم‌های تحت ارشاد و... گفتند. از اداره دوّم ارتش آمدند و از نفوذ انجمن حجتیه شکایت داشتند. شخصی چند سوژه اختراع در اختیار من گذاشت که جمهوری اسلامی از آنها استفاده کند. آدم مخلص و ساده‌ای بود و همراهش دو نفر بودند که از فشار مالیات و خطر قاچاق گفتند.

آقای مهدی مفتاح [فرزند شهید دکتر مفتاح] آمد و درباره کمک بنیاد شهید برای تقسیم ارث شهید مفتاح مشورت کرد که به آقای [مهدی] کروی ارجاع دادم. آقای [محمد علی] نادری نجف آبادی آمد و راجع به جنگ کردستان تذکراتی داشت. در جلسه شورای مرکزی حزب - که شب در دفتر آقای خامنه‌ای تشکیل شد - درباره تشکیلات حزب بحث بود.

دوشنبه ۱۲ مهر

صبح زود به مجلس رفتیم. بعد از سه هفته تعطیلی، جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور درباره پیروزی، انفجار ناصر خسرو و شورای امنیت سازمان ملل که بناست امشب مسئله جنگ ایران و عراق را مطرح و رسیدگی کند صحبت کردم^۱. دوسه لایحه تصویب شد. تا عصر گزارش‌ها را خواندم. یک هواپیمای ۱۳۰ ارتشی را برده‌اند و به جنوب خلیج فارس برده‌اند. کشورها حاضر نیستند، رباپندگان را بپذیرند. در جبهه سلمان‌کش با دفع ضد حمله دشمن یکصد اسیر گرفته‌ایم. عراق و حامیانش حمله سیاسی شدیدی آغاز کرده‌اند که ایران را جنگ افروز و خودشان را صلح دوست معرفی کنند و ما باید مقابله کنیم. یکی از مدیران اداری مجلس از این که همسرش را به اتهام انجمنی بودن از معلمی اخراج کرده‌اند شکایت داشت. قرار شد که رسیدگی کنیم. عراقی‌ها با هواپیما به جمعی از نیروهای پشت جبهه حمله کرده‌اند و شصت و هفت نفر را شهید و صد و بیست نفر را مجروح کرده‌اند. شب به خانه آمدم و کمی اخبار حاجیان و وضع اداره حج را از عفت و فاطمی که از مکه برگشته‌اند، گرفتم.

سه شنبه ۱۳ مهر

صبح زود به مجلس رفتیم. جلسه علنی داشتیم. آقای [علی] موحدی ساوجی در نطق پیش از دستور به نهضت آزادی و مهندس [مهدی] بازرگان به خاطر نامه سرگشاده‌ای که اخیراً به من نوشته‌اند و همه دستاوردهای انقلاب را منکر شده و اتهاماتی وارد کرده‌اند، تاخت و گروهی از تندروهای مجلس هم سروصدا راه انداختند، اکثریت نمایندگان با آنها هم صدا شدند و بیرون رفتند. من رفتم و آنها را آرام کردم و به داخل تالار آوردم. قرار شد که عصر رسیدگی کنیم. چند لایحه تصویب یا رد شد. ظهر در دفترم کارها را انجام دادم و پس از نماز و استراحت جلسه هیئت

۱- در این نطق درباره پیروزیهای رزمندگان اسلام و هیاهوی دشمنان و تحرک منافقین تحلیلی ارائه شد و در پایان به شورای امنیت سازمان ملل در خصوص تصمیم‌گیری درباره جنگ عراق با ایران تذکر و به حامیان عراق در بین دولت‌های عرب اخطار داده شد. رجوع کنید به کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم» دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

رئیس‌ه داشتیم. دستور هفتگی آینده را تعیین کردیم. سپس جلسه حزب‌اللهی‌ها تشکیل و درباره نهضت آزادی بحث شد. حرف‌ها خیلی داغ بود و بالاخره من صحبت کردم و گفتم که آنها با خط امام اختلاف اساسی و بینشی دارند و ما نباید در این دام بیفتیم. آنها می‌خواهند که به عنوان محور مخالفان مطرح شوند و ما بلند حرف‌ها به تریبون مجلس بکشند. آمریکا هم خیال می‌کند که اینها می‌توانند آلترناتیو خط امام باشند. ما باید غیر مستقیم عمل کنیم و از طرفی باید مخالف و اقلیت را تحمل کنیم. عمل صبح آقایان را محکوم کردم و مؤثر واقع شد.

تا ساعت هشت در دفترم کار کردم. سپس در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه مشورتی سران تشکیل شد. درباره شرایط صلح و کیفیت برخورد دکتر ولایتی در سازمان ملل صحبت کردیم. این روزها در محافل بین‌المللی بحث آتش‌بس و صلح داغ است و ما باید موضع مشخص و روشنی داشته باشیم. آقای نخست‌وزیر گفتند که ذخیره ارزی مرتب بالا می‌رود و راضی بودند. نامه‌ای از کانون مهندسین ایرانی مقیم خارج رسیده بود که خواستار ایجاد شرایط برگشت متخصصان ایرانی بودند و این که آنها از عدم حضور در ایران ناراحتند. قرار شد اقدام کنیم. فرمانده پایگاه حمزه آمد و از پیشرفت مبارزه با اشراک کرد گفت و نوید موفقیت‌های آینده را داد. خیلی کار کرده‌اند.

چهارشنبه ۱۴ مهر

وزرا و بعضی از دوستان دیگر که برای تبریک به خدمت امام رفته بودند، صبح به دیدن من آمدند. نزدیک ظهر به زیارت امام رفتیم. یاسر و مهدی و صادق هم بودند. با امام عکس گرفتیم و امام یک تسبیح شاه مقصود به من عیدی دادند.^۱

عصر عقد ازدواج یکی از محافظانم (آقای دهقان) را انجام دادم. احمد آقا آمد و اطلاع داد که امام یک میلیون تومان برای دانشگاه آزاد داده‌اند. اعتراضاتی را که علیه آقای محمد علی صدوقی از سوی بعضی از یزدیها شده بود، رسیدگی کرده بود و گفت که خیلی درست نیست و رفع شده

۱- این تسبیح را تا چند ماه پیش نگه داشته بودم. متأسفانه روزی که برای افتتاح نمایشگاه قرآن به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفته بودم، مفقود شد.

است.

اول شب هم احمد آقا باز تلفن کرد و گفت، رادیو اسرائیل گفته است که عراق مدعی است ارتفاعاتی که اخیراً از دست داده، پس گرفته است ولی مسئولان نظامی ما گفته اند که صحیح نیست. احتمالاً عراق این خبر را برای خنثی کردن اعترافات خبرنگاران خارجی که امروز از جبهه دیدار کرده اند، مطرح کرده است. همشیره زاده ها شب برای دیدن از حج برگشته های منزل آمدند. امروز آشنایان مرتباً به دیدن آنها می آمدند.

پنجشنبه ۱۵ مهر

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. آقای [اسدالله] بیات از مذاکرات مرموز دکتر [ابراهیم] یزدی در سفر حج می گفت. عده ای از نمایندگان در صدد اعلام جرم علیه نهضت آزادی بودند. جو تندی حاکم است. عده ای نیز جلسه رسمی غیر علنی می خواستند که منصرفشان کردم. عصر گروهی از علمای سنی کرد آذربایجان غربی آمده بودند که برایشان صحبت کردم*. یکی از مدیران اداری مجلس، همسرش را که به خاطر انجمنی بودن از معلمی اخراج شده بود، آورد و شکایت داشت و حق دارد. ساعت هشت شب به خانه آمدم.

عفت به عروسی آقای مهدی مفتاح رفته بود. آشیخ حسین هاشمیان آمد و گزارش سفر هیئت را به اروپا داد که در رابطه با مؤسسات تکمیلی مجتمع مس سرچشمه بوده است. در مورد استفاده از گاز SO2 و انواع تعاونیها در کرمان خبر داد که وام می خواستند. طرح های خوبی دارند که باید کمکشان کرد تا مجتمع های صنعتی، دامداری و کشاورزی و.... برای تشویق تولید و صدور ایجاد شود.

جمعه ۱۶ مهر

ساعت ده و نیم برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتیم. باران سیل آسا می بارید و عده ای از مردم زیر باران بودند. آقای [مهدی] کروی در سخنرانی پیش از نماز به نهضت آزادی به خاطر نامه سرگشاده اش حمله کرد و از نقاط ضعف آنها خیلی تند گفت. به خاطر باران خطبه ها را کوتاه

کردم^۱. خبر رسید که پلیس سعودی دیشب به زوار ایرانی مدینه در دعای کمیل و سپس به محل بعثه امام حمله کرده، عده‌ای را مجروح و مصدوم کرده است. در خطبه از عمل آنها انتقاد کردم^۲. و در یک خطبه هم خط تبلیغات جهانی امپریالیسم برای جنگ طلب معرفی کردن ایران را فاش کردم و خواسته‌های عادلانه خودمان را گفتم. شب احمد آقا آمد و خبر از برداشتن مخالفت امام با استیضاح وزیر مسکن به شرط این که مسری نباشد، داد و از پرداخت یک میلیون تومان به دانشگاه آزاد که قبلاً امام وعده داده بودند.

شنبه ۱۷ مهر

تمام روز در خانه بودم و مطالعه می‌کردم. همسر امام و خانواده‌های شهید بهشتی و آقای خامنه‌ای و شهید مطهری و... به دیدن عفت آمده بودند. برای پرداخت پول به دانشگاه آزاد و معرفی وزرای سپاه و ارشاد و بهزیستی تلفنی با نخست وزیر صحبت کردم. قرار شد که آقای [محسن] رفیق دوست را برای سپاه معرفی نماید و خبر داد که سیل در بخشی از محلات جنوب تهران خسارت وارد کرده، تلفات جانی هم داشته است^۳. راجع به طرح استیضاح وزیر مسکن در مجلس، قرار شد که مشورت شود.

با وزیر معادن درباره تسریع در تعیین مدیر عامل برای معادن زغال سنگ منطقه کرمان صحبت

۱- در این خطبه‌ها ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (اقدام برای تأسیس بانکهای غیر ربوی، اخلاص در معامله، آفات کم فروشی، حرمت فساد در معامله) و همچنین مباحث سیاسی روز شامل توطئه‌های دشمن، شرایط صلح با صدام و هشدار به سازمان ملل متحد مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

۲- "در عربستان سعودی، دیشب با زوار ما چه کردند؟ آن بی حیثیت‌ها که خودشان را میزبان مسلمانها می‌دانند و باید باشند و حاجی‌ها را "ضیوف الرحمان" می‌دانند، وقتی مسلمانهای ما در قبرستان بقیع جمع شدند که شب جمعه دعای کمیل بخوانند، آیا باید شرطه‌هایشان و سربازهایی که از عراق یا جاهای دیگر گرفته‌اند، بریزند آنجا و ایرانیها را بزنند، مجروح کنند، آمبولانسها را خرد کنند، در مطبها را ببندند؟" رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد سوم صفحه ۱۰۱" دفتر نشر معارف انقلاب

۳- سیل تهران به نوشته مطبوعات پنج کشته، دهها مجروح و صدها خانه ویران برجای گذاشت.

کردم و با وزیر بهداشتی برای رسیدگی بیشتر به آقای طالبیان مدیر آموزش و پرورش نهادی که تصادف کرده و بستری شده است و با وزیر دفاع نیز برای مراقبت مستقیم در مذاکراتی که با یک انگلیسی برای فروش اسلحه و قطعات اف ۱۴، اف ۴ و اف ۵ در جریان است. او ادعای امکانات زیادی دارد و ممکن است که برای کسب اطلاع آمده باشد.

ظهر خبر رسید که آقای [سید محمد] موسوی خوئینی‌ها نماینده امام در حج را از عربستان اخراج کرده‌اند. خیلی جسارت‌آمیز عمل کرده‌اند. یک هفته است که باران‌های شدیدی بارید و برق، در تهران و بسیاری از نقاط کشور می‌بارد و چون در این فصل معمولاً چنین بارانی نبوده، غافلگیر شده‌ایم و خرابی‌هایی به بار آمده است.

یکشنبه ۱۸ مهر

صبح زود به دندان پزشکی رفتم. ساعت هشت به مجلس رسیدم. آقای [محمد] یزدی جلسه را شروع کرده بود. طرح وزارت اطلاعات مطرح بود که تمام نشد. به دفتر رفتم، کارهای اداری را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. جو تبلیغاتی دنیای عرب و غرب این است که ایران را جنگ طلب و افراطی معرفی کنند. کشورهای غربی که می‌خواهند به صدام کمک کنند، با همین موضع‌گیری‌ها نقش ایفا می‌کنند.

ظهر شرکت سازنده خانه‌های پیش ساخته برای مذاکره درباره خانه‌هایی که برای مجلس می‌سازد، آمده بود. در کنار مجلس قدیم شورا در زمین‌هایی که رژیم گذشته برای خانه‌سازندگان در نظر گرفته بود، مشغول ساختن خانه برای نمایندگان هستیم. از لحاظ رفاه و امنیت لازم است. آقای مصطفی تبریزی نماینده بجنورد آمد و راجع به فشار بر افرادی که در گذشته تمایلی به گروه امت و... داشتند، گله داشت و از خطر راست‌گرایان می‌گفت و درباره تحقیق در خصوص وضع مالکیت زمین در تاریخ ایران مشورت کرد.

گروهی از مسئولان سوادآموزی خراسان عصر آمدند و راجع به طرح جدید آقای [محسن] قرائتی نماینده امام در نهضت سوادآموزی اعتراض داشتند. این طرح براساس مقاطعه است؛ یعنی در مقابل هر بی‌سوادی که با سواد شود مبلغی به جای حقوق منظم به معلم داده می‌شود. اول شب در شورای مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] شرکت کردم. بحث درباره جایگاه

روزنامه حزب بود که تحت اشراف کدام واحد حزب باشد: تبلیغات، هیئت اجرایی، شورای مرکزی یا مستقل. بحث پخته شد اما تمام نشد.

آخر شب به خانه آمدم و تلفنی با رفسنجان برای ازدواج محسن با دوشیزه اعظم هاشمی، با پدرش علی آقا هاشمی صحبت کردم. قرار شد که عفت به رفسنجان برود و اعظم را بیاورد تا قبل از محرم عقد خوانده شود. از این ازدواج راضی هستم. اعظم دختر خوبی است. با محسن هم تلفنی صحبت شد. او خیلی عجله دارد و حق هم با اوست. می‌گفت که چون آقای [حسینعلی] منتظری سفارش کرده‌اند، ازدواج می‌کند.

دوشنبه ۱۹ مهر

طبق معمول بچه‌ها ساعت هفت و نیم به مدرسه و فائزه به کلاس کنکور رفتند. با دفتر تماس گرفتم که بلیط هواپیما برای عفت که می‌خواهد برای آوردن عروس به رفسنجان برود، رزرو کنند. قرار شد که فردا صبح بروند.

ظهر احمد آقا آمد؛ مطلب مهمی نداشت. عصر گروهی از پاسداران اهالی نوق و رفسنجان که پاسدار بیت امامند آمدند و از این که در تمام مدت پنج ماه - که اینجا هستند - موفق نشده‌اند، دست امام را ببوسند، گله داشتند.

اول شب ابوهشام [سید حسین موسوی] از سران اسلام‌گرای اهل لبنان با جمعی از همراهانش آمدند. راجع به آینده و تکلیف خودشان سؤال داشتند. نگرانند که ارتش لبنان برای تصفیه در بقاع حمله کند. در این باره تلفنی با آقای خامنه‌ای مشورت کردم و قرار شد، به آنها گفته شود که اگر قدرت مقاومت ندارند، مقاومت مسلحانه نکنند. می‌خواستند که نماینده امام یا مرجعی که جمهوری اسلامی معین می‌کند، مرجعیت حل اختلافات و تصمیم‌گیری‌ها در این مرحله از لبنان باشد که مبارزه یا سکوتشان با حجت شرعی باشد.

با آقای [محمد] سلامتی وزیر کشاورزی درباره تصمیم انتقال کشتارگاه مغان به اردبیل صحبت کردم. دلیل را توضیح داد. به آقای [محمد علی] شرعی که معترض بود گفتم. با رئیس بانک مرکزی راجع به دادن وام به تعاونی‌ها صحبت کردم.

سه شنبه ۲۰ مهر

ساعت هشت به مجلس رفتم و کمی دیر رسیدم. آقای [مهدی] بازرگان نوبت نطق قبل از دستور داشت و در غیاب من نگران حوادث بودند. با رسیدن من راحت شدند. خوشبختانه ایشان دور اندیشی به خرج داد و از نطق منصرف شد. طرح وزارت اطلاعات علیرغم مخالفت سپاه پاسداران با اکثریت بیش از دوسوم در شور اول تصویب شد.^۱

در تنفس با آقای [سیدمحمد موسوی] خوئینی‌ها که از عربستان اخراج شده، درباره حوادث آنجا صحبت کردم. ظهر آقای [موسوی تبریزی] راجع به کمک‌هایی که بعد از انقلاب، از طریق ایشان به علمای اهل سنت منطقه خراسان و مدارس علمیه آنها شده گزارشی داد و قرار شد که برای ایجاد مدرسه عالی علمیه و برنامه بهتر تلاش کنند. عصر مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره برنامه پنج‌ساله داشتم. گروهی از دماوند آمده بودند که راجع به اختلاف امام جمعه‌های دماوند و رودهن بگویند. آقای فؤاد کریمی آمد و راجع به طرح‌های بانک اسلامی صحبت کرد.

آقای رئیس جمهوری آمدند و راجع به تعقیب پرونده و اطلاعات عوامل روسیه^۲ و کیفیت برخورد با قانون حفاظت کارخانه‌ها که اخیراً متوقف شده و خیرهای دیگر بحث کردیم. سپس شورای عالی دفاع تشکیل شد. معلوم شد که از ابتدای عملیات مسلم بن عقیل تاکنون حدود پانصد

۱- وزارت اطلاعات با هدف کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات ضدجاسوسی و بدست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد. قانون تشکیل این وزارتخانه در تاریخ ۶۲/۵/۲۷ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید. پیش از تشکیل وزارت اطلاعات، واحدهای امنیتی در نهادهای مختلف مانند نخست وزیری، سپاه پاسداران، کمیته‌های انقلاب اسلامی، دادستانی و... وجود داشت. تمرکز این واحدها و لزوم استفاده بهینه از امکانات موجود، تأسیس وزارت اطلاعات را موجب شد. علت مخالفت سپاه پاسداران، این بود که سپاه طبق قانون اساسی صیانت از انقلاب اسلامی در برابر توطئه‌ها را از وظایف خود می‌دانست و "حفاظت و اطلاعات سپاه" را برای ساماندهی امور امنیتی کشور کافی می‌دید، اما این طرح علیرغم نظر سپاه به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسید.

۲- این پرونده در نهایت در بهار سال بعد (۶۲) به نتیجه رسید و سران حزب توده ایران به اتهام جاسوسی به نفع شوروی محاکمه شدند.

شهید و دوهزاروپانصد مجروح داشته‌ایم. امروز هم دو حمله عراق دفع شده و گروهی اسیر گرفته‌ایم. درباره درخواست‌های مبارزان شیعه لبنان هم تصمیم گرفتیم، خودشان می‌خواهند شورائی تشکیل دهند که مرجع تصمیمات باشد. درباره امکانات دانشکده خلبانی و دفاع هوایی از قم و... بحث و تصمیم‌گیری شد. در خاتمه من مصاحبه کردم*.

چهارشنبه ۲۱ مهر

با آقای [محمد محمدی]ری شهری در مورد پرداخت پول گرفته شده از آقای [سید کاظم] شریعتمداری که به دستور امام، قرار بود به حزب جمهوری [اسلامی] داده شود، تلفنی صحبت کردم. معلوم شد که در مصارف دیگر من جمله دفتر تبلیغات [اسلامی] قم و خانواده‌های اعدام شدگان صرف شده است.

عصر بچه‌ها و خانواده عروس از رفسنجان آمدند. حسن هاشمی هم که با جمعی دیگر با بورس دولت لیبی از طرف حزب جمهوری [اسلامی] برای تحصیل به لیبی رفته‌اند، آمد. از راه زمین آمده و مدت دو ماه در راه بوده و سیاحت می‌کرده است. مقدار زیادی از وقت را به مطالعه بحث اقتصادی کلاس مواضع حزب جمهوری [اسلامی] گذراندم. قرار است که به زودی مجدداً شروع شود.

پنجشنبه ۲۲ مهر

صبح زود به مجلس رفتم و صبحانه را در مجلس خوردم. لایحه شورای عالی درمان و بهداشت رد شد و لایحه اصلاح مالیات‌های مستقیم مطرح شد. ظهر اعضای کمیسیون‌های خارجه و دفاع آمدند و راجع به سیاست جنگ با آنها صحبت کردم. اکثرشان قانع و راضی‌اند و بعضی هم حرف داشتند. خبر رسید که عراق با موشک یا بمب به جزیره خارک حمله کرده و سه منبع نفت آسیب دیده است. ولی آتش خاموش شده و بارگیری نفت ادامه دارد. درباره برنامه پذیرایی از رئیس مجلس کره [شمالی] که به زودی به دعوت من می‌آید، مذاکره کردم.

دکتر یعقوبی رفسنجانى از بانک مرکزی آمد و پیشنهاد پایین آوردن قیمت ریال در مقابل

ارزهای خارجی و انتشار پول اسلامی را - که همراه تورم نوسان داشته باشد - داد. بنا شد که بررسی کنیم. آقای قائمی مسئول انتظامات سپاه در مجلس آمد و راجع به مسایل لبنان و ارسال کمک صحبت کردم. خانمی از کارمندان مجلس که شوهرش به اتهام همکاری با ضدانقلاب بازداشت است، آمد و کمک خواست. با احمد آقا راجع به کارهایی که خدمت امام داریم و تعیین وقت اجرای صیغه عقد ازدواج محسن صحبت کردم.

جمعه ۲۳ مهر

تمام روز در منزل بودم. نماز جمعه را آقای امامی [کاشانی] اقامه کردند. بعد از ظهر خبر رسید که آیت الله اشرفی [اصفهانی] امام جمعه کرمانشاه را به شیوه ترور شهدای محراب مدنی و صدوقی در محل نماز جمعه با نارنجک شهید کرده اند. متأسفانه به خاطر ضعف محافظت ها چهار شخصیت عظیم القدر را با یک شیوه از ما گرفتند.

امروز بیشتر وقتم به مطالعه گزارش هایی که از یک منبع روسی پناهنده به غرب در مورد فعالیت های جاسوسی روس ها در ایران از طریق سفارت، کا.گ.ب^۱ و حزب توده و... رسیده است، گذشت. امروز خبر تازه مهم دیگری نداشتیم. عصر با آقای خامنه ای درباره شورای مرکزی ائمه جمعه و... تلفنی صحبت کردم.

امروز عصر فیلم مصاحبه خسرو قشقایی را که اعدام شده گذاشتند. صریحاً اعتراف کرد که با هدایت آمریکایی ها عمل می کرده، با اشاره بنی صدر با آنها ارتباط برقرار کرده و با گروهک ها مخصوصاً منافقین همراه و شریک بوده اند که آنها سه قرص سیانور به او هدیه کرده اند و در راه فرار به خارج دستگیر شده است.

شنبه ۲۴ مهر

ساعت هشت با اعضای خانواده و بستگان برای عقد ازدواج محسن با اعظم هاشمی خدمت

۱- کا.گ.ب سازمان جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی بود که با فروپاشی این کشور، منحل شد.

عکس شهید اشرفی اصفهانی

امام رفتیم. من به وکالت از طرف محسن و امام به وکالت از طرف عروس صیغه عقد را خواندیم و فاطمی با ضبط صوت ضبط کرد. قرآن جزء مهر را امام امضا کردند و قدری نصیحت کردند و حسین آقا مرعشی هم شعری که در رثای شهید صدوقی گفته بود، خواند. سپس به خانه آمدیم و هدایای عروس را دادیم.

با مجلس تماس گرفتم که دوسه نفر از نمایندگان به نیابت از من برای شرکت در مراسم تشییع جنازه شهید اشرفی [اصفهانی] به باختران^۱ بروند. جمعی از بستگان که خدمت امام نرسیدند، گله داشتند ولی خودشان دیر آمدند. جمعی از بستگان برای ولیمه نهار را مهمان ما بودند.

بعد از ظهر برای استقبال از رئیس مجلس کوه شمالی که با دعوت من به ایران آمده به فرودگاه رفتم. مراسم استقبال رسمی انجام شد و مهمانان را به هتل استقلال رساندم.

سپس در دفتر آقای خامنه‌ای در جلسه‌ای شرکت کردم که دکتر ولایتی گزارش سفرش را به نیویورک و از ملاقات‌هایش با پانزده وزیر خارجه گفت. وی تأکید کرده که خسارت جنگ باید به ما داده شود و فعلاً الجزایر در تلاش است که نظر ما را جلب کند. به نظر می‌رسد در صدد فریبکاری باشند.

در مجلس مذاکره رسمی با میهمانان کوه‌ای داشتیم. دو طرف از موفقیت‌های کشور خود و نقاط مشترک گفتند. همان جا خوابیدم.

یکشنبه ۲۵ مهر

پس از نماز، تا ساعت هشت صبح مطالعه کردم و سپس به جلسه علنی رفتم. قبل از دستور درباره شهادت آیت‌الله اشرفی [اصفهانی] صحبت^۲ و اعلام کردم که در جلسه فاتحه مسجد شهید مطهری شرکت می‌کنیم. لایحه اصلاح مالیات‌ها مطرح بود؛ تمام نشد. عده‌ای از نمایندگان نامه‌ای

۱- کرمانشاه فعلی

۲- در این نطق ایشان درباره فضایل اخلاقی و سیاسی آیت‌الله اشرفی اصفهانی و اهمیت نمازهای جمعه و لزوم برخورد با منافقین و پاسخ دندان‌شکن به استکبار جهانی در جبهه‌های نبرد مطالبی بیان داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی،

نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس هیأت کره‌ای رئیس مجلس کره

امضا کردند که ایران سهم آمریکا را در سازمان جهانی انرژی اتمی که به خاطر اخراج اسرائیل قطع کرده، پرداخت نماید.

ظهر با تعدادی از نمایندگان در دفترم ملاقات داشتم. سفیرمان در کره شمالی آمد و از نقاط ضعف و قوت آن کشور گفت. پدر شهید [محمد تقی] بشارت [نماینده سمیرم] آمد و راجع به حقوق بازماندگان شهید مطالبی داشت. پس از استراحت بعد از ظهر گروهی آمدند و از فشاری که بر مدارس خصوصی اسلامی وارد می‌شود، گله داشتند. سپس وزیر و گروهی از مدیران کل وزارت نیرو آمدند، گزارشی از برنامه و اقدامات خود دادند که جالب بود و من هم صحبت کردم*. بچه‌های شاخه دانش آموزی حزب آمدند و راجع به سازماندهی حزب که مطرح است، تذکراتی داشتند. سپس در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم.

قبل از ختم جلسه به هتل استقلال (هیلتون سابق) محل ضیافتی که به افتخار رئیس مجلس کره ترتیب داده بودیم، رفتیم. هیئت رئیسه و رؤسای کمیسیون‌های مجلس هم آمده بودند. من و رئیس مجلس کره صحبت کردیم. بیشتر روی مبارزه با امپریالیسم در سطح جهانی صحبت کردم*. آخر شب به خانه آمدم. فیلم ملاقات امروز امام با و عاظ و علما را دیدم. آقای [عباس] کوثری روضه خوبی خواند. گریه کردم.

دوشنبه ۲۶ مهر

شوفاژ منزل معیوب است. کمی وقت صرف آن کردم که درست نشد. اخبار صداوسیما از موفقیت‌هایی در کردستان علیه ضدانقلاب خبر داد. چند خاطره عقب افتاده را نوشتم. احمد آقا تلفنی خبر داد که خبرگزاری‌ها از ازدواج مسعود رجوی با [فیروزه] دختر بنی صدر خبر داده‌اند که تفسیرهای گوناگونی دارد.

عصر با هیئت کره‌ای در مجلس ملاقات داشتم. مذاکرات رسمی بود و رئیس مجلس کره از وضع ایران، پیشبرد انقلاب و روحیه انقلابی مردم، وضع کار و روحیه‌ها در کارخانه ایران ناسیونال و تثبیت انقلاب ابراز رضایت کرد، پیشنهاد مخالفت با برگزاری اجلاس آینده بین‌المجالس در سئول پایتخت کره جنوبی داشت. تقاضای مذاکره خصوصی کرد ولی مطلب مهمی نداشت. پیشنهاد کرد که برای مبارزه با تروریسم از تجربیات آنها استفاده کنیم و من از او خواستم که تأکید

عکس آقای کوثری

کند، مسئولان کره به قراردادهای خود عمل کنند. شب در مجلس خوابیدم.

سه شنبه ۲۷ مهر

صبح زود برای بدرقه هیئت کره‌ای به فرودگاه رفتم. قبل از حرکت کمی مذاکره شد و مراسم و تشریفات رسمی بدرقه به عمل آمد. مصاحبه‌ای انجام دادیم* و به مجلس برگشتم. جلسه علنی داشتیم. لایحه اصلاح مالیات مطرح بود. در تنفس با دانشجویان اخراجی از آلمان مذاکره کردم. آقای [محمد] یزدی نایب رئیس ظهر به دفترم آمد. راجع به ضعف عملکرد دیوان محاسبات، مشکلات کارمندان مجلس و عدم توجه کارپردازان، مسئله اموال شرکت طاهر و پولهای تولید^۱ - که در لندن مانده است - مذاکره شد. آقای [عباس] دوزدوزانی هم آمد و از عملکرد هیئت‌ها در بین المجالس و خیلی چیزهای دیگر انتقاد داشت.

عصر نمایندگان صلیب سرخ جهانی آمدند و از مشکلات کارشان گفتند و من هم از ضعف عملکرد آنها در عراق و در زندان‌های اروپا - از جمله شکنجه دانشجویان مادر زندان آلمان و ... گفتم.

سفیرمان در لبنان آقای [فخر] روحانی آمد و از برخورد وزارت خارجه کله داشت، گزارش‌هایی داد و می‌خواست بگوید که اگر ما با چپی‌های لبنان و فلسطین همکاری می‌کردیم، فلسطینی‌ها از بیروت نمی‌رفتند و معتقد بود که بشیر جمیل را اسرائیلی‌ها کشته‌اند؛ برعکس نظرات رایج. شورای مرکزی جهاد آمدند و راجع به اساسنامه جهاد بحث داشتند.

رئیس جمهور آمدند؛ در جلسه سه‌شنبه نمایندگان بانخست وزیر شرکت کرده بودند، و گفتند که جو تندی علیه دولت بوده. شب جلسه شورای مرکزی روحانیت مبارز داشتیم و درباره مجلس

۱- مرحوم ابولفضل تولیت در سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نماینده مردم قم در مجلس شورای ملی بود و نیابت تولیت آستان حضرت معصومه در قم رانیز برعهده داشت. وی ارتباط میان دربار پهلوی و مراجع تقلید حوزه علمیه قم رانیز برعهده دار بود. مرحوم تولیت در مقاطعی از نهضت اسلامی، به انقلابیون کمک می‌کرد که مشروح آن در کتاب "هاشمی رفسنجانی - دوران مبارزه صفحات ۱۷۵، ۲۷۲، ۲۸۲، ۲۸۴" آمده است. شرکت طاهر در واقع مؤسسه خیریه‌ای بود که با ثروت بجای مانده از وی تشکیل شده بود و دادگاه انقلاب درباره مصادره یا عدم مصادره آن شک می‌کرد.

خبرگان بحث شد. پیشنهاد شده بود که ما و جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] کاندیدا ندهیم ولی تصویب نشد. راجع به هیئت اجرایی هم بحث شد و چند نفر جدید انتخاب شدند. آخر شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۸ مهر

تا ساعت نه مطالعه کردم و سپس به دفتر امام رفتم. با آقای [محمد محمدی] ری شهری و آقای [سید حسین] موسوی تبریزی و احمد آقا، برای رسیدگی به اموالی که از بیت المال در اختیار آقای [سید کاظم] شریعتمداری بوده، جلسه داشتیم. قرار شد که اموال غیر منقول در اختیار شورای تبلیغات قرار گیرد و بخشی از اموال نقد (حدود سیزده میلیون ریال) با اجازه امام به حزب جمهوری [اسلامی] داده شود. آقای [محمد محمدی] ری شهری خبر از کشف شبکه مجاهدین خلق در ارتش داد که مسئول کشتار و ترور پادگان لویزان است و راجع به مسایل امنیتی و اطلاعاتی و دادگاه‌های انقلاب بحث شد.

نزدیک ظهر به مجلس رفتم. آقای [مرتضی] الویری آمد و راجع به استعفا از سازمان مجاهدین انقلاب [اسلامی] که پس از اختلافات، کارایی خود را از دست داده مشورت کرد. عصر جلسه هیئت رئیسه داشتیم. درباره تعیین دستور هفتگی، تعویق جلسه با هیئت دولت به خاطر معلوم نبودن دستور، انجام استیضاح وزیر مسکن، مسافرت خارجی نمایندگان و مراعات حال کارکنان مجلس و ... تصمیم گیری شد.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای با سران سه قوه جلسه مشورتی داشتیم. درباره ترمیم کابینه، علاج گرانی و کمی کالاهای مورد نیاز مردم و شرایط صلح با عراق بحث کردیم. شام را مهمان رئیس جمهوری بودم. چلوکباب از بیرون آورده بودند. آخر شب به مجلس رفتم و خوابیدم. آقای [اسدالله] لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] تلفن کرد و گفت که دادستان کل کشور پرونده انفجار نخست وزیری را به ایشان محول کرده، احتمالاً باید بعضی از افراد سطح بالای دولت به بازجویی احضار شوند. گفتم، بدون اطلاع مسئولان اصلی اقدام نکنند. این یک اقدام مهم سیاسی - قضایی است که بی اطلاع مسئولان مملکت نباید انجام شود.

پنجشنبه ۲۹ مهر

قبل از جلسه علنی مطالعه کردم. در جلسه علنی چند لایحه تصویب شد و وزیر بازرگانی به سؤالی درباره گرانی و کمبود کالا جواب داد و درباره غیبت غفور [صادقی] گیوی نماینده خلخال که به علت محکومیت به زندان چند ماه غیبت داشته، بحث و رأی‌گیری شد که تصویب شد در مجلس بماند. ظهر جلسه‌ای با بعضی از نمایندگان تهران داشتیم. بعد از ظهر کلاس مواضع حزب جمهوری [اسلامی] داشتیم و ملاقاتی با پاسداران بخش تدارکات سپاه که برایشان صحبت کردم.* شب شورای عالی دفاع داشتیم. درباره طرح دفاع از خارک بحث شد. مصاحبه‌ای انجام دادم* و ساعت دوازده به مجلس رفتم، شام خوردم و خوابیدم. دکتر مغاره‌ای آمد و تزریقی برای اصلاح جای جراحی روی شکم نمود. که مربوط به سوء قصد گروه فرقان است. کلونید مانع اصلاح جای عمل است.

جمعه ۳۰ مهر

تا ساعت نه ونیم در مجلس مطالعه می‌کردم. گروهی از مجاهدان مؤمن لبنان آمدند و خبر وحدت سه گروه از علمای مجاهد، اتحادیه دانشجویان و مؤمنین امل را دادند و مشورت کردند. قرار است شورایی برای تصمیم‌گیری داشته باشند. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم^۱ و نهار به مجلس برگشتم. تا شب در مجلس بودم. آقای [محمود] کریمی نوری سرپرست بنیاد که از طرف نخست وزیر عوض شده، آمد و گله داشت، کمی ناراحتیش را تخفیف دادم و با نخست وزیر صحبت کردم. قرار شد که فردا در مراسم تحویل و تحول مطالبی گفته شود که حیثیت و خدمات ایشان محفوظ باشد. ساعت هشت ونیم به خانه آمدم. مهمان داشتیم، خانه خیلی شلوغ بود و من هم خسته به کتابخانه‌ام پناه بردم تا به نوشتن خاطرات و مطالعه بپردازم.

۱- در این خطبه‌ها علاوه بر ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام، درباره شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی، دستاوردهای انقلاب اسلامی، دموکراسی اسلامی در ایران و اقدامات اقتصادی در جمهوری اسلامی به تفصیل بحث شد. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

خالی

آبان ۱۳۶۱

عکس ماه

شنبه ۱ آبان ۱۳۶۱

۵ محرم ۱۴۰۳

Oct. 23, 1982

تا ساعت سه بعد از ظهر در خانه بودم. فاطمه خانم باقیمانده غذای دیشب را برای نهار گرم کرد. پاسدارها هم کمی از غذای خودشان که از سپاه آورده بودند به ما دادند. احمد آقا آمد و موافقت امام را با ملاقات نمایندگان گروه‌های اسلامی لبنان خبر داد و راجع به شرایط صلح با عراق مذاکره کردیم. امام گفته‌اند که با صدام صلح نمی‌کنیم ولی با شرایطی آتش بس و متارکه جنگ را می‌پذیریم. تلفنی با رئیس جمهوری مذاکره کردم که معلوم شد [احمد] سکو توره که بنا بود بیاید، خودش نیامده و در عوض وزرای خارجه چند کشور واسطه آمده‌اند و پیام آورده‌اند. قرار شد که بعد از ملاحظه پیام، در امر جواب مشورت شود.

ساعت سه و نیم به مجلس رفتم؛ کارهای اداری را انجام دادم و ملاقات‌هایی داشتم. جمعی از نمایندگان فرماندهان نظامی را به مجلس دعوت کرده بودند که درباره مخالفتشان با صلح مذاکره کنند. در مجلس گروهی می‌گویند که تا سقوط صدام و ایجاد حکومت اسلامی در عراق جنگ را ادامه دهیم.^۲

اول شب در دفتر رئیس جمهوری با مسئولان اصلی کشور جلسه داشتیم. درباره گرانی و کمبود کالاهای مصرفی و سود توزیع بحث شد. نخست وزیر راههای علاج را که فکر کرده‌اند گفت و قرار شد که پس از رفع مشکل ارز - که تا حدی رفع شده - و تأمین امکانات خرید و بندر، کالاهای ضروری را به اندازه لازم وارد و توزیع کنیم. درباره کابینه هم بحث و قرار شد که آقای [محمد] خاتمی وزیر ارشاد شوند. آخر شب برای خواب به مجلس رفتم.

یکشنبه ۲ آبان

جلسه علنی داشتیم. او آخر جلسه را به آقای [محمد] یزدی سپردم و به دفتر آمدم. ظهر جمعی از

۱- رئیس جمهور گینه و رئیس هیأت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی.

۲- این گروه متأسفانه در چند سال اخیر به تصور ضعف حافظه تاریخی ملت، به تحریف واقعیت پرداخته‌اند و در نوشته‌ها و گفته‌های خود ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر را زیر سوال برده‌اند.

نمایندگان را در دفترم برای کارهایشان ملاقات کردم. آقای [حسن] کافی که مدتی قبل مورد سوء قصد تروریست‌ها قرار گرفته، سخت مجروح شده، آمد و وجهی برای خرید آمبولانس برای جبهه‌ها آورد و برای ادامه معالجه کمک می‌خواست. عقد ازدواج یک بسیجی را خواندم. فرماندهان ژاندارمری و سیاسی ایدئولوژی عصر آمدند و برای آنها صحبت کردم*. آنها هم گزارش کار سمیناری را که در سیستان داشته‌اند، دادند.

آقای [عباس] مظفر آمد و سناریوی فیلم نهضت جنگل را آورد که من بخوانم و نظر دهم. ضمناً کله‌هایی هم از منزوی شدن بعضی از نیروهای مخلص و فراوانی ناراضی‌ها داشت. شورای مرکزی حزب داشتیم. شرح وظایف مطرح بود؛ جای دفتر سیاسی را مشخص کردیم. عده‌ای به نخست وزیر به خاطر عدم مشورت با شورا در انتخاب وزرای جدید اعتراض کردند. راجع به جایگاه و اعضای شورای استان هم بحث شد. آخر شب به مجلس رفتم. آقای خامنه‌ای نتیجه مذاکرات با میانجی‌های کنفرانس اسلامی را درباره جنگ گفتند. معلوم شد که پیشنهاد تازه‌ای نداشته‌اند و در نتیجه ما هم جواب رد دادیم. ایشان در مصاحبه‌ای میانجی‌ها را تحت تأثیر آمریکا معرفی کردند که لابد به آنها برمی‌خورد.

دوشنبه ۳ آبان

تا ساعت هشت مطالعه کردم. جلسه علنی داشتیم و بدون تنفس تا ظهر ادامه دادیم. پس از نماز و استراحت چند ملاقات انجام دادم. آقای [رضا] سیف‌اللهی و مسئولان اطلاعات مناطق ده‌گانه سپاه آمدند، گزارش کارشان را دادند و وضع موجود ضد انقلاب و امنیت را گفتند. گروهی از مجله امید انقلاب آمدند و از این که به خاطر تخلف از دستور نماینده امام تنبیه و به دایره پرسنلی معرفی شده‌اند، کله داشتند؛ مقاله‌ای علیه آیت الله [سید ابوالقاسم] خوئی و انجمن حجّتیہ چاپ و با وجود منع آقای [محمد رضا] فاخر جداگانه منتشر کرده‌اند و نزد مسئولان از آقای فاخر و آقای [محمد حسن] طاهری خرم‌آبادی و آقای [علی] احمدی انتقاد کرده‌اند. قرار شد که رسیدگی کنم.

آقای [رضا] امراللهی مسئول انرژی اتمی آمد و گزارش کنفرانس سازمان جهانی را در اتریش داد و از این که خدمات هیئت ایرانی در اخراج اسرائیل از آن سازمان در ایران خوب منعکس نشده

است، گله داشت. باز از من برای حمایت از نیروگاه بوشهر قول گرفت. آقای دکتر [عبدالله] جاسبی آمد و راجع به دانشگاه آزاد مذاکره کردیم. قرار شد که به زودی اولین واحد شروع شود. رشته‌ها، تعداد دانشجویان و شرایط دانشجویان و... معین شد. واحد بعدی در مشهد خواهد بود. آقای میرخانی هم آمد و درباره امکاناتی که در رودهن دارند و می‌خواهند - مستقل یا کنار دانشگاه آزاد - از آن استفاده شود، کمک خواست. به خاطر اتهام وابستگی به انجمن حجّیه کارشان دشوار شده است.

جلسه‌ای با سران کشور و مسئولان صداوسیما داشتیم. از نقائص برنامه‌های تلویزیون و نفوذ چپی‌ها در تولید گفتند. تصمیماتی برای رفع کمبود تصاویر و فیلمها و تقویت پایه‌های اسلامی و اخلاقی گرفتند. جلسه مفید و مؤثری بود. شام را مهمان ما بودند. در مجلس ماندم.

ضمناً امروز ناهار را مهمان آقای [محمد مهدی] ربانی املشی همسایه مجلس بودم و درباره مدیریت بیت آیت‌الله منتظری بحث شد.

سه شنبه ۴ آبان

صبح زود آقای [محمد رضا] فاخر آمد و درباره تنبیه متخلفان مجله امید انقلاب توضیحاتی داد. برای انتقال آقای [عباس] شیرازی از بازرسی کل کشور به سپاه مشورت کرد.

تا ظهر به کارهای اداری پرداختم. عراقی‌ها به دزفول و ایلام حمله هوایی کرده‌اند، بیش از بیست نفر را شهید و بیش از صد نفر را مجروح و صد خانه را خراب کرده‌اند. یک مقام عراقی گفته است، اسلحه‌ای در اختیار دارند که به زودی به کار می‌برند و یکصد هزار نفر را نابود می‌کنند. سلاح اتمی و شیمیایی هم نیست و چنین چیزی برای ما شناخته نیست. کمی بررسی و با مسئولان مذاکره شد. احتمال می‌رود که بلوف باشد؛ شاید هم واقعیت.

عصر گروهی آمدند و از فکر تکمیل نیروگاه بوشهر، انتقاد داشتند ولی نتوانستند مراقب کنند. دکتر ابتکار و مهندس سلطان‌زاده از جهاد هم بودند. آقای [محمد علی] نظران هم آمد و راجع به ضعف فرماندهان نیروی هوایی و آینده اطلاعات گفت. آقای دکتر خوانساری و سروان دادفر از وزارت دفاع آمدند و گزارش سفرشان به اصفهان برای بررسی امکان استفاده از اختراع آقای طهماسبی جهت دفاع در مقابل حملات موشکی را دادند؛ حاضر نشده است که به اینها اطلاعاتی

بدهد. قرار شد که تعقیب شود. هم چنین ابتکارشان را در استفاده از رادار A.D.S4 کرج برای سایت هاگ‌های تهران مطرح کردند. موفقیت خوبی است که بتوانیم هاگ‌ها را فعال تر کنیم و مشکل کمبود قطعه را جبران کنیم.

مدیران عامل بانک تجارت و صنعت و معدن هم آمدند و راجع به حذف ربا و صنایع مصادره شده بحث کردند و نگران استفاده سرمایه‌داران از حذف بهره و برگشت صنایع به آنها بودند. شب در دفتر امام با فرماندهان سپاه جلسه داشتیم. امام فرموده‌اند که سپاه سازمان و نظم نظامی بگیرد و انضباط آهنین برقرار شود و سلسله مراتب به وجود آید. در این باره بحث کردیم و قرار شد که ابتدا زمینه سازی و سپس اقدام شود؛ لابد مخالفانی هم دارد.

آقای رئیس جمهوری تلفن کردند و از سوء قصد احتمالی به اینجانب در روز عاشورا خبر دادند که سپاه اطلاع داده است. قرار شد که مواظبت بیشتری بشود.

چهارشنبه ۵ آبان

پس از نماز مقداری در حیاط پیاده روی کردم و نوشتن خاطرات عقب مانده را جبران کردم. تا شب در خانه ماندم. احمد آقا آمد و با ایشان راجع به لزوم همکاری با مسلمانان مخلص فلسطینی و پذیرش مؤمنین آنها در ایران و دادن پایگاه تبلیغاتی به آنان صحبت کردم و قرار شد که با امام در میان بگذاریم. درباره انتخابات و جنگ هم مشاوره شد.

عصر عده‌ای از بچه‌ها به قم رفتند. بیشتر و قتم صرف مطالعه سناریوی فیلم نهضت جنگل شد. به نظرم رسید، از خیانت‌ها و کارشکنی‌ها و فرصت طلبی چپی‌ها و کمونیست‌ها - مخصوصاً حیدر عمو و غلی - غمض عین شده و حتی الامکان آنها را موجه جلوه داده است. از جنبه‌های مذهبی و اهداف اسلامی نهضت و میرزا کوچک خان کمتر نشان داده شده و میرزا آدم ساده و ایده آلیست معرفی شده است. انتقادها را یادداشت کردم. عصر بچه‌های مجلس یک جگرگوسفند، برایمان آورده بودند. فاطمی، اعظم و مهدی از آن شامی ساختند و با پاسدارها خوردیم.

پنجشنبه ۶ آبان

بیشتر به مطالعه و استماع ذکر مصائب پرداختم. بچه‌ها برای شرکت در مراسم عزاداری و دیدن آشیخ حسین هاشمیان - که به علت سکنه قلبی در بیمارستان قلب بستری است - رفتند. نواری را برای جواب دادن به سئوالات حزب جمهوری اسلامی شعبه یزد پرکردم؛ برای ثبت و حفظ تاریخ صحیح انقلاب، سی‌چهل سؤال از کسانی که مستقیماً در انقلاب شرکت داشته‌اند، نموده‌اند. ظهر بچه‌های اخوی و آشیخ محمد [هاشمیان] آمدند. ناهار را از حسینیه جماران که برای عاشورا خرج می‌دادند، گرفتیم و شام هم از همان‌ها خوردیم.

عصر آقای [محسن] دعاگو آمد و راجع به اختلاف نظر با آقای [سیدعلی اکبر] پرورش در خصوص محدود شدن گزینش و ارجاع اختیاراتش به مدیران کل صحبت کرد. آقای دکتر ولایتی هم آمد و راجع به اقدام جدید ایران در سازمان ملل درباره پیشنهاد اخراج اسرائیل - که شکست خورد - و راجع به بعضی کارکنان قدیمی سفارتخانه‌ها که پس از برکناری پناهنده می‌شوند و نیز کشورهای عربی و پاکستان و میانجی‌هایی که جدیداً می‌آیند، صحبت کردیم. آقای نخست‌وزیر تلفن کرد و راجع به وزیر مسکن جدید مشورت کرد. بچه‌ها برای شام غربیان به دفتر مرکزی حزب رفتند.

جمعه ۷ آبان

تا ساعت ده و نیم صبح مطالعه کردم و برای نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. طبق معمول، خطبه‌ای در اقتصاد اسلامی و خطبه‌ای درباره مسایل روز و دستاوردهای انقلاب خواندم^۱ و به منزل برگشتم. عصر کمی در حیاط منزل پیاده روی کردم. شام را آقای مهدیان از مسجد قبا برایمان فرستاد - برای بیت امام هم فرستاده بود. بچه‌ها که به قم رفته بودند، شب از قم آمدند. خبر مهم

۱- در این خطبه درباره وضعیت ایران در زمان پهلوی و تحولاتی که پس از وقوع انقلاب اسلامی رخ داده به ویژه در زمینه موفقیت‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و نظامی بحث شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد

تازه‌ای نداشتیم. تلویزیون بیشتر فیلم‌های عزاداری نمایش داد. الحمدالله خطری که آقای رئیس جمهوری چند روز پیش توجه داده بودند، پیش نیامد.

شنبه ۸ آبان

پیش از ظهر در منزل مطالعه و کار کردم و نزدیک ظهر به مجلس رفتم. عده‌ای از نمایندگان برای کارهای حوزه‌های انتخابیه خود مراجعه کردند. جمعی هم که به جبهه‌ها رفته بودند، گزارش جبهه‌ها و نیازهای آن را دادند. عصر چند ملاقات داشتم. شب جلسه روحانیت مبارز در دفترم برگزار شد. برای مجلس خبرگان و کاندیداها مذاکره صورت گرفت. لیست مدرسین قم خوانده شد که مورد قبول ما هم قرار گرفت و کاندیداهای تهران را به عهده روحانیت مبارز تهران گذارده بودند که ما هم رأی‌گیری کردیم و دوازده نفر را انتخاب کردیم. شام را مهمان مجلس بودند. شب در مجلس ماندم. آقای دکتر [محمدعلی] هادی [نجف‌آبادی] آمد و راجع به لزوم نرمش در سیاست خارجی برای توسعه روابط با کشورهای صنعتی توصیه کرد.

یکشنبه ۹ آبان

تا ساعت هشت مطالعه کردم. جلسه علنی ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه شروع و چند لایحه تصویب شد. ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. عصر ملاقاتی با مسئول بازرگانی بنیاد مستضعفان داشتم. آقای مهری به سیاست‌های تمرکزی و جلوگیری از بخش خصوصی اعتراض داشت و کسی را همراه خود آورده بود که پیشنهاد فروش اسلحه پیشرفته - مثل موشک‌های هارپون، فونیکس و اف ۱۴ و اف ۴ و اف ۱۶ - می‌داد که در ایران هم تحویل داده شود. گفتم که از این ادعاها زیاد بوده و عمل نشده است. اگر راست می‌گوید هارپون را سریعاً تحویل ایران دهد که قرار شد اقدام کنند. امشب جلسه شورای مرکزی حزب در دفتر رئیس جمهوری بود. درباره کاندیداهای میان دوره‌ای و خبرگان بحث شد و آخر شب به مجلس آمدم.

احمد آقا اطلاع داد که امام وصیت‌نامه‌ای در پاکت در بسته برای من فرستاده‌اند؛ پشت پاکت

نوشته‌اند، بعد از مرگ معظم‌له باز شود. هم خیلی متأثر شدم و هم از اعتماد امام ممنون. آقای خامنه‌ای گفتند که برای ایشان هم چنین پاکتی داده‌اند. احمد آقا گفت که برای آقای [حسینعلی] منتظری هم نوشته‌اند. لابد مطلب مهمی در آن است. خداوند عمر امام را طولانی فرماید.

دوشنبه ۱۰ آبان

بعد از نماز تا ساعت هشت و نیم مطالعه کردم. سپس در کمیسیون امور اقتصادی و دارایی شرکت کردم. قراردادهای دولت با ترکیه، پاکستان و سوریه مطرح بود. چون دولت، قبل از تصویب مجلس اجرا کرده است، عده‌ای می‌گفتند که مسکوت بگذاریم ولی قرار شد که بحث و رأی‌گیری و نتیجه به مجلس گزارش شود.

ساعت یازده ملاقاتی با مسئولان جهاد و نیروهای انقلابی و اجرایی‌گرگان داشتم. از اختلاف بین آقایان [سید کاظم] نورمفیدی و طاهری ناراحت بودند و مشکلات درگیری‌های مردم با آقای [محمد] محمدی نماینده مجلس را گفتند. آنها را نصیحت و دعوت به اتحاد کردم و قول تلاش برای حل مشکلات دادم.

دکتر [هادی] منافی آمد و برای رفع آثار سوء اختلاف بین دو جناح تند رو و محافظه کار در دولت استمداد داشت. عصر با هیئت‌های هفت نفری تقسیم زمین‌های کشاورزی ملاقات داشتم، از زحماتشان تشکر کردم و آنها را نصیحت به مراعات قانون و اعتدال کردم.^۱
شب شورای دفاع داشتیم. درباره خواست‌های اسرای عراقی و حفاظت و دفاع از جزیره خارک و عملیات آینده بحث شد و پس از آن مصاحبه کردم.^۲

۱- در این سخنرانی درباره لزوم هوشیاری در انجام وظایف، مسیر حرکت جامعه اسلامی و وجود اختلافات جزئی قابل رفع مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰
۲- در این مصاحبه ایشان گفتند؛ هر هیأت میانجیگری که پیشنهادها را تازه‌ای ندارد، به ایران نیاید.... برخی از اسرای عراق اعتصاب کردند و نامه نوشته‌اند که برای جبران گذشته‌های خود به جبهه بروند و یا برای بازسازی به مناطق جنگی فرستاده شوند و یا از تخصص‌های آنان در خدمت به جمهوری اسلامی ایران استفاده شود که این پیشنهادها در جلسه شورای عالی دفاع مطرح و تصمیماتی گرفته شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

آقای [علی] شمخانی اطلاع داد که امشب در فکه تا دهلران عملیات داریم.^۱ آخر شب به مجلس رفتیم. قبل از خواب آقای [محسن] رضایی از قرارگاه قائم تلفن کرد و اطلاع داد که عملیات از ساعت ده شب شروع شده و خوب پیشرفت می‌کند. باران می‌بارد.

سه شنبه ۱۱ آبان

صبح زود به قرارگاه جبهه تلفن کردم. معلوم شد که عملیات در چهار محور موفق بوده و در یک محور ناکام. ارتفاعات سوق الجیشی و مناطق نفت خیز و چند چاه نفت را که در اشغال عراقی‌ها بوده پس گرفته‌اند و بر شهرک طیب و جاده تدارکاتی عراق مشرف شده‌ایم.^۲ قبل از دستور راجع به فتح صحبت کردم.^۳ دستور جلسه، استیضاح وزیر مسکن آقای مهندس [شهاب‌الدین پروین] گنابادی بود. آقایان [محمدعلی] فردوسی پور و دکتر [حسن] روحانی و [محمدعلی] موحدی ساوجی و [سیدمجتبی] میرجعفری علیه وزیر صحبت کردند. وزیر هم کمی دفاع کرد و بقیه دفاع به جلسه بعد افتاد. در تنفس هیئت رئیسه کمیسیون آیین نامه را انتخاب کردیم. ظهر جمعی از نمایندگان استان کرمان آمدند و از حرکات آقای [مرتضی] فهییم [کرمانی] علیه استاندار شکایت داشتند. دکتر [حمید] بهرامی از لاهه آمده بود و راجع به تردید در صلاحیت آقای

۱- اشاره به عملیات محرم که با رمز یا زینب ع با هدف آزادسازی جبال حمرین در جنوب دهلران در منطقه عملیاتی شرفانی، زبیدات و بیات - جنوب شرقی دهلران در غرب عین خوش - انجام گرفت. در این عملیات بیش از ۵۵ کیلومتر مربع از اراضی میهن اسلامی آزاد و بیش از ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق در نوار مرزی به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

۲- طبق اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیات محرم جاده عین خوش - دهلران به طول صد کیلومتر از زیر دید و تیر دشمن خارج شد. امنیت شهرهای موسیان، دهلران و پادگان عین خوش، دشت اژیبه و دهکده‌های اطراف آن تأمین شد. سلسله جبال حمرین آزاد گردید و جاده ارتباطی طیب - علی غربی و جاده نظامی بغداد - عماره به خطر افتاد. تأمین قسمتی از مرز به طول ۵۰ کیلومتر و آزادسازی منابع نفتی موسیان و بیات و حوضچه‌های نفتی زبیدات و تلمبه‌خانه و حدود ۷۰ حلقه چاه نفتی از دیگر نتایج عملیات محرم بود.

۳- در این نطق پیرامون حمله موفقیت آمیز نیروهای اسلام در عملیات محرم مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس استیضاح وزیر مسکن و شهرسازی

محمدی مسئول دفتر بیانیه الجزایر و آقای کاشانی و اهمیت کار لاهه می‌گفت و منظورش اطمینان پیدا کردن از اعتماد ما نسبت به خودش بود که مطمئنش کردم. عصر آقای الهی رئیس سیاسی ایدئولوژی نیروی دریایی آمد، گزارشی از نیرو داد و انتقادی هم از فرمانده داشت. گروهی از مدیران برنامه ریز آمدند و برایشان صحبت کردم^۱.

با جبهه تماس گرفتیم. معلوم شد که در یک محور هنوز درگیری ادامه دارد. حدود پانصد اسیر گرفته‌ایم. عصر مهندس [مهدی] چمران آمد و از این که در جریان اخیر، بخشی از نیروهای شیعه لبنان به اتهام سازش طرد شده‌اند، گلّه داشت و معتقد بود که سفیر ما عامل وحدت نیست. سرهنگ [محمد] حجازی رئیس شهربانی هم آمد و از سیاسی ایدئولوژی گلّه داشت که زیاد دخالت می‌کنند و حالت پدری و منش روحانی ندارند و ارباب و روش پلیسی از کار آنها برداشت می‌شود و خواستار حمایت بود.

چهارشنبه ۱۲ آبان

صبح زود با آقای رحیم صفوی در جبهه تماس گرفتیم. خبر داد که رخنه نیروهای عراقی سد شده و اسرا به ششصد و پنجاه تن رسیده‌اند و راضی بود. به زیارت امام رفتیم. مدرسین قم و روحانیت مبارز تهران احضار شده بودند. امام نگران پایین آمدن سطح مجلس خبرگان بودند و توصیه کردند که افراد عالم عنوان دار را هم کاندیدا کنیم. سپس جلسه‌ای تشکیل دادیم و تغییراتی در لیست کاندیداها داده شد. ناهار را همان جا در دفتر امام خوردیم و برای استراحت به منزل آمدم. سالاری‌ها مهمانمان بودند.

به مجلس رفتیم. جلسه هیئت رئیسه داشتیم و تصمیماتی در مورد ترمیم حقوق کارکنان مجلس و اتاق‌های کمیسیون‌ها گرفتیم.

شب اطلاع دادند که امروز در جبهه پیشرفت‌های جدیدی داشته‌ایم و ضربه‌هایی وارد کرده‌ایم.

۱- در این سخنرانی اهمیت و اهداف برنامه‌ریزی در کشور تشریح شد و سپس مطالبی درباره لزوم هماهنگی در میان نهادها و لزوم جدیت در انتقال از مرحله انفعالی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد

عکس جبهه

در مجلس ماندم. مطالعه گزارش‌ها و استماع اخبار و قتم را پرکرد. با جبهه تماس گرفتم. گفتند که شب عملیات دارند و می‌خواهند چند ارتفاع را در خاک عراق بگیرند.

پنجشنبه ۱۳ آبان

تا ساعت هشت مطالعه برای کلاس مواضع حزب کردم. جلسه علنی به استیضاح گذشت. بالاخره وزیر مسکن رأی اعتماد گرفت و استیضاح کنندگان از من رنجیدند که از وزیر حمایت کردم و می‌گویند که او به خاطر حمایت تو رأی آورد. واقعیت این است که اظهاراتشان ضعیف بود. عصر از دفتر مشاورت [ارتش] آمدند. مخالف خرید رادار مار تلو از انگلستان بودند که وزارت نفت پیشنهاد داده است. کلاس مواضع داشتیم و بحث در تولید و مالکیت شخصی بود. ملاقاتی با اساتید دانشگاه و اعضای جامعه اسلامی دانشگاهیان داشتم. گزارشی دادند و من هم مفصلاً درباره علم و دانش صحبت کردم.^۱

شب [جامعه] روحانیت مبارز [تهران] در دفترم جلسه داشت. هم لیست کاندیداهای مجلس خیرگان اصلاح شد و هم عدد اعضا زیاد و قرار شد که آیین نامه عوض شود. به خانه آمدم. اخبار ساعت دوازده شب را گرفتم و خوابیدم. اخبار جبهه خوب است. نزدیک دوهزار اسیر و غنایم فراوان در عملیات محرم گرفته‌اند.^۲

۱- در این سخنرانی درباره لزوم تربیت نیروی انسانی متعهد برای خدمت در جمهوری اسلامی، نقش دانشگاهها و اهمیت علم در اسلام مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- به نوشته کتاب "کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس" در عملیات محرم تعداد کشته و زخمیهای دشمن بیش از ۷۰۰۰ نفر و تعداد اسراء ۳۴۰۰ نفر اعلام شده است. همچنین غنائم پدست آمده از دشمن به این ترتیب گزارش شده است:

- بیش از ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر زرهی.

- ۵۱ قبضه تفنگ ۱۰۶ میلیمتری.

- انواع توپهای ضد هوایی و خمپاره‌انداز.

جمعه ۱۴ آبان

تمام روز در خانه ماندم و اکثراً مطالعه کردم. آقای [سید محمود] دعایی پیش از ظهر آمد و گزارشی از کردستان و آذربایجان غربی داد. از بیت امام با نگرانی خبر دادند که فشار خون امام بالا رفته، با ناراحتی به آنجا رفتم. دکتر [حسن] عارفی حاضر بود و گفت که امام به حال عادی برگشته‌اند و نگرانی رفع شده است. امام خوابیده بودند و گفتند که در سینه‌ام احساس گرفتگی و فشار کردم و نشستم.

ظهر فرماندهان سپاه آمدند و گزارش مبسوطی از عملیات محرم و برنامه‌های آینده دادند. معلوم شد که تاکنون پانصدوسی شهید داده‌ایم و موفقیت‌ها بزرگ است و نقطه بسیار حساس؛ شرحی از سازمان جدید سپاه - که لشکر و سپاه و ارتش تأسیس شده - دادند. اول شب آقای ذبیحی رئیس مدرسه بچه‌ها آمد. احمد آقا نیز آمد و راجع به بنیاد مستضعفان و چیزهای دیگر مطالبی داشت. اخوی محمد شب مهمان بود و آخر شب آقای [سید محمد] غرضی آمد و از این که شورای عالی قضایی در خصوص توافق‌های کمیسیون خاص در اختلافات با طرف‌های خارجی اشکال کرده، ناراحت بود و گزارشی از کارها داد.

شنبه ۱۵ آبان

بعد از نماز و کمی مطالعه به زیارت امام رفتم. از محتوای وصیتی که امانت نزد من گذاشته‌اند، پرسیدم که فرمودند، کارهای شخصی ایشان است و خبر دادند که وصیت سیاسی‌شان را در نزدیک به سی صفحه تهیه کرده‌اند که هنوز امضا نشده. راجع به پذیرش دانشجویان گروه‌های چپی در دانشگاه مذاکره کردیم که قرار شد، افراد غیر خطرناک را با تعهد و به طور مشروط بپذیریم. راجع به مالیات نظرشان را خواستم. فرمودند که دولت در حد نیاز و با مراعات عدالت می‌تواند مالیات

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

- بیش از ۲۵۰ دستگاه خودرو.

- چندین دستگاه موشک انداز مالیوتکا.

وضع کند.

بعد از ظهر آقای صیاد شیرازی آمد و راجع به حساسیت منطقه عملیات محرم و امکان ایجاد و تشکیل حکومت انقلابی اسلامی عراق آزاد در آن منطقه و در شهرهای العماره و حلفائیه و ... در صورت توسعه مناطق آزاد شده سخن گفت و قرار شد که سریعاً ادامه عملیات را تعقیب کنند و گفت که دیشب عملیات موفق داشته‌اند و فردا شب هم دارند.

به بیمارستان قلب برای دیدن عموزاده آشیخ حسین هاشمیان وکیل رفسنجان رفتیم؛ حالش بهتر است. آنجا آقای [سیدمحمدصادق] لواسانی را هم ملاقات کردم. شب فاطمی گفت که در ناحیه قلبش احساس درد می‌کند. پزشک امام را خواستیم، آمد و گفت چیزی نیست.

احمد آقا آمد و راجع به نظر اخیر امام که همه و دارندگان هر شغل موظفند که برای رفتن به جبهه مراجعه کنند تا این که در حد کفایت تأمین شود، صحبت شد^۱. قرار شد که این نظریه کمی تعدیل شود تا مسئولان مشاغل حساس نروند. امروز از مجلس هم تلفنی راجع به همین مشکل سؤال کردند و قرار شد که از امام توضیح بخواهیم. در اخبار شب، فیلم دیدار خبرنگاران خارجی از منطقه عملیات محرم پخش شد و اظهاراتشان جالب بود.

یکشنبه ۱۶ آبان

صبح زود به مجلس رفتیم. خبر انجام مرحله سوم عملیات محرم در شب گذشته، تصرف سیصد کیلومتر مربع از خاک عراق و چند واحد تولید نفت و شهرک زبیدات و اسارت هزار و پانصد نظامی عراقی و غنائم فراوان را دادند و دستور جلسه، انتقال طرح‌های عمرانی ارتش از وزارت مسکن به ارتش بود که تصویب نشد.

۱- اشاره به استفتائی از حضرت امام (ره) است که در آن از ایشان پرسیده شده "برای کسانی که به تحصیل علوم انسانی یا علوم جدید اشتغال دارند یا به انجام وظایف دیگر برای خدمت به جمهوری اسلامی مشغولند، آیا رفتن به جبهه جنگ مقدم است یا آنکه به کار خود ادامه دهند؟ لطفاً وظیفه را بیان فرمایید."

فتوای امام چنین بود: "در حال حاضر تمام افرادی که قدرت دارند به جبهه بروند باید به مقامات مسؤول مراجعه کنند و چنانچه تشخیص دادند که جبهه به آنها نیاز دارد، واجب است به جبهه بروند و بر هر کار دیگری مقدم است."

ظهر با خبرنگاران داخلی و خارجی مصاحبه تلویزیونی داشتم^۱. عصر برای بررسی لوایح در جلسه نمایندگان شرکت کردم. سه وزیر جدید آقایان [سیدمحمد]خاتمی، [جواد]اژه‌ای و [محسن]رفیق دوست که امروز به مجلس معرفی شده‌اند، مورد بحث بودند. عده‌ای مخالف بودند. آقای [عباسعلی]اختری [نماینده مشهد] هم از این که مجلس تحت تأثیر کلام من رأی می‌دهد، گله داشت. من هم از این جو سازی انتقاد کردم و خواستار استقلال فکری نمایندگان شدم.

ملاقاتی با آقای طاهری گرگانی داشتم. از آقای [سیدکاظم]نورمفیدی شکایت داشت و از ما گله مند بود که رسیدگی نمی‌کنیم. من هم از اختلاف روحانیت گرگان انتقاد کردم. گروهی از حزب الهی‌های وزارت بهداری آمدند و از کارهای خودشان دفاع می‌کردند. در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. بحث در شرح وظایف حزب و انتخابات میان دوره‌ای مجلس بود. به دفترم آمدم و در مجلس خوابیدم.

دوشنبه ۱۷ آبان

تا ساعت ده صبح مطالعه کردم. وزرای به اصطلاح تندرو آمدند و درباره حرکت‌هایی که علیه آنها و بند "ج" قانون حفاظت صنایع و کشاورزی می‌شود، حرف داشتند: آقایان بهزاد نبوی، [حسین]نمازی، [شهاب‌الدین پروین]گنابادی، [محمد]سلامتی، [محسن]نوربخش و....

خلبانی که معتقد است به خاطر مخالفت با کجروی‌های [صادق]قطب‌زاده مغضوب و مظلوم قرار گرفته آمد، سرنوشتی عجیب ادعا می‌کند. با او مذاکره کردم. قرار شد تحقیق کنم.

گروهی از مسئولان نیروی زمینی آمدند و گزارش کارشان را دادند. ابتکاری را که در ثبت تخصص‌های سربازان برای استفاده در محل مناسب - حتی در دوره احتیاط داشتند - توضیح دادند و پیشنهاد رفتن آقای [علی]صیاد[شیرازی] به ستاد را می‌دادند. در فکر قبضه کل نیروانند. در

۱- در این مصاحبه درباره شرایط خاتمه جنگ، پیروزیهای رزمندگان اسلام، ادامه جنگ، کمک کشورهای عرب به عراق، توطئه آمریکا علیه انقلاب اسلامی، برخورد ایران با حامیان عراق، شایعه کمک اسرائیل به ایران، امکان برقراری رابطه ایران با آمریکا، دیدار سران عرب، تفسیر اصطلاح صدور انقلاب، استیضاح وزیر مسکن و شهرسازی و آزادی احزاب مطالبی مطرح شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس محمد خاتمی - میرحسین موسوی - محسن رفیق دوست - جواد اژه‌ای

کمیسیون اصلاح آیین نامه شرکت کردم.

شب در دفتر رئیس جمهور درباره برنامه‌های فرهنگی صداوسیما و استفاده از آنها برای تحصیلات عالی مذاکره شد. قرار شد که با دانشگاه آزاد همکاری شود و تبلیغ اسلام از راه القای غیر مستقیم شود. شام را با آقای خامنه‌ای بودیم و سران جمع بودند و راجع به مسایل مهم کشور بحث کردیم. ساعت دوازده به مجلس رفتیم.

سه شنبه ۱۸ آبان

در جلسه علنی بحث درباره وزرای جدید بود. من هم در موافقت با آنها صحبت کردم^۱. هر سه نفر رأی اعتماد گرفتند. بعد از ظهر با سفیر الجزایر و سفیر یمن جنوبی ملاقات داشتم. اظهارات دوستانه زیادی داشتند. کمیته کشاورزی جهاد هم آمد و گزارشی از کارها و ابتکاراتشان دادند. شب در دفتر رئیس جمهور با حضور نخست وزیر، رئیس کمیسیون ویژه بررسی لایحه تجارت خارجی، وزیر بازرگانی و آقای [محمد رضا] مهدوی [کنی]^۲ از شورای نگهبان، برای تصمیم‌گیری

۱- در این نطق ایشان به عنوان موافق با سه وزیر پیشنهادی نخست وزیر برای بهزیستی، ارشاد اسلامی و سپاه (آقایان جواد اژه‌ای، محمد خاتمی و محسن رفیق دوست) صحبت کرد. ایشان خطاب به مخالفین رأی اعتماد به محمد خاتمی گفت: آقای خاتمی راننده از سال ۴۲، ۴۳ می‌شناسم و دوستان ما اکثراً آنهایی که سابقه زیاد در حوزه دارند، ایشان را می‌شناسند. از آن روزی که ما ایشان را در حوزه شناختیم و تا امروز همیشه به عنوان یک چهره زحمتکش محصل خوش فکر برای ما مطرح بوده است. همیشه این طوری بوده، یعنی من در تمام دوره تاریخم که با ایشان آشنا هستم، یک نقطه ضعف مشخصی از ایشان ندارم که باید برای ماکه در کارهای ظریف با اینها کار می‌کردیم، باید این مسائل روشن‌تر از دیگران باشد. ایشان در سال ۵۷ وقتی که بنا شد به آلمان بروند، با شهید بهشتی ما مشورت کردیم به نظر ما ایشان بهترین چهره‌ای بود که لازم بود آنجا برود. من ایشان را این طور می‌شناختم. شما کیهان پیش از رفتن ایشان و کیهان بعد از رفتن ایشان را در نظر بگیرید. آن جوری قضاوت نفرمایید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- آقای محمد رضا مهدوی کنی در تاریخ ۶۰/۱۲/۲۱ در پی درگذشت آقای ربانی شیرازی، از سوی حضرت امام (ره) به عضویت شورای نگهبان درآمد. در تاریخ ۶۲/۴/۲۹ پس از قرعه‌کشی اعضای شورای نگهبان ایشان از آن شورا خارج گردیدند. (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

درباره سرنوشت لایحه‌ای که از شورای نگهبان برگشته مذاکره داشتیم و قرار شد که به دولت اجازه داده شود که مواردی از صادرات و واردات را به بخش خصوصی واگذار کند. نظری هم هست که از اصل ۴۴ قانون اساسی هم همین مستفاد می‌شود که حاکمیت در اختیار دولت است، نه انحصار در اجرا.

شب به منزل آمدم. فیلمی از عملیات ایران در خاک عراق - در مناطق نفتی و شهرک زبیدات - دیدم. آخر شب همشیره مرحوم آقای شهاب [الدین] اشرافی آمد و برای نجات فرزندش احمد از زندان که جزء گروهک‌هاست و به پنج سال محکوم شده است، کمک خواست. عصر هم گروهی از علمای قزوین آمده بودند و راجع به خبرگان و ضرورت کاندیدا شدن آقای [سید محمد موسوی] خویینی‌ها از قزوین گفتند. [جامعه] مدرسین [حوزه علمیه] قم و [جامعه] روحانیت مبارز [تهران] مخالف کاندیدا کردن ایشانند.

چهارشنبه ۱۹ آبان

تا ساعت سه بعد از ظهر در منزل بودم. احمد آقا آمد و راجع به این که علیه چهره‌هایی مثل آقایان [سید محمد] موسوی خویینی‌ها و [سید محمد] خاتمی و... تلاش می‌شود نگران بود. دیشب آقای [سید محمد] موسوی خویینی‌ها هم همین مطلب را به من گفت. خاطرات عقب مانده را هم نوشتم.

عصر هیئت رئیسه مجلس جلسه داشت. برای تعدیل حقوق کارکنان مجلس، رفع تبعیض و بالابردن حقوق کارکنان عادی تصمیماتی اتخاذ شد. چون کمیسیون‌ها جلو افتاده‌اند و گزارش‌های آنها متراکم شده، قرار شد که در هفته‌های آینده چهار جلسه علنی داشته باشیم. از ستاد نماز جمعه آمدند و درباره ساختن مصلای بزرگ در عباس‌آباد و بودجه نماز جمعه و تبلیغات آن مذاکره کردیم. شب در مجلس ماندم و راجع به درس مواضع مطالعه کردم و به اخبار

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

آقای مهدوی‌کنی در سال ۵۹ نیز به مدت ۵ ماه عضو شورای نگهبان بود که به دلیل پذیرفتن مسئولیت وزارت کشور مطابق قانون از عضویت آن استعفا داد.

گوش دادم.

آخر شب تلفن کردند که عفت به ناراحتی قلبی مبتلا شده و پزشک امام او را به بیمارستان منتقل کرده است. از بیمارستان پرسیدم، گفتند که کسالت عصبی است و قلب سالم است و پس از معاینه به خانه برگشته است. آقای [محمد] امامی کاشانی آمد و راجع به مطالب خطبه‌های جمعه آینده مشورت کرد. فتوحات جدیدی در جبهه [عملیات] محرم، در داخل خاک عراق گزارش شده است.

پنجشنبه ۲۰ آبان

جلسه علنی را به آقای [محمد] یزدی سپردم و برای انجام کارهای عقب مانده به دفترم آمدم. آقای [عبدالله] امامی نماینده تربت حیدریه^۱ برای معالجه در خارج کمک خواست که انجام دادم. عصر کلاس مواضع داشتیم. آقای [عبدالرحیم] گواهی سفیر ما در ژاپن هم آمد و گزارش داد. آقای [محمد حسن] اصغر نیا استاندار کردستان هم آمد و راجع به اختلافش با نهادها گزارش داد. مصاحبه‌ای با صدا و سیما درباره خیرگان انجام دادم*.

[آقای جلال‌الدین طاهری] امام جمعه اصفهان تلفن کرد و از عدم نیاز به خیرگان، به خاطر مشخص بودن رهبری آیت‌الله [حسینعلی] منتظری گفت. شب مسئولان پالایشگاه‌ها آمدند و از موفقیت‌ها گفتند و برایشان صحبت کردم* و در مورد بازسازی پالایشگاه آبادان بحث شد. آخر شب به خانه آمدم. عفت ناراحت بود. برای گرفتن نوار مجدد به منزل امام رفتیم. دکتر امام معاینه کرد و سالم تشخیص داد.

جمعه ۲۱ آبان

خاطرات را نوشتم. آقای محسن رضایی تلفنی اطلاع داد که عراق امروز صبح با چهار تیپ، در

۱- مرحوم حجت‌الاسلام عبدالله امامی نماینده مردم تربت حیدریه در مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶۲/۹/۲۱ در سن ۶۹

سالگی به علت سکنه قلبی وفات یافت.

منطقه عملیات محرم پاتک کرده ولی موفق نبوده، تلفات زیادی داده و هنوز هم درگیریم. نماز جمعه را به آقای [محمد] امامی کاشانی واگذار کردم. عصر یکی از معلمان مدرسه دخترانه پارسا آمد و از کارهای ایزدایی انجمن حجتیه در آنجا در مخالفت با انقلاب می‌گفت؛ بیشتر برداشت بود تا خبر موثق.

شب مسئولان سازمان حج آمدند و آقای [ابوالفضل] توکلی بیناگزارشی داد و از عملکردهای نادرست در اداره تبلیغات حج که منجر به اخراج آقای [سیدمحمد] موسوی خوئینی‌ها شده گفت. آقای علی داودی از رفسنجان آمد. از پیشرفت کارها در کهنوج می‌گفت. در آنجا و در شهر انار بیمارستان می‌سازد.

شنبه ۲۲ آبان

تا ظهر در خانه بودم. ظهر مهمان احمد آقا بودیم. آقای رئیس جمهور و آقای [سیدعبدالکریم] موسوی اردبیلی و آقای [محمد مهدی] اربانی املشی هم بودند. مسایل مربوط به دادگاه مبارزه با منکرات و احتمال فساد مطرح بود. ساعت چهار و نیم بعد از ظهر به مجلس رفتیم. با وزیر خارجه یوگسلاوی ملاقات داشتم. درباره توسعه روابط و تقویت غیر متعهدها و جنگ ایران و عراق مذاکره کردیم. در دفتر رئیس جمهوری جلسه شورای مرکزی روحانیت مبارز بود؛ برای تصمیم نهایی درباره کاندیداهای [مجلس] خبرگان. تا دیر وقت بحث شد و بالاخره تصمیم‌گیری به عمل آمد.

یکشنبه ۲۳ آبان

پیش از جلسه گزارش‌ها را خواندم. جلسه علنی مجلس در دستور کار خود، طرح نوگشایی بعضی از دانشکده‌ها را داشت. علیرغم مخالفت وزیر فرهنگ و آموزش عالی تصویب شد که از فروردین ۶۲ سال اول با دانشجویان جدید شروع شود. ظهر چند ملاقات با نمایندگان و عصر هم چند ملاقات دیگر داشتم. شب با تأخیر در شورای مرکزی حزب شرکت کردم که بحث درباره انتخابات و کاندیداها بود. آقای [عباس] واعظ طبسی هم از خوزستان برگشته بود. برای دیدن کارهای

بازسازی هویزه رفته بود که توسط آستان قدس [رضوی] انجام می‌شود.

دوشنبه ۲۴ آبان

صبح زود به مجلس رفتم. لایحه متمم بودجه در دستور بود. جلسه را به آقای [محمد] یزدی سپردم. به دفترم آمدم. در مجلس اعتراضی از طرف بعضی از نمایندگان در خصوص اعزام هیئتی از طرف رئیس جمهوری به مسکو برای تشییع جنازه برژنف وجود دارد. ظهر چند ملاقات داشتم. عصر در جلسه کمیسیون آیین نامه شرکت کردم. اول شب دوسه ملاقات داشتم. شب در دفترم ماندم و گزارش‌ها را خواندم. مرحله جدید جنگ و ورود ما به خاک عراق و موضع شورای همکاری کشورهای عربی جنوب خلیج فارس در برابر ما، موضوعات مورد بحث محافل سیاسی و خبری است. به نظر می‌رسد که کشورهای عربی وحشت کرده‌اند ولی تاکنون تصمیمی علیه ما اتخاذ نکرده‌اند.

سه شنبه ۲۵ آبان

قبل از جلسه علنی به مطالعه پرداختم. متمم بودجه در دستور بود که کلیات آن تصویب شد. در تنفس با پاسدارانی که از مجلس به جبهه می‌رفتند، خداحافظی و برایشان صحبت کردم.^۱ ظهر معاون وزارت معادن آقای [حسین] محلوچی و رئیس فولاد مبارکه آمدند. راجع به نمایندگی ایشان از کاشان اعتراض داشتند و می‌خواستند که آقای محلوچی در وزارتخانه بماند. امام جمعه فارسان آمد و هدایای مردم را برای جبهه داد. آقای مجید انصاری آمد و اظهارات امام در مورد مسافرت هیئتی از طرف رئیس جمهوری به شوروی را برای تشییع جنازه برژنف گفت که مورد اعتراض عده‌ای از نمایندگان و مردم قرار گرفته

۱- در این سخنرانی ایشان خاطره شهدای عملیات مسلم‌بن عقیل را گرامی داشت و درباره کار برای رضای خدا و جدیت در حفاظت مجلس و برخورد با ضدانقلاب مطالبی بیان داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱،

است. امام فرموده‌اند که اشکالی نداشته و قبل از اعزام با امام مشورت شده بود. عصر ملاقاتی با عده‌ای از مسئولان آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش داشتم و برایشان صحبت کردم^۱. امام جمعه گرگان آقای [سید کاظم] نور مفیدی آمد و راجع به اختلافشان با آقای طاهری گرگانی گفت. سعد مجبر سفیر لیبی آمد و از آمادگی تحویل هواپیمای میگ گفت و از مخالفت با اعلام [تشکیل] مجلس [اعلای انقلاب اسلامی] عراق که قرار است، فردا از طرف مبارزان اسلامی در تهران صورت گیرد و من درباره بعضی از امور نادرست در لیبی تذکر دادم.

آقای صامت فرماندار تهران آمد. گفت وزیر کشور آقای [علی اکبر] ناطق [نوری] به خاطر حجتیه‌ای بودن عزلش کرده است. شب در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. مسئولان دفتر بیانیه الجزایر گفتند که آمریکا تمایل به مذاکره برای حل اختلافات و دعاوی دارد. گفتیم که با احتیاط وارد مذاکره شوند و نتایج را در هر مرحله اطلاع دهند. سپس جلسه سران قوه‌ها بود و راجع به بسیاری از مسایل مهم، مانند حل مشکل تورم، بندرها، جنگ، بازداشت‌ها و مسایل دادستانی بحث شد. امروز اخباری از حملات جدید در جبهه‌ها منتشر شد. شب معلوم شد که ما هم ضرباتی خورده‌ایم و پیشرفت زیادی نبوده است.

چهارشنبه ۲۶ آبان

تا عصر در خانه بودم. استراحت و مطالعه و نوشتن خاطرات عقب مانده و اصلاح دستگاه آب گرم‌کن خانه که خراب شده بود، مشغولم کرد. صبح آقای [سید حسین] موسوی تبریزی آمد و راجع به موضوعی که درباره دایره مبارزه با منکرات از طرف شورای قضایی مطرح شده، پس از ملاقات با امام مطالبی گفت. اخوی محمد و آقای [علی] جنتی هم پس از زیارت امام آمدند و گفتند که آقای [علی] جنتی به جای آقای انوار که به جبهه رفته است، مدیر شبکه یک تلویزیون شده است. احمد آقا آمد و گفت که امام جمعی از ماها را برای موضوعی احضار کرده‌اند. عصر به دفتر امام رفتیم. آقایان خامنه‌ای، [محمد مهدی] ربانی املشی و [سید حسین] موسوی تبریزی و

۱- در این سخنرانی درباره اهداف آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی و اثرات خدمات معلمان بر جامعه اسلامی مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

[سید عبدالکریم] موسوی اردبیلی هم آمدند. راجع به آن موضوع مذاکره کردیم و شب احمد آقا نتیجه را خدمت امام برد و امام اظهار نظر کردند که به بحث خاتمه داده شود و قرار شد که به وقت دیگری موکول کنیم.

تلفنی با مهندس [میرحسین] موسوی درباره کامیون‌ها و حمل و نقل جوجه‌های یک روزه مذاکره کردم و هم با آقای [غلامرضا] آقازاده وزیر مشاور در امور اجرایی. شب به خانه آمدم و به اخبار گوش دادم. امروز از طرف عراقی‌های مقیم ایران [تشکیل] «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» اعلام شد و آقای [سید محمدباقر] حکیم سخنگو معرفی شد. نقطه عطفی در مبارزات اسلامی مردم عراق است.

پنجشنبه ۲۷ آبان

پس از نماز به مجلس رفتم. صبحانه را صرف کردم و کمی از گزارش‌ها را خواندم. جلسه علنی داشتیم. متمم بودجه تمام شد.

آقای [حجت] کشفی ظهر آمد و درباره تشویق هنر اسلامی مطالبی داشت. عصر کلاس مواضع داشتم و سپس ملاقاتی با سینا واحد که از نواقص هنر و فیلم‌ها گفت؛ و با مهندس [موسی] خیر که از نتیجه مذاکرات در لندن برای خرید اسلحه و قطعات گفت.

با آقای دکتر ولایتی هم راجع به مطالبی که فردا در نماز جمعه در توضیح سفر هیئت تسلیت به مسکو باید گفته شود و چیزهای دیگر گفتگو کردیم.

عده‌ای از خلبان‌های هما آمدند و در مورد علت رفتن خلبان‌ها و ضرورت دادن امتیازهایی به آنها مطالبی گفتند و قرار شد که از دولت بخواهیم، در مورد مالیات و... امتیازی بدهد.

شب در جلسه‌ای با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و سران قوا شرکت کردم. درباره دانشجویان و بازگشایی دانشگاه‌ها هم مذاکره کردیم و تصمیماتی گرفتیم. سپس با آقایان خامنه‌ای و [میرحسین] موسوی مذاکراتی داشتیم.

جمعه ۲۸ آبان

تا ساعت ده ونیم مطالعه کردم و سپس به نماز جمعه رفتم^۱. پیش از خطبه‌ها آقای [سیدمحمدباقر] حکیم سخنگوی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق صحبت کرد. بعد از ظهر آقای [سیدجلال الدین] طاهری امام جمعه اصفهان به منزل آمد و راجع به استاندار جدید برای اصفهان و مجلس خبرگان مذاکره کردیم.

اول شب احمد آقا آمد و درباره شورای عالی قضایی و... مذاکره کردیم. آقای درویش هم آمد و چرخ خیاطی را که برای بچه‌ها خریده بود، آورد. مقداری پسته به ایشان هدیه کردیم. تا آخر شب گزارش‌ها را خواندم و به اخبار گوش دادم. آقای باغانی درباره نماینده اردکان تلفنی صحبت کرد.

شنبه ۲۹ آبان

تمام وقت در خانه بودم. گزارش‌ها را خواندم و کمی هم نوشته آقای [حسینعلی] منتظری را درباره نماز جمعه و خمس. پیش از ظهر خانواده‌های دکتر وحید و دکتر واعظی آمدند. ستادی برای کمک به جبهه دارند. مردمی مفید و پرکارند. برای دو سه پاسدار کمک برای خرید خانه گرفتند.

احمد آقا آمد و راجع به شورای قضایی و مسایل دادگاه منکرات صحبت شد. تلفنی با وزیر کشور و رئیس دیوان عالی کشور درباره مسایل مورد علاقه استانداری اصفهان و... مذاکره کردم. از ستاد ارتش طرحی برای عملیات جنگی در منطقه حساسی آوردند که مطالعه کردم. احمد آقا شب اطلاع داد که برج مراقبت فرودگاه دچار آتش سوزی شده است؛ به احتمال قوی خرابکاری بوده است و به پروازها صدمه خواهد زد.

۱- در این خطبه درباره مرگ برژنف رهبر شوروی و توضیح علت شرکت نماینده ایران در تشییع وی، تأسیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، انتخابات مجلس خبرگان و میان دوره‌ای مجلس و مسائل مربوط به جنگ عراق و ایران سخنانی ایراد شد.

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

عکس تبریک نمایندگان بمناسبت تشکیل
مجلس اعلای انقلاب اسلامی صفحه ۱۹۲

یکشنبه ۳۰ آبان

صبح زود به مجلس رفتیم. انتخاب دو عضو برای کمیسیون نظارت براندوخته اسکناس و تفریغ بودجه و اصلاح لایحه شوراها در دستور بود. ظهر چند ملاقات با نمایندگان داشتم و عصر با وزیر خارجه پاکستان و قبل از آن هم با آقای پویا که ایرانی است ولی از پاکستان آمده بود که نظرات من را در مورد پاکستان بفهمد و صحبت از چند میلیارد دلار وام به پاکستان می کرد و از نارضایتی پاکستانی ها از سعودی ها می گفت.

شب جلسه شورای مرکزی حزب بود و بحث در نامزدهای مجلس شورا و خبرگان بود و هم درباره قانون کار و اعتراض به این که روزنامه ها قبل از تصویب این قانون جوسازی کرده اند و جامعه مدرسین قم نیز به جوسازی روزنامه ها و به ویژه روزنامه جمهوری اسلامی اعتراض کرده بودند. در پیش نویس قانون کار بیمه کارگران نیامده و اخراج کارگر تسهیل شده و محافل کارگری آن را ضد حقوق کارگر می دانند و خانه کارگر هم علیه وزیر کار وارد معرکه شده. آقای [علیرضا] محجوب عضو شورای مرکزی حزب و مسئول خانه کارگر در روزنامه مصاحبه کرده. برای خواب به مجلس رفتیم.

آذر ۱۳۶۱

عکس ماه

دوشنبه ۱ آذر ۱۳۶۱

۶ صفر ۱۴۰۳

Nov. 22, 1982

تا ساعت هشت صبح مطالعه کردم. تا ظهر در جلسه علنی مجلس بودم. ظهر سرهنگ حاتمی آمد و از بیکاری گله کرد و کمک می‌خواست. مشکلات مدیریت خود را در دانشکده افسری توضیح داد. آقای غزالی فرمانده سپاه خراسان آمد و از نفوذ خط مجاهدین انقلاب اسلامی در سپاه و مطالبی از سمینار نمایندگان امام در سپاه گفت. نمایندگان آذربایجان غربی هم آمدند و از استاندار آنجا و آقای [علی اکبر] ناطق نوری وزیر کشور به خاطر حمایت از استاندار شکایت داشتند، مصاحبه مطبوعاتی درباره مجلس خبرگان داشتم*.

مستولان سپاه پاسداران و صداوسیما برای رفع گله‌ها و انتظارات طرفین در دفتر من جلسه داشتند که دو ساعتی طول کشید. سپاه توقعات زیادی داشت و در نهایت قانع شد. ابتدا طلبکار بود و در خاتمه بدهکار شد ولی تفاهم برقرار گردید.

آقای [محسن] رضایی اطلاع داد که امروز صدامی‌ها در جبهه عملیات محرم با گازهای اشک آور و شیمیایی حمله کرده‌اند و نیروهای ما کمی عقب نشسته‌اند ولی با حمله مجدد، عراقیها را عقب رانده‌اند. شروع حرکت خطرناکی است. بعث عراق دچار مشکلات جدی در جبهه‌ها شده است و حامیان مستکبرش هم ناراحتند. قاعدتاً هر کاری از دستشان برمی‌آید برای نجات صدام و جلوگیری از پیروزی ماکوتاهی نخواهند کرد. باید برای دفاع از این سلاح خطرناک فکری بکنیم. شب در دفتر کارم ماندم. به اخبار گوش دادم و گزارش‌ها را خواندم. رئیس جمهوری برای شرکت در مراسم هفتم شهدای اصفهان به آن شهر رفته‌اند و سخنرانی کرده‌اند.

سه شنبه ۲ آذر

از ساعت شش تا هشت مطالعه کردم. در جلسه علنی مجلس اسانامه جهاد مطرح است. خیلی معطل می‌شویم، زیرا پیشنهاد اصلاحی زیاد است. خدمات تبلیغی و فرهنگی را از اهداف جهاد حذف کردند و جهادی‌ها خیلی ناراحت شدند. چند سؤال از وزیر کشور مطرح بود. نمایندگان خوزستان علیه سرپرست سابق و فعلی بنیاد امور جنگ زدگان، تند و تهاجمی صحبت کردند. ائمه جمعه خراسان ظهر به دیدن من آمدند. ناهار مهمان مجلس بودند برای آنها و محافظانشان

صحبت کردم*. چند نفر از اهل سنت هم بودند. رهبری آنان با آقای [ابوالحسن] شیرازی امام جمعه مشهد بود. گفتند که در قم فقط آیت‌الله [حسینعلی] منتظری را دیده‌اند. سپس اعضای کمیسیون صنایع آمدند و از توقف قانون حفاظت صنایع ناراحت بودند و چاره‌ای می‌خواستند. آنها می‌گفتند که فشار سرمایه‌داران کار را به اینجا رسانده و در این باره کمی صحبت کردیم.

عصر چند ملاقات داشتم، از جمله، سردفتران بازنشسته که از وزیر دارایی گله داشتند. مصاحبه‌ای داشتم با مجله شاهد از بنیاد شهید^۱. ملاقاتی هم با آقایان [سید تقی] خاموشی و حیدری که از حملات مسئولان شرکت تعاونی پسته رفسنجان به خاطر احساس کارشکنی وزارت بازرگانی در صدور پسته ناراحت بودند. آقای صفایی رئیس سیاسی ایدئولوژی ارتش آمد و از قائم مقام فرمانده نیروی زمینی و رئیس ستادگله داشت و برای کارش کمک می‌خواست. عده‌ای از مسئولان سپاه اول شب آمدند و برای آنها صحبت کردم*. ساعت هشت شب به خانه آمدم. بچه‌های اخوی مرحوم حاج قاسم آمدند. دیر وقت خوابیدیم.

چهارشنبه ۳ آذر

تمام وقت تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر در خانه ماندم. کارم مطالعه و پیاده روی در حیاط خانه بود. ظهر آقای [علی] صیاد شیرازی آمد. از سیاسی ایدئولوژی و ستاد مشترک گله و پیشنهاد تغییر در هر دو را داشت. قرار شد که برای رسیدگی جلسه مشترکی تشکیل شود و طرفین حرفهایشان را بزنند.

عصر جلسه هیئت رئیسه مجلس داشتیم. قرار بود که شب جلسه شورای عالی دفاع در مجلس باشد اما به خاطر خوابی که در مشهد دیده بودند، [آقای خامنه‌ای] رئیس جمهوری، محل [جلسه] را به دفتر خودشان تغییر دادند. در شورا درباره عملیات آینده در داخل خاک عراق، دفاع از خارک و

۱- در این مصاحبه که پانزدهم آذر ۶۱ در هفته نامه شاهد ارگان بنیاد شهید انقلاب اسلامی، به چاپ رسیده است درباره هماهنگی دولت با مجلس شورای اسلامی، نحوه کار مجلس خبرگان، مسأله افغانستان، حمله اسرائیل به جنوب لبنان، بازگشایی دانشگاهها، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و شرایط ایران برای پایان جنگ بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشیمی

بوشهر و دادن پادگان به مجاهدان عراقی، وضع مجاهدان مؤمن لبنان، خرید برای نیروی دریایی (زیردریائی) تحویل محلی برای زندان در رشت و... تصمیماتی اتخاذ شد. مصاحبه کردم* و ساعت یازده به مجلس رفتم. شام عدسی بود که گرم کردند. خبر مهمی در جبهه‌ها نبوده و دو پاتک دشمن دفع شده است.

پنجشنبه ۴ آذر

جلسه علنی داشتیم. اساسنامه جهاد مطرح بود. در تنفس، برای انجمن اسلامی فارغ التحصیلان هند صحبت کردم* که به عنوان تماشاچی به خاطر فشاری که در هند روی دانشجویان می‌آورند، به مجلس آمده بودند. ظهر ملاقاتی با چند دکتر داشتم که طرحی برای تربیت سریع پزشک عمومی داشتند. [آقای عبدالمجید] آقارحیمی نماینده شهر بابک شبیهاتی داشت که جواب دادم. عصر درس مواضع حزب را گفتم. اول شب ملاقاتی با سرپرست دفتر مشاورت و گروهی از حزب الهی‌های صنایع نظامی داشتم که از هیئت مدیره گله داشتند. سپس جلسه [جامعه] روحانیت مبارز در دفتر آقای [سید عبدالکریم موسوی] اردبیلی تشکیل شد که راجع به کاندیداهای خبرگان تصمیم نهایی اتخاذ شد.

جمعه ۵ آذر

تا ساعت ده ونیم در خانه مطالعه کردم. نماز جمعه را در دانشگاه اقامه کردم. در خطبه دوم راجع به استحکام جمهوری اسلامی حرف زدم^۱. شب احمد آقا آمد و راجع به ادامه جریان موضوع

۱- در این خطبه ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام در موضوعات اصل ۴۹ قانون اساسی، خمس، تفاوت نظام مالیاتی در اسلام و دیگر کشورها دنبال شد و در خطبه دوم درباره انتخابات مجلس خبرگان و بازتاب جهانی آن، ثبات در جمهوری اسلامی، ایثارگری مردم در جنگ و حماسه‌های بسیجیان مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

عکس نماز جمعه

دادگاه منکرات و شورای عالی قضایی و اظهارات امام گفت. آخر شب آقای مهندس [سید محمد] غرضی آمد. از آقای دکتر [محمد تقی] بانکی و آقای مهندس [میرحسین] موسوی گله داشت و معتقد است که وزارت نفت را عمداً تحت فشار می‌گذارند و امتیازاتی که قانون به آن داده می‌خواهند پس بگیرند و از اختلاف بانخست وزیر در جلسه گذشته دولت گفت. آخر شب به فیلم مسابقه تیم‌های فوتبال ایران و ژاپن در دهلی نگاه کردم.

شنبه ۶ آذر

ظهر آقای [عبدالمجید] معاد یخواه آمد و راجع به دایره تحریر تاریخ انقلاب بحث کرد. به ایشان پیشنهاد کرده‌ام که مسئولیت آن را بپذیرد و ایشان می‌خواهد مستقل باشد و زیر نظر ارگان‌های رسمی نباشد.

آقای محمدی گیلانی تلفن کرد و راجع به کیفر محاربان‌ی که توبه کرده، مصاحبه کرده‌اند و در زندان خدمت می‌کنند و قبلاً دادستانی را از اجرای حکم منع کرده‌ایم، پرسید. قرار شد که از امام بپرسیم. تلفنی از احمد آقا خواستم که نظر امام را بپرسد. او هم پرسید و امام گفته بودند که تابع نظر مسئولان درجه یک باشند و قرار شد که تصمیم نهایی در جلسه‌ای اتخاذ شود.

عصر به مجلس رفتم. کارهای اداری را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. اول شب در دفتر رئیس جمهور با شورای عالی قضایی و احمد آقا درباره تبعات مسایل دادگاه منکرات قم و تأیید مصاحبه کرده، جلسه داشتیم و تصمیم گرفتیم که اعدام نشوند. برای خواب به مجلس رفتم.

یکشنبه ۷ آذر

قبل از ساعت هشت مسئولان جهاد آمدند که از پیشرفت کار اساسنامه ناراحتند. آقای [حسینعلی] منتظری هم شب قبل تلفنی در این باره با من صحبت کردند. امام هم فرموده‌اند که جهادی‌ها را ناراحت نکنند. در جلسه علنی، پیشنهاد ارجاع اساسنامه به کمیسیون برای تصویب بر طبق اصل ۸۵ مطرح شد.

عده‌ای به شدت مخالف بودند و شبهه آیین نامه‌ای هم مطرح بود. من دفاع کردم و تصویب شد.

در تنفس عده‌ای از نمایندگان به من اعتراض کردند. عصبانی شدم و پرخاش کردم. به هر حال کار خوبی شد. هم وقت زیادی از مجلس می‌گرفت و هم چیز خوبی از آب در نمی‌آمد. دو سؤال هم داشتیم که انجام شد.

ظهر چند ملاقات داشتیم. عصر عده‌ای از وزراء آمدند؛ جناح مخالف تمرکز امور اقتصادی در دست دولت از جناح دیگر شکایت داشتند و مدعی کارشکنی از طرف آنها بودند. دعوت به اتحاد و صراحت و رفاقت نمودم و قول دادم که به موارد ادعای کارشکنی رسیدگی می‌کنم. جلسه خوبی بود؛ آقایان [حبیب‌اله] عسکروالادی، [علی اکبر] ناطق نوری و [محسن] رفیق دوست، [احمد] توکلی، [جواد] اژه‌ای، [محمد] غرضی، مرتضی نبوی، [هادی] منافی، ... [در جلسه حضور داشتند].

دکتر [عبدالله] جاسبی آمد؛ راجع به دانشگاه آزاد بحث شد، قرار شد پس از تصویب اساسنامه، کنکور اعلام شود. نظرم را راجع به اساسنامه گفتم. جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. آقای نخست‌وزیر گزارش وضع اقتصادی کشور را گفت، مخالفان او از گزارش ناراحت به نظر می‌رسیدند و پارازیت می‌دادند.

درباره انتخابات آینده بحث شد. آخر شب جلسه سران بود؛ درباره تعقیب حزب توده و میثمی‌ها بحث شد و در حد گرفتن سران حزب توده موافقت شد. مسئولان امنیتی پیشنهاد گرفتن عده زیادی را دادند که نپذیرفتیم. میثمی‌ها^۱ را هم قرار شد به شرط تحویل اسلحه آزاد کنند. و همچنین آقای [داریوش] فروهر^۲ را. شب برای شام و خواب به مجلس رفتم.

۱- "میثمی‌ها" به گروه وابسته به "لطف الله میثمی" گفته می‌شود. وی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران بود که بعدها انشعاب کرد و گروه جداگانه‌ای را با افکار نزدیک به نهضت آزادی تشکیل داد. وی در اثر انفجار نارنجک در سالهای پیش از انقلاب اسلامی دو چشم خود را از دست داده است. بعد از وقایع سال ۶۰ این گروه منزوی شدند و در سالهای اخیر مجله‌ای بنام "پیام مجاهد" منتشر می‌کردند.

۲- مرحوم داریوش فروهر از اعضای جبهه ملی فعالیت‌های سیاسی خود را از دهه سی آغاز کرد و در کابینه دولت موقت مهندس بازرگان وزارت کار و امور اجتماعی را عهده‌دار بود. وی پس از وقایع سال ۶۰ منزوی و حزب ناسیونالیستی کم‌طرفداری را رهبری می‌کرد. قتل دلخراش وی و همسرش پروانه اسکندری (فروهر) توسط مخالفان نظام جمهوری اسلامی به موضوع جنجال برانگیزی تبدیل شد.

دوشنبه ۸ آذر

دستور جلسه علنی درباره طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی «اصلاحات ارضی» بود. تعاریف و اصطلاحات تصویب شد. دو سؤال هم انجام گردید. ظهر امام جمعه قروه آمد و از اختلاف استاندار و نماینده امام در غرب [کشور] گفت و از لزوم تأسیس مدرسه علوم دینی برای شیعه؛ قرار شد کمک کنم.

عصر در جلسه نمایندگان عضو حزب جمهوری [اسلامی] شرکت کردم. قرار شد چند حوزه و یک کانون برای نمایندگان [عضو حزب] تشکیل شود. لیست حدود هفتاد نفر که تقاضای عضویت کرده بودند، بررسی شد، اکثراً تصویب و چند نفری هم علامت سؤال داشتند که قرار شد رسیدگی شود. پس از نماز مغرب آقای [خسرو] تهرانی و آقای ایمانی آمدند و راجع به بعضی از مسئولان که احتمال ارتباط و همکاری با اجانب درباره آنها می‌رود، مذاکره شد و راجع به تعقیب حزب توده سؤال کردند که نظر جلسه دیشب را گفتم.

حاج محسن رفیق دوست هم آمد. راجع به صنایع نظامی حرف داشت. سپاه نقشه حضور در صنایع نظامی دارد؛ راجع به هیأت دولت مطالبی داشت.

در دفتر آقای رئیس جمهوری با شورای سرپرستی و مدیر عامل صداوسیما و سران سه قوه جلسه داشتیم. اختلاف هنرمندان اسلامی و غیر اسلامی و اختلاف شورای سرپرستی با مدیر عامل بر سر مدیریت شبکه ۲ مطرح و بحث شد. آخر شب به مجلس آمدم.

سه شنبه ۹ آذر

طرح اراضی مزروعی در دستور بود. سه ماده تصویب شد. عده‌ای از نمایندگان با «ضرورت» مخالفت دارند و ضرورت مبنای بسیاری از مواد است.

ظهر ملاقات‌هایی با چند نفر از نمایندگان داشتیم. آقای مهدوی قائم مقام مسئول تشکیلات حزب آمد و گفت آقای [رضا] زواره‌ای او را کنار گذاشته [است] و معتقد بود که تحت تأثیر موضع‌گیری جناح مخالف دولت آقای [میرحسین] موسوی است. آقای فخرالدین حجازی آمد و توقع داشت که روزنامه و صداوسیما نظرات ایشان را پخش کنند و به ملاقات امام برود. از دفتر

آقای [اسدالله] لاجوردی نامه‌ای آوردند که از عربستان سعودی به دکتر [ابراهیم] یزدی نوشته بودند و مطالب مشکوک و مبهمی داشت.

آقای شیخ عطار آمد. وی تحت تأثیر خطبه‌های نماز جمعه می‌خواست بخشی از سودهایی که از کارش برده به خیریه بدهد. عصر [جمعی از اعضای] انجمن اسلامی دانشجویان هند آمدند و گزارشی از خدماتشان دادند؛ برایشان صحبت کردم^۱.

قضات و مسئولان دادگاه‌های مبارزه با منکرات آمدند و گزارش کارشان را دادند و من هم برایشان صحبت کردم^۲. برای من در جلسه سه‌شنبه نمایندگان برنامه گذاشته بودند که نرسیدم. سفیر آلمان غربی آمد و از تلاشش برای توسعه روابط گفت و از مردمی بودن انقلاب اسلامی. آقای بهزاد نبوی آمد و از مخالفت دکتر [محمود] کاشانی و دکتر بهرامی با آقای محمدی سرپرست دفتر بیانیه الجزایر^۳ گفت و کمک خواست. و نیز برای اختلاف درون دولت کمک می‌خواست و راجع به پروژه عظیم ریخته‌گری اسفراین در ایران مذاکره کردیم. معلوم شد تحت بررسی است. شب به خانه آمدم، عفت کسالت داشت و ناراحت بود. قدری گریه کرد. سعید [لاهوئی] آمد و فشار خونس را گرفت، کم‌کم بهتر شد. با قرص مسکن خوابید. من هم بیخوابی کشیدم.

- ۱- در این سخنرانی درباره فعالیت نیروهای انقلابی در هند، لزوم فعالیت بیشتر برای معرفی انقلاب در خارج از کشور و مسئولیت نسل جوان و قشرهای تحصیل کرده مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰
- ۲- در این سخنرانی درباره روش برخورد جمهوری اسلامی با فساد، ترویج فساد حربه استکبار در مبارزه با نهضت‌های مردمی، فساد در خاندان پهلوی، ویژگی‌های انقلاب اسلامی، لزوم برخورد ظریف با مسأله منکرات و تزکیه نفس مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰
- ۳- دفتر بیانیه الجزایر برای رفع اختلافات مالی بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا براساس بیانیه مشترک دو کشور تشکیل شده بود. این دفتر وظیفه داشت در دادگاه لاهه از ادعاهای ایران در مورد دارایی‌های بلوکه شده و قراردادهای عمل نشده دفاع نماید.

چهارشنبه ۱۰ آذر

فاطمی بعد از دو هفته سفر از رفسنجان آمد. دکتر سعید [لاهورتی] و آقا جلال از فرودگاه او را آوردند. تلفنی با مجلس صحبت کردم و مطالبی به هیأت رئیسه که جلسه داشت، تذکر دادم. آقای [محمدی] اری شهری آمد و خبر از کشف شبکه وسیعی از [حزب] کوموله در تهران و کشف شبکه ضد انقلاب در اداره دوم و گروهی دیگر داد.

شب احمد آقا آمد و از ملاقات گروهی از قضات با امام در رابطه با مسئله منکرات و صراحت آنان و ناراحتی امام گفت. آخر شب آقای نخست وزیر تلفنی از ضرورت تسریع در حل مشکل قانون حفاظت صنایع و دنبال کردن اقدامات آقای [عبدالکریم] موسوی اردبیلی با امام و ارائه راه حل ایشان را خواست. و چون آقای رئیس جمهور در مورد این قانون ملاحظاتی دارند، نمی‌خواست مستقیماً وارد عمل شود و از من می‌خواست که اقدام کنم.

پنجشنبه ۱۱ آذر

پیش از جلسه علنی با فرمانده نیروی زمینی [ارتش جمهوری اسلامی] در مجلس ملاقات کردم. عازم جبهه بود و درباره گردان‌های قدس و... مذاکره شد. [نمایندگان در] جلسه علنی، بالاخره گرفتن اراضی بایر از مالکین را با حدود و قیودی تصویب کردند. در تنفس برای هفتصد نفر از مسئولان بسیجی که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم*. ظهر چند ملاقات با نمایندگان داشتم و عصر کلاس مواضع حزب [جمهوری اسلامی] داشتم و ملاقاتی با فرمانده نیروی دریایی [ارتش جمهوری اسلامی].

مسئول دفتر مشاورت [ارتش] هم به ملاقات آمد و خبر از تعمیر لامپهای کلاسترون و تویسترون رادارها داد که پیشرفتی خوب است. ملاقاتی داشتم با علماء و ائمه جمعه اهل سنت فارس که برای تجدید بیعت با امام آمده بودند و برای آنها صحبت کردم*. ملاقاتی با هفتاد نفر از رؤسای دانشگاه‌ها و مسئولان گزینش دانشجو و استاد داشتم و درباره سیاست گزینش صحبت کردم*. شب جلسه [جامعه] روحانیت مبارز [تهران] در دفتر من تشکیل شد و تصمیم گرفتیم که با حزب جمهوری [اسلامی] در معرفی کاندیداهای تهران ائتلاف شود و در مورد شهرستانها،

[جامعه] روحانیت [مبارز تهران] در معرفی کاندیدا شرکت نکند. آخر شب به خانه آمدم. سرهنگ صیاد [شیرازی] از جنوب تلفن کرد که یک افسر عراقی با خانواده به ایران پناهنده شده و خبر از وضع خراب عراق می‌دهد. آقای خامنه‌ای [رئیس جمهوری] هم تلفنی از من خواستند برای رفع مشکل آقای محمد خامنه‌ای که از طرف شورای نگهبان به خاطر نقص مدارک، اسمش در خبرگان اعلام نشده، کمک کنم.

جمعه ۱۲ آذر

تمام روز در خانه ماندم. نماز جمعه را رئیس جمهور اقامه کردند. مطالعه کتاب خمس آقای منتظری، بیشتر وقتم را پر کرد. عصر آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه آمد و راجع به نتایج سفر هیأت‌های نیوزیلند، پاکستان، یوگسلاوی و بلغارستان و قراردادهای اقتصادی و اعزامی هیأت‌ها به کشورهای آفریقائی و علائم ثبات انقلاب صحبت کرد و در مورد تعقیب «یوف» جاسوس آلمان شرقی که تحت پیگرد مقامات قضائی قرار گرفته و در سفارتشان متحصن شده و مشکلی در روابط ایجاد کرده، چاره جوئی می‌کرد؛ گفتم برای بدست آوردن سرنخ، بهتر است بازجوئی و آزاد شود. در مورد چند نفر از مخالفان عراق که تحت حمایت سوریه مبارزه می‌کنند، و اخیراً پاسپورتشان را مأموران ما ضبط کرده‌اند و سوریه خواهان رفع مشکلشان است، مذاکره شد.

شنبه ۱۳ آذر

تمام وقت در خانه بودم. بیشتر مطالعه می‌کردم؛ کتاب خمس آقای منتظری و گزارشها. ظهر عفت مهمان داشت. یاسر هم که دیشب به خاطر غذاهائی که بیرون خورده، امروز کسل بود و در خانه ماند. اعظم همسر محسن امروز با مادرش از رفسنجان آمد. آقا جلال رفت آنها را از فرودگاه بیاورد. چمدانی از خواهرش آذرگم شده بود و آنها هم به منزل او رفته‌اند. فاطمی هم مطابق معمول به حزب [جمهوری اسلامی] رفت و فائزه در کنکور پزشکی هم شرکت کرده، گویا قبول نشده است. عصر از کارگرانی که کنار منزل مشغول ساختن دو اتاق برای پاسداران هستند، دیدن کردم. بناست پیش ساخته باشد. آهن زیادی به کار برده‌اند، صرف نمی‌کند و خیلی هم پیش ساخته

نیست. به جای جوشکاری پیچ و مهره می‌کنند. شب بیشتر به تلویزیون نگاه کردم. خبر مهمی نداشت. محاکمه سیصد تن در مصر رانشان داد، خیلی شبیه به مسلمانان انقلابی ایران بودند و شعار شهادت و رفتن به بهشت می‌دادند؛ جالب است. عصر آسید حسین [خمینی] نوه امام^۱ آمد و نامه‌ای از آیت‌الله مرتضی حائری آورد که برای سفر یک نفر فلج به خارج [از کشور] کمک خواسته بود.

یکشنبه ۱۴ آذر

مجلس تعطیل است. به خاطر ملاقات‌ها و کارهای اداری به مجلس رفتم. تا ساعت نه ونیم مطالعه کردم. سپس ملاقات‌ها شروع شد. یکی از روحانیون کشمیر هند آمد و مبلغی خمس برای امام آورده بود؛ به دفتر امام معرفی‌ش کردم. شش نفر از سفرا و کارداران جدید عازم محل مأموریت آمدند و در مورد سوابقشان و محل خدمتشان مذاکره کردیم. گروهی از روحانیون خوی آمدند، ضمن ابراز رضایت از وضع عمومی خوی از حاکم شرعشان شکایت داشتند. مراتب را به آقای [موسوی] اردبیلی منتقل کردم، معلوم شد عزل شده است.

آقای فیاض مسئول مرکز اسناد اسلامی آمد و گزارشی از وضع آن سازمان داد؛ جالب است. مدعی بود که بر همه رموز آن سازمان مسلط شده است. (منظور مرکز ساواک رژیم قبل است). آقای کامران مسئول حفاظت نخست وزیری که پس از شهادت رجائی و باهنر به خاطر سهل‌انگاری بازداشت شده بود، آمد و از خودش دفاع کرد و حرفهای قابل قبول داشت. آقای [رضا] امراللهی مسئول [سازمان] انرژی اتمی آمد و از عدم همکاری وزارت دارائی در راه حصول تفاهم با شرکت اُردیف فرانسه گفت.

گروهی از اسرای عراقی را به ملاقات آوردند که خواهان خدمت برای جمهوری اسلامی بودند و از معطل ماندن نیروهایشان گله داشتند. می‌گفتند هفتاد درصد از اسرا شیعه‌اند. آقایان رخ صفت و موسوی آمدند و گزارشی از عملکردشان در مصرف پنج میلیون لیره‌ای که شورای انقلاب برای لبنان داده بود، ارائه کردند؛ هفت چاه عمیق و... معلوم شد هنوز چند میلیون لیره در بانک صادرات ایران در لبنان داریم.

۱- فرزند شهید سید مصطفی خمینی. آیت‌الله مرتضی حائری یزدی پدر بزرگ آسید حسین خمینی است.

عصر آقای [علی] فلاحیان همراه چند نفر از متصدیان دادرسی مبارزه با مواد مخدر آمدند. برای اجرای طرحهای خود و ایجاد اردوگاه [معتادین] و بستن مرزها کمک خواستند که به صورت تلفنی انجام دادم. گروهی از اعضای سپاه پاسداران ایرانشهر آمدند، برایشان صحبت کردم^۱. آخر شب به خانه آمدم. برف می بارید. مهمان داشتیم.

دوشنبه ۱۵ آذر

در خانه ماندم. مطالعه بیشتر و قتم را گرفتم. نخست وزیر تلفن کرد و درباره جذب نیروها پس از اعلام آمادگی پذیرش آنها و در مورد قانون حفاظت کارخانه‌ها و صنایع صحبت کردیم. از دیروز برف متناوباً تا کنون ادامه دارد. مهدی و یاسر به برف بازی در باغچه مشغولند و گاهی هم دعوا می‌کنند. با رئیس جمهور تلفنی صحبت کردم؛ راجع به اختلاف فرماندهان نیروی زمینی [ارتش] با سیاسی - ایدئولوژی و مطالبی که در نیروی هوایی گفته می‌شود؛ قرار شد در این باره جلساتی داشته باشیم.

سه شنبه ۱۶ آذر

امروز هم در خانه ماندم. برف سنگینی باریده و باز هم می‌بارد. آموزش و پرورش مدرسه‌های شمیران را به خاطر بارش برف تعطیل کرده است. چند ساعتی برق جماران قطع شد. با توجه به اینکه بسیاری از وسائل، برقی است، مشکلات بیار می‌آورد. موتور مولد برق اضطراری برای بیت امام وجود دارد ولی اخیراً از منزل ما قطع شده؛ تذکر دادم که وصل کنند. احمد آقا آمد از مذاکراتش با آقای محمدی گیلانی در خصوص مسائل دادگاه منکرات و مخالفت دادستان گفت. گفتم که وقت ملاقاتی به ستاد انقلاب فرهنگی بدهند که خدمت امام برسند و در خصوص بازگشائی دانشکده‌های علوم انسانی صحبت کنند. جامعه مدرسین [حوزه

۱- در این دیدار درباره اهمیت استراتژیک استان سیستان و بلوچستان، تاریخ طولانی محرومیت و امنیت مرزها مطالبی بیان شد.

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

علمیه [قم به منظور تهیه مواد درسی جدید دقت بیشتری می خواهد. به این زودی هم نمی شود کتب مورد نظر را تهیه کرد. باید تدریجاً و ضمن کار انجام شود.

چهارشنبه ۱۷ آذر

سحر بیدار شدیم. مدرسه ها به خاطر بارش برف تعطیل شد. مهدی و یاسر در خانه ماندند. ساعت هشت صبح به مجلس رفتیم. جلسه علنی با یک ساعت تأخیر آغاز شد. برف و یخبندان مانع رسیدن به وقت نمایندگان شد.

ظهر مسئول اطلاعات سپاه و آقای [محمد رضا] فاکر نماینده امام در سپاه آمدند. در مورد حفاظت از امام پیشنهادهای داشتند. آقای [محمد علی] صدوقی نماینده یزد آمد و راجع به اختلاف های آقای [مرتضی] فهیم در کرمان با مسئولان اجرائی گفت.

آقایان [محمد] موسوی خوئینی ها و دکتر [حسین] نمازی و دکتر [محسن] انوربخش آمدند. راجع به حذف ربا مشورت کردند. لایحه از کمیسیون ویژه به این زودیها بیرون نمی آید. بانک ها می خواهند زودتر ربا را حذف کنند. قرار شد ماده واحده ای با قید دو فوریت به مجلس بیاورند که نسبت به آینده، ربا را ممنوع کند و قراردادهای قبلی را حتی الامکان به قراردادهای مشروع تبدیل کنند. عده ای از مدیران کل بهزیستی هم آمدند و از آقای [جواد] اژه ای وزیر جدید شاکی بودند، استعفاء کرده اند. قرار شد صحبت کنم.

عصر وزیر خارجه لیبی و هیأت همراه آمدند. پیام آقای [معمّر] قذافی را ابلاغ کردند و مذاکراتی به عمل آمد.

جلسه شورای عالی دفاع در مجلس تشکیل شد. عملیات آینده را آقای [محسن] رضائی تشریح کرد. خیلی وسیع و مشکل است. مدتی وقت لازم دارد. در کردستان با عملیات ایدائی ضد انقلاب در دو هفته گذشته مواجه بودیم. تعمیر لامپهای کلاستر هاگ ها مورد تقدیر قرار گرفت. آخر شب مصاحبه تلویزیونی داشتم*.

پنجشنبه ۱۸ آذر

پس از نماز و مقداری مطالعه به جلسه علنی رفتیم. ماده ۶ طرح واگذاری اراضی مزروعی که مربوط به فروش اجباری اراضی دائر است، مطرح و خیلی مورد بحث و مشاجره قرار گرفت. دو جلسه وقت گرفته و هنوز تمام نشده. ظهر آقای [رضا] زواره‌ای آمد و راجع به مسکن و... گفت. آقایان [اسدالله] بیات و [رسول] منتجب نیا هم راجع به پیشنهاد آیت‌الله منتظری در خصوص قرار گرفتن واحد نهضت‌ها [ی سپاه پاسداران] تحت اداره روحانیت صحبت کردند و من مخالفت کردم. قرار شد با آقای منتظری صحبت کنیم. عصر هیأت رئیسه جلسه داشت و تصمیماتی اتخاذ شد. شب به منزل آمدم.

جمعه ۱۹ آذر

برای رأی دادن به [انتخابات مجلس] خبرگان و میان دوره‌ای مجلس [شورای اسلامی] به حسینیه جماران - که صندوق مخصوصی آورده بودند - رفتیم و رأی دادیم. امام هم قبل از من رأی داده بودند. مقداری از وقت را صرف دیدن گزارش برگزاری انتخابات کردم. مردم خیلی خوب استقبال کرده‌اند، صفهای طولانی همه جا بوده. خیلی از جاها تعرفه رأی کم آمده. دشمنان خیلی تلاش کردند که مردم را از شرکت در انتخابات دلسرد کنند. شرکت وسیع مردم، دشمنان را مأیوس و دل سرد می‌کند. بعضی از علما هم که بی تفاوت بودند، بالاخره در آخرین ساعات اطلاعیه دادند. شب ضد هوائی‌های بیت امام عمل کردند؛ گویا شیئی نورانی مشکوک در فضا دیده شده. آقای فیاض مسئول مرکز اسناد اسلامی آمد و گزارشی از وضع فراماسون داد. به نظر آنها خیلی جریان وسیع، عمیق، خطرناک و جهانی است. اما از توضیح اهداف و گردانندگان و... عاجز ماندند. شب بچه‌ها به سینما رفتند و بیرون شام خوردند و برای من هم آوردند.

شنبه ۲۰ آذر

تا ساعت نه صبح مطالعه کردم. سپس به زیارت امام رفتیم. امام از کیفیت برگزاری انتخابات و

عکس وزیر خارجه لیبی

اوضاع مملکت راضی بودند و فرمودند انقلاب تثبیت شده و می‌توانم راحت بمیرم و از آینده مطمئن باشم. گفتم ایران و انقلاب خیلی مدیون و محتاج شماست و امیدواریم که سالهای سال سایه شما بر سر ما باقی باشد. راجع به کیفیت برخورد با مسئله فلسطین و فلسطینی‌ها با ایشان مذاکره و هم راجع به جامعه مدرسین قم و حزب جمهوری اسلامی و چیزهای دیگر صحبت شد. امام سرحال بودند.

تا عصر به مطالعه پرداختم. عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد و راجع به تأسیس مرکزی برای نوشتن تاریخ انقلاب به سرپرستی ایشان و اینکه این مرکز تابع کدام ارگان رسمی باشد، صحبت شد. پیشنهاد کرد که تابع نهاد ریاست جمهوری یا بیت امام باشد. احمد آقا تلفن کرد و از اینکه در بسیاری از جاها انتخابات احتیاج به مرحله دوم دارد و این کار مشکلی است نگران بود؛ ولی با قانون فعلی چاره‌ای نداریم.

یکشنبه ۲۱ آذر

جلسه علنی داشتیم. به خاطر سرما خوردگی در منزل ماندم. آقای [محمد] یزدی مجلس را اداره کرد. بحث در ماده ۶ طرح اصلاحات ارضی بود که باز هم ناتمام ماند. سه روز همین یک ماده وقت گرفته، یک روز دیگر لااقل وقت خواهد گرفت. تمام روز مطالعه کردم. ظهر با آقای رئیس جمهور تلفنی صحبت کردم. راجع به کارهای آینده و ایجاد سازمان تحریر تاریخ انقلاب و از گرفتن اسناد جریان دادگاه منکرات از دادستان کل کشور و ایشان خبر دادم که فیلمی از قیس تهیه شده است و قرار شده چهارشنبه ببینم. فاطمی به حزب [جمهوری اسلامی] رفت و من تنها ماندم.

اول شب احمد آقا آمد و راجع به خوب برگزار شدن انتخابات صحبت کردیم. مجموعاً بسیار خوب شده. در بسیاری از موارد حتی تعداد شرکت کنندگان بیش از فراندوم [۱۲ فروردین ۱۳۵۸] است؛ با اینکه دشمنان خیلی تلاش کردند که تعداد کم شود. شب مقداری با مهدی و یاسر کار کردم فردا امتحان دارند. مصاحبه‌ای هم با نشریه نگهبان انجام دادم.

۱- در این مصاحبه درباره نقش کمیته‌های انقلاب اسلامی در روند انقلاب بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب 'هاشمی

دوشنبه ۲۲ آذر

صبح زود بچه‌ها به مدرسه رفتند و من به مجلس. قبل از شروع جلسه، گزارشات را خواندم. ماده ۶ طرح اصلاحات ارضی که واگذاری اراضی بایر بزرگ بود، با اکثریت ضعیف تصویب شد. ظهر گروهی از مریبان رامیان آمده بودند، برایشان صحبت کردم^۱. چند نفر از کارکنان مجلس آمدند برای مسکن و کارهای رفاهی دیگر.

جلسه‌ای با حضور [اعضای] کمیسیون ویژه طرح [ایجاد وزارت] اطلاعات و با حضور رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس دیوان عالی کشور و فرمانده سپاه داشتیم. بحث در این بود که اطلاعات در اختیار چه قوه و مرکزی باشد. بیشتر متمایل به این شدیم که در اختیار دولت و وزارت مستقل باشد. شام را هم مهمان مجلس بودند.

آخر شب به خانه آمدم. مقداری با بچه‌ها که مادرشان در سفر است، صحبت کردیم. اخبار می‌گوید در انتخابات خبرگان تهران آقای خامنه‌ای اول و من دوم هستم و دیگران عقب‌تر. تازه مهمی نداشتیم. بحث روز استقبال وسیع مردم از انتخابات است که نشان تثبیت انقلاب و باعث یأس دشمنان است.

سه شنبه ۲۳ آذر

به خاطر تعطیل عمومی در خانه ماندم. مطالعه گزارشها و قدم زدن و قتم را پرکرد. یاسر و مهدی هم همکلاسیها را آورده بودند که با هم درس بخوانند و برای امتحانات ثلث اول آماده شوند. از روزهای نادری بود که مراجعه کم داشتم و نسبتاً استراحت نمودم. آقای [سیدحسین] موسوی تبریزی تلفنی از من خواست که ستاد نماز جمعه تهران را قانع کنم که مراسم جمعه ۲۲ بهمن به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱- در این سخنرانی درباره حرکت انبیاء به سوی خدا، حکومت توحیدی و وظایف سنگین امور تربیتی در نظام اسلامی مطالبی

بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس انتخابات - مجلس خبرگان

خاطر مراسم جشنها، به جای دانشگاه تهران در میدان آزادی انجام شود.

چهارشنبه ۲۴ آذر

صبح زود به مجلس رفتیم. به خاطر برف و تأخیر نمایندگان، مجلس با تأخیر یک ساعته شروع شد. نطق‌های قبل از دستور را حذف کردیم. من هم به خاطر تأخیر نمایندگان کمی عصبی بودم و در اداره مجلس به بعضی از نمایندگان پرخاش کردم ولی آنها تحمل کردند. در تنفس برای گروهی از کارگران عضو حزب جمهوری [اسلامی] صحبت کردم.^۱

ظهر پس از نماز چند ملاقات داشتم. تیمسار ظهیرنژاد رئیس ستاد ارتش آمد و برای اثبات وفاداری خود و ابراز براءت از بنی صدر و علاقه به خدمت به اسلام صحبت کرد. به ایشان اطمینان دادم. عصر دکتر [عبدالله] جاسبی و همکاران مقدماتی دانشگاه آزاد آمدند. گزارشی دادند، من هم برایشان صحبت کردم.^۲ جلسه هیأت رئیسه داشتیم.

پس از جلسه به مقر ریاست جمهوری رفتیم. فیلمی از زندگی و شهادت قیس بن مسهر صیداوی تهیه کرده‌اند، تماشا کردیم، خیلی جالب است. بیش از دو ساعت فیلم است. آغاز حرکت بسیار خوب هنری است. آخر شب هم با رؤسای کشور درباره سیاست جنگ و سیاست اقتصادی و خارجی بحث‌های مفیدی کردیم و تصمیماتی اتخاذ شد. برای خواب به مجلس رفتیم.

ساعت دوازده اخبار را گرفتیم. پیام مهمی از امام صادر شده که از افراط‌کاری‌ها و ایداء مردم و تجسس و شنود و تصفیه‌های بیجا منع کرده‌اند. خیلی پیام مؤثری است. تحت تأثیر شرکت وسیع مردم در انتخابات صادر شده است.^۳

۱- در این سخنرانی درباره نقش کارگران در انقلاب اسلامی و لزوم تلاش بیشتر در بخش صنعت مطالبی مطرح گردید. رجوع

کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی درباره اهداف تشکیل دانشگاه آزاد اسلامی و مشکلات فراراه آن و لزوم مردمی کردن این دانشگاه مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳- صحیفه نور - مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره). انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - جلد نهم -

عکس از امام خمینی

پنجشنبه ۲۵ آذر

قبل از دستور درباره پیام امام صحبت کردم^۱. جلسه را بدون تنفس تا ظهر ادامه دادم. پس از جلسه و نماز چند ملاقات داشتم. عصر کلاس درس مواضع حزب جمهوری اسلامی برگزار شد و سپس برای فرماندهان گروه‌های قدس که فرمانده نیروی زمینی به مجلس آمده بودند، به طور مفصل صحبت کردم^۲. ملاقاتی با دکتر نراقی داشتم؛ محققى که لامپهای رادارهای هاگ را تعمیر کرده کار بزرگی است. سپس مطالعه گزارشها و ساعت هشت به خانه آمدم. تا آخر شب با بچه‌ها سرگرم بودم و فیلم می‌دیدم.

جمعه ۲۶ آذر

تا ساعت ده ونیم در خانه برای خطبه‌ها مطالعه کردم. به دانشگاه تهران برای اقامه نماز جمعه رفتم. خطبه‌ها را خیلی مفصل و طولانی خواندم^۳. قبل از من هم آقای [محسن] قرائتی سخنرانی خوبی داشت. عصر در خانه تنها بودم. آخر شب بچه‌ها آمدند، بیرون شام خورده بودند. برای من هم ساندویچ آوردند. زود خوابیدیم.

۱- متن کامل این پیام در مقدمه همین کتاب آمده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نقطه‌های قبل از دستور سال

۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در خطبه اول بحث عدالت اجتماعی در اسلام با موضوعات؛ برنامه‌ریزی‌های اسلامی برای مبارزه با فقر و تأمین هزینه‌های کشور و حکومت از طریق مالیاتهای اسلامی و مالیاتهای مصوب دولتی، معنای خمس و نظر فقها درباره مصارف خمس پیگیری شد و در خطبه دوم درباره پیروزی جمهوری اسلامی در برگزاری باشکوه مجلس خبرگان رهبری و تحلیل و تفسیر فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی و تأمین امنیت قضایی و اجتماعی شهروندان مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی،

خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

شنبه ۲۷ آذر

تمام امروز در خانه ماندم. اطلاع دادند که صحبت‌های دیروز من در دانشگاه درباره خمس بر پس انداز باعث شده عده‌ای خیال‌کنند دولت از پس اندازهای بانک‌ها خمس برمی‌دارد و ممکن است پولهایی را از بانک بیرون بکشند. برای رفع این خطر مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی کردم و توضیح دادم^۱. بیشتر وقتم صرف مطالعه شد. نهار ماهی پلو داشتیم. عصر فاطمی و فرزانه برای شرکت در مراسم افتتاح دانشگاهها به دانشگاه تهران رفتند^۲.

اول شب احمد آقا آمد و راجع به چند مسأله مذاکره کردیم. شب را بیشتر به گوش دادن به برنامه‌های رادیو و تلویزیون گذرانیدیم. چهل نفر از نمایندگان به امام نامه نوشته‌اند و از تصویب طرح اصلاحات ارضی شکایت کرده‌اند و در امام مؤثر واقع شده و به فکر چاره افتاده‌اند.

یکشنبه ۲۸ آذر

صبح زود بچه‌ها را به مدرسه فرستادم و به مجلس رفتم. لایحه وزارت بهداشت و درمان که از شورای نگهبان برگشته مطرح شد. چون وزرای بهداشتی و علوم مخالف بودند، کار مشکل شد و یک ماه مسکوت گذاشتیم. ادامه بحث در طرح اصلاحات اراضی بود. پیش از دستور آقای [مهدی] طیب [نماینده نائین] به وزارت بازرگانی و آقای پوراستاد حمله کرد. ظهر ملاقاتی با مهندس طاهری درباره کانون حزبی نمایندگان داشتیم. گروهی از کمیته شمیران آمده بودند از مبهم بودن آینده کمیته نگران بودند. دلداریشان دادم.

تا عصر گزارشها را خواندم. آقای [غلامرضا] آقازاده وزیر مشاور آمد. درباره تعاونی کردن قماش و حذف طاقه فروشها مشورت کرد و از اختلاف حزب [جمهوری اسلامی] بندرعباس با امام جمعه آنجا گفت و از اختلاف درون کابینه. سپس آقای [عباسعلی] اختری آمد و مواردی از خلفها

۱- کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- دانشگاههای کشور پس از دو سال تعطیلی با پیام آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور و با حضور آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر و جمعی از شخصیت‌های کشور گشایش یافت. امام خمینی (ره) درباره بازگشایی دانشگاهها فرمود: "از دانشگاه اسلامی ان‌شاءالله بعد از چند سال خواهید دید که چه نتیجه خواهد شد".

راگفت.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] بود. من درس مواضع گفتم و بحث‌های دیگری هم داشتیم. آخر شب به خانه آمدم. مهمان داشتیم. خبر رسید که دیروز دو کشتی در خور موسی هدف عراقیها قرار گرفته و یکی غرق شده است.

دوشنبه ۲۹ آذر

به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. طرح اراضی خیلی طول کشید. ظهر چند ملاقات با کارکنان مجلس و نمایندگان و مراجعان دیگر داشتم. عصر هم دو ملاقات و مصاحبه‌ای با تلویزیون به خاطر توضیح درباره خطبه نماز جمعه گذشته در مورد خمس*، پس از آن مطالب نماز جمعه، ضد انقلاب شایعه پخش کرده که ایران می‌خواهد به عنوان خمس مثل پاکستان یک پنجم پس اندازها را از بانک‌ها بردارند. عده‌ای به بانکها مراجعه کرده‌اند و پولهای خودشان را گرفته‌اند. منجمله رهبر حزب توده [نورالدین] کیانوری؛ بعضی‌ها فکر می‌کنند که توده‌ایها دست اندرکار اخلازند. در مصاحبه توضیح دادم که چنین قصدی نیست. شب در مجلس ماندم. گزارشها را خواندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم و به اخبار گوش دادم. پاسدارها از بیرون برای شام کباب تهیه کردند. ظهر عقد ازدواج فرزند آقای [سید محمد] کیاوش [نماینده بندر لنگه] را خواندم. مصاحبه‌ای هم برای دانشجویان اسلامی آمریکا کردم که توسط آقای لاریجانی ضبط شد*.

سه شنبه ۳۰ آذر

جلسه علنی داشتیم. در تنفس راجع به برنامه سمینار ائمه جمعه کشورهای اسلامی با آقای هادی خامنه‌ای بحث شد. ظهر چند ملاقات داشتم. عصر مهندسان پارس خودرو آمدند که از تبدیل تولید ماشین‌های سواری لوکس به تولید جیب گزارش دادند و برایشان صحبت کردم^۱.

۱- در این سخنرانی درباره تأکید اسلام بر تأمین رفاه مردم، سیاست اقتصادی رژیم پهلوی، صنعت در جمهوری اسلامی، اهداف

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

گروهی از بازاریان آمدند که بیشتر برای پس دادن کارخانه‌های مصادره شده و میدان دادن به بخش خصوصی اصرار داشتند.

پس از نماز مغرب و عشاء آقای دادگر دادستان تهران آمد و راجع به اجرای قانون و حذف محاکم اختصاصی و اطاعت مقامات از قضات و عیوب کادر بیانیه الجزایر مطالبی داشت. سپس آقای بهزاد نبوی با معاونان و مدیران کل وزارت صنایع سنگین آمدند و گزارش کار را به طور مفصل دادند و من هم برایشان صحبت کردم.^۱

در مصاحبه تلویزیونی برای پر کردن فیلمی برای کمیته انقلاب شرکت کردم*. پس از اتمام کارهای اداری به خانه آمدم و شام را با فاطمی و یاسر و مهدی خوردیم. چون شب یلدا بود، هندوانه هم داشتیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

خودکفائی و مواضع انقلاب در برابر سیاست اقتصادی شاه مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی،

سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱- در این سخنرانی درباره دلسوزی مسئولان و پشتیبانی مردم و وظایف وزارت صنایع سنگین مطالبی بیان شد. رجوع کنید ←

کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

دی ۱۳۶۱

عکس ماه

Dec. 22, 1982

۶ ربیع الاول ۱۴۰۳

چهارشنبه ۱ دی ۱۳۶۱

در خانه ماندم. وضع شופاژ و آب گرم خانه نامرتب بود؛ با کمک آقا جلال اصلاح کردیم. استحمام و استراحت و مطالعه و انجام کارهای تلفن و قتم را گرفت. برای خطبه‌های جمعه آینده، بیشتر درباره زکات مطالعه کردم. فاطمی عصر به حزب جمهوری اسلامی رفت و شب دیر وقت با سعید [لاهوئی] آمدند. یاسر و مهدی از مدرسه آمدند، مقداری خوابیدند، خسته بودند و سپس تکالیف مدرسه را انجام دادند. شماره تلفن خانه را عوض کرده‌ایم. از تلفنهای پشت سر هم راحتیم.

پنجشنبه ۲ دی

پس از شروع کار، جلسه را به آقای [محمد] یزدی واگذار کردم و به دفترم رفتم. کارهای عقب مانده را انجام دادم. آقای فاضل هرندی که از طرف آقای منتظری عازم اروپا است، آمد و خداحافظی کرد. آقای خزاعی از کمیسیون اقتصاد آمد و راجع به دزدی از بانک ملی در لندن [گفت که] تصمیم گرفته‌اند در کمیسیون این موضوع را تعقیب کند. آقای [محسن] نوربخش آمد و گفت بعد از خطبه نماز جمعه گذشته من و با مصاحبه‌های متوالی انجام شده عده‌ای پس اندازهای خود را از بانک بیرون کشیده‌اند، قرار شد در خطبه آینده بیشتر توضیح بدهم. عصر کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتم.

از سپاه هم کسی آمده بود و از فعال بودن خط سازمان مجاهدین [انقلاب اسلامی] طرفدار آقای راستی [کاشانی] می‌گفت. فرمانده پایگاه هشتم اصفهان هم راجع به اف - ۱۴ و موشک‌های فونیکس مطالبی داشت. شب در تالار وحدت برای استانداران سخنرانی کردم* و تالار را تماشا کردم. به خانه آمدم. آقای [حسین] مرعشی معاون سیاسی استاندار کرمان آمد و از آقای [مرتضی] فهیم گله داشت و راجع به جامعه دانشگاهیان کرمان مشورت کرد.

جمعه ۳ دی

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتیم^۱. فاطمی و بچه‌ها در منزل عمویشان مهمان بودند. من مهمان دفتر امام بودم و تا شب در خانه تنها بودم. مطالعه می‌کردم و استراحت. گزارشها خبر از توقیف محموله‌های اسلحه ما می‌دهد که از اسپانیا، آرژانتین و ایتالیا می‌آمد. شب بچه‌ها آمدند و اخوی زاده‌ها و دکتر حمید [لاهورتی] و دکتر سعید [لاهورتی].

احمد آقا [خمینی] آمد و شام را با ما خورد و شام همان غذائی بود که از خانه اخوی برای من آورده بودند. پیشنهادی در مورد ایجاد کانال راه آبی بین [دریای] خزر و خلیج [فارس] مطرح شد. قرار شد وقتی برای ملاقات نمایندگان مجلس با امام تعیین شود.

شنبه ۴ دی

تمام وقت در خانه بودم. پیش از ظهر مسئولان پاسداران و حفاظت بیت آمدند و اشکالاتی که در کارشان است از لحاظ معلوم نبودن شخصیت‌های معاف از تفتیش و عدم کنترل بر محافظان احمد آقا و عدم اجازه به تفتیش اجناس و بسته‌هایی که برای مصرف بیت امام می‌رود. من هم مذاکراتی دادم.

عصر مسئول و صاحب کارخانه خانه‌های پیش ساخته آمد و از کارشکنی در کارش گفت؛ کنار خانه برای پاسداران من اتاق می‌سازد. اول شب دادستان انقلاب [اسلامی]، مسئول اطلاعات سپاه و مسئول اطلاعات نخست وزیری آمدند و راجع به کیفیت برخورد با حزب توده که شیطنت می‌کنند، مشورت شد.

تلفنی با آقای خامنه‌ای راجع به مذاکره با فرمانده نیروی زمینی [ارتش] و مسئول سیاسی ایدئولوژی که اختلاف دارند مذاکره کردیم. و راجع به ملاقات پس فردای دبیران حزب جمهوری

۱- در این خطبه ادامه بحث پیرامون بعد اقتصادی عدالت اجتماعی در اسلام پی گرفته شد و سپس درباره حمله صدام به دزفول، تحلیل پیام هشت ماده‌ای امام و مسأله ازدواج موقت مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال

اسلامی با امام و چیزهای دیگر صحبت کردیم. شب مدتی تئاتر تماشا کردم که نقش طبقه محروم را در انقلاب و جنگ مشخص می‌کرد.

یکشنبه ۵ دی

به مجلس رفتیم. قرار بود قبل از جلسه علنی، آقای [عبدالله] جاسبی برای مذاکره درباره دانشگاه آزاد [اسلامی] بیانند که به خاطر گرفتاری برای کار دبیران حزب جمهوری [اسلامی] که از شهرستانها آمده‌اند، نرسید. جلسه در ادامه طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی بود. دو ماده دیگر تصویب شد. تاکنون هیچ لایحه و طرحی این اندازه وقت مجلس را نگرفته و به نظر می‌رسد، بالاخره هم به جایی نرسد. شورای نگهبان با توجه به عدم اطمینان به رضایت امام، ممکن است جلوی تصویب آن را بگیرد.

ظهر آقای [علی] کاظمی [مومندی] نماینده سلسله [ودلفان] آمد و راجع به آقای حکمت که در سوریه است و در اثر ابراز عدم اطمینان از طرف سفیر ما در سوریه دخترش را ممنوع‌الخروج کرده‌اند، کمک خواست. به آقای [خسرو] تهرانی گفتم اجازه بدهند. هیأت حل اختلافات کارخانه‌های اصفهان آمدند و برای رفع موانع کار منجمله بخشنامه [سازمان] صنایع ملی کمک خواستند. آقای [مرتضی] کتیرائی هم برای ترمیم حقوق کارکنان مجلس به مشورت آمد. عصر کادر بالای وزارت امور خارجه آمدند و گزارش کار دادند و برای آنها صحبت کردم.* آقای [اسدالله] لاجوردی نماینده دادستانی انقلاب در فرودگاه آمد و راجع به چمدانهایی که از طرف مسئولان امنیتی به خارج می‌روند - صحبت کرد.

گروهی از مسئولان نهضت سواد آموزی اصفهان آمدند، موفق به زیارت امام نشده‌اند؛ به ملاقات من قناعت کردند. شب در جلسه‌ای که دبیران حزب جمهوری اسلامی از شهرستانها آمده بودند، شرکت کردیم. آقای خامنه‌ای و من سخنرانی کردیم.* و نماز جماعت خوانده شد. جمعی از ائمه جمعه معتبر هم همراه بودند. سپس جلسه مشورتی راجع به کادر و مسئولان دفتر بیانیه الجزایر داشتیم. تصمیماتی اتخاذ شد و راجع به جنگ و برخورد با حزب توده هم بحث کردیم. امروز خبر رسید که عراق چند ایستگاه رادار ما را در جنوب زده است؛ خیر تلخی است. شام را در دفتر آقای خامنه‌ای خوردیم.

دوشنبه ۶ دی

با [اعضای] شورای مرکزی و دبیران استانهای حزب جمهوری اسلامی به خدمت امام رسیدیم. امام مطالب کلی فرمودند. از حزب جمهوری اسلامی اسم نبردند. مثل اینکه امام صلاح نمی‌دانند که حزب خیلی بزرگ و قوی بشود و نمی‌خواهند که ضعیف باشد یا ضربه بخورد. یک بار در گذشته فرمودند چیزهای تدریجی الحصول را نمی‌شود به طور مطلق تأیید کرد؛ چه می‌دانیم در آینده چه بشود.

در راه رفتن به مجلس به سالن تمرین تیراندازی نخست وزیری رفتیم. با مسلسل و کلت تیراندازی کردم. کلت خودم را هم آزمایش نمودم، خوب نبود. فاطمی هم تمرین کرد. ظهر پس از نماز چند ملاقات داشتم. آقای صادقی معاون وزیر ارشاد آمد و از ضعف عملکرد وزارتخانه گفت و از مخالفت امام جمعه اسفراین با حزب [جمهوری اسلامی]. عصر انجمن اسلامی [شرکت] هما از فرودگاه آمدند و از مدیر عامل هما شکایت داشتند.

گروهی از نهضت سواد آموزی آمدند و خواهان گرفتن امتیازات قانونی بودند و از کمی امکانات و بودجه شاکی بودند. برایشان صحبت کردم*. شب سرپرست جدید بنیاد مستضعفان آمد، گزارشی داد و نسبت به برنامه‌ها مشورت کرد. آقای [ابراهیم] اصغرزاده معاون وزیر ارشاد و مسئول تبلیغات [مراسم] ۲۲ بهمن آمد، گزارشی داد و مشورت کرد. آقای داودی معاون نخست وزیر آمد؛ برای انتخابات [حوزه] اردکان کاندیدا شده است مشورت و پیشنهاداتی در مورد سازمان اداری کشور داشت. آقای پورمحمدی آمد، گزارشی از وضع رفسنجان داد. از آقای هاشمیان گله داشت و پیشنهاداتی ارائه داد. شب در مجلس ماندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. شام کوفته برنجی و شلغم داشتیم.

سه شنبه ۷ دی

با صدای اذان بلندگوی مجلس بیدار شدم. تا شروع جلسه علنی مطالعه کردم. قبل از دستور درباره کنگره امام جمعه‌های سراسر کشور و جهان که امروز در تهران به دعوت آقای منتظری

عکس خدمت امام خامنه‌ای صحبت می‌کند

کارشان شروع شد، صحبت کردم^۱.

طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی از تصویب مجلس گذشت؛ احتمالاً شورای نگهبان مانع ایجاد خواهد کرد. [آقای حبیب‌الله عسکراولادی] وزیر بازرگانی گزارشی به مجلس داد و [آقای محمد سلامتی] وزیر کشاورزی پاسخ سئوالاتی درباره کمبود ماهی.

در تنفس با مسئولان و روحانیون لامرد لارستان ملاقات کردم. برخوردی هم با آقای سیداحمد [مصطفوی] کاشانی نماینده [قمصر] نطنز و آقای [فرج‌الله] واعظی نماینده ابهر داشتم که نامه‌ای به آیت‌الله گلپایگانی نوشته و علیه مجلس در خصوص تصویب اصلاحات ارضی جواب گرفته بودند. ظهر آقای شیخ محمد هاشمیان آمد و ده میلیون تومان و هفت کیلو طلا - کمک‌های مردم رفسنجان برای جبهه - را آورد و راجع به مسائل رفسنجان و دستگیری و آزار گروهی مطالبی گفت. [آقای ابوالقاسم سرحدی‌زاده] وزیر کار هم راجع به معاون معزولش آقای شریفی مطالبی داشت. دو نفر جوان هم آمدند. مدعی اختراع دستگاه حساس نظامی برای هواپیماهای جنگنده برای کور کردن رادار دشمن بودند که به وزارت دفاع معرفی‌شان کردم.

[تعدادی] از پزشکان آمدند و برای احتساب شش ماه اضافه خدمت سربازی در خارج از مرکزشان کمک می‌خواستند و برای رفتن دانشجو به خارج که بعضی از دولتها حاضر نیستند آنها را بپذیرند، چون فکر می‌کنند اینها پاسدارند؛ با وزارت علوم صحبت کردم که برای حل مشکل فکری بشود.

عصر در جلسه حزب الهی‌های مجلس شرکت کردم و یک ساعت راجع به سئوالات و مراعات انضباط صحبت کردم*.

شب سفرای ما در هند و واتیکان و استرالیا آمدند و سپس مسئولان سپاه رفسنجان و حمید بهرامی از لاهه آمد راجع به مسائل بیانیه الجزایر.

۱- در بخشی از این نطق آمده است:

مجلس شورای اسلامی تأکید دارد بر اینکه ائمه محترم جمعه راه اتحاد دنیای اسلام را از طریق اسلام و مساجد و اجتماعات دینی هموارکنند و معتقدیم که هیچ راهی بهتر از همین معبر برای اتحاد و یکپارچگی جهان وجود ندارد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

چهارشنبه ۸ دی

در خانه بودم. بیشتر مطالعه کردم و به کارهای جاری با تلفن پرداختم. عصر به مجلس رفتم. آقای دکتر [عبدالله] جاسبی برای گرفتن امضای اعلامیه دانشگاه آزاد [اسلامی] و امضای چک برای مخارج دانشگاه آمد. قرار شد سه هزار نفر را در نه واحد بپذیریم. جلسه هیأت رئیسه داشتیم. امور اداری و کارکنان و ترمیم حقوق و برنامه هفتگی مورد بحث بود. شب در دفتر رئیس جمهور برای رسیدگی به اختلافات رؤسای نیروی زمینی و سیاسی ایدئولوژی [ارتش] جلسه داشتیم. اعتراضات و گله‌های خود را مطرح کردند. خیلی مهم و ریشه‌دار نبود، تفاهم نسبی پیش آمد. قرار شد همکاری کنند. برای شام و خواب به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۹ دی

صبح زود آقای موسوی اردبیلی به دفترم آمدند و راجع به کیفیت کار ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای امام مشورت کردند و درباره استحکام کار و عدم عجله در اعلام مجرمان قبل از اثبات قطعی جرم و راجع به ترمیم شورای عالی قضائی و تسریع در تصویب لایحه اموال فراریان هم بحث شد.

در جلسه علنی چند لایحه و طرح تصویب شد؛ منجمله طرح حمایت از حرکت‌های اسلامی. ائمه جمعه و جماعات مهمان هفته وحدت به مجلس آمدند و برایشان صحبت کردم^۱. سپس به امامت من نماز ظهر و عصر اقامه شد. ناهار را حدود پانصد نفر مهمان مجلس بودند. تحت تأثیر وضع ساده و صمیمی مجلس قرار گرفتند. یک فلسطینی و امام جمعه مسلمین کانادا سخنرانیهای گرمی کردند. عصر کلاس درس مواضع داشتیم. سپس آقای [مرتضی] الویری آمد و راجع به اعلام استعفای همفکرانشان از سازمان مجاهدین انقلاب [اسلامی] مشورت کرد. شب برای سخنرانی در سمینار فرماندهان سپاه به باغ شیان رفتم. و جواب سئوالاتشان را هم دادم*. روضه هم خوانده شد. آخر

۱- در این نطق ایشان درباره دستاوردهای جمهوری اسلامی، هفته وحدت و قوانین اسلامی سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

مهمانان خارجی دهه فجر

شب به خانه آمدم. با بچه‌ها برنامه [مسابقه] نام‌ها و نشانه‌ها را تماشا کردیم.

جمعه ۱۰ دی

در خانه ماندم. مطالعه و استراحت داشتم. مهدی و یاسر و ناصر همراه با آقامشالله پاسدار با گروه بنیاد شهید برای اسکی به آبدلی رفتند^۱. عصر خیلی شاد و راضی برگشتند. احمد آقاظهر آمد و راجع به ترمیم شورای عالی قضائی و آمدن آقایان مهدوی [کنی] و افراد دیگری از شورای نگهبان به جای آقایان ربانی [ملشی] و مؤمن و جوادی [آملی] بحث شد. امام اصرار به ترمیم دارند. تصفیه دادستانها توسط ستاد پیگیری نشان اشکال در آن سازمان است که ادعای شورای عالی قضائی بود. توسط ایشان پیغام دادم که عجله نکنند تا اطراف قضیه خوب رسیدگی شود. درباره اصرار بر تنبیه معاون وزیر کار خواستم کوتاه بیایند. بی تقصیر است. با آقای [موسوی] اردبیلی و امامی کاشانی هم در این خصوص مذاکره کردم. شب فیلم [آهنگ] پرنداد را دیدم. جالب بود.

شنبه ۱۱ دی

با رئیس جمهور تلفنی صحبت کردم و درباره تغییراتی که بنا است در شورای عالی قضائی و شورای نگهبان داده شود، مشاوره شد. قرار شد جلسه شورای عالی دفاع امشب در دفتر امام باشد. با رئیس بانک مرکزی هم درباره وضع بانک‌ها صحبت کردم. اطلاع داد که پس از مصاحبه، وضع پرداخت و دریافت بانک‌ها عادی شده و پولی که از بانک‌ها گرفته‌اند، نصف آن مربوط به هفته آخر برج بوده. از اینکه نرخ طلا بالا رفته نگران بود. احتمالاً تحت تأثیر گذشتن محرم و صفر و شروع فصل ازدواج و هجوم خرید سکه‌های طلا برای هدیه باشد. درباره حق جعل مالیات از طرف دولت اسلامی و کفارات برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. نزدیک غروب آقای خامنه‌ای به منزل آمدند و قبل از جلسه شورای عالی دفاع راجع به مطالبی که داشتیم، مذاکره کردیم. مخصوصاً درباره ترمیم شورای عالی قضائی و وضع شورای

۱- "آبدلی" بیلاقی است در نزدیکی تهران در جاده شمال.

نگهبان. احمد آقا هم در جلسه بودند.

سپس در دفتر امام، جلسه شورای عالی دفاع تشکیل شد. درباره لبنان مذاکره کردیم. گزارشی از آموزش مردم لبنان دادند؛ قرار شد به کمک‌ها ادامه دهیم. در دفاع از منابع حیاتی در خلیج فارس تصمیمات جدیدی گرفتیم. درباره ترمیم حقوق درجات پایین ارتش و همکاری با هندوستان در خصوص تقویت نیروی دریائی و چیزهای دیگر، تصمیم اتخاذ شد. آخر شب مصاحبه کردم* و به منزل آمدم. سرمای شدیدی جماران را فراگرفته است.

یکشنبه ۱۲ دی

تا ساعت نه در منزل بودم. دختر آقای وافی که قرار بود عقد ازدواجش را امام بخواند با اخوی زاده آقای دعائی به منزل ما آمد؛ به انتظار فرصت و نوبت. فاطمی برای پذیرایی او ماند. بچه‌ها با سعید برای مراسم افتتاح تله کابین توچال به کوه‌های البرز رفتند. من هم به منزل امام برای شرکت در مراسم ملاقات ائمه جمعه و جماعات و شخصیتها در ولادت پیغمبر ﷺ و امام صادق علیه السلام رفتم. در حسینیه [جماران] امام جمعه کنیا و رئیس جمهور و امام صحبت کردند. نزدیک ظهر به خانه آمدم.

آقای [موسوی] اردبیلی گفت که ستاد [پیگیری فرمان هشت ماده‌ای امام] نظرش این است که به خاطر مسائل اخیر رفسنجان، رئیس دادگاه باید معزول شود. ناهار آشپخ محمد هاشمیان به خانه ما آمد و دو سه نفر از نوق که یکی مجروح جنگی بود.

عصر در جلسه افتتاحیه کنگره ائمه جمعه و جماعات شرکت کردم و سخنرانی مفصلی در دستاوردهای انقلاب [اسلامی] ایران کردم*. قبلاً قرار بود درباره نماز جمعه صحبت کنم، چون این بحث تحلیلی لازم‌تر بود از من خواستند که به عهده بگیرم. حضار دور من جمع شدند و عکس گرفتند. آقای رئیس جمهور در هتل شام می‌دهند. من چون کار داشتم نماندم. اول شب به خانه برگشتم. آقای حسین هاشمی نسب که فرزندش در رفسنجان بازداشت است، آمد و از آشپخ محمد هاشمیان شکایت داشت که ملاحظه قوم و خویشی را در پیگیری ندارد.

دوشنبه ۱۳ دی

به مجلس رفتیم. جلسه علنی داشتیم. طرح موجر و مستاجر در دستور بود. در تنفس برای دوپست و سیصد نفر از جانبازان انقلاب خراسان که به مجلس آمده بودند صحبت کردم^۱ و آنها را حجت برای مردم در صبر و مقاومت و مایه تداوم روحیه انقلابی خواندم و از دولت خواستم که وسائل تربیت و تحصیل و جذب به کار مناسب آنها را فراهم کند. ظهر چند ملاقات داشتم. عصر با آقای طالب ابراهیمی وزیر خارجه الجزایر ملاقات داشتم. اطلاع داد که الفتح تصمیم گرفته از راه سیاسی مشکل را حل کند و حاضر نیست در جبهه پایداری فعال باشد و مطالب صریح دیگری گفت و من از ضعف موضع اعراب و امتیاز دادن آنها به آمریکاکانگه کردم. او علت‌ها را توضیح داد. مذاکرات ثبت شده تاریخی است. اول شب فاطمی و یاسر به مجلس آمدند. شام را پاسدارها کباب برایشان خریدند و همانجا خوابیدند. تلفنی با آقای [موسوی] اردبیلی و آقای خامنه‌ای و آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر درباره مسائل جاری و ستاد پیگیری فرمان امام مذاکره کردیم.

سه شنبه ۱۴ دی

به جلسه علنی رفتیم. در ماده نه طرح مالک و مستأجر اصلاحات مهمی شد که به دادگاه‌ها حق می‌دهد در مورد تشخیص عسرو حرج برای مستأجر از [صدور] حکم تخلیه خودداری نمایند. در اصل طرح سقف یک سال بود، این سقف را برداشتیم. ظهر گروهی از نمایندگان که به کردستان رفته بودند، راجع به اختلافات استاندار و سپاه و آقای موسوی نماینده امام گزارشی دادند. آقای فاضل هرنندی هم از آلمان آمده و از اخلال نماینده یکی از نهادها در روابط حزب جمهوری [اسلامی] و دانشجویان می‌گفتند. عصر ملاقاتی با سفیر سوئد داشتم که می‌خواست موافقت ما را برای آمدن آقای اولاف پالمه

۱- در این سخنرانی ایشان درباره نقش جانبازان در انقلاب اسلامی و لزوم تهیه یک طرح عمیق و اساسی برای آینده جانبازان سخن گفت. رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

نخست وزیر سوئد برای میانجیگری در جنگ جلب کنند و نظرات ما را بفهمد و تلاش داشت که اجازه آمدن سفیر انگلیس به ایران را بگیرد.

سپس با ائمه جمعه گیلان ملاقات داشتم که از حزب [جمهوری اسلامی] شکایت داشتند و استاندار. ملاقاتی با ائمه جمعه اهل سنت سیستان داشتم که خواهان توجه بیشتر به اهل سنت سیستان بودند و اعلام وفاداری می نمودند!

بعد از نماز مغرب با سفیر آلمان شرقی ملاقات کردم که از طرف رئیس مجلس آلمان شرقی مرا به آلمان دعوت کرد و شرحی از کمکشان در جنگ داد.

چند نفر از جمعیت مبارزه با [استعمال] دخانیات آمدند و برای شروع [کار] مشورت کردند. کمک خواستند. آماری دادند. قرار شد با امام صحبت کنم. در مجلس هم نهضتی [برای مبارزه با استعمال دخانیات] بوجود آمده. شب به منزل آمدم. از جهاد سازندگی کهنوج آمدند و گزارشی از کارهای عمرانی کهنوج دادند که جالب بود.

چهارشنبه ۱۵ دی

مطالعه در کفارات برای خطبه‌های نماز جمعه نمودم. بیانیه امام درباره انحلال‌گزینش‌ها و انتقاد از عملکرد تند و افراطی حذفی آنان و سؤال‌های بیموردشان منتشر شد. آقای دعاگو معاون وزارت آموزش و پرورش و مسئول‌گزینش آن وزارت آمد و راجع به پیام امام توضیح دادم. احمد آقا ظهر آمد و درباره اینگونه پیام‌های امام و لزوم توجه به آثار آن بحث شد؛ ضمن تحسین اصل اقدام بجای امام که پیام مهمی است برای دلگرم کردن مردم و استعدادها که به آینده خود مطمئن نیستند و جذب نیروها و پاک کردن چهره اسلام از لکه تنگ نظری. احمد آقا از روزنامه جمهوری اسلامی انتظار داشت که در این گونه موارد همکاری بیشتر کنند و در کارها، با نظر مسئولان حزب [جمهوری اسلامی] عمل نماید.

۱- در این ملاقات ایشان سیاست جمهوری اسلامی درباره آبادانی مناطق محروم کشور را تشریح کرد و بر رفع مشکلات منطقه سیستان و بلوچستان قول مساعد داد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم"

پنجشنبه ۱۶ دی

صبح زود به مجلس رفتیم. مقداری از جلسه علنی را اداره کردم و به آقای [محمد] یزدی سپردم و به دفترم برای انجام کارها آمدم. ظهر چند ملاقات داشتم. عصر کلاس درس مواضع حزب جمهوری اسلامی داشتم. سرگرد ترابی از دفتر مشاورت [ارتش] آمد و گزارشی از نیروی دریایی و هوایی داد. بعد از نماز مغرب آقای [ابوالفضل] توکلی [بینا] سرپرست حج آمد از [سید محمد خاتمی] وزیر ارشاد [اسلامی] گلایه داشت. یکی از مسئولان اطلاعات سپاه آمد و راجع به تصمیم در مورد حزب توده پرسید و گزارشی داد.

شب در جلسه‌ای با حضور رئیس جمهور و آقای [محمد مهدی] ربانی املشی شرکت کردم. درباره تصمیم امام در خصوص شورای [عالی] قضائی و تعویض دادستان مذاکره کردیم. آقای ربانی ناراحت است.^۱ امروز نامه‌ای به امام نوشته. پیشنهاد شیعیان دیترویت آمریکا به دیدنم آمد و از جریان ملاقات شخصیت‌های اسلامی با کارتر در جریان گروگان‌گیری آمریکا یهاگفت و دفاعی که از ایران کرده. کتابی از نوشته‌هایش را داد؛ عالم روشنی به نظر می‌رسد.

جمعه ۱۷ دی

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتیم. گروهی از ائمه جمعه و جماعات کنگره وحدت که هنوز در تهرانند، در نماز بودند. درباره مالیات و مسائل روز صحبت کردم. عصر احمد آقا آمد و راجع به مسائل روز و تبعات فرمان امام صحبت کردیم.^۲ دکتر ولایتی آمد و راجع به ضرورت

۱- آقای محمد مهدی ربانی املشی در تاریخ ۶۱/۱۰/۲۷ در پی عضویت آقای شیخ یوسف صانعی در شورای عالی قضایی، به جای ایشان به عضویت شورای نگهبان منصوب شد و در تاریخ ۶۲/۴/۲۹ با انجام مراسم استقراء (قرعه‌کشی) از جمع فقهای شورای نگهبان خارج گردید.

۲- در این خطبه به مباحث ادله قرآنی، روایی و عقلی درباره ضرورت پرداخت مالیات به حکومت اسلامی پرداخته شد و در بخش سیاسی مطالبی در مورد ثمرات حضور ائمه جمعه و جماعات جهان اسلام، فرمان حضرت امام (ره) درباره انحلال (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

حمایت از نیروهای حزب الهی دولت گفت. عازم نیکاراگوئه است، مشورت کرد. ناهار را بچه‌ها در خارج از منزل خوردند و برای من آوردند.

شنبه ۱۸ دی

صبح به زیارت امام رفتم. از آقای ربانی [املشی] دفاع کردم و گفتم مظلوم واقع شده، پیشنهاد تقویت ایشان را در ملاقات کردم. آقای امامی کاشانی هم گفت می‌خواهد در این باره صحبت کند. ایشان راجع به طرح واگذاری اراضی مزروعی معترض بودند و فرمودند ضرورتی در گرفتن اراضی دایر نمی‌بینند و اگر شورای نگهبان هم رد نکنند، خودشان رد می‌کنند. و اصرار داشتند که موارد تشخیص ضرورت در مجلس به آراء بیشتری نیاز دارد. دو سوم آراء حضار و به اضافه نظر کارشناسان لازم است. در مورد جنگ و چیزهای دیگر صحبت کردیم. حالشان خوب است و با نشاط. ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای امام و گروه‌های انتخابیشان هم خدمت امام آمدند. آقای [محمدی] ری شهری پیش از آن به منزل آمد و راجع به گروهی بنام حزب الله انحرافی و گروهی ضدانقلاب نظامی مطالبی گفت و نگران آثار تصمیمات فوق قانونی امام در بیانیه‌های اخیر بود. گزارشهای زیادی راجع به آمار خسارات جنگ و فسادهای خریدهای نظامی در خارج خواندم و با رئیس جمهور و وزیر دفاع تلفنی مذاکره کردم.

یکشنبه ۱۹ دی

صبح زود به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. ظهر چند ملاقات داشتم. برف سنگینی باریده و مدرسه‌ها از ظهر تعطیل اند. وزیر سپاه و معاونین آمدند و گزارشی دادند و من هم برای آنها صحبت

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

گزینش‌ها و حضور نیروهای واکنش سریع آمریکا در منطقه مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشیمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

کردم^۱. وزیر فرهنگ و آموزش عالی با هیأت‌های بازسازی آمدند و با توجه به فرمان امام راهنمایی در وضع جدید می‌خواستند. مفصلاً برای آنها صحبت کردم^۲. گفتم [تعدادی] از افراد را حتی الامکان عفو کنیم، ولی اصل، حفظ سلامت محیط تحصیلی و اسلامی بودن آن باید مراعت شود. اول شب در دفتر آقای خامنه‌ای در شورای مرکزی حزب شرکت کردم. شرح وظایف حزب مطرح بود که مقداری از آن تصویب شد. راجع به برخوردهای روزنامه [جمهوری اسلامی] در خصوص جریان فکری مقابل گروه تندرو بحث شد و به جایی نرسید؛ قرار شد تعقیب شود. شب برای خواب به مجلس رفتم.

دوشنبه ۲۰ دی

به خاطر برف سنگین مدرسه بچه‌ها تعطیل شد. طرح روابط موجر و مستاجر به تصویب رسید. دوسه‌گام به نفع مستاجر برداشته شده. آقای ناطق نوری وزیر کشور که برای پاسخ سؤال به مجلس آمده بود با آقای [محمد] غفاری نماینده سلماس و آقای [کامل] عابدین زاده نماینده خوی برخورد تلخ داشتند. متأسفانه چنین برخوردهائی بین نمایندگان و وزراء زیاد پیش می‌آید. آقای [علی] آقا محمدی [نماینده همدان] شرحی از کار کمیسیون ویژه نظام بانکی داد. عصر در جلسه حزبها در مجلس شرکت کردم. با وزیر دفاع ملاقات داشتم که از کمبود پرسنل شکایت داشت. اول شب ملاقاتی داشتم با علمای قزوین که آقای باریک بین امام جمعه و دبیر حزب [جمهوری اسلامی] از آقای بادامچی گله داشت و در کنار آثار مثبت و مهم از اثر منفی فرمان اخیر امام درباره دادگاه‌های انقلاب و جسارت ضد انقلاب گفت. وزیر کار با معاونان آمدند،

۱- در این دیدار درباره امتیازهای وزارت سپاه و لزوم ایجاد نظم در سپاه مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی

رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی درباره تحركات ضد انقلاب در دانشگاهها در ابتدای انقلاب، اصول اسلام در تفتیش، لزوم رعایت موازین

اسلامی در گزینش‌ها و رهبری خردمندان امام خمینی (ره) مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی،

سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

گزارشی دادند و من هم برایشان صحبت کردم^۱. آقای صالح خونماينده ايران در صندوق بين المللی پول آمد و شرحی از کارهایش داد و اصرار داشت که مجلس با زیاد شدن سهم ايران موافقت کند. در دوره گذشته موافقت نکردیم. گفت حدود سیصد میلیون دلار سهم داریم و ما رئیس گروه هستیم و کرسی داریم. استفاده سیاسی می توانیم بکنیم. شب بچه ها هم در مجلس ماندند.

سه شنبه ۲۱ دی

ساعت پنج بلند شدم. پس از نماز مشغول مطالعه شدم. ساعت هشت آقای مرتضی الویری آمد و از اینکه آقای اکبر پرورش [وزیر آموزش و پرورش] آقای نوروزی دماوندی را از معاونت [وزارت آموزش و پرورش] به خاطر گزارش بازرسی کل کشور عزل کرده، گله داشت. در جلسه علنی، لایحه تعیین تکلیف اموال فراریان تصویب شد. به خاطر شلوغ کاری آقای خلخالی اوقات تلخی کردم. در تنفس برای مسئولان مرکز آموزش غدیر اصفهان که بسیجی ها را تعلیم می دهند، صحبت کردم*.

چهارشنبه ۲۲ دی

تا بعد از ظهر در خانه ماندم. مطالعه می کردم. با مهمانان هم گفتگو کردم. عصر در مجلس هیأت رئیسه جلسه داشت. درباره دستور هفته آینده و کارهای اداری ترمیم حقوق کارکنان بحث و تصمیم اتخاذ شد. با شورای سر دبیری روزنامه کیهان ملاقات داشتم که بر ضرورت انتقاد سالم و برخورد سالم اندیشه ها و استفاده از نویسندگان قوی غیر منحرف تأکید کردم. سپس با وزیر معادن و فلزات و معاونان ایشان ملاقات داشتم که بیشتر درباره پروژه عظیم فولاد مبارکه بحث بود و خواهان تصویب هزینه های خارج از شمول بودند که بتوانند سرعت عمل داشته

۱- در این سخنرانی رسالت انقلاب اسلامی در مسأله کار و کارگر مورد بحث واقع شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی،

سخنرانی های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

باشند و عقب ماندگی را جبران کنند. می‌گفتند سیصد کارخانه در ایتالیا برای این طرح کار می‌کنند. بیست میلیارد تومان در ظرف پنج سال باید خرج شود. شب به خانه آمدم. برف می‌بارید. آقای مهندس [میرحسین] موسوی تلفن کرد که خبرگزاری [جمهوری اسلامی] اطلاع داده است که صادق طباطبائی در آلمان به اتهام قاچاق تریاک بازداشت و با سپردن وثیقه آزاد شده [است]. احمد آقا تلفن کرد و گفت صادق خودش تکذیب کرده و معتقد است که در ساکش گذاشته‌اند؛ توطئه‌ای است. تعویض دادستان کل کشور مواجه با علامت سؤال شده و جواب قانع‌کننده‌ای نداریم به مردم بگوئیم.

پنجشنبه ۲۳ دی

برف می‌بارید. به مجلس رفتیم. جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. نمایندگان مجلس در شورای سرپرستی صدا و سیما انتخاب شدند. در تنفس برای حزب اللهی‌های خرم آباد و بسیج تهران صحبت کردم*.

ظهر دکتر مغاره‌ای و دکتر جزایری آمدند و نسبت به طرح انتقال امکانات آموزشی پزشکی از بهداری به دانشگاهها اعتراض داشتند. امروز سرماخوردگی و تب داشتم و به همین دلیل کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] را تعطیل کردم.

اول شب با شهردار تهران ملاقات داشتم. خواستار تأیید طرح متروی تهران بودم که پذیرفتم موضوع را پیگیری کنم.

با چهار نفر از اساتید چپی دانشگاه ملاقات داشتم که انتقاداتی به ستاد انقلاب فرهنگی و وضع موجود دانشگاهها داشتند. آخر شب به خانه آمدم.

آقای رئیس جمهور تلفن کردند و از اینکه خودم کاندیدای نمایندگی مجلس در [شورای] سرپرستی صدا و سیما نشده‌ام، گله داشتند. ستاد پی‌گیری فرمان امام احاله پرونده آقای [سیدحسین] موسوی تبریزی به دادگاه را به خاطر بازداشت غیر قانونی چند نفر در فرودگاه اعلام کرده است.

جمعه ۲۴ دی

به خاطر تب شدید بد خوابیدم. امروز هم تب دارم. با مسکن خودم را سر حال نگه داشته‌ام. نماز جمعه را آقای امامی کاشانی خواندند. شب تلفنی درباره مطالبی که بهتر است مطرح کند، مشورت کردند. دوسه نفر از قم آمدند و از عزل دادستان انقلاب قم (آقای کرجی) گله داشتند و آن را در اثر اعمال نفوذ بعضی‌ها می‌دانند. مسکن مصرف کردم. فیلم محاکمه اعضای اتحادیه کمونیستها را گذاشته‌اند که مسئول حمله به آمل و کشتار جمعی از مردم بودند. نوعاً متهمان اظهار ندامت و توبه می‌کردند ولی ریاحی رهبر گروه دو پهلوی حرف می‌زد.

شنبه ۲۵ دی

تمام وقت در خانه بودم. برف سنگینی باریده و هنوز هم به طور متناوب می‌بارد. کمی مطالعه کردم و کمی استراحت. هنوز تب دارم ولی تخفیف یافته؛ کسالتی شیوع پیدا کرده. دکتر سعید لاهوتی که به عنوان سرباز در پادگان است، اطلاع داد که او هم آنفلانزا گرفته. پیش از ظهر بچه‌ها از مدرسه برگشتند، به خاطر برف کلاس تشکیل نشده.

آقای صیاد شیرازی آمد و گزارشی از وضع جبهه داد. به زودی حمله وسیعی خواهیم داشت. به ظن قوی سرنوشت ساز است. عصر احمد آقا آمد و گفت فردا می‌خواهد به ملاقات آقای [محمد مهدی] [ربانی] [املشی] برود، برای مذاکره در خصوص سمت جدیدی که ممکن است عضویت شورای نگهبان باشد. همچنین گفت انتساب آقای صادق طباطبائی به حکومت باعث شده است که آلمانها برای گرفتن امتیاز قضیه را بزرگ کنند.

یکشنبه ۲۶ دی

صبح زود به مجلس رفتم. به خاطر اینکه تب داشتم، جلسه را به آقای [محمد] [یزدی] سپردم و به دفترم رفتم. کارهای اداری را انجام دادم و گزارشها را خواندم. دو لایحه جنجالی داشتیم. تفسیر قانون که بین وزارت نفت و سازمان برنامه و بودجه بر سر آن اختلاف است و طرح ادغام مراکز

آموزشی بهداری در وزارت علوم که مورد اعتراض وزارت بهداری است. دو طرف از من کمک می‌خواهند؛ هر دو موضوع در عمل به اشکال برخورد و برای بعد ماند. عراقیها با هواپیما و موشک حملاتی کرده‌اند. پیش از ظهر جلسه‌ای با سران کشور و احمد آقا داشتیم.

شب جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. آقای ربانی [ملشی] هم شرکت کرده بودند. احمد آقا امروز در منزلشان با ایشان ملاقات کرده و پیشنهاد عضویت در شورای نگهبان داده که قبول نکرده است. آقای خامنه‌ای برای راضی کردن ایشان خصوصی با ایشان مذاکره کردند. آخر شب احمد آقا تلفن کرد که باز هم هنوز نپذیرفته، قرار شد من هم با ایشان صحبت کنم.

آقای نخست وزیر گزارشی از بررسی خسارت‌های جنگ دادند که از چهار وزارت کشاورزی و صنایع و راه و مخابرات دویست میلیارد تومان و از ناحیه نفت تنها پنجاه و شش میلیارد دلار بوده است، البته عدم‌النتفع صدور نفت را هم حساب کرده‌اند. بحث‌ها بیشتر در شرح وظایف حزب بود.

دوشنبه ۲۷ دی

به خاطر کسالت به مجلس نرفتم. با آقای ربانی [ملشی] تماس گرفتم. ایشان سخت رنجیده است و از طرف اطرافیان تحت فشار است که سمتی نپذیرد. ایشان را نصیحت کردم و گفتم این مقابله به حساب می‌آید و خسارت دارد. قرار شد قبول کند. احمد آقا هم قضیه را تعقیب می‌کرد که بشود. بالاخره پیش از ظهر اطلاع داد که پذیرفته است. به احمد آقا اطلاع دادم. اگر حکم ایشان اعلام شود، به خیلی از بحث‌ها خاتمه خواهد داد. آقای [عباس واعظ] طبسی از مشهد، عفت را برای شرکت در مراسم غبارروبی دعوت کردند. با فاطمی و خانم مطهری به مشهد رفتند.

نزدیک ظهر به مجلس رفتم. چند ملاقات داشتم. آقای طهماسبی از اصفهان برای مذاکره درباره اسلحه‌ای که اختراع کرده، «نیمچه تانک^۱» چیزهایی خواست. مسئولان نیروی هوایی از

۱- با نصب سلاحی روی خودرو زرهی و تعبیه رادار و یک وسیله خودکار و اتوماتیک گردان، به محض انعکاس چیزی در رادار، سلاح گردان به کار می‌افتد و روی شیء موجود در مقابل رادار شلیک می‌کند. کارایی خوبی برای حفاظت از مراکز حساس در جبهه‌ها و ... دارد.

قرارگاه نوح (مشترک سپاه و نیروی هوایی) و سیاسی ایدئولوژی آمدند، برایشان صحبت کردم و از سیاست فرانسه در مورد جنگ انتقاد نمودم^۱.

سه شنبه ۲۸ دی

در جلسه علنی شرکت کردم. لایحه طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی که در مجلس تصویب شده بود از طرف شورای نگهبان با اشکالات فراوان رد شده؛ البته امام دستور داده‌اند که رد شود. امام به خود من گفتند اگر شورای نگهبان هم رد نکند، من خودم رد می‌کنم. تسهیلاتی برای مصرف بودجه طرح فولاد مبارکه و معافیت از قانون محاسبات به تصویب رسید. در تنفس برای گروهی از پاسداران کرج صحبت کردم*.

ظهر چند ملاقات داشتم. نمایندگان اقلیت آرامنه جنوب و آشوری‌ها آمدند و از شورای خلیفه‌گری و روحانیون اقلیت‌ها شکایت داشتند. عصر دکتر [حبیب‌الله] پیمان آمد و راجع به منزوی بودنش حرف و گله داشت و پیشنهادهای داشت و حرف‌هایی و اظهار وفاداری به انقلاب. مسئولان کمیته امداد آمدند و هدایای مردم برای جنگ را آوردند و کمک بودجه‌ای می‌خواستند. از کزینش آموزش و پرورش آمدند و از آقای [علی اکبر] پرورش گله داشتند. وزیر بهداشت و معاونش آمدند و راجع به خدمات وزارت بهداشت و گله از طرح گرفتن آموزش از آنها گفتند.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. وزیر امور خارجه گزارشی از کنفرانس وزرای امور خارجه در نیکاراگوئه را آورد و راجع به سفر سوریه‌اش مشورت کرد و نظراتی داده شد. عقد دختر آقای [اسماعیل] فدائی نماینده سر بند را هم بستیم. آخر شب به خانه آمدم. فاطمی و عفت از مشهد آمده بودند. از سفر راضی بودند. شب فیلم محاکمه اتحادیه کمونیست‌ها را تماشا کردم؛ بد محاکمه کرده‌اند؛ ضرر دارد. آقای [جلال‌الدین] طاهری امام جمعه اصفهان تلفن کرد و از وزیر کشور به خاطر نصب استاندار بدون کسب رضایت ایشان شکایت نمود.

۱- در این سخنرانی ایشان همکاری سپاه پاسداران و ارتش را ستود و درباره مسئولیت مهم نیروی دریایی در حفظ امنیت خلیج فارس و اثرات آن در منطقه و همچنین سیاست ضد ایران حزب سوسیالیست فرانسه به تفصیل سخن گفت. رجوع کنید ←

کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

چهارشنبه ۲۹ دی

خاطرات عقب افتاده چند روز را نوشتم. احمد آقا تلفن کرد و به فیلم محاکمه که دیشب پخش شده، سخت معترض بود و قابل توییح می دانست. به قائم مقام مدیر عامل صدا و سیما تذکر دادم؛ قرار شد رسیدگی کنند. به آقای [علی اکبر] ناطق نوری وزیر کشور تلفن کردم و شکایت آقای [جلال الدین] طاهری از انتصاب استاندار اصفهان را گفتم. ایشان گفت فرد لایقی است و توافق بر فرد دیگری ممکن نشده. بیش از یک سال ونیم است که آقای طاهری در مورد استاندار با وزارت کشور اختلاف دارند. اختلافات محلی کار را مشکل کرده و نمی توانند روی فردی توافق کنند. در خانه مطالعه می کردم. با آقای خامنه‌ای تلفنی درباره کارها مذاکره کردم. آقای مهندس [میرحسین] موسوی نخست وزیر تلفن کردند که سوریها اصرار دارند، من به سوریه سفر کنم. گفتم چون هنوز آقای حافظ اسد که از طرف رئیس جمهور ما دعوت شده به ایران نیامده، درست نیست که من بروم. آقای دکتر ولایتی تلفن کرد که سوریها می گویند سفر ایشان به سوریه کلاً باید سری انجام شود؛ قرار شد با سری بودن مذاکرات موافقت کنیم، نه اصل سفر. خبر رسید که صدام به عربستان سعودی سفر کرده. این روزها سفرها و ملاقات‌های زیادی بین کشورهای عربی انجام می شود؛ معلوم نیست علت چیست؟

پنجشنبه ۳۰ دی

به منظور استراحت و کسب سلامتی کامل، امروز هم به مجلس نرفتم. بیشتر وقت را به مطالعه گذراندم. از وزیر بهداشتی خواستم که خانم فاطمه مرعشی را که اخیراً سه قلو دختر زائیده و مریض شده است، بستری کنند. خانم و دختران امام، مهمان عفت بودند؛ به مناسبت دیدنی پس از مسافرت [مشهد]. آقای [علی اکبر] ناطق نوری که خدمت امام رسیده بود تلفنی گفت که از امام خواسته به آقای [جلال الدین] طاهری در اصفهان پیغام بدهند که با استاندار مخالفت نکند، احمد آقا گفت امام توسط ایشان چنین پیغامی داده‌اند.

شب محسن عمو زاده از رفسنجان آمد. مدیر بخش ذوب مس سرچشمه است. گزارشی داد و از کمبودها و مشکلات کار گفت. قرار شد ایشان را به وزیر معاون و فلزات معرفی کنم که حرفهای

خود را بگوید. از مطالب مهمش صنایع جنبی مس است که اینها اصرار دارند در کرمان بماند و بعضی‌ها می‌خواهند به یزد و جاهای دیگر منتقل شود. راجع به اختلافات آقای [شیخ عباس] پورمحمدی و آقای [شیخ محمد] هاشمیان در رفسنجان که به منبرها کشیده شده، صحبت کرد. گفتم دخالت نمی‌کنم؛ بی‌اثر است.

بهمن ۱۳۶۱

عکس ماه

جمعه ۱ بهمن ۱۳۶۱

۶ ربیع الاخر ۱۴۰۳

Jan. 21, 1983

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم. خطبه‌ای در آداب وصول مالیات و لزوم برخورد عطفانه دولت با مودیان ایراد کردم و خطبه‌ای در لزوم وحدت نیروهای خط امام و تحلیل نظر مخالفان^۱.

یاسر برای رفتن به اسکی بهانه‌گیری می‌کرد؛ با آقای رحمانی محافظ، ایشان را به تله کابین فرستادم. عصر احمد آقا آمد و از بهتر شدن وضع صادق طباطبائی در زندان آلمان به خاطر کمک وزارت خارجه - به طور غیر رسمی - گفت و آخر شب هم تلفن کرد و گفت امام خطبه‌های نماز جمعه را گوش می‌فرمایند و گفتند تأکید کنم که بر روی تقوی بیشتر باید تکیه شود. این تذکر را امام مکرراً داده‌اند و حتی در سخنان علنی با مردم هم مطرح کرده‌اند. ولی امروز من با نقل جمله‌ای از امام علی علیه السلام (وَ أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ) بخصوص تکیه کرده بودم؛ لابد امام این بخش را توجه نکرده‌اند. آقای [احمد] طباطبائی هم شب آمد، راجع به تفکیک منزل، که سالها قبل از انقلاب از آقای خانیان به صورت مشاع خریدیم و تفکیک آن دچار مشکل شده است و زمین دیگری در تهران برای تهیه منزل برای بچه‌ها نداریم و باید برای آنها منزل تهیه شود.

شنبه ۲ بهمن

به مطالعه پرداختم. نواری هم برای جواب سئوالات نشریه عروة الوثقی از حزب [جمهوری اسلامی] پر کردم که به مناسبت سالگرد [پیروزی] انقلاب [اسلامی] تهیه می‌کنند^۲. از روزنامه

۱- محور خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام شامل ادله روایی درباره ضرورت پرداخت مالیات، فرهنگ اسلام و شیوه وصول مالیات و خطبه دوم ادامه بحث وحدت مسلمین و نتایج برگزاری هفته وحدت، پاسخ به پرسشهایی درباره ازدواج موقت و اتمام حجت به جهان درباره جنگ عراق با ایران بوده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

۲- در این مصاحبه که در تاریخ ۶۱/۱۲/۵ در مجله عروة الوثقی به چاپ رسیده است درباره انگیزه‌های تأسیس حزب جمهوری

[جمهوری اسلامی] آقای [مسیح] مهاجری تلفنی اطلاع داد که عراقی‌ها در چنگوله حمله کرده‌اند و شکست خورده‌اند. آقای دکتر ولایتی که از سوریه برگشته، تلفنی اطلاع داد که سفر موفق داشته‌اند و درباره کیفیت برخورد با عراق و اسرائیل و جبهه پایداری به توافق کامل رسیده‌اند. از لبنان نامه‌هایی از آقای شیخ شمس الدین و برادرش رسیده و برای شیعیان و مجلس اعلی‌کمک خواسته‌اند.

یکشنبه ۳ بهمن

صبح زود به مجلس رفتیم. جلسه علنی داشتیم. شش لایحه تصویب شد. قبل از ظهر در کمیسیون سئوالات شرکت کردم و تردیدی که در قانونی بودن آن داشتند، به خاطر حذف کمیسیون تفحص رفع کردم. ظهر با استاندار لرستان ملاقات داشتم که از پیشرفت کارها راضی بود و از فشار حزب الهی‌ها ناراضی. آقای دکتر حنجینی هم آمد و گله‌هایی از حزب [جمهوری اسلامی] داشت و درباره طرح حقوق کارکنان مجلس که به کمیسیون ارجاع شده است، مشورت کرد.

عصر جلسه‌ای با نمایندگان امام در نیروهای مسلح آقایان محلاتی، انواری، حقانی، موحدی کرمانی و ناطق نوری داشتیم. قرار شد یک دفتر مرکزی برای هماهنگ کردن و کنترل کارهای این نهادها به وجود آوریم.

شب در دفتر من جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] بود. آقای خامنه‌ای به قم رفته بودند. بیشتر به ذکر اخبار و گزارش‌ها گذشت. آقای عسگر اولادی [وزیر بازرگانی] از برخورد و روابط دولت با وزارت بازرگانی گله داشتند که آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر توضیحاتی دادند. آقای [اسدالله] بادامچیان از نتیجه سفر به گیلان برای رفع اختلاف بین حزب آنجا و آقایان [صادق] احسان‌بخش و قربانی گفت که موفق بوده است. مشکل بزرگی در این خصوص در برخورد حزب با بعضی از روحانیون داریم. آقای ناطق نوری از برخورد آقای [جلال‌الدین] طاهری با

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اسلامی، مشورت با بزرگان برای تشکیل حزب و انحلال حزب جمهوری اسلامی سخن گفته شده است. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

استانداری اصفهان و حمایت امام از آقای [جلال‌الدین] طاهری و عدم توفیق آقایان [جلال‌الدین] طاهری و [علی‌اکبر] پرورش در توافق گفت.

امروز گروهی از داروسازان در مقابل مجلس اجتماع کرده بودند؛ برای تأثیر گذاشتن روی طرحی که به نفع آنها در مجلس مطرح است. دکترهای داروساز با آن مخالف‌اند و با من ملاقاتی داشتند.

آخر شب به خانه آمدم. گزارش جبهه‌ها می‌گویند حمله به تأخیر افتاده؛ آمادگی نداریم.

دوشنبه ۴ بهمن

امروز به خاطر ملاقات با امام جلسه علنی نداشتیم. فقط نمایندگان مجلس در حسینیه جماران حضور داشتند. برف هم به شدت می‌بارید. قبل از صحبت امام، من کمی درباره وضع مجلس و تجلیل از نمایندگان صحبت کردم*. امام در مقدمه صحبت حرفهای من را تأیید کردند، ولی در نصیحت مطالبی گفتند که باعث کدورت خاطر اکثریت نمایندگان شد. امام درباره اسلامی بودن قوانین طوری صحبت کردند که آراء نمایندگان مجلس را تحت‌الشعاع نظرات شورای نگهبان قرار دادند؛ تقویت شورای نگهبان بود و تضعیف مجلس. البته اقلیت نمایندگان که از تندروی مجلس ناراضی‌اند، خوشحال شدند^۱. به دولت هم به خاطر نرسیدن به نیازهای جبهه تاختند. امام از تندروی

۱- امام فرمودند: ... اگر چند مرتبه مردم ببینند که در مجلس، آنهایی را فرستادند در مجلس و همه را به دیانت می‌شناسند، اینها رأی‌هایی می‌دهند که فقهای شورای نگهبان برای خاطر مخالفتش با اسلام رد می‌کند. خوب درشان شبهه پیدا می‌شود... شما آقایان باید توجه به این معنا بکنید که مسائل را طوری طرح کنید، مسائل را طوری رأی بهش بدهید، که در شورای نگهبان رد نشود و یا اگر رد می‌شود، در هر سالی یکی دو تایش رد بشود. اما شما از اینور یکماه زحمت بکشید و صحبت بکنید و رد و ایراد بکنید و یک مسأله‌ای را تمام کنید، آنها بعد از چند روز بگویند اینها خلاف شرع است، با اسلام نمی‌سازد، یا با قانون اساسی مخالف است، که آن هم روی اسلام است. این وهن برای مجلس می‌آورد و این خوف برای ما ایجاد می‌کند که مبدا یک وقتی مردم خیال کنند اینها تدین ندارند، دیدشان آن دیدی که باید باشد، بعضی‌شان نیست والا نه اینکه بی‌تدین باشند خیر خواهند، حسن نیت دارند، تدین دارند اما آن طور نیست که هم اینها در دیده‌ها یک طور باشند... "این سخنان حضرت امام (ره) در واقع بازتابی از (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

و چپ‌روی بعضی از نمایندگان و مسئولان نگران شده‌اند و گویا در صدد مهار آن هستند. بعداً با احمد آقا صحبت کردم و با اجازه امام حمله به دولت و یک جمله از اظهارشان راجع به نمایندگان حذف شد. من خواستار نقل به معنای سخنان امام شدم که امام نپذیرفتند. معتقدند چیز بدی نگفته‌اند. آقای دکتر [حسن] روحانی هم تلاش کرد ولی به نتیجه نرسید. تا شب در خانه ماندم و مطالعه کردم. غمگین و افسرده بودم.

پاسداران و محافظان هم بعد از ما با امام ملاقات کردند. امام زیاد با آنها صحبت نکردند و فقط دیدار بود. از این جهت هم گله خواهند کرد. آقای آصفی و جمعی از علمای افغانستان در حزب «حرکت اسلامی» افغانستان آمدند و گزارشی از وضع مبارزات شیعه و اختلاف با دیگران دادند و از واحد نهضت‌های سپاه گله داشتند و کمک می‌خواستند.

سه شنبه ۵ بهمن

جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور درباره اظهارات امام در ملاقات با نمایندگان صحبت کردم^۱ و کمی از ناراحتی نمایندگان را تخفیف دادم و توجیه نمودم. چند لایحه تصویب شد. در تنفس برای گروهی از مسئولان برگزاری مراسم [دهه فجر] که از پاوه کردستان آمده بودند، صحبت

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تصویب لایحه اصلاحات ارضی در مجلس و رد آن در شورای نگهبان بود.

رجوع کنید ← صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی،

جلد دهم.

۱- در این نطق درباره اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی و راهنمایی امام خمینی (ره) در این زمینه مطالبی بیان شد. همچنین ایشان اعلام کرد که در پاسخ به دعوت امام طرحی با یکصد و بیست امضاء تقدیم مجلس شده است که در آیین نامه مجلس گنجانده شود و از این به بعد تشخیص ضرورت‌های مقدمه برای اعمال ولایت فقیه در امر اجرای احکام ثانویه مشروط به رأی دو سوم افراد مجلس باشد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطق‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم"

دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس دیدار نمایندگان با امام خمینی

کردم*^۱. ظهر عقد ازدواج یکی از کارمندان مجلس را بستم. عصر آقای [محسن] رفیق دوست آمد و از نزدیکی حمله جدید گفت. آقای [خسرو] تهرانی از اطلاعات نخست وزیری آمد و راجع به سایت های باقیمانده آمریکاییها گفت. نگهداری آنها در اختیار کمیسیون مشترکی از سپاه و نیروی هوایی و نخست وزیری است و دستگاه های پیچیده ای دارد که آمریکایی ها در زمان شاه برای کنترل شوروی آورده اند و پس از انقلاب آنها را ناقص کرده و رفته اند. ما توانسته ایم رمز آنها را کشف کنیم. آقای بهادران آمد و از اینکه گروهی از کردهای عراقی که چند نفر غربی را در عراق اسیر کرده و سپاه به آنها توجه نمی کند، گله داشت. آقای [غلامعلی] افروز نایب رئیس دانشگاه تهران آمد و درباره لزوم رسمی شدن سرپرستی دکتر [عباس] شیبانی و مشکلات اجرائی طرد جمعی از اساتید توسط افراطیهای دانشگاه گفت. اول شب ائمه جمعه گرگان، نوشهر، چالوس، و... آمدند و از خطر نفوذ و قدرت راست گراها به دنبال اظهارات امام در رابطه با مجلس و شورای نگهبان گفتند. آقای خرم سفیر ایران در چین آمد. از وضع چین گزارش داد و از علاقه چینی ها به توسعه روابط با ایران و جهان سوم گفت. گروهی از مسئولان آموزش اطلاعات سپاه آمدند و گزارشی از تحول در تربیت کادر اطلاعات مکتبی دادند و من برای آنها صحبت کردم^۱.

چهارشنبه ۶ بهمن

در کمیسیون ویژه بررسی لایحه اسلامی کردن بانک ها شرکت کردم. لایحه تمام و گزارشی به مجلس داده شد. در کمیسیون بودجه هم که مشغول بررسی لایحه بودجه جدید است، شرکت کردم. ظهر چند ملاقات داشتم. جلسه ای هم با نمایندگان جدید ورود میان دوره ای داشتیم که آنها را با مجلس و مقررات و... آشنا کنیم^۲ و سپس جلسه هیأت رئیسه بود.

۱- در این سخنرانی نقش اطلاعات در جامعه اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و درباره فعالیت های جاسوسی دشمنان انقلاب اسلامی، اساس سازمان اطلاعات اسلامی، نقش ایمان در اطلاع رسانی و تجربه برخورد با قضیه فرقان مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این ملاقات ایشان درباره تقسیم کار در مجلس، ساعات حضور در جلسات، مزایا و امکانات نمایندگان و لزوم رعایت

بعد از آن با پاسدارها و محافظان خودم جلسه داشتم، برای رسیدگی [به مشکلات] و حل اختلافات آنها. گروهی که از اول با من بودند و من گفتم آنها را منتقل نکنند، با گروهی که بعد از آنها آمده‌اند و سرپرستی هم از آنها است، اختلاف دارند. حدود دو ساعت به حرفهایشان گوش دادم، حرف تازه و قابل توجهی نداشتند. نصیحتشان کردم. قرار شد با هم رفیق باشند. عفت و بچه‌ها شب به مجلس آمدند. برف سنگینی هم می‌بارید.

پنجشنبه ۷ بهمن

جلسه علنی داشتیم. حذف بیمه اجباری کارگاه‌های کوچک مطرح بود. در تنفس برای حزب اللهی‌های اراک و کهگیلویه صحبت کردم*. ظهر مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. با رئیس جمهور و نخست وزیر و احمد آقا در موضوعات مهم کشور بحث داشتیم. عصر کلاس [درس] مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتم. سپس ملاقات با دفتر مشاورت امام [در ارتش] که شکایت از عدم همکاری نیروی هوایی در کارگروه متخصص رادار ۴ ADS داشتند و ملاقاتی با مسئولان برگزاری مراسم دهه فجر که شرح کارها را دادند.

ملاقاتی با اعضای هیئت‌های مؤتلفه [اسلامی] که درباره مسائل سیاسی و اقتصادی و اداری بحث بود. ملاقاتی با آقای [محمد] صالحی عضو حقوق‌دان شورای نگهبان که نگران دولتی شدن اقتصاد کشور و عدم انجام مصوبات بود؛ خیالش را راحت کردم. آخر شب به خانه آمدم. سعید [لاهوری] هم از پادگان آمده بود و از وضع پادگان گفت.

جمعه ۸ بهمن

تمام وقت در خانه بودم، مطالعه و استراحت داشتم. با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مسایل امنیتی سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب،

ایشان خواسته بود که امروز عصر در دفتر ایشان با آقایان صیاد شیرازی و محسن رضائی که برای مشورت در امری از جبهه آمده‌اند، مذاکره کنیم. درباره اسناد یکی از گروه‌های سیاسی اسلامی که به دست پیچه‌های حزب [جمهوری اسلامی] افتاده صحبت شد.

شب در مورد مطلب مهم آقایان صیاد [شیرازی] و [محسن] رضائی پرسیدم. کار مهمشان مشورت برای رفع اختلاف در طرح عملیات بوده. سعید لاهوتی که دوره آموزش را در پادگان می‌گذرانند، می‌گفت بخشی از پنجاه پزشک سرباز، چپی و غیر مذهبی‌اند و بخشی از باقی مانده رفاه‌طلب و می‌گفت اکثریت آنها در پادگان رادیوهای بیگانه را می‌گرفتند و از ضعف تبلیغات سیاسی ایدئولوژی گله داشت.

شنبه ۹ بهمن

در منزل ماندم. مطالعه و نوشتن خاطرات عقب مانده بیشتر و قتم را گرفت. عصر آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر تلفنی از مشکلی که برای هیأت‌های واگذاری زمین بعد از رد طرح مصوب مجلس از طرف شورای نگهبان پیش آمده گفت و چاره‌جویی می‌کرد. شب احمد آقا تلفن کرد و نگران ملاقات فردای امام با اصناف بود که مبادا بر روال مطالب گذشته در ملاقات نمایندگان مطلبی بیاید و از من خواست که فردا صبح به امام پیامی بدهم. خبر داد که امروز فرماندهان سپاه و ارتش خدمت امام رسیدند و برای شروع کار به جبهه رفته‌اند. متأسفانه امشب خبر رسیده دو نفر از فرماندهان سپاه آقایان باقری و بقائی بر اثر گلوله دشمن هنگام گشت شهید شده‌اند.

شب دکتر ولایتی راجع به آمدن نمایندگان حقوق بشر که نظر به نقض حقوق بشر در ایران داده‌اند، مشورت کرد. نظر موافق دادم و گفتم شایعات خارج خیلی زیاد است و دیدن آنها نظرشان را تعدیل می‌کند.

آخر شب خانواده آقای مطهری آمدند و راجع به انتشار یادداشت‌های ایشان درباره اقتصاد مشورت کردند. محافظه‌کارها و طرفداران سرمایه‌داری، ایشان را ترسانده‌اند. ولی آقای غفاری مسئول جمع‌آوری نوشته‌های ایشان اصرار بر انتشار دارد. قرار شد مطالعه کنم و نظر بدهم.

یکشنبه ۱۰ بهمن

صبح زود به مجلس رفتیم. قبل از جلسه علنی گزارشات را خواندم. در جلسه علنی، از شهدای جدید سپاه و دو فرمانده شهید باقری و بقائی تجلیل کردم^۱. جلسه پرهیجانی داشتیم. به خاطر طرح اجازه تأسیس داروخانه به نسخه پیچ‌ها با ده سال سابقه کار که موارد فراوان دارد، بالاخره رد شد. در تنفس برای تماشاجی‌ها - امور تربیتی و اقلیت‌های مذهبی - که برای برگزاری مراسم سالگرد انقلاب برنامه دارند، صحبت کردم^۲.

ظهر آقای [مهدی] کروی آمد و راجع به آزادی آقای [لطف‌الله] میثمی مذاکره شد. گویا قرار است اگر اسلحه‌های سازمانش را تحویل دهد، آزاد شود. عقد خواهر یکی از پاسدارها را بستیم. عصر ملاقاتی با آقای [مسیح] مهاجری مسئول روزنامه جمهوری اسلامی داشتیم که مشکلاتی با مؤسسه کیهان [دارد] که گران می‌گیرد و همکاری صمیمی ندارد و راجع به هیأت امناء که اخیراً برای روزنامه در حزب [جمهوری اسلامی] تصویب شده. از ایشان خواستم بپذیرد که کمتر اشکالات و بحث تکروی پیش بیاید. از سرمقاله‌ای که اخیراً علیه یاسر عرفات نوشته انتقاد کردم و گفتم سیاست ما این نیست که با فلسطینی‌ها جنگ تبلیغاتی شروع کنیم.

آقای [حمید] بهرامی هم از لاهه آمده بود و از اینکه آقای محمدی سرپرست بیانیه الجزایر او را از دفتر لاهه به داوری منتقل کرده گله داشت. آقای [اسدالله] بادامچیان آمد و از بخشهای مختلف حزب [جمهوری اسلامی] به خاطر کم‌کاری گله داشت و از اختلاف نظرها در حزب در امور اقتصادی. شب جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. مقداری از شرح وظایف حزب تصویب شد و گزارشی از وضع دفاتر و واحدهای شهرستانها دارند.

۱- در این نطق ایشان گفتند: مطمئن هستیم که ارواح آنها به زودی شاهد پیاده شدن پیامشان خواهد بود که عبارتست از کيفر دادن به مجرم متجاوز و آزادی مردم عراق از شر بعضی‌های علفی. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نقطه‌های قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی درباره پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش دشمنان برای شکست انقلاب، شکست بعث عراق در جنگ و ملاقات معاون نخست وزیر عراق با مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

دوشنبه ۱۱ بهمن

تا ساعت نه در خانه مطالعه می‌کردم و به خاطر ملاقات امام به مجلس نرفتم. به زیارت امام رفتم. آقای [عباس واعظ] طبسی هم از مشهد آمده بودند. ایشان درباره ساختمان فلکه مشهد و بعضی از موقوفات آستان قدس [رضوی] در تهران و بازسازی هویزه مطالبی داشت. من درباره لزوم تعدیل اظهارات امام در ملاقات با نمایندگان و اثر نامطلوب آن روی مستضعفان تذکراتی دادم و درباره سران یکی از گروهکهای چپ، مطالبی مشورت شد.

آقای دکتر ولایتی هم آمده بود؛ راجع به مشکل آقای صادق طباطبائی. چون احتمال توطئه را قوی می‌دانند، نظر امام این است که به طور رسمی اقدام بشود و جلوی توطئه احتمالی را بگیریم. بالاخره قرار شد نظر امام انجام شود. امام می‌گویند اگر از او حمایت نشود و محکوم شود، نظام ما بدنام شده و ممکن است نسبت به دیگران پیش بیاید.

سه شنبه ۱۲ بهمن

صبح زود به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم و سپس به جلسه علنی رفتم. قبل از دستور درباره سالروز برگشت امام به ایران صحبت کردم و آن را روز رحمت نامیدم^۱. در تنفس برای جمعی از تماشاچیان سخنرانی کردم*. ظهر عقد ازدواج دانشجویی را بستم.

عصر آقایان کامیاب و عباس صفریان سفرای جدیدمان در ژنو و گابن آمدند و از حوزه مأموریتشان مطالبی گفتند. آقای طباطبائی سرپرست بنیاد مستضعفان آمد و گزارشی داد. سه نفر از [اعضای] شورای اسلامی بانک صادرات آمدند و از ضعف مدیریت با ذکر رکود کارها و بی‌علاقگی مدیران به انقلاب اسلامی شکایت داشتند و گزارشی دادند. آقای [مصطفی] هاشمی [طبا] وزیر صنایع آمد. گزارشی از وضع صنایع داد و برای نجات قانون حفاظت کمک

۱- در این نطق ایشان درباره شخصیت امام خمینی (ره) و نقش بی‌بدیل ایشان در پیروزی انقلاب اسلامی و اعلام روز رحمت در دوازدهم بهمن هر سال مطالبی بیان داشت. رجوع کنید به کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم"

عکس وزیر اطلاعات سوریه

خواست. خانواده شهید استاد [کامران] نجات‌اللهی آمدند و برای ادامه تحصیل فرزندشان کمک خواستند.

آقای رئیس جمهور آمدند و راجع به اختلاف نظر فرماندهان نیروی زمینی و سپاه در کیفیت حمله مذاکره کردیم و با جبهه تماس گرفتیم. قرار شد اگر اختلاف دارند به تهران بیایند. وزیر اطلاعات سوریه به ملاقات آمد. پیام حافظ اسد را آورد و هدفش گرفتن اطمینان از سوی ما برای عربستان سعودی بود. سعودیها مدعی‌اند هواپیماهای ما به حدود کشورشان تجاوز کرده‌اند. گفتم سیاست ایران تعرض به همسایگان نیست ولی آنها هم باید منافع ما را در نظر داشته باشند.

شب وزیر کشاورزی آمد. از تضعیف مدیریت و نبودن خطوط روشن اقتصادی شکایت داشت. وزیر راه [و ترابری] آمد و گزارشی از وضع راه آهن و فرودگاه داد. از برخورد ستاد پیگیری [فرمان امام]، با آقای نوریان مدیر عامل هواپیمائی کشوری، شکایت داشت. به آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر گفتم، قرار شد مهلت بدهند. آقایان امامی و مهندس طاهری آمدند و از اینکه آقای پوراستاد^۱ را دادگاه صنفی به ۶۱ روز زندان محکوم کرده، گله داشتند و این را از خط مقابل برای محروم کردن ایشان از نمایندگی می دانستند.

چهارشنبه ۱۳ بهمن

تا ظهر درخانه بودم و مطالعه می کردم. پاسدارانم و همسرانشان به دست بوس امام رفتند و به خانه ما آمدند. برایشان صحبت کردم. حسین شریفیان از مشهد آمد و از اینکه کارخانه‌ای که در آن کار می کند و مصادره شده و بعد از فرمان هشت ماده‌ای امام، بخشی از آن را به صاحبانش برگردانده‌اند، گزارش داد. کارخانه در اختیار بنیاد شهید مشهد است؛ با آقای [مهدی] کروی صحبت داشت. تصادفاً آن زمان آقای کروی در منزل ما بودند.

ظهر به دفتر آقای خامنه‌ای رفتیم. آقایان صیاد شیرازی و محسن رضائی از جبهه آمدند. در

۱- علی اکبر پوراستاد از اعضای هیأت‌های مؤتلفه اسلامی در انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی وارد مجلس شد و اعتبارنامه وی در ۶۲/۱/۲۵ به تصویب رسید. وی آهن فروش بود.

دیدار مهمانان دهه فجر

نحوه عملیات آینده و نقطه آغاز، اختلاف داشتند. تا ساعت چهار بعد از ظهر مذاکره کردیم و تصمیم یکطرفه شد؛ آقای صیاد شیرازی کوتاه آمد ولی آقای [محسن] رضائی مقاومت کرد. به خاطر اینکه عمده نیروهای رزمنده در اختیار سپاه پاسداران است و با ملاحظات سیاسی و نیاز به سرعت بیشتر برگشتند. در جلسه هیأت رئیسه شرکت کردم. تصمیماتی اتخاذ شد. شب در مجلس ماندم و تا آخر شب مطالعه کردم. به خاطر مسائل امنیتی و نیز برای صرفه جویی در وقت از آمد و رفت زیاد بین خانه و مجلس پرهیز می‌کنم.

پنجشنبه ۱۴ بهمن

به جلسه علنی رفتم. مهمان‌های دهه فجر و شاگردان مدرسه علوی به عنوان تماشاچی شرکت کرده بودند. بعد از جلسه مهمان‌ها با نمایندگان جلسه گرفتند و دو نفر از آنها سخنرانی کردند و من هم صحبت کردم* و به عربی و انگلیسی ترجمه شد. نماز جماعت به امامت من خوانده شد. ناهار مهمان مجلس بودند و عکس‌هایی گرفتند. تحت تأثیر سادگی نمایندگان قرار گرفته بودند. عصر ملاقاتی با چند جوان شیعه انقلابی داشتم که مشورت‌هایی کردند. ملاقاتی با ابو صالح عضو مجلس فلسطین که به خاطر مخالفت با آقای یاسر عرفات اخراج شده؛ از موضع ما راضی بود و برای طرفداران خودش که مورد خشم الفتح قرار گرفته‌اند، کمک می‌خواست. شب در دفترم با سران قوا جلسه داشتیم و درباره اعلام آزادی مسافرت و تأخیر بازداشت گروهی دیگر از ضد انقلاب تصمیماتی گرفتیم. استاندار اصفهان آقای کوپائی هم آمد و مشکلاتی را مطرح کرد.

جمعه ۱۵ بهمن

تا ساعت ده و نیم در خانه برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. و سپس برای [اقامه] نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم. دیشب از دفتر آیت‌الله منتظری از طریق واحد نهضت‌های اسلامی [سپاه پاسداران] اطلاع دادم که گویا ضد انقلاب امروز در نماز جمعه توطئه‌ای علیه من دارد و لذا مراقبت‌ها شدیدتر شده بود. اسرای عراقی و مهمان‌های دهه فجر و سه هزار بسیجی عازم جبهه در نماز [جمعه] شرکت کرده بودند. خطبه‌ای در کفارات و خطبه‌ای در دستاوردهای انقلاب ایراد

کردم^۱. ظهر مهمان داشتیم؛ بستگان عفت و اول شب همشیره فاطمه^۲ و بستگان دیگر آمدند. مقداری هم مطالعه کردم. سریال شاه دزد و اخبار و نماز جمعه را از تلویزیون تماشا کردم. اطلاع دادند که زمان حمله معین شده. اخوی محمد تلفن کرد و گفت آقای [غلامحسین] کرباسچی را می‌خواهند از سیمای جمهوری [اسلامی] به استانداری اصفهان منتقل کنند و خودش راضی نیست.

شنبه ۱۶ بهمن

تمام وقت در خانه بودم. استراحت داشتم و مطالعه و نوشتن چند روز خاطره عقب مانده. با آقای بهزاد نبوی درباره صنایع جنبی مس صحبت کردم. کرمانیها و نمایندگان کرمان نگرانند که این صنایع را از کرمان به جای دیگر ببرند. معلوم شد در بررسی به این نتیجه رسیده‌اند که یزد بهترین محل و کرمان دوم و اصفهان سوم و ساوه چهارم است؛ به خاطر اینکه هر چه نزدیکتر به محل مواد اولیه و یا نزدیکتر به محل صنایع کشور باشد در حمل مواد یا محصولات صرف‌جویی می‌شود و از طرفی استان یزد فاقد استعداد کشاورزی است و دولت در آنجا سرمایه‌گذاری نکرده؛ گرچه صنایع بخش خصوصی زیاد است.

با وزیر دفاع هم درباره مأموریت فرمانده نیروی دریایی به لیبی صحبت کردم و درباره خرید اسلحه. عصر با جبهه تماس گرفتم، برای آمادگی‌هایی که باید داشته باشیم. بارمزی که از پیش معین شده بود [صحبت کردم]. با آقای رئیس‌جمهور هم درباره خبر ورود هواپیماهای ما به فضای عربستان؛ ایشان از نیروی هوایی توضیح خواسته و برای آینده هم تذکر داده. آقای [محمد] خاتمی وزیر ارشاد [اسلامی] گفت امام ایشان را خواسته‌اند و گفته‌اند که بعضی از مدرسین [حوزه علمیه] قم می‌گویند کتابی از آقای مطهری در اقتصاد می‌خواهند چاپ کنند که نظر

۱- در این خطبه زکات فطر و شانزده مورد از کفارات در فقه اسلامی تشریح شد و سپس درباره کشف چهره جریانه‌های داخلی مثل منافقین، جبهه ملی و گروهکهای چپ، اعتصاب در کارخانه‌های فرانسه، صدور انقلاب اسلامی، آشکار شدن ماهیت امپریالیسم، مسأله جنگ و اتمام حجت با دولتهای حامی حکومت عراق سخن گفته شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

۲- بانو فاطمه هاشمی بهرمانی در ۷۹/۸/۲۶ در اثر بیماری دارفانی را وداع گفت.

قطعی ایشان نیست. من گفتم بنا شده من هم کتاب را بخوانم و نظر بدهم. دکتر سعید [لا هوتی] با لباس سربازی آمد. نواری برای جواب سئوالات نشریه آینده سازان پر کردم^۱.

یکشنبه ۱۷ بهمن

مطابق معمول مهدی ویاسر قبل از آفتاب به مدرسه رفتند. پس از آنها من به مجلس رفتم. بعد از مطالعه گزارشها به جلسه علنی رفتم. چند لایحه تصویب شد. در تنفس برای محصلان دختر مدرسه معصومیه قم صحبت کردم*. نمایندگان استانهای همدان، باختران و کردستان ظهر آمدند. بعضی از کردستانیها از کمیوهای کردستان گفتند. نماینده مهاباد از فشار پاسداران و دادگاهها گفت. عصر آقای [خسرو] تهرانی و همکاران اطلاعاتی آمدند از مشکلات کار منجمله تأخیر تصویب طرح [تأسیس وزارت اطلاعات] در مجلس و ابهامات شرعی و قانونی و اداری گفتند. شب در جلسه حزب شرکت کردم. بیشتر در شرح و وظایف بحث شد. امروز اطلاع دادند که سران حزب توده را به اتهام جاسوسی دستگیر کرده اند^۲. قرار نبود قبل از روشن شدن وضع عملیات اقدام

۱- در این مصاحبه که در تاریخ ۶۱/۱۲/۲ در مجله آینده سازان به چاپ رسیده است درباره عوامل پیروزی انقلاب، خاطرات روزهای انقلاب، موانع تداوم انقلاب، موفقیت کنونی انقلاب و نقش تشکل دانش آموزی در پیشبرد انقلاب مطالبی بیان شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- حزب توده - به طور رسمی - در سال ۱۳۲۰ ش، هنگام اشغال ایران توسط نیروهای ارتش سرخ، تشکیل شد. با خروج قوای روس و شکست فرقه دموکرات آذربایجان و انشعابی که در سال ۱۳۲۶ در داخل حزب (به وسیله خلیل ملکی، جلال آل احمد و ...) پیش آمد، عده‌ای از اعضا تر استقلال حزب از شوروی را مطرح ساختند. در بهمن ۱۳۲۷ به دنبال سوء قصدی به شاه که ضارب آن توده‌ای شناخته شد، این حزب منحل گردید. در سال ۱۳۲۸ حزب به ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم که تا پیش از آن به خاطر ناآگاه ساختن مردم از اعتراف به آن پرهیز داشت، به عنوان مرام حزبی اعتراف کرد. سکوت حزب توده به ویژه رهبری آن (دو جناح کیانوری - قاسمی) در شکست و سقوط دولت دکتر مصدق و پیروزی کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد نقش به سزایی داشت. در مرداد ۱۳۳۳ شبکه افسران حزب توده کشف شد. عده‌ای اعدام شده و عده‌ای با رژیم شاه به همکاری پرداختند. مواضع متلون حزب که رهبر اصلیش به خارج کشور فرار کرده و در دامان "برادر بزرگتر" (شوروی و کشورهای بلوک شرق) به سر (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کنند ولی گویا خوف فرار داشته‌اند. اطلاع دادند که امشب بنا است حمله شود. ساعت یازده تماس گرفتم، معلوم شد عملیات بنام "والفجر" و با رمز "یا الله" از قرارگاه خاتم النبیین آغاز شده و می‌گویند اول کار نسبتاً موفق است.^۱

دوشنبه ۱۸ بهمن

صبح زود از جبهه سراغ گرفتم. معلوم شد خط مقدم و استحکامات عراقی‌ها را در مرز شکسته‌اند و چند پاسگاه خودی و عراقی را از چنگ آنها بیرون آورده‌اند. چند کیلومتر در خاک عراق به طرف العماره پیشروی کرده‌اند، ولی به تمام اهداف نرسیده‌اند. قبل از دستور [مجلس شورای اسلامی] درباره عملیات [اخیر] صحبت کردم.^۲ لایحه سیستم

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

می‌بردند. تا پیروزی انقلاب ادامه داشت و نزدیک به پیروزی، حزب در پلنوم شانزدهم - که نوعی کودتای کیانوری علیه دبیرکل قبلی ایرج اسکندری بود - پشتیبانی از انقلاب اسلامی را اعلام کرد ولی از همان آغاز، علیرغم در خط امام دانستن خود (!) تدارک براندازی می‌دید و به صورت وسیع به نفع شوروی جاسوسی می‌کرد. سرانجام با دستگیری رهبران و کادرهای اصلی حزب توده در بهمن ۶۱ و اردیبهشت ۶۲، سیل اعترافات آغاز شد و افرادی چون کیانوری و احسان طبری به جاسوسی و تلاش برای نابودی جمهوری اسلامی اقرار کردند و حتی احسان طبری کتابی در رد مشی و تاریخ حزب و ایدئولوژی مارکسیسم نوشت که منتشر شد و سرانجام ۴۲ سال عمر سراسر خیانت این حزب پایان یافت. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید ← سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی / مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۱- عملیات والفجر مقدماتی با رمز یا الله یا الله یا الله در منطقه عملیاتی فکه - چرابه به وسعت ۳۰۰ کیلومتر مربع در ساعت ۲۱/۳۰ دقیقه ۶۱/۱۱/۱۸ آغاز شد. در این عملیات پاسگاههای ایرانی سوبله، صفریه، رشیده و طاووسیه آزاد شد و پاسگاههای عراقی وهب، کارمه و صفریه به تصرف رزمندگان اسلام درآمد. در این عملیات بیش از ۴۵۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و یازخمی شدند و ۱۲۰ نفر به اسارت درآمدند.

۲- در این نطق درباره عملیات والفجر و اخطار به حامیان عراق در جنگ و لزوم تداوم عملیات تا خاتمه جنگ مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

بانکی بدون ربا در شور اول تصویب شد و این گام مهمی به سوی اسلامی کردن بانکها است.^۱ در تنفس برای جمعی از هنرمندان سراسر کشور که برای [مراسم] دهه فجر به تهران آمده‌اند، صحبت کردم.*^۲ ظهر جمعی از مدیران شرکت‌های ساختمانی آمدند و از سخت‌گیری‌های مسئولان و عدم پذیرش تعدیل با تورم و بالا رفتن هزینه کارها شکایت داشتند، قرار شد رسیدگی کنم. عصر مصاحبه‌ای تلویزیونی برای شب ۲۲ بهمن کردم.*^۳ ملاقاتی با آقای شفیق معاون وزارت بازرگانی داشتم که درباره کالاهای مصرفی و سیاست توزیع توضیح داد و سیاست مصرف را خواست؛ گفتم نمی‌خواهیم به مردم ریاضت دهیم.

آقای رضوی مسئول کالاهای متروکه گمرک آمد و از اینکه شبهه‌هایی در مشروعیت کارشان شده، نگران بود. گفتم تا قانون اصلاح نشده و یا شورای نگهبان اعلام عدم مشروعیت نکرده به قوانین گذشته عمل کنند. وی گزارشی از حجم کارش داد. ستاد هفت نفره تقسیم زمین [شهری] آمدند و سخت‌نگران عوارض نامطلوب رد طرح اراضی از طرف شورای نگهبان بودند. شب در هتل آزادی در مراسم شام مهمانان سالگرد انقلاب [اسلامی] که به نام من داده بودند،

۱- بانکها مؤسساتی هستند که به غیر از سرمایه اولیه خود، از سپرده‌های مردم هم استفاده می‌کنند و در واقع بانکها براساس پس‌اندازهای مردم تشکیل شده‌اند و به عنوان وکیل مردم می‌بایستی در حفظ منافع مشتریان خود داشته باشند. بنابراین تلفیق بین سیستم بانکی و اندیشه اسلامی، کاری بزرگ و مهم بود که گامی اساسی در حل معضلات پیچیده اقتصادی محسوب می‌شد و مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) تحولی در سیستم بانکداری کشور پدید آورد. این قانون مشتمل بر ۵ فصل و ۲۷ ماده و ۳ تبصره است و در اولین ماده آن درباره اهداف نظام بانکی چنین بیان شده است: ماده ۱- اهداف نظام بانکی عبارتند از:

۱- استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (باضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور. ۲- فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاستها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی با ابزارهای پولی و اعتباری ۳- ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته‌ها و پس‌اندازها و سپرده‌ها و بسیج و تجهیز آنها در جهت تأمین شرایط و امکانات کار و سرمایه‌گذاری به منظور اجرای بند ۲ و ۹ اصل چهل و سوم قانون اساسی ۴- حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداختها و تسهیل مبادلات بازرگانی ۵- تسهیل در امور پرداختها و دریافتها و مبادلات و معاملات و سایر خدماتی که به موجب قانون بر عهده بانک گذاشته می‌شود. رجوع

کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس نقشه عملیات والفجر مقدماتی

عکس عملیات والفجر مقدماتی

شرکت کردم و برایشان درباره جنگ تحمیلی صحبت نمودم و جواب سئوال‌هاشان را دادم.^۱ به خانه آمدم. فیلم عملیات والفجر را دیدم. بچه‌ها هم در شام و مراسم شرکت کرده بودند؛ از من دیرتر به خانه آمدند. آخر شب تلفنی با آقای موسوی اردبیلی که در جبهه است، گفتگو کردم.

سه شنبه ۱۹ بهمن

تا عصر در خانه ماندم. با استراحت، مطالعه و نوشتن خاطرات گذراندم. با جبهه تماس گرفتم. آقای [رضا] سیف‌اللهی مسئول اطلاعات سپاه گفت، دیشب عملیات کوچکی داشته‌اند برای الحاق دو قرارگاه نجف و کربلا و از بین بردن رخنه‌هایی که دشمن در نیروهای ما داشته. عفت قرار است به منزل احمد آقا برود و با خانم‌های دیگری که برای جبهه چیزهایی بسته بندی می‌کنند، همکاری نماید.

عصر به مجلس رفتم و عفت برای دیدن همسر آقای خامنه‌ای. در مجلس ملاقاتی با دکتر هادی و گروه ناظر بر مجلس اعلای انقلاب [اسلامی] عراق داشتم که از تفرقه و بی‌تحریکی آنها گفتند. راجع به کیفیت کار آنها و آینده عراق مشاوره شد.

با آقای [محمد مهدی] ربانی املشی ملاقات داشتم که هنوز از عزل ایشان و دیگران از شورای عالی قضائی گله دارند که در این موضوع بحث کردیم. گفتم که گزارش‌های زیادی در چند مورد از طرق مختلف به امام رسیده و ایشان را ناراحت کرده بود و پس از رفع تردید جبران کردند. آقای [محمد] غرضی از اینکه ستاد پیگیری [فرمان امام] دونفر از بخشداران منصوبی ایشان در زمان استانداری خوزستان را تحت تعقیب قرار داده، گله داشت و نگران بود و گفت پس از آغاز حمله، وضع نفت بهتر شده است.

شب، جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. گزارش‌ها حاکی از عدم تحقق اهداف مرحله اول و توقف کار است. در مورد اسرای عراقی و راه افتادن کار رادارهای ADS4 که نیروی هوایی

۱- در این سخنرانی درباره ماهیت جنگ، برنامه‌های استکبار برای شکست انقلاب اسلامی، حرف ایران در جنگ، ماهیت صدام و موضع ایران در خصوص ادامه جنگ مطالبی مطرح شد و در پایان به سئالات میهمانان پاسخ داده شد. رجوع کنید ←

کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

همکاری نمی‌کنند و تلاش برای آمدن کشتی‌ها به بندر امام تصمیماتی اتخاذ شد. آقای [خامنه‌ای] رئیس‌جمهور به دو نفر از فرماندهان در جلسه به خاطر منفی بافی پرخاش کردند. آخر شب به خانه آمدم. با جبهه تماس گرفتم معلوم شد، امشب هم حمله ندارند و مشکلاتی داریم؛ حدود یکصد و بیست نفر اسیر داده‌ایم.

چهارشنبه ۲۰ بهمن

در منزل ماندم. احمد آقا تلفن کرد و گفت با جبهه تماس داشته و گفته‌اند کار حمله چند روزی عقب افتاده، ایشان آمد و مذاکره کردیم، قرار شد من مصاحبه‌ای بکنم و به گونه‌ای اخبار جنگ را بگویم که انتظارات مردم را که در اثر تبلیغات روز اول حمله بالا رفته، هدایت کنم و وضع موجود را توجیه نمایم و روحیه بدهم. عصر آقای انصاری رزمنده‌ای که از جبهه برگشته گزارشی آورد که معلوم شد، امشب حمله داریم و با آقای صیاد شیرازی هم تماس گرفتم و تأیید شد. با اینکه مصاحبه‌گرها آمده بودند، منصرف شدیم. قرار شد صبر کنیم تا نتیجه عملیات معلوم شود. گزارش‌ها را از مجلس آوردند، خواندم. مراکز خبری دنیا گپیچ‌اند، بین اخبار متناقض که از ناحیه ما و عراق پخش می‌شود، نمی‌دانند چه موضعی بگیرند. فرانسوی‌ها جا خورده‌اند و برای جبران عداوت‌های گذشته به ما، می‌خواهند کاری بکنند.

شب مهمان آقای سلیمی از اعضای دفتر امام بودیم. آخر شب که به خانه آمدم، آقای [محسن] رفیق دوست از جبهه تلفن کرد و گفت از ساعت هشت شب حمله آغاز شده و به خوبی پیش می‌رویم.

پنجشنبه ۲۱ بهمن

صبح زود دکتر ولایتی آمد و گزارشی از سفر به کره شمالی و سری لانکا داد و از خودسری عوامل واحد نهضت‌های [سپاه پاسداران] در کارهای خارج از کشور شکایت داشت و پیشنهادهایی از این دو کشور آورده بود.

صبح در اخبار چیزی از حمله دیشب نگفتند، با جبهه تماس گرفتم و معلوم شد نتیجه مطلوب به

دست نیامده و بنا است پس از جمع‌بندی اعلام کنند. بالاخره معلوم شد، حمله موفق نبوده و تلفات هم داشته‌ایم: بیش از هزار مجروح و تعدادی اسیر و شهید. میدان جنگ دشت باز است و دشمن کانال و خندق و میدان‌های مین و مانع سیم خاردار و سنگر ایجاد کرده است. وزیر امور خارجه فرانسه عازم بغداد شده ولی روزنامه لوموند به نوعی انتقاد از سیاست فرانسه کرده و هم از ضعف بغداد گفته. با پیام‌های خصوصی، فرانسوی‌ها از ما خواسته‌اند که روابط را ترمیم کنیم. یاسر سخت تب کرد. به دکتر مراجعه کردیم، آنژین است. ولی داروی زیادی داده است.

جمعه ۲۲ بهمن

نماز جمعه را آقای خامنه‌ای اقامه کردند و من تمام وقت در خانه ماندم. دو نفر از دفتر امام آمدند و از مخالفت‌های بعضی از افراد جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم گفتند و از اختلافات بعضی از دفاتر حزب در شهرها با بعضی از ائمه جمعه. عصر آقای [محسن] دعاگو آمد و نگران را کد ماندن گزینش‌ها و حرکات خط سونم و اختلافات درون حزب [جمهوری اسلامی] بود. امیر عراقی آمد و از تغییرات در بنیاد مستضعفان و عزل آقای مه‌ری از بخش بازرگانی گله داشت و اخوی محمد و خانواده‌اش هم شب مهمان ما بودند و شاممان حاضری بود. احمد آقا آمد و آخرین اخبار جنگ را آورد. حاکی از وجود قدرت نیروهای آماده حمله ولی مشکل بودن کار است. راجع به ادامه جنگ بحث کردیم.

شنبه ۲۳ بهمن

آقایان [محسن] رفیق دوست و [فضل الله] محلاتی از جبهه آمده بودند و گزارشی مفصل آوردند.

شب در دفتر امام با حضور فرماندهان سپاه و نیروی زمینی و رئیس جمهور و آقای [موسوی] اردبیلی جلسه داشتیم. گزارش کامل جبهه را دادند. دو حمله کرده‌ایم، موفق نبوده. در آمار شهدا و اسرایمان اختلاف داشتند. به نظر می‌رسد حملات خوب فرماندهی نشده. آقای صیاد [شیرازی] از

سپاه گله داشت. اثر بدی روی ارتشی ها گذاشته، چون تعداد نیروهای سپاه با حضور مردم از طریق بسیج خیلی بیشتر از ارتش شده و سپاه می خواهد تصمیم گیرنده اصلی باشد. [سپاه] مدعی است هفت برابر نیروهای ارتش، نیرو در جبهه دارد. برای آینده برنامه روشنی نداشتند. در چند مورد بحث شد. قرار شد بروند جبهه، مشورت کنند و اطلاع دهند. شام را مهمان احمد آقا بودیم. آخر شب به خانه آمدم.

یکشنبه ۲۴ بهمن

صبح زود به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. نمایندگان از عدم موفقیت حمله نگران اند و به سپاه و فرماندهی اعتراض دارند. در تنفس برای تماشاچیان که معلولان جنگ بودند و نهضت سواد آموزی درباره جنگ و آینده صحبت کردم^۱. نماینده مهاباد در نطق پیش از دستور به رفتار سپاه با مردم کردستان اعتراض کرد. مورد اعتراض شدید نمایندگان قرار گرفت. هنوز اعتبار نامه اش تصویب نشده و این باعث شد. که بعضی ها به فکر افتادند مخالفت کنند^۲.

ظهر چند ملاقات داشتم و عصر با [کمال خرازی] رئیس خبرگزاری پارس که مسئول تبلیغات جنگ هم هست، صحبت داشتم و خط تبلیغات جنگ را توضیح دادم. عراقی ها با اغراق غیر قابل قبول از آمار تلفات ما می گویند. آقای صیاد [شیرازی] آمد، عازم جبهه بود، گله هایش را گفت و برنامه های آینده را توضیح داد. بد نیست. شب جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. اختلافات دویینش اقتصادی در حزب و دولت مطرح بود.

۱- در این سخنرانی درباره پیروزی های رزمندگان اسلام در جبهه ها و اهمیت مبارزه با بی سواد و شرایط صلح با عراق مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- اعتبار نامه آقای محمد جسیم سعادت نماینده مهاباد که در انتخابات میان دوره ای وارد مجلس شده بود، مورد تصویب نمایندگان قرار نگرفت و رد شد.

دوشنبه ۲۵ بهمن

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. در تنفس برای تماشاچیان درباره جنگ صحبت کردم*. ظهر با نمایندگان چندین ملاقات داشتیم. خاخام یهودیان با نماینده آنها و جمعی از سرانشان آمدند و مبلغ چهل و یک میلیون ریال [کمک] برای جبهه‌ها آوردند و سخت اظهار وفاداری کردند و چند خواسته داشتند مثلاً اجازه با هم بودن کنیسه و مدرسه که اخیراً منع شده‌اند و آزادی چند نفر زندانی که جرائم غیر سیاسی دارند و... من هم برای آنها در وحدت ریشه ادیان آسمانی صحبت کردم و تشابه نهضت ما با نهضت حضرت موسی علیه السلام از لحاظ تاریخی و محتوی و اینکه وجود اسرائیل مزاحم همکاری مسلمین با یهودی‌های عالم است.

آقای [میرعلی نقی] خاموشی نماینده تهران هم آمد. انتقاداتی بر کار مجلس داشت و پیشنهاداتی هم داد. عصر آقای محمدی مسئول دفتر مشاورت امام در نیروی هوایی - که به تازگی از انگلستان برگشته - آمد و گزارشی از وضع دفاتر خرید ارتش در لندن و وضع سفارت و دانشجویان مسلمان لندن داد. تأکید بر ضرورت وجود نماینده‌ای از امام یا آقای منتظری در آنجا داشت و هم تعویض کاردارمان و از روحیه و عملکرد آقای معین پور فرمانده نیروی هوایی گفت و معتقد است که دیگر نمی‌تواند نیرو را اداره کند. قبلاً طرفدار او بود.

آقای [صادق] تقوائی دادستان امور صنفی آمد و نمونه‌هایی از تخلف‌های وزارت بازرگانی را آورد؛ برای توجیه عملکرد خودشان که اخیراً علیه بازاریها انجام داده‌اند. اول شب گزارشات را خواندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. عفت و مهدی و یاسر به مجلس آمدند و شب در مجلس ماندند. به خاطر مسائل امنیتی و توصیه مسئولان حفاظت بیشتر در مجلس می‌مانم و از رفت و آمد زیاد پرهیز می‌کنم.

سه شنبه ۲۶ بهمن

چند لایحه را تصویب کردیم، منجمله لایحه عفو در آمد صادرات از مالیات. با این لایحه نمایندگان چپ رو سخت مخالفت کردند. من ناچار به عنوان موافق صحبت کردم و جو را شکستم و تصویب شد.

در تنفس برای پاسداران و ورزشکاران که تماشای مجلس بودند، صحبت کردم*. معمولاً برای تماشای ها در تنفس صحبت می‌کنم و اگر نکم گله می‌کنند.

ظهر وزیر دفاع آمد؛ برای توجیه عدم توفیق وزارت در امر خرید اسلحه‌های پیشنهادی که دلیل درستی هم نداشت. آقای مهدی کروی سرپرست بنیاد شهید هم آمد و مقداری طلا و جواهرات که از مردم خیر عرب برای بنیاد شهید توسط من فرستاده بودند، تحویل گرفت. آقای [مصطفی] تبریزی نماینده بجنورد هم آمد و از اینکه در شهرش بعضی‌ها به او و رفقاییش به عنوان امتی فشار می‌آورند، گله داشت و کمک می‌خواست. مهندس [رجبعلی] طاهری [نماینده کازرون] هم لیست جمعی از نمایندگان را که تقاضای عضویت در حزب جمهوری اسلامی کرده بودند، آورد و مشورت کرد. عصر گروهی از اطباء آمدند و برای فعالیت روی وزارت بهداشت و درمان که با مخالفت شورای نگهبان در مجلس گیر کرده است، کمک می‌خواستند. گروهی از قضات شرع دادگاه‌های انقلاب آمدند و از عملکرد ستاد پیگیری [فرمان هشت ماده‌ای] امام شکایت داشتند. از فرودگاه هم اعضای دادستانی، تلفنی همین شکایت را داشتند.

آقای [علی اکبر] ناطق نوری هم از برخورد نمایندگان خوزستان با ستاد بازسازی مناطق جنگ زده شکایت آورد و حق با ایشان است. گروهی از مسئولان نیروی زمینی آمدند و راجع به تعویض مسئولان نیروی دریایی افرادی را معرفی کردند و هم برای تعویض ستاد ارتش و افرادی را هم برای [دفتر] مشاورت [ارتش] معرفی کردند که مدت‌ها قبل خواسته بودیم و پیشنهاد ترفیع درجه صیاد شیرازی را هم داشتند. شب پرسنل اطلاعات سپاه آمدند، برایشان صحبت کردم و نصیحت نمودم*.

چهارشنبه ۲۷ بهمن

تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر در خانه ماندم و به مطالعه گذراندم. احمد آقا آمد و اطلاع داد که امام پریشب صبح ساعت چهار و نیم بعد از نماز شب دچار ناراحتی شده‌اند و پس از یک ساعت مقاومت دیگران را خبر کردند. دکترها آمدند و قلب را زیر کنترل گرفتند و به همین جهت ملاقات هیئت دولت دیروز لغو شد. امام آنها را احضار کرده بودند که درباره اختلافاتشان نصیحتشان کنند. از فردا برای پانزده روز ملاقاتهای امام را لغو اعلام کردند. ولی حالشان بد نیست. ضمناً از شورای

سرپرستی صدا و سیما گله داشت و می‌گفت مدیر عامل را تضعیف می‌کنند. با آقای بهزاد نبوی و آقای [عباس واعظ] طبعی هم درباره امکاناتی که برای بازسازی هویزه خواسته‌اند، مذاکره کردم. نوبت آنها برای تحویل گرفتن ماشین آلات سنگین دیر است و نیازشان فوری. عصر به مجلس رفتم. هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده و اتومبیل برای نمایندگان جدید و کارهای اداری را تصمیم گرفتیم.

اول شب در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور نخست وزیر و آقای صیاد شیرازی برنامه عملیات آینده را به دنبال عدم توفیق حمله اول و الفجر توضیح دادند و امیدوارند. آقای نخست وزیر درباره تعویض دوسه نفر از وزراء، وزیر جدید اطلاعات و جهاد مشورت کردند؛ به جایی نرسیدیم.

شورای عالی دفاع جلسه داشت. آقای [علی] شمخانی گزارش وضع کردستان و عملیات و الفجر را داد، خوب نیست. گفت در [عملیات] و الفجر [مقدماتی] نزدیک ششصد نفر شهید، دوهزار و پانصد نفر مفقود (شامل اسرا) و دوهزار و پانصد نفر مجروح بستری داشته‌ایم و چهل و پنج تانک و خودرو از دست داده‌ایم. درباره کارهای لبنان و امکانات خارج از کشور هم تصمیم گرفتیم. شش ماه احتیاط پزشکان را لغو کردیم. آخر شب مصاحبه رادیو تلویزیونی داشتیم*.

خبر رسید که شعبان پاسدار من که به جبهه اعزام شده بود، شهید شده و عفت گریه می‌کرد. من هم خیلی متأثر هستم. برادر دیگرش و شوهر خواهرش قبلاً شهید شده‌اند.

پنجشنبه ۲۸ بهمن

صبح زود به مجلس رفتم. طرح شوراهای اسلامی عمده وقت مجلس را گرفت و درگیری شدید بود؛ در حد بحث. ظهر برای شاخه کارمندی حزب [جمهوری اسلامی] که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم با چند نفر از نمایندگان ملاقات داشتم. عصر از دفتر مشاورت [ارتش] آمدند و گزارش‌ها و نظراتی ارائه دادند، منجمله پیشنهاد تعویض رئیس دفتر را دادند. و نگرانی ارتشی‌ها را از رشد سپاه گفتند. با معاونان و مدیرکل‌های آموزش و پرورش هم ملاقاتی داشتم و برای آنها سخنرانی کردم*.

با آقای [علی] اکبر [پرورش] هم ملاقاتی داشتیم. سعایتی^۱ از ایشان خدمت امام شده

که هنگام ابلاغ نظر امام درباره استاندار اصفهان در هیأت دولت ایشان گفته‌اند: "اگر این دستور از پایگاه ظلمت باشد، خوب نیست و اگر از پایگاه نور باشد باید اطاعت کنیم". آقای پرورش اینگونه اظهار را منکر است. با رئیس جدید هواپیمائی کشوری هم ملاقات کردم. مشکلاتش را گفت و تأیید می‌خواست.

شب با رئیس جمهور در دفتر من جلسه خصوصی طولانی داشتیم. درباره نیروهای زمینی، دریائی، هوائی، دفتر مشاورت [ارتش]، جنگ، انجمن حجّتی، دولت و مجلس و... مذاکراتی به عمل آورده و تصمیمات مفیدی اتخاذ کردیم.

جمعه ۲۹ بهمن

خاطرات عقب مانده چند روز را نوشتم. نماز جمعه را آقای [محمد] امامی کاشانی اقامه کردند. پیش از ظهر احمد آقا آمد. خبر داد حال امام بهتر است. درباره سیاست جنگ مشاوره کردیم. اکبر آقا صفریان از اصفهان آمده بود و از ضعف مدیریت کارخانه عظیم پلی اکریل و ضرر دهی آن گفت. تا شب گزارشات را خواندم. معمولاً روزهایی که در منزل هستم، مطالعه می‌کنم. گزارشات مفصل را به خانه می‌آورم.

آقا کمال طباطبائی با خانواده آمدند و برای عفو فریده که به جرم همکاری با چریک‌های اقلیت فدائی به دو سال [زندانی] محکوم شده استمداد کردند. دکتر وحید [دستجردی] آمد و نارسائی‌های زندان اوین را گفت و توصیه به گذشت می‌نمود و انتقاد کمی از دکتر [عباس] شیبانی که در دانشگاه تهران به لیبرال‌ها زیاد میدان می‌دهد و راجع به اختلافات اصفهان، گفت. آقای حسین مرعشی معاون استانداری کرمان هم آمد و تخلفات دادگاه انقلاب و سرد شدن بعضی از مردم منطقه در اثر اختلافات و بدرفتاری‌ها را گوشزد کرد. فیلم مصاحبه با اعضای کوموله را که دستگیر شده و بریده‌اند، گذاشته بودند.

شنبه ۳۰ بهمن

پیش از ظهر با احمد آقا راجع به جنگ و امور قضائی مذاکراتی شد. عصر آقای محسن

رفیق دوست وضع جبهه را گفت. از اینکه [آقای فاکر] نماینده امام [در سپاه] تصمیمات فرماندهی و شورای مرکزی سپاه را و تو می‌کند، گله داشت. منجمله سپاه می‌خواهد توسعه بدهد و آقای فاکر آن را مایه تضعیف ارتش می‌داند. در اساسنامه سپاه هم چنین حقی به نماینده امام داده شده. پیشنهاد می‌کرد که من همان‌گونه که نماینده امام در ارتش هستم، در سپاه هم دخالت کنم. نپذیرفتم و گفتم نباید نماینده امام در سپاه تضعیف شود و باید مطابق قانون عمل شود. اطلاع داد که دوربین عکسبرداری از هوا را از سوریه گرفته که کمک بسیار مهمی است و دلیل دوستی سوریه‌ها. دوربینهای ما در طول جنگ از دست رفته و سخت مورد نیاز است.

دیشب خبر رسید که در نماز جمعه مشهد، فیلم بردار تلویزیون با سیم برق اقدام به ترور آقای واعظ طبسی کرده که با دفاع به موقع ایشان و کمک پاسداران موفق نشده و خودش با گلوله محافظان کشته شده. تلفنی با آقای طبسی تماس گرفتم. معلوم شد همکارش را که احتمالاً در توطئه شریک بوده، بازداشت کرده‌اند و همچنین محافظ آقای شیرازی [امام جمعه مشهد] را که او را کشته، گرفته‌اند و بازجوئی برای کشف شبکه ادامه دارد. منافقین هم در پاریس مسئولیت آن را به عهده گرفته‌اند. شواهدی پیدا شده که از عوامل نفوذی منافقین باشد.

خالی

اسفند ۱۳۶۱

عکس ماه

یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۶۱

۶ جمادی الاول ۱۴۰۳

Feb. 20, 1983

جلسه علنی داشتیم. چندین لایحه تصویب شد. بعد از تنفس در کمیسیون بودجه شرکت کردم. خیلی از وزراء از برخورد اعضای کمیسیون بودجه شکایت دارند که اخلاقی و واقع بینانه نیست و شورای عالی قضائی هم شکایت داشت که اصرار دارند اعضای شورا را به کمیسیون به کشانند. مقداری نصیحت کردم و خواستم که منطقی برخورد کنند.

ظهر در دفتر چند ملاقات داشتم. عصر دکتر [عبدالله] جاسبی آمد و راجع به حزب [جمهوری اسلامی] و دانشگاه آزاد [اسلامی] مذاکره کردیم. شب جلسه شورای مرکزی حزب داشتیم. شرح وظایف مطرح بود و رسیدگی به اختلافات دو جناح آقایان [اسدالله] بادامچیان و مهندس [میرحسین] موسوی از دو طرف مذاکره کردند. حرف مهمی نداشتند؛ به نظر می‌رسد اختلافات سطحی و وهمی است. قرار است گفتگوها ادامه یابد. آخر شب به خانه آمدم. فیلم مصاحبه گروهک کوموله را گذاشته بودند؛ ظاهراً دسته جمعی تائب و نادماند

دوشنبه ۲ اسفند

پیش از دستور درباره سوء قصد به جان آقای [عباس و اعظ] طبسی صحبت کردم*. اعتبار نامه آقایان [علی اکبر] پور استاد و [علی نقی سید] خاموشی مطرح شد که آقایان فواد کریمی و [کاظم] اکرمی نمایندگان اهواز و همدان اعتراض کردند. به کمیسیون تحقیق ارجاع شد. بعضی فکر می‌کنند به خاطر اینکه اینها بازاریند با آنان مخالفت می‌کنند. چند لایحه به تصویب رسید.

در تنفس دیروز برای خانواده‌های شهدا و گروهی دیگر که برای تماشا به مجلس آمده بودند، صحبت کردم* و تحلیلی از وضع جنگ ارائه دادم؛ معمولاً گروهی از ارگانهای مختلف به عنوان تماشاچی به مجلس می‌آیند و توقع دارند که من برای آنها صحبت کنم و وقت تنفس که باید استراحت کنم صرف آنها می‌شود. عصر نمایندگان زابل آمدند و راجع به خطر افغان‌ها در مرز مطالبی داشتند که آنها را به آقای [خسرو] تهرانی معرفی کردم که در جلسه شورای تأمین شرکت کنند و مطالبشان را بگویند.

شب در مجلس ماندم. جمعی از وزراء آقایان بهزاد نبوی و [محمد] سلامتی،

عکس واعظ طبسی

[مصطفی] هاشمی [طبا]، [محمد علی] نجفی، [هادی] منافی و [محسن] نوربخش رئیس بانک مرکزی شام مهمان من بودند. گروه تند رو کابینه هستند. راجع به جناح مقابل مطالبی داشتند. آقای صیاد [شیرازی] از جبهه تلفن کرد و گفت وقت عملیات چند روز تأخیر افتاده و از من خواست در مراسم فارغ التحصیلی آموزشگاه (۰۶) شرکت کنم، گفتم از آقای رئیس جمهور درخواست شود.

سه شنبه ۳ اسفند

تا ساعت هشت مطالعه کردم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. در جلسه علنی چند لایحه تصویب شد. در تنفس برای انجمن های اسلامی اصناف و گردان ثارالله - که مسئول گشت در تهران برای مبارزه با تروریست ها هستند - و ورزشکاران شهر ری صحبت کردم و از انجمن های اسلامی خواستم که برای مبارزه با تروریست های اقتصادی جدی باشند^۱. اداره بقیه جلسه را به آقای [محمد] یزدی سپردم و به دفترم آمدم.

ظهر اعضای کمیسیون آموزش و پرورش عالی آمدند. انتقادهائی را به وضع جاری داشتند و پیشنهاد برای اصلاح نظام آموزشی و کتب درسی و... قرار شد خودشان کار کنند و من هم حمایت کنم و لایحه شورای عالی آموزش را که مدتی است به خاطر مخالفت ستاد انقلاب فرهنگی را کد مانده به جریان بیاندازند.

عصر امام جمعه خوانسار و گروهی از مسئولان شهر آمدند. از وضع شهر راضی بودند و پیشنهاد مستقل شدن خوانسار در انتخابات و داشتن نماینده مستقل در مجلس داشتند؛ فعلاً با گلپایگان یک وکیل دارند. سفرا و کارداران جدید در لندن استکهم ولهستان آمدند و برای آنها راجع به سیاست خودمان صحبت کردم. آقای عبدالله نوری نماینده امام در جهاد آمد و از وضع جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] و لزوم تماس بیشتر ما با طلبه ها و [همچنین] نفوذ عناصر بی اطلاع از شرایط روز در نیروهای بسیج و کم توجهی سپاه به جهاد در جبهه و... مطالبی گفت.

۱- در این سخنرانی نقش پاسداران گروه ثارالله در آرامش جامعه مورد بحث قرار گرفت و در ادامه درباره تروریست های اقتصادی و عوامل احتکار و گرانفروشی در جامعه و لزوم هوشیاری در خصوص این توطئه مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

آقای [علی] فلاحیان از کمیته مرکزی آمد و خبر خرید شده شدن لامپ‌های هاگ از بازار سیاه را داد که نمی‌توانستیم بخریم و سخت مورد نیاز است. آقای سلیمی وزیر دفاع آمد و از من خواست که ریاست دفتر مشاورت امام را از ایشان به دیگری منتقل کنم؛ استقبال کردم. آقای طباطبائی سرپرست بنیاد مستضعفان آمد و از وزارت مسکن به خاطر ندادن زمین براساس پنجاه هزار خانه که در برنامه بنیاد است، گله نمود و برنامه‌های ارائه داده عمده مصالح ساختمان در داخل تهیه شود. استاندار بوشهر و مقامات دیگر استان آمدند. نگران راه افتادن نیروگاه هسته‌ای و عوارض جنبی آن بودند. مقامات صلیب سرخ جهانی آمدند و از عدم همکاری مسئولان با آنها در انجام وظایفشان درباره اسرا شکایت داشتند و جواب‌هایی دادم. قرار شده تسهیلات فراهم شود.

چهارشنبه ۴ اسفند

تمام وقت در خانه ماندم تا ساعت یازده مطالعه می‌کردم. آقای رئیس جمهور و احمد آقا آمدند، راجع به کسالت امام بحث شد. وضع جسمی امام با توجه به سکت قلبی قبلی ایشان سخت ما را نگران کرده است. دکتر [حسن] عارفی و دکتر رنجبر هم آمدند و توضیح دادند. خیلی مهم نمی‌بینند. ولی در هفته گذشته امام چند بار احساس درد در قفسه سینه کرده‌اند که احتمالاً معلول تنگی یکی از عروق قلب است. قرار شد ظهر امروز با اطباء دیگر مشورت کنند و اگر لازم دانستند از خارج متخصص قلب بخواهیم. ناهار را هم مهمان من بودند.

آقای خامنه‌ای ساعت پنج بعد از ظهر رفتند. متن نطقی را که می‌خواهند در کنفرانس غیر متعهدها در دهلی نو بخوانند برای مشورت به من دادند. امروز خواندم؛ جامع و متین تهیه شده؛ فقط چند اصلاح مختصر و تذکر به نظرم رسید و به خواست خودشان به خدمت امام فرستادم که ایشان هم بخوانند و نظر بدهند. امروز خبر مهمی نداشتیم.

پنجشنبه ۵ اسفند

در جلسه علنی چند لایحه تصویب شد و طرح ایجاد دفاتر برای نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه رد شد. اکثریت نمایندگان روحیه خوبی دارند و حاضر نیستند بودجه‌ای بر بیت‌المال

تحمیل شود. در تنفس برای [جمعی از اعضای] امور تربیتی و سپاه و ورزشکاران صحبت کردم^۱. ظهر چند ملاقات داشتم. آقای [سیدمحمد] کیاوش [نماینده اهواز] وضع لبنان را گفت و دکتر [حسن] روحانی خواستار اعزام بازرس از مجلس به جبهه برای تعقیب ضعف کار فرماندهی بود. از ستاد نماز جمعه آمدند و برای مخارج پول می‌خواستند. آقای مهدیان ماهی صد هزار تومان می‌دهد ولی اینها بیشتر لازم دارند. تأمین امنیت مراسم و تهیه تجهیزات و اصلاح شرایط محل نماز هزینه دارد.

عصر کلاس درس مواضع حزب جمهوری اسلامی داشتم و ملاقاتی با دفتر مشاورت [ارتش] و وزیر فرهنگ و آموزش عالی و اخوان محمد و محمود. محمد به لاهه می‌رود برای بررسی درباره مسائل دعاوی ایران و آمریکا. شب جلسه فوق‌العاده شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی برای بحث در اختلاف دو جناح بود. آقایان بهشتی‌زاده و زورق از یک جناح و آقای عسکراولادی و آقای مهندس طاهری از جناح دیگر حرفه‌ایشان را زدند.

جمعه ۶ اسفند

صبح برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه می‌کردم و سپس برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه‌ها خیلی طولانی شد^۲. عفت و بیچه‌ها هم آمدند. مهدی و یاسر از اینکه در فیلم وصف اول نماز دیده می‌شدند، شب خیلی خوشحال بودند. عصر حاجیه والده و همشیره که از مشهد برگشته بودند، آمدند و خیلی خوشحال شدیم. قرار است چشم والده را که آب مروارید آورده

۱- در این سخنرانی درباره ثمره ایثارگری و مقاومت، امکان تبدیل شدن ایران به الگوی مرفه اسلامی، و آزمایش در سختی‌ها به عنوان یک سنت الهی مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام در مورد مستحقین دریافت کفارات، شرایط پرداخت کفارات و انفاقات بحث شد و در خطبه دوم مسایل ایران، جهان و منطقه مورد بررسی قرار گرفت. همچنین درباره سوء قصد به جان آقای واعظ طبسی، مسأله نفت و توطئه‌های امپریالیسم برای کاهش بهای آن، جنگ و دستاوردهای عملیات والفجر مقدماتی مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

عمل کنند.

آقای احمد طباطبائی هم آمد و خبر داد که زمین منزلمان تفکیک شده. ده سال پیش به طور مشاع سهم ما هفتصد متر مربع بوده است که در تفکیک جدید به دلیل اینکه نتوانسته‌اند قطعه هفتصد متری جدا کنند، ناچار شدیم قطعه هزار متری را بگیریم. بنا است چند واحد مسکونی برای سکونت بچه‌ها ساخته شود.

شب مقداری گزارش‌ها را خواندم. در پاکستان شیعه و سنی سخت به جان هم افتاده‌اند؛ ظاهراً به تحریک اجانب و دشمنان می‌خواهند انفجارهایی که اخیراً در مؤسسات فرانسوی شده به حساب ما بگذارند.

شنبه ۱۷ اسفند

امروز در خانه ماندم. مقداری مطالعه و صحبت با والده و مشورت ایشان درباره وصیت نامه و کارهای خیری که می‌توانند بکنند. سپس با آقای خامنه‌ای به زیارت امام رفتم. امام چند روز است که کمی کسالت دارند و مراقبت بیشتری از ایشان می‌شود و استراحت دارند. حالشان بد نبود. درباره نطق آقای خامنه‌ای در کنفرانس غیر متعهدها و کتاب اقتصاد آقای مطهری و چیزهای دیگر صحبت کردیم. قرصی برای ایشان از خارج خواسته‌اند؛ خبر آمد که رسیده.

با دکتر ولایتی درباره پس گرفتن قرار داد با ترکیه که در کمیسیون اقتصاد مجلس رد شده، صحبت کردم که در جلسه علنی مطرح نشود. درباره گذرنامه سیاسی نمایندگان مشورت کردم؛ مشکلی داریم؛ همه گذرنامه سیاسی می‌خواهند. عصر هم احمد آقا آمد و از ناراحتی آقای سلطانی گفت. شب حاجیه بی بی به منزل همشیره زاده محمد رفتند. فردا برای عمل چشم به بیمارستان می‌روند.

یکشنبه ۸ اسفند

صبح خیلی زود با پاسدارها به بهشت زهرا رفتم؛ برای زیارت قبور شهدا، چندین قطعه مرکب از هزاران قبر و عکس و چراغ اختصاص به شهدا دارد و رو به ازدیاد است. بر سر قبور شهدای هفتاد و دو تن و آیت‌الله طالقانی و آقایان شهید باهنر و شهید رجائی و شهید چمران و... و یکی از پاسدارانم فاتحه خواندم و گریه کردم.

به مجلس رفتم. چند لایحه تصویب شد. در تنفس برای فرماندهان مناطق و پرسنل سپاه صحبت کردم^۱. بقیه اداره جلسه را به آقای یزدی سپردم و برای انجام کارها به دفترم رفتم. لیست اتومبیل‌هایی که کارخانه بایستی تحویل مجلس برای نمایندگان بدهند، آوردند. اشکال داشت، امضاء نکردم.

ظهر آقای هادی غفاری آمد و گزارشی از کردستان آورد. نیازها را گفت؛ کار فرهنگی، راه سازی و دادگاه فعال و... آقای میریونسی آمد، از اینکه در نماز جمعه به حامیان سرمایه‌داری حمله کرده بودم، گله داشت. جمعی دیگر از روحانیون و بازاری‌ها هم [گله داشتند] در مقابل جمعی از نمایندگان متشکر بودند. روزنامه‌ها این موضوع را تیتیر درشت کرده بودند. خانواده شعبان، یکی از پاسدارانم که شهید شده است، آمدند و دلداریشان دادم و کمکشان کردم. عصر اعضای انتظامات و شناسائی حزب [جمهوری اسلامی] آمدند. برایشان صحبت کردم^۲. آقای سید [محمد تقی] مدرس آمد و مطالبی از گروه الجهاد مصر که برای هدف حکومت اسلامی کار می‌کنند، گفت اطلاعاتمان از آنها کم است.

۱- در این سخنرانی درباره نقش سپاه در انقلاب اسلامی، ارزش سپاه، ویژگی امنیتی انقلاب اسلامی ایران، وحشت دشمنان از نیروهای داوطلب سپاه، تهاجم همه‌جانبه دشمنان به انقلاب و پایداری مردم و حساسیت خبری موجود بر روی ایران مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲- در این سخنرانی ایشان درباره ارزش تحزب در اسلام، وحشت دشمنان از حزب جمهوری اسلامی، جایگاه حزب در انقلاب، تهمت‌های دشمنان به حزب، مسئولیت خودجوش انتظامات حزب، ضوابط پذیرش اعضا در حزب و پرورش اشخاص برجسته انقلاب در حزب سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم"

ستاد بازسازی مناطق جنگ زده آمدند و گزارش کارشان را دادند. راضی‌اند؛ از پیشرفت کار و کمک مردم. آقای حسینی از نیروی هوایی که مورد غضب آقای معین پور است آمد و کمک خواست. در شورای مرکزی حزب شرکت کردیم و بحث در بودجه حزب و اختلافات دو جناح بود. قرار شد ده میلیون تومان کمک کنیم و مبلغی برای چاپخانه و شرکت انتشارات به عنوان منبع در آمد.

دوشنبه ۹ اسفند

بعد از شروع، جلسه را به آقای [محمد] یزدی واگذار کردم و به دفتر رفتم. تا شب بیشتر وقتم به مطالعه گزارش‌ها و نسخه پیش نویس کتابی که در درباره «مکتب‌ها و ارزش‌ها» - که در زندان نوشته‌ام - صرف شد. بنا است روزنامه جمهوری و مجله پاسدار انقلاب آن را منتشر کنند. بیشتر کتاب نقد مارکسیسم و کشورهای مارکسیستی است و قبل از چاپ لازم است به دقت ملاحظه شود^۱. خودم در چاپ آن تردید داشتم ولی مسئولان این دو نشریه اصرار دارند و صلاح می‌دانند. اطلاع دادند [آقای رابع بیطاط] رئیس مجلس الجزایر در رأس هیئتی به ایران می‌آید، قبلاً ایشان را دعوت کرده‌ایم. جواب سفر من به الجزایر است. به روابط عمومی و دفترم گفتم برنامه دیدار و کار را با وزارت خارجه مشخص کنند.

آقای [محمد] غرضی آمد و راجع به قیمت نفت صحبت کردیم. سیاست ما این است که قیمت پایین نیاید، اگر لازم است از تولید او پیک کاسته شود و ما هم به قدر سهم خود از تولید بکاهیم. ایشان هم موافق بود و قرار شد در این راه ایشان را تأیید کنیم. با آقای خامنه‌ای هم تلفنی صحبت کردم، ایشان هم موافق بودند.

۱- این کتاب در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات مؤسسه پاسدار اسلام در ۱۲۸ صفحه و در تیراژ ۵۰۰۰ جلد منتشر گردید. قبل از آن مطالب «ارزشها و مکتبها» به صورت یازده مقاله در ماهنامه «پاسدار اسلام» به چاپ رسیده بود. رجوع کنید ← ارزشها و مکتبها، هاشمی رفسنجانی - اکبر، ناشر: پاسدار اسلام، چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۶۸، قم.

عکس رابع بیطاط

سه شنبه ۱۰ اسفند

صبح زود به فرودگاه مهر آباد برای استقبال از مهمان‌های الجزایری رفتیم. رأس ساعت هشت و ربع مقرر با [هواپیمائی] لوفت‌هانزا رسیدند. مراسم استقبال انجام شد و [رئیس مجلس الجزایر] در سالن فرودگاه بیانیه‌ای که تهیه کرده بود از روی نوشته خواند. من هم صحبت کوتاهی کردم. گروهی از هیأت رئیسه مجلس و وزارت امور خارجه هم آمده بودند. ایشان را تا هتل آزادی همراهی کردم. ایشان به استراحت پرداخت و من به مجلس آمدم. دکتر [محمدعلی] هادی [نجف‌آبادی] رئیس کمیسیون سیاست خارجی مسئول همراهی و پذیرائی شد. در حالی که آقای یزدی جلسه را اداره می‌کردند، من در جلسه شرکت کردم و طرح روستا پزشکی مطرح بود و وزارت علوم و بهداری هم موافق نبودند؛ کمیسیون بهداری هم رد کرده بود، ولی تصویب شد.

در کمیسیون بودجه شرکت کردم. بعضی از اعضا، زمزمه رد لایحه بودجه را داشتند؛ به خاطر کسر بودجه نامرئی؛ به ادعای خودشان در حدود یکصد میلیارد تومان. صحبت کردم و آنها را به ضرر سیاسی این حرکت توجه دادم. با توجه به جنگ موثر شد، ان‌شاءالله رد نخواهد شد. موضوع پائین آمدن قیمت نفت هم که استکبار و ارتجاع سخت در تلاشند، بی تأثیر در این تردید نیست. ظهر آقای [عبدالکریم] شرعی [تمایزدار] آمد و از شورای عالی قضائی شکایت داشت. از من هم به خاطر موضع‌گیری‌های اقتصادی علیه ثروتمندان و انتقاد از حامیان ثروتمندان گله داشت، که با توضیحاتی راضی شد و کمک برای بودجه شورای عالی تبلیغات می‌خواست. و من هم نصایحی کردم. عصر مسئولان وزارت پست و تلگراف و تلفن آمدند. گزارشی خوشحال‌کننده از پیشرفت کارها دادند. من هم صحبت کردم^۱. مسئول سازمان انرژی اتمی آمد و از مخالفت بعضی از بوشهری‌ها ناراضی بود. قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم.

گروهی از اساتید دانشکده پزشکی آمدند و از بی توجهی به اساتید پزشکی گله داشتند و پیشنهاداتی دادند. سپس گروهی از گردانندگان مجله زن روز آمدند و درد دل کردند. از من خواستند

۱- در این دیدار ایشان درباره لزوم جدیت متخصصان ایرانی در رفع مشکلات، توجه بیشتر انقلاب اسلامی به روستاها و مناطق محروم و قدردانی از موقیبت‌های وزارت پست و تلگراف و تلفن سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی،

سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

که در نماز جمعه راجع به خانواده بگویم. جالب است که رسانه‌های جمعی هم برای تبلیغ، متوسل به نماز جمعه می‌شوند. قرار شد مصاحبه‌ای با آنها داشته باشم.

هیأت الجزایری، شب مهمان مجلس بودند. ساعت هفت آمدند و از مشاهده موزه‌های فرش و جواهرات دچار تعجب شده بودند که در انقلاب محفوظ مانده است. پس از تشریفات، رئیس مجلس الجزایر بیش از یک ساعت صحبت کرد. سیاست الجزایر را تشریح و از نقاط ضعف‌شان در برخورد با مسئله فلسطین و ارتجاع و عراق دفاع کرد و پیشنهادهای درباره جلوگیری از تفرقه در کنفرانس غیر متعهدها ارائه داد. برای شام سر میز رفتیم. نخست وزیر و جمعی از وزراء هم آمده بودند. سر میز شام من و ایشان صحبت مختصری داشتیم. کلیتاً درباره همکاری دو انقلاب برای اهداف مشترک. از سالن مجلس دیدن کردند و برای استراحت به هتل رفتند و ما پس از تهیه هدیه برای آنها - از میان هدایائی که در رژیم سابق، مجلس برای مهمانان تهیه کرده است - به خانه رفتیم.

چهارشنبه ۱۱ اسفند

صبح اطلاع دادند که دور دوم مذاکرات با رئیس مجلس الجزایر ساعت نه در مجلس شروع می‌شود. با عجله به مجلس رفتیم. کمی دیر رسیدیم. ولی مهمان‌ها هم دیر آمدند؛ عدم هماهنگی و بی‌نظمی دفتر و وزارت خارجه. در این جلسه بیشتر من صحبت کردم و نظرات ایران را در مورد موضوعاتی که ایشان مطرح کرده بود گفتم. در [خصوص] قیمت نفت گفتم حاضریم از تولید کم شود؛ برای حفظ قیمت. در مورد فلسطین برخلاف نظر الجزایر گفتم می‌توانیم خیلی جدی در صحنه‌ها باشیم، اصولاً اسرائیل، خطر برای اسلام و منطقه است و به همه ما مربوط است. الجزایری‌ها با توجه به سازشکاری بعضی از فلسطینی‌ها عملکرد خودشان را اینگونه توجیه می‌کنند که ما نمی‌توانیم فلسطینی‌تر از فلسطینی‌ها باشیم. سپس ایشان به دیدن آقای خامنه‌ای رفت و من به کارها پرداختم.

عصر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. مهمانان عصر به زیارت قبور شهدا در بهشت زهرا و به ملاقات آقای منتظری به قم رفتند. شب من و جمعی از هیأت رئیسه و وزارت امور خارجه در خانه سفیر الجزایر مهمان آنها بودیم. از راه قم و ملاقات آقای منتظری راضی بودند. آقای منتظری از موضع یک مرشد روحانی نصیحت کرده بودند. مذاکرات جلسه خیلی دوستانه ولی متفرقه و بی‌نظم

بود. شام تجملاتی دادند. هدایائی برایشان آورده بودیم که داده شد. خبر رسید که عراقی‌ها در منطقه نورو ز خلیج فارس یک کشتی کوچک وزارت نفت و ده نفر از کارکنان شرکت نفت را غرق کرده‌اند، دو چاه را آتش زده‌اند که هنوز می‌سوزد. شرکت نفت در تلاش تهیه وسایل خاموش کردن آتش است. معمولاً برای خاموش کردن این چاهها از خارج کارشناس می‌آورده‌اند، اما وزارت نفت مدعی است که خودش می‌تواند خاموش کند، به شرط تأمین پوشش دفاعی.

پنجشنبه ۱۲ اسفند

صبح زود مطابق قرار به طرف هتل آزادی حرکت کردم که با مهمانان الجزایری به فرودگاه بروم. در بین راه از طریق تلفن ماشین اطلاع دادند که آنها به فرودگاه رفته‌اند. در فرودگاه به آنها ملحق شدیم. یک ساعت معطل شدیم. پذیرائی بد بود. فیلمبردار هم نیامده بود. آقای بیطاط از پخش خبر نظرایشان درباره محل کنفرانس آینده غیر متعهدها، ناراحت بود. درباره نیروی هسته‌ای و گاز مذاکره کردیم. با ایران ایر عازم دویبی بود. تا دم هواپیما بدرقه کردیم. به مجلس آمدم. تا عصر در دفتر کارم مطالعه و کار کردم. به جلسه علنی رفتم. عصر آقای [علی] شمخانی معاون سپاه آمد و از وضع روحیه فرماندهان سپاه و مشکلات جنگ گفت و کمک خواست. شب در دفتر آقای خامنه‌ای با سران کشور جلسه داشتیم. درباره سفر ایشان به هند و وضع جنگ و چیزهای دیگر مذاکره کردیم.

جمعه ۱۳ اسفند

تا ساعت ده ونیم مطالعه می‌کردم. به نماز جمعه رفتم. خطبه‌ای در اسراف و دیگری در مسائل روز خواندم^۱. خیلی خسته بودم، عصر استراحت کردم. شب به مطالعه گزارشها پرداختم و احمد آقا

۱- در این خطبه‌ها موضوعات اسراف از دیدگاه قرآن، کنفرانس کشورهای غیر متعهد و زندگی و وفات حضرت فاطمه

مرعشی با جمعی آمدند. کمک می‌خواست برای صدور پاسپورت دکتری. در اصفهان در حادثه‌ای همسر آلمانی‌ش کشته شده و می‌خواهد بچه‌هایش را به آلمان ببرد.

شنبه ۱۴ اسفند

مطالعه و نوشتن خاطرات عقب مانده بیشتر وقتم را پرکرد. پیش از ظهر احمد آقا آمد و گفت گویا دادگاه دوسلدورف آلمان با مصونیت آقای صادق طباطبائی موافقت کرده و در صورت آزادی، به عنوان عنصر نامطلوب از آلمان اخراج می‌شود. ملاقات‌های امام بعد از دو هفته شروع شده و حالشان خوب است. از ایشان خواستم که حکم نصب آقای [محمد مهدی] ربانی [املشی] در شورای نگهبان را به این شورا ابلاغ کنند. و گفتم به امام اطلاع دهند که برای هفته آینده آقای [محمد رضا] مهدوی‌کنی را برای نماز جمعه انتخاب کرده‌ام. قبلاً احمد آقا از طرف امام پیام آورده بود که هرکس را به جای خودم انتخاب می‌کنم، قبلاً به امام اطلاع دهم.

از دفتر امام اطلاع دادند که آقای خامنه‌ای برای ملاقات امام آمده‌اند، من هم رفتم. امام را زیارت کردیم. حالشان خوب بود. نگران امنیت سفر آقای خامنه‌ای به هند بودند. توضیحاتی داده شد. البته باز هم خاطر جمع نبودند، بالاجبار راضی شدند. از ایشان تقاضا کردیم کمک مالی به حزب [جمهوری اسلامی] کنند. موافقت کردند که ده میلیون تومان بدهند. از این همه خرج حزب تعجب داشتند.

بعد از نهار دکتر هادی و آقای پوشنه‌گر که از هند برگشته بودند، آمدند از برنامه‌های خودشان در حاشیه کنفرانس غیر متعهدها گفتند و از ناامنی محیط برای آقای خامنه‌ای؛ نظرشان این بود که ایشان به هند نروند. امروز خبر رسید که صدام هم نمی‌رود. قرار شد عصر با ایشان ملاقات کنند و نظرشان را بگویند و من هم تلفن کنم. عصر عفت به خانه فائزه رفت برای تنظیم جهیزیه او. آقای [عبدالکریم] موسوی اردبیلی اطلاع دادند که فردا شب در منزل ایشان با [جامعه] مدرسین

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

زهره علی‌نژاد مورد بحث قرار گرفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف

انقلاب

[حوزه علمیه] قم برای بحث در نظرات مختلف اقتصادی جلسه‌ای است و خواسته‌اند که من هم بروم.

شنبه ۱۵ اسفند

صبح زود به دفترم رفتم. گزارشها را خواندم. آقای خامنه‌ای تلفن کردند. اطلاع دادند پیرو مشورت با امام از سفر هندی منصرف شده‌اند. در باب اعلام علت انصراف مشورت نمودند. قرار شد پیش از ظهر جلسه‌ای داشته باشیم.

در جلسه علنی جمعی از نمایندگان از اظهارات روز جمعه آقای [احمد] آذری قمی عصبانی بودند^۱ و می‌خواستند عکس‌العمل نشان دهند، منعشان کردم. فقط آقای [سیدمحمد] کیاوش [نماینده اهواز] به عنوان تفرقه‌انگیزی در نطق پیش از دستور به ایشان اخطار کرد^۲. چند لایحه تصویب کردیم. در تنفس برای تماشاچیان صحبت کردم و از آمریکائیان به خاطر بازداشت امام جماعت و اشنگتن به جرم حمایت از انقلاب [اسلامی] ایران انتقاد کردم^۳.

ساعت یازده به دفتر رئیس جمهور رفتم. آقای [میرحسین موسوی] نخست‌وزیر هم بودند. قرار شد به جای رئیس جمهور، نخست‌وزیر [در اجلاس غیر متعهدها] شرکت کنند و ترکیب هیأت

۱- مرحوم آقای احمد آذری قمی دبیر وقت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضو مجلس خبرگان در سخنان پیش از خطبه‌های نماز جمعه در زمینه وضع و اجرای قوانین اسلامی مطالبی عنوان کرد. وی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درخواست نمود هر چه زودتر قوانین مورد نیاز جامعه اسلامی را با اتکال به قرآن کریم و اسلام اصیل تصویب نمایند. لحن سخنان وی به نحوی بود که اعتراض جمعی از نمایندگان مجلس را برانگیخت.

۲- وی گفت: "رعایت تقوی در گفتار لازم است بخصوص در مطالب نماز جمعه و به ویژه در شهر قیام و خون و شهادت قم و برای کسی که در بین روحانیت دارای اعتبارات بسیار است؛ چراکه به فرموده امام امت تفرقه انداختن جز فشل شدن چیز دیگری ندارد و آقای آذری قمی باید به این مسأله توجه داشته باشد."

۳- در این سخنرانی که در دیدار با گروهی از خانواده‌های شهدا و روحانیون و اعضای حزب جمهوری اسلامی بخش بهار همدان ایراد شد، درباره مقام شهید و قدردانی از خانواده‌های شهدا و حمله پلیس آمریکا به مسجد مسلمانان در واشنگتن مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

عکس آذری قمی - کیاوش

همراه هم عوض شود.

ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. عصر گروهی از اعضای حزب بخش استانها آمدند. برای آنها سخنرانی کردم^۱، و گزارش دادند. اعضای کمیته انقلاب آمدند. اصلاحاتی برای آئین نامه پیشنهاد می کردند. در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردیم. بیشتر بحث در نحوه عکس العمل در مقابل اظهارات آقای [احمد] آذری قمی بود که ترجیح دادیم ساکت باشیم و رفاقت نمائیم. در جلسه منزل آقای موسوی اردبیلی که جمعی از مدرسین [حوزه علمیه قم] حضور داشتند برای بحث در مورد مسائل جاری درست شرکت نکردم. خسته بودم و استخاره ام موافقت نکرد.

دوشنبه ۱۶ اسفند

چند لایحه تصویب کردیم. بیشتر اصلاح برگشتی های شورای نگهبان بود. شورای نگهبان خیلی از لوایح را برمی گرداند؛ بی اشکال هم نیست. در تنفس برای خانواده های شهدا و بسیج قمشه و جرقوی صحبت کردم*. سه کیلو طلا برای جنگ آورده اند. از هدایای کوچک مردم جمع شده است. ظهر نمایندگان جنوب آمدند و از اختلاف سپاه در آبادان اظهار نگرانی کردند. با آقای فاکر صحبت کردم که رفع نماید.

آقایان [قربانعلی] درّی [نجف آبادی] و [عباس] مظفر از کمیسیون بودجه آمدند و توضیحاتی درباره بودجه دادند. از ضعف کار دولت در تنظیم بودجه گفتند. عصر در جلسه نمایندگان عضو حزب شرکت کردم. درباره اظهارات آقای [احمد] آذری قمی [و کیفیت کار واحد حزب در مجلس و کتاب اقتصاد آقای مطهری صحبت کردیم.

آقای وزیر سپاه آمد و از نماینده امام در سپاه گله داشت. آقای [علی اکبر] محتشمی [پورا] سفیر ما در سوریه آمدند. از دوستی های سوری ها و شخص حافظ اسدگفت و از ضعف برخورد وزارت

۱- در این سخنرانی درباره لزوم توجه به نقاط ضعف، نقش نیروهای بومی در تشکیلات شهرستانها، نقش مجلس شورای اسلامی در هماهنگی با تشکیلات حزب، جایگاه واحد شهرستانهای حزب در تبلیغات، جدایی مسایل شخصی از امور حزب و تثبیت حزب جمهوری اسلامی در جامعه مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۱، جلد

عکس اعضای شورای نگهبان

امور خارجه. و وضع لبنان را گفت و از نفوذ انقلاب ما در بقاع و بعلبک. سرشب برای دیدن والده به خانه اخوی محمد رفتیم. والده چشم دویشان را هم عمل کرده و از بیمارستان به خانه منتقل شده بودند. حالشان خوب بود و محمد از نتایج سفرش به لاهه گفت و پیشنهادات اصلاحی در اخبار صدا و سیما دادیم. آخر شب به خانه آمدیم آقای [علی] عباسپور [تهرانی] و دختر آقای مطهری (همسرش) آمدند. از اینکه سازمان پژوهش‌های [علمی و صنعتی] تحت ریاست وی در کمیسیون بودجه از ریاست جمهوری به وزارت صنایع منتقل شده، انتقاد داشت و هم از کم شدن بودجه. و شرحی از خدمات سازمان را ارائه کرد.

سه شنبه ۱۷ اسفند

مقداری در منزل کار کردم و به مجلس رفتیم. لایحه بودجه مطرح شد. مخبر کمیسیون و مخالفان و موافقان صحبت کردند. تا دوسه روز دیگر هم چنین خواهد بود. نزدیک ظهر اداره جلسه را به آقای یزدی سپردم و برای تماشاچیان که سپاهیان رشت [و اعضای انجمنهای اسلامی فیروزکوه] بودند، صحبت کردم!

ظهر آقای [عبدالواحد] موسوی لاری آمد و گزارش سفرش به آلمان، فرانسه و جنوب خلیج فارس را داد. از اختلاف دانشجویان با سفارت‌های آلمان و فرانسه و موفقیت‌های حزب الله در محیط دانشجویی فرانسه و فشار آلمانی‌ها بر دانشجویان اسلامی و مخالفت سفارت ما در دوی با آقای برقی که قبلاً نماینده امام بوده گفت.

آقای آشتیانی مسئول ماشین‌های مجلس آمد. قالیچه گرانبهایی از مال خودش برای جنگ آورده بود و خبر داد که پسرش در عملیات والفجر مفقودالثر شده. (مردم چقدر خوبند). عصر دکتر ارانی از دوستان بنی صدر که پاکسازی شده آمد و کمک می‌خواست. روحانیون بوئین زهرا آمدند و برای شهرستان شدن منطقه اصرار داشتند. آقای کوثری مداح اهل بیت آمد و برای ما

۱- در این سخنرانی درباره مردمی بودن انقلاب اسلامی و حرکت‌های خودجوش و حوادث جنگل در شمال و خیط منافقین در رفتن به جنگل و مقابله مردم با آنان مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد

روضه حضرت زهرا علیها السلام خواند. صله‌ای دادم. روضه خوان بسیار خوبی است. دو نفر از حزب جمهوری [اسلامی] خمین آمدند و از اختلافات خمین و موضع‌گیری آقای [غلامرضا] رضوانی عضو شورای نگهبان شکایت داشتند و از آقای قریشی. آنها را امر به همکاری با آقای جلالی - امام جمعه که اخیراً به خمین رفته - کردم و از اختلاف برحذر داشتم. گروهی از دانشگاه تربیت مدرس آمدند و از ضعف مدیریت ستاد انقلاب فرهنگی و مخالفت استادان دانشگاه‌ها گفتند و کمک خواستند.

از ستاد همکاری فیضیه و دانشگاه دو نفر آمدند و برای شرکت در سمینارشان دعوت کردند و نشریاتشان را آوردند. آقای گل‌سرخ‌ی از هند آمد و گزارشی از وضع هند و پاکستان و عدم همکاری سفارت هند با ایشان داد و برای گرفتن ارز کمک خواست. مقداری گزارش خواندم و کارهای اداری را انجام دادم.

چهارشنبه ۱۸ اسفند

تا ساعت نه و نیم در خانه ماندم نوشتن خاطرات عقب مانده وقت را گرفتم. سپس به مجلس رفتم. مخالفان و موافقان بودجه صحبت می‌کردند. ساعت آخر جلسه را اداره کردم. ظهر هم چند ملاقات داشتم. عصر هیئت رئیسه جلسه داشت. اعضای سازمان تبلیغات اسلامی آمدند. گزارش کارهایشان را دادند. من هم در اهمیت این گونه تبلیغات غیر دولتی صحبت کردم^۱. قبل از این ملاقات آقای [احمد] جنتی از لزوم تماس بیشتر ما با شورای نگهبان گفتند.

بعد از جلسه آقایان عبائی و جعفری و واعظی و موسوی تبریزی آمدند و وضع دفتر تبلیغات [اسلامی] قم را گفتند چاره‌جوئی برای اختلاف جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم با بعضی از طلاب نمودند. درباره چگونگی عکس‌العمل در برابر اظهارات آقای آذری قمی بحث شد. آقای [محمد] امامی کاشانی آمد و راجع به دیوان عدالت اداری، گرفتن زمین از مجلس برای مدرسه شهید مطهری و نماز جمعه و منزل‌شان در کنار مجلس صحبت کردیم.

۱- در این سخنرانی درباره حربه تبلیغاتی استکبار، نقش امدادهای غیبی و بودجه حکومت اسلامی مطالبی مطرح گردید. رجوع

کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

شب فیلم ارائه شده از تلویزیون بغداد درباره عملیات و الفجر و اسرای ایرانی در دست عراق که نوار کاست ویدئویی آن را آورده‌اند، دیدم. خیلی متأثر شدم؛ صحنه‌های بسیار بدی بود. دیر وقت با ناراحتی خوابیدم.

خبرهای رسیده از کنفرانس غیر متعهدها نشان می‌دهد که جو کنفرانس علیه ما است: عراق را صلح دوست و ما را جنگ طلب معرفی می‌کنند. جناح روسی و جناح آمریکائی کنفرانس در این خصوص یک موضع دارند.

پنجشنبه ۱۹ اسفند

در جلسه علنی درباره بودجه بحث می‌شد. من به عنوان موافق صحبت کردم و به حرفهای شعاری مخالفان تاختم. مخالفان بدون توجه به شرایط جنگی شعار گونه اظهارات تندی کرده بودند. درباره دولت ظهر بعضی‌ها از تندی صحبت‌های من گله کردند. بعضی‌ها تشکر. برای معلولانی که به مجلس آمده بودند صحبت کردم*. ظهر پدر سه شهید از جهرم آمد که به ایشان هدیه دادم. و از صبر و متانتشان قدردانی نمودم.

آقای [گودرز] افتخار جهرمی [عضو حقوقدان شورای نگهبان] آمد و راجع به تصدی مذاکرات مصالحه در لاهه مشورت کرد، موافقت کردم. گروهی از زنجان آمدند و خواهان برداشتن استاندار بودند. عصر کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتیم و ملاقاتی با دفتر مشاورت [ارتش] که گزارش رادارهای جنوب و جزایر و مناطق نفتی خلیج فارس را دادند. ملاقاتی با اعضای خانه کارگر [داشتم] که برای آنها صحبت کردم^۱. ملاقاتی با استاندار مازندران و رئیس دانشگاه آنجا که از وضع جنگل و مرزها گفتند و تحویل مئیل به دانشکده پزشکی و کمک خواستند. شب جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. وضع جبهه‌ها را کد است و امروز دو کشتی در راه بندر امام موشک خورده که یکی از آنها آسیب جدی دیده.

۱- در این سخنرانی درباره توطئه ضدانقلاب برای جدا کردن کارگران از انقلاب، تحلیل‌های مارکسیستی از انقلاب و وعده الهی در مورد حکومت صالحان مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم"

جمعه ۲۰ اسفند

در خانه ماندم. اقامه [نماز] جمعه را به عهده آقای مهدوی‌کنی گذاشتم. پیش از ظهر آقای [سیدحسین] موسوی [تبریزی] دادستان کل انقلاب به منزل آمد و راجع به کیفیت برخورد با سران حزب توده بازداشتی که حرف نمی‌زنند و چند نفرشان تاکنون اقدام به انتحار کرده‌اند و موفق نشده‌اند، مشورت کرد. قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم. گزارشی از وضع زندان‌ها داد و نگران رواج قاچاق و فساد بود و درباره اداره اردوگاه‌های معتادان که بودجه‌اش تصویب شده، بحث کردیم. عصر احمد آقا آمد و خبر داد صادق طباطبائی غیاباً محکوم به سه سال زندان شده ولی اکنون در ایران است و منکر حمل تریاک است. راجع به جنگ و اظهارات امروز آقای [مهدی] [کروبی] در نماز جمعه علیه آقای آذری قمی به حمایت از من صحبت کردیم. من معتقدم باید از تشدید اختلاف جلوگیری کرد.

شنبه ۲۱ اسفند

به مجلس رفتم. در بین راه اخبار را گرفتم. آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر که دیشب از دهلی نو آمده‌اند، تلفن کردند. راضی برگشته‌اند. گفت علیرغم جو بد کنفرانس که بیشتر به نفع عراق حرف می‌زدند، نتایج جلسه به نفع ما بوده، زیرا درباره جنگ چیزی در قطعنامه نیامده و تعیین محل کنفرانس هشتم هم به وقت دیگری موکول شده است. عراقی‌ها خیلی تلاش کردند که در هر دو موضوع به نفع آنان تصمیم‌گیری شود که نشده.

پیش از دستور مجلس از تلاش هیأت تشکر کردم و پیروزی سیاسی را اعلام نمودم^۱. کلیات

۱- ایشان گفتند: "متشکریم از جناب آقای نخست وزیر و وزیر خارجه و هیأت همراهان که در کنفرانس غیر متعهدها از حقوق حقه اسلام و انقلاب حمایت کردند و موفق شدند که این شکست بزرگ سیاسی را به متجاوزین وارد بیاورند و بار دیگر دنیا توجه کند که متجاوززی که به کشور انقلاب اسلامی همسایه‌اش تجاوز کرده از حق میربانی غیر متعهدها برخوردار نیست و امیدواریم که ما در آینده شاهد پیروزیهای بیشتر در جبهه‌های سیاسی و پیروزی چشمگیر در جبهه نظامی علیه متجاوزان باشیم. رجوع کنید ←

کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

بودجه تصویب شد و پیشنهاد یک دوازدهم بودجه رد شد.

ظهر آقای [عبدالحمید باقری] بنایی از تبریز آمد و از آقای [مسلم] ملکوتی و سپاه تبریز گله داشت. آقای حمیدزاده آمد و خبر داد آقای فاضل هرنندی در سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه به نفع من و علیه آقای آذری [قمی] حرف زده و مردم با شعارهایی ایشان را تأیید کرده‌اند. عصر ملاقاتی با [تاج‌الدین بهرام افضلی] فرمانده نیروی دریایی داشتم. از سفر لیبی گفت و سئوالات سیاسی داشت، ما بیش از نظامی بودن سیاسی است. آقای طاهری خرم آبادی که از پاکستان آمده است به ملاقات آمد. نیازهایش را مطرح کرد. بودجه بیشتر و حمایت و هماهنگی وزارت امور خارجه و کمک به طلاب سنی ایرانی در پاکستان و دانشجویان.

تا ساعت هشت گزارش‌ها را خواندم و سپس به خانه آمدم. آقای شهاب از وزارت نفت اطلاع داد که دو چاه نفت از سه چاه آتش گرفته نوروز را خاموش کرده‌اند و برای سومی در تلاشند. کار مهم و ارزشمندی است. در ایران بی سابقه است.

آقای [محمدعلی] انصاری از دفتر امام تلفن کرد که مقاله‌ای علیه مخالفانمان نوشته و می‌خواهد به روزنامه بدهد. گفتم صحیح نیست. نباید به اختلافات دامن زد. طرحی در مجلس به دنبال پیشنهاد آقای [عبدالکریم] موسوی اردبیلی در خصوص محدود کردن خانه‌ها به یکی برای هر خانواده، تهیه کرده بودند گفتم بهتر است شورای عالی قضائی به صورت لایحه بفرستند.

یکشنبه ۲۲ اسفند

صبح زود به مجلس رفتم. ساعت هفت و نیم جلسه علنی شروع شد. بحث در لایحه بودجه بود. قبل از دستور، سالگرد رحلت آیت‌الله [ابوالقاسم] کاشانی را متذکر شدم*. در تنفس برای محافظان صحبت کردم. به دفترم رفتم. کارهای اداری را انجام دادم. ظهر آقای جعفری کاندیدای ناموفق بناب آمد و به تصویب اعتبار نامه آقای [میر یوسف] جابری^۱ اعتراض داشت با اتکاء به نظر شورای نگهبان؛ دیگر گذشته است.

۱- آقای میر یوسف جابری بناب در انتخابات میان دوره‌ای از حوزه بناب و ملکان در استان آذربایجان شرقی به مجلس راه یافت. نماینده قبلی این حوزه - مرحوم علی اکبر اصغری - در اثر تصادف رانندگی درگذشت.

محسن رضایی و صیاد شیرازی

عصر با واحد تبلیغات حزب [جمهوری اسلامی] ملاقات داشتم و درباره تبلیغ صحبت کردم^۱ سپس در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. تصویب شرح وظایف و وضع مالی حزب و قتمان را گرفت. آخر شب به مجلس رفتم و گزارشها را خواندم. آقای صیاد [شیرازی] از جبهه تلفن کرده و از اینکه همه فرماندهان از جبهه به شورای عالی دفاع بیایند، ناراضی بود. قبول کردم. آقای [علی اصغر] باغانی [نماینده سبزوار] آمد و از اینکه به دنبال حوادث سبزوار برای آقای علوی کیفر خواست صادر شده، نگران بود و از عدم فعالیت حزب [جمهوری اسلامی شاخه] سبزوار نیز.

دوشنبه ۲۳ اسفند

به جلسه علنی رفتم. بحث در تبصره‌های بودجه است. کار به کندی پیش می‌رود. چند نفر مخالف بودجه‌اند و با پیشنهادات بیهوده، سعی در کاستن از بودجه دارند. ولی اکثریت همراه است. در تنفس برای تماشای چینی که از کمیته انقلاب و سیاسی - ایدئولوژیک ارتش و روحانیون غرب تهران بودند صحبت کردم^۲. و گزارش آنها را شنیدم. سپس به دفترم آمدم، خسته بودم. برخوردهای عصبی در مجلس خسته‌ترم کرده بود. تا بعد از ظهر کسی را نپذیرفتم؛ استراحت کردم و مطالعه گزارشها و انجام کارهای اداری. ساعت سه بعد از ظهر جلسه علنی شروع شد. تا ساعت پنج در جلسه ماندم و سپس به آقای [محمد] یزدی سپردم و به دفترم آمدم.

با سفیر نروژ ملاقات داشتم، مطلبی نداشت. فکر می‌کنم جنبه اطلاعاتی داشت و می‌خواست موضع ما را درباره جنگ بداند. به سئوالات او جواب مناسب دادم و روی خواسته‌های اعلام شده تأکید کردم. سپس از جلسه علنی مجلس دیدن کرد. آقای سعد مجبر سفیر لیبی هم به ملاقات آمد. از طرف رئیس لجنه‌های شعبی دعوتی برای من آورده بود که ایام عید به لیبی بروم و از تأثیر منفی سخنان آقای [عبدالسلام] جلود در هند درباره نفی امامت و روحانیت در اسلام نگرانی داشت. می‌خواست تکذیب کند و پیشنهاد می‌کرد که ملاقات امام با آقای قذافی قطعی شود تا ایشان به

۱- در این سخنرانی درباره مفهوم تبلیغ و ضرورت آن، تعهد اهل علم در برابر خداوند، وضعیت تبلیغات در کشور، لزوم تجهیز به وسائل مدرن تبلیغاتی، نقش خبرگزاریها در جوسازی، نقطه ضعف تبلیغاتی و اخلال تروریسم در جریان تبلیغاتی حزب مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم"، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۹

ایران بیاید. مایل بود که رئیس جمهور با دستور امام از او دعوت کند. چون او رهبر است نه رئیس جمهور.

از دفتر مشاورت [ارتش] آمدند و از نقل و انتقالات وسیع در نیروی زمینی نگران بودند. شب، جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. فرماندهان نظامی از اوضاع جبهه و علل ناکامی عملیات والفجر را گفتند؛ مواضع دفاعی دشمن محکم است. قرار شد طرح نهائی را تا چند روز دیگر آماده کنند و ارائه دهند. مصاحبه با صدا و سیما کردم*. آقای دکتر ولایتی از نامه انتقادی که به تشریفات امور خارجه نوشته و انتقاد کرده بودم، ناراحت و گله مند بود.

سه شنبه ۲۴ اسفند

بعد از نماز و نوشتن دو روز خاطرات به مجلس رفتم. جلسه علنی را آقای یزدی اداره می کرد. در دفترم با آقای [محمد رضا] مهدوی کنی ملاقات داشتم. امام ایشان را خواسته اند و از اختلافات روحانیون بر سر مسائل اقتصادی اظهار نگرانی کرده اند و ایشان را مأمور نموده اند که دو طرف را در جلسه ای جمع و رفع اختلاف نمایند. قرار شد شب جمعه در دفتر آقای خامنه ای جلسه داشته باشیم.

بعد از تنفس، جلسه علنی را اداره کردم. پیشرفت کار در تبصره های بودجه کند است. تبصره منع استخدام جدید را که کمیسیون گنجانده شده است، اصلاح کردیم. اگر می ماند افراد صالح را نمی توانستیم به ادارات وارد کنیم. ظهر برای اعضای ستادهای تقسیم زمین و جمعی از کردها و خدمتگزاران در نماز جمعه تهران صحبت کردم^۱.

آقای [کاظم] اکرمی همدانی آمد و راجع به پذیرفتن معاونت آموزش آقای [علی اکبر] پرورش مشورت کرد. ساعت سه بعد از ظهر مجدداً جلسه مجلس داشتیم، تا ساعت شش. بعد از نماز مغرب دکتر ولایتی گزارش مبسوطی از فعل و انفعالات کنفرانس غیر متعهدها داد.

۱- در این سخنرانی که گروهی از اهالی شهرستان ارومیه و هیأت واگذاری زمین و کارکنان ستاد نماز جمعه تهران حضور داشتند درباره گستره میدان سازندگی در ایران، اجرای حتمی عدالت در کشور و نقش احکام فقهی در اجرای عدالت مباحثی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

تصمیم اوپک برای کم کردن پنج دلار از قیمت هر بشکه نفت را مطرح کردیم. خیلی کار بدی است. ضربه بزرگی بر کشورهای نفت خیز وارد کرده. قرار شد تلاش کنیم اگر ممکن است جلوی آن را بگیریم. شب به منزل آمدم. آقای [محمد] غرضی از لندن تلفن کرد. به ایشان این نظر را گفتم. دکتر [محمد علی] هادی [نجف آبادی] که در حاشیه کنفرانس اوپک با وزیر امور خارجه سعودی مذاکراتی داشته، قرار است ایام عید به عربستان برای عمره برود و ممکن است در این خصوص اقدام نماید. احمد آقا هم تلفنی مطالبی گفت.

چهارشنبه ۲۵ اسفند

صبح و عصر و شب جلسه مجلس برقرار بود و ملاقات‌ها را حذف کردم. بودجه را رسیدگان می‌کردیم. عصر دوسه ساعتی به دفترم رفتم و کارهای اداری را انجام دادم. خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم. شب جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] بود که نتوانستم شرکت کنم.

پنجشنبه ۲۶ اسفند

به مجلس رفتم. ساعت هفت و نیم جلسه آغاز شد. تا ظهر کار بودجه را تمام کردیم. نمایندگان تبصره‌های جدید فراوانی پیشنهاد داده بودند و به خاطر ضیق وقت و نیاز آنها به بحث، موافقت کردند که بعداً به صورت مستقل مطرح شود. در تنفس برای تماشاچیان صحبت کردم^۱. برای اصلاحات درباره ایرادات شورای نگهبان، عصر جلسه را شروع کردیم. ولی نظر شورانرسید، ناچار به شب موکول کردیم. ساعت هشت شب، نظرات شورای نگهبان مطرح و اصلاح شد. شب در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور جمعی از [اعضای جامعه] مدرسین [حوزه علمیه] قم و آقایان [احمد] جنتی، [یوسف] صانعی، احمد آقا، [عبدالکریم] موسوی [اردبیلی] و

۱- در این سخنرانی که خانواده‌های شهدای حزب جمهوری اسلامی و جهاد سازندگی بهشهر حضور داشتند درباره حکومت اسلامی، میدانهای فعالیت و جایگاه خانواده‌های شهدا در جامعه مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی،

سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

[محمد رضا] مهدوی کنی جلسه داشتیم. درباره پیش آمد اخیر و اظهارات آقای آذری قمی در نماز جمعه و اعتراضات مردم در جلسه بحث شد. تفاهم برقرار شد ساعت دوازده شب به خانه آمدم.

جمعه ۲۷ اسفند

تا ساعت یازده در خانه مطالعه کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم^۱. آقای [عباس] واعظ طبسی سخنران قبل از خطبه‌ها بودند و آقای کوثری مصیبت حضرت زهرا علیها السلام را خواند.

آقای غرضی آمد و گزارش کار او پیک را داد و راجع به مسأله جلوگیری از سقوط قیمت نفت تبادل نظر کردیم. آقای صفریان از وزارت خارجه آمد و راجع به پیشنهاد رفتن به لاهه یا گابن مشورت کرد. آقای امیر عراقی هم آمد و شکایتی از آقای طباطبائی سرپرست بنیاد مستضعفان آورد. سعید لاهوتی که در اهواز دوران سربازیش را می‌گذراند، گزارشی از وضع آنجا داد و حمید لاهوتی از تشکر و گله مهندس بازرگان از من گفت؛ تشکر به خاطر حمایت‌ها و گله از بعضی انتقادات.

شنبه ۲۸ اسفند

امروز تعطیل عمومی بود. ولی به خاطر انجام ملاقات‌هایی که در هفته قبل برای انجام بودجه لغو کرده بودم، به مجلس رفتم. لایحه بودجه را ابلاغ کردم. کارهای اداری عقب مانده را انجام دادم. آقای سعیدالذاکرین مسئول روابط عمومی [مجلس] آمد و برنامه بزرگداشت سالگرد افتتاح مجلس شورای اسلامی را گفت آقای غروی از تأمین اجتماعی آمد و از آقای دکتر [مهدی] غرضی به خاطر سخت‌گیری‌ها شکایت داشت.

۱- در این خطبه‌ها ادامه بحث اسراف و تحلیل‌هایی پیرامون کنفرانس اوپک و تصمیم برای کاهش بهای نفت، اجلاس سران کشورهای غیر متعهد در دهلی نو و توطئه‌های مشترک غرب و شرق علیه جمهوری اسلامی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب

"هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

سفیر دانمارک به ملاقات آمد. مطلب مهمی نداشت. آقایان سرگرد ترابی و [علی] شهبازی از دفتر مشاورت امام [در ارتش] آمدند و از وضع نیروی زمینی انتقاد داشتند و گزارشهایی دادند. خانم مجتهدی که در نخست وزیری مسئول اداره حقوقی بوده و اخیراً بعد از استعفاء برکنار شده آمد و شکایت داشت. سفیر کره شمالی آمد و می‌خواست که با تشکیل بین‌المجالس در سئول مخالفت کنیم. معاونان وزارت مسکن [و شهرسازی] آمدند و گزارشی از اجرای قانون اراضی شهری و مشکلاتی که دیوان عدالت اداری در راهشان ایجاد می‌کند، گفتند.

عصر نماینده سازمان ملل در ایران - که یک هندی است - آمد و گفت بیست و هفت میلیون دلار بودجه عمرانی برای ایران دارد، اما مسئولان کشور خوشبین نیستند و همکاری نمی‌کنند. آقای [سعید] رجائی خراسانی نماینده ما در سازمان ملل [متحد] آمد و راجع به سیاست خارجی و کیفیت برخورد با آمریکائیا و سایرین مشورت کرد.

[مسئولان] اطلاعات سپاه آمدند و گزارشی از ضربه‌ای که اخیراً به بخش جنگلی منافقین در مازندران زده‌اند - که منجر به قتل و دستگیری بیش از بیست نفر شده - گفتند و گزارشی از بازجویی‌ها از سران حزب توده و اعتراف چند نفر از آنها به جاسوسی و اقدام به انتحار ناموفق چند تن از آنها دادند.

شب در دفتر رئیس جمهور دو جلسه داشتیم. یکی با حضور وزرای امور خارجه و نفت درباره کیفیت برخورد با توطئه پایین آوردن قیمت نفت که قرار شد، در بعد سیاسی و غیر سیاسی اقداماتی به عمل آید و دیگری با مسئولان امنیتی - اطلاعاتی و سیاسی درباره کیفیت برخورد با حزب توده که قرار است ترتیب محاکمه علنی جمعی داده شود. ساعت دوازده به خانه آمدم.

امروز یک زاغه مهمات در کازرون در مرکز سپاه منفجر شده و دوازده پاسدار شهید شده‌اند. تاکنون چندین انفجار مهم در مهمات سپاه داشته‌ایم که ناشی از بی‌تجربگی و گاهی خرابکاری است. آقای تیز معز دادستان انقلاب خوزستان که اخیراً از توطئه‌ای جان سالم بدر برده آمد و از ابهام آینده دادستانهای انقلاب مثل ایشان که طبق قانون نمی‌توانند به کار فعلی ادامه دهند و در خطر هستند و از تحصیل عقب مانده‌اند، گفت و ناراحت بود.

یکشنبه ۲۹ اسفند

تمام وقت در منزل بودم. مطالعه گزارش‌ها و استراحت داشتم. پیش از ظهر آقای طاهری اصفهانی با آقای [عبدالله] نوری [نماینده امام در] جهاد [سازندگی] به منزل آمدند. آقای طاهری نامه‌ای به امام نوشته و به اعضای شورای مرکزی ائمه جمعه رسانده بود. در این نامه از مخالفت‌های جمعی از شخصیت‌های روحانی - بدون ذکر نام - شکایت شده و مخصوصاً از اظهارات آقای [احمد] آذری قمی. شب آقای [عبدالمجید] معادینخواه آمد. کتابی که نوشته بود آورد و راجع به پیشرفت کار نهج البلاغه و مقدمه‌ای که بر آن نوشته‌گفت. این کار راده سال پیش شروع کرده‌ایم. بعداً ایشان کار را به تنهایی ادامه دادند و هم اکنون کم کم آماده می‌شود. آخر شب فیلم «سنگ اسرار آمیز» را تماشا کردم.

روی هم رفته سال نسبتاً خوبی داشتیم. در زمینه جنگ تحمیلی که مهمترین مسأله نظام است، در جبهه‌ها پیشرفت حاصل شد. ارتش بعثی شکست‌های سختی متحمل گردید و از بسیاری از اراضی اشغالی اخراج شد و بسیاری از یگانهای مهم آن آسیب جدی دیدند و غنایم زیادی بدست آمد. گرچه هنوز نقاط مهمی از خاک کشورمان در اشغال بعثی‌ها است، امید و اعتماد به نفس در مردم و بخصوص نیروهای مسلح بالا رفته ولی توقعات و انتظارات هم زیاد شده و ختم جنگ را مشکل کرده است.

اوضاع اجتماعی و امنیتی کشور بهتر از سال گذشته است. ضدانقلاب ضعیف‌تر و مأیوس‌تر شده و مزاحمت‌ها کمتر شده و امنیت محکم‌تر است و نظام به طرف ثبات پیش می‌رود. از لحاظ سیاسی و مدیریتی هم وضعمان خیلی بهتر است؛ دولت، مجلس و قوه قضائیه هماهنگ‌ترند و نزاعها و کشمکش‌های آزار دهنده و کینه‌ساز کم است.

در ارتباط با سیاست خارجی پیشرفت مهمی نداریم اما به نظر می‌رسد خیلی از کشورهای مستقل امیدشان به تداوم انقلاب و استحکام نظام بیشتر شده و در عمل تمایل به همکاری بیشتری نشان می‌دهند. گرچه کینه و خصومت استکبار به خاطر مشاهده قدرت دفاعی ما جدی‌تر است و لابد توطئه‌ها و مزاحمت‌ها و تحریم‌ها و بایکوت‌ها و تبلیغات منفی و شاید حمایت بیشتر از بعث عراق مورد توجهشان باشد ولی اگر ما در برخورد با مسائل بین‌المللی پختگی و تدبیر لازم را به کار گیریم ممکن است آنها هم دست از شرارت بردارند.